

بیازدهم

مابکراهای دن و درسام

پرای ۲ گرفتن

انگلیسی

درسنامه | نمونه سوال | امتحان

حسن بلند

خدیجه

CipBooks

به نام خدا



ماجرای من و درسام برای ۲۰ گرفتن
انگلیسی ۲ - پایه یازدهم
حسن بلند



همه دانش آموزان تلاشگری که برای پیشرفت و سازندگی این مرز و بوم حسابی درس می خونن.

مقدمه ناشر

من از بیگانگان هرگز ننالم ...

البته واضح و مبرهن است که یادگرفتن زبان بیگانه (حتی در حد دست‌وپا گچ‌گرفته) لازم و ضروری است. جسارتاً باید بگم در این دوره و زمانه کسی که هیچی انگلیسی نمی‌داند و نمی‌تواند گلیم خودش را از آب بیرون بکشد باید برود غزش را بچراند! (البته اگر زبان غازی بلد باشد!) خوب حالا که همه می‌دانیم که یادگرفتن زبان انگلیسی چه قدر مهم و حیاتی است، پس چرا حال زبانمان این قدر خراب است؟ همه کسانی که توی این مملکت حداقل دیپلم گرفته‌اند، در راهنمایی و دبیرستان زبان انگلیسی خوانده‌اند. اما دریغ از درک یا بیان یک جمله صحیح انگلیسی! صد البته اشکال کار را باید کارشناسان بگویند. ولی یک چیز مهمی را من کشف کرده‌ام و آن این‌که ما در برابر یادگرفتن زبان بیگانه یک مقاومت سرسختانه و قهرمانانه‌ای داریم. همین صفت بیگانه نشان‌دهنده مقاومت ما در برابر یادگیری زبان است. به هر حال اولین نکته در یادگیری هر چیزی انگیزه مثبت داشتن برای یادگیری است. از شما می‌خواهم که کتاب ماجراهای من و درسام زبان انگلیسی را با انگیزه مثبت بخوانید. ۲۰ گرفتن با این کتاب می‌تواند شروع خوبی برای یادگرفتن زبان دومتان باشد.

از آقای حسن بلند به خاطر تألیف این کتاب خوب سپاسگزارم. هم‌چنین از همه دست‌اندرکاران از جمله خانم انسیه السادات میرجعفری در واحد تألیف و برویجه‌های پرتوان تولید.

see you later!

مقدمه مؤلف

به نام آن که جان را فکرت آموخت...

کتابی که همین الان داری مُقدمش رو می‌خونی طوری طراحی شده که بعد از خوندن درسنامش بتونی اون درس رو خوب یاد بگیری و با مرور سؤال‌های متنوعش، از پس انواع سؤال‌های امتحانی بریایی و در آخر هم با پاسخ‌دادن به آزمون‌هاش، امتحان برات آسون بشه. هر درس شامل درس‌نامه، کلاس خصوصی، نمونه سؤال امتحانی و پاسخ‌نامه کاملاً تشریحیه. واضح‌تر بخوام بگم بخش‌های مختلف هر درس، به ترتیب به صورت زیره:

(A) واژگان: در این بخش، لغات مهم درس به همراه مثالی از کتاب به صورت الفبایی لیست شده. بعد از لیست واژگان و کلاس خصوصی،

سؤال‌های واژگان به صورتی طراحی شده تا انواع سؤال‌های امتحانی و تمام لغات آن درس را پوشش بده،

(B) گرامر: بعد از آموزش گرامر درس و کلاس خصوصی، انواع سؤال‌های امتحانی آن ارائه شده،

(C) مکالمه: بعد از ترجمه‌ی مکالمه درس، نمونه سؤال مکالمه مرتبط با موضوع درس آمده،

(D) خواندن: برای متن درک مطلب کتاب درسی سؤال‌های متنوعی طرح شده و بعد از آن یک متن درک مطلب و یک متن کلوز مرتبط

با موضوع متن درک مطلب کتاب آورده شده است. در بخش پاسخ تشریحی نیز تمام متن‌ها ترجمه و پاسخ داده شده،

(E) تلفظ: بعد از آموزش تلفظ درس، سؤال‌های تلفظ آورده شده،

(F) نگارش: در ابتدا نگارش درس آموزش داده شده و سپس بعد از یه کلاس خصوصی نگارش، سؤال‌های متنوعی برای آن آورده شده،

کلاس خصوصی: بعد از آموزش واژگان، گرامر و نگارش، یه کلاس خصوصی واستون گذاشتم و سعی کردم در کلاس به زبانی ساده و

گفتاری شما را با انواع سؤال‌هایی که در امتحان میاد آشنا کنم و قلیق‌ها و نحوه‌ی پاسخ‌دادن به اونا رو بهتون درس بدم.

پاسخ‌نامه تشریحی: به تمام سؤال‌های درس به صورت کاملاً تشریحی پاسخ داده شده.

خلاصه درس‌ها: در انتهای کتاب نیز خلاصه گرامر و نگارش به همراه لغات مهم کل کتاب ارائه شده.

آزمون‌ها: دو آزمون نیم‌سال اول (درس اول / درس اول و دوم) و یک آزمون نیم‌سال دوم (کل کتاب) بر اساس بارم‌بندی آموزش و پرورش

به صورتی طراحی شده تا تمام نکات مهم درس‌ها مرور بشه.

از تمام دوستانی که در به ثمر رساندن این کتاب همکاری داشته‌اند تشکر و قدردانی می‌کنم:

مدیریت محترم انتشارات جناب آقای دکتر نصری

مدیریت محترم تألیف جناب آقای مهندس سبزمیدانی

مدیریت محترم تولید جناب آقای مهندس بقایی

خانم‌ها میرجعفری، اسدی، علی‌اکبری و آقای فلاحزاده و دیگر عزیزان.

آرزومند سربلندی شما خوبان

حسن بلند

فهرست



درس اول:

Understanding People / فهمیدن زبان افراد

پاسخنامه تشریحی

۷

۳۷



درس دوم:

A Healthy Lifestyle / سبک زندگی سالم

پاسخنامه تشریحی

۵۰

۸۶



درس سوم:

Art and Culture / هنر و فرهنگ

پاسخنامه تشریحی

۱۰۰

۱۳۱

۱۴۵

خلاصه درس‌ها

۱۴۹

امتحان شماره ۱ / نیم‌سال اول (درس اول)

۱۵۴

امتحان شماره ۲ / نیم‌سال اول (درس اول و دوم)

۱۵۹

امتحان شماره ۳ / نیم‌سال دوم (کل کتاب)

۱۶۴

پاسخنامه امتحان شماره ۱ / نیم‌سال اول (درس اول)

۱۶۸

پاسخنامه امتحان شماره ۲ / نیم‌سال اول (درس اول و دوم)

۱۷۲

پاسخنامه امتحان شماره ۳ / نیم‌سال دوم (کل کتاب)

۱۷۶

افعال بی‌قاعده

۱۷۹

علائم اختصاری و راهنمای تلفظ



A Vocabulary

ability /ə'bilɪti/ *n*

توانایی

Human's ability to talk makes him different from animals.

توانایی انسان در صحبت کردن او را از حیوانات متمایز می‌کند.

absolutely /'æbsəlu:tli/ *adv*

قطعاً، حتماً

She has absolutely no enemies.

او قطعاً هیچ دشمنی ندارد.

amount /ə'maʊnt/ *n*

مقدار، میزان

He spent a large amount of money

او مقدار زیادی پول خرج کرد.

around /ə'raʊnd/ *adv, prep*

۱- این نزدیکی‌ها، همین دوروبر ۲- سرتاسر ۳- دور

Is Helen around? I want to speak to her.

آیا هلن همین دوروبره؟ می‌خواهم با او صحبت کنم.

at last /æt lɑ:st \$ læst/ *adv*

سرانجام، بالاخره

At last the bus arrived.

سرانجام اتوبوس رسید.

available /ə'veɪləbəl/ *adj*

موجود، در دسترس

The Holy Quran is available in more than 100 languages.

قرآن کریم در بیش از صد زبان موجود می‌باشد.

begin /brɪ'gɪn/ *v*

شروع کردن، آغاز کردن

I began learning English at school.

من یادگیری انگلیسی را در مدرسه شروع کردم.

besides /brɪ'saɪdz/ *prep*

علاوه بر، گذشته از

Besides my mother tongue, Persian, I speak English well.

علاوه بر زبان مادری من، فارسی، انگلیسی را به خوبی صحبت می‌کنم.

borrow /'bɒrəʊ \$ 'bɑ:rou/ *v*

قرض گرفتن

Can I borrow your pen?

می‌توانم خودکار تان را قرض بگیرم؟

bottle /'bɒtl \$ 'bɑ:tl/ *n*

بطری

They drank two bottles of water.

آن‌ها دو بطری آب خوردند.

by /baɪ/ *prep*

۱- (بیانگر زمان) تا ۲- با، به وسیله ۳- نزدیک، کنار

I must finish this work by six o'clock.

من باید این کار را تا ساعت شش تمام کنم.

call /kɔ:l \$ ka:l/ *v*

۱- نامیدن ۲- تلفن کردن (به) ۳- صدازدن

They called the baby Peter.

آن‌ها بچه را پیتر نامیدند.

Canadian /kə'neɪdiən/ *adj, n*

کانادایی

I thought Tom was Canadian.

من فکر می‌کردم تام کانادایی است.

candle /'kændl/ *n*

شمع

I need 12 birthday candles.

من ۱۲ شمع تولد نیاز دارم.

century /'sentʃəri/ *n*

قرن

He was born in the 19th century.

او در قرن نوزدهم متولد شد.

coffee shop /'kɒfi ʃɒp \$ 'kɑ:fi ʃɑ:p/ *n*

کافی‌شاپ، کافه تریا

I ordered a cup of coffee at the coffee shop.

یک فنجان قهوه در کافی‌شاپ سفارش دادم.

Lesson One

communicate /kə'mju:nikeɪt/ *v* ارتباط برقرار کردن

People use language to communicate with each other.

مردم از زبان برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می‌کنند.

communication /kə'mju:nɪ'keɪʃən/ *n* ارتباط، (صفت گونه) ارتباطی

Every language is an amazing means of communication.

هر زبان یک ابزار ارتباطی هیبت‌انگیز است.

continent /'kɒntɪnənt \$ 'kɑ:n-/ *n* قاره

Asia is the largest continent in the world.

آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

cost /kɒst \$ kɑ:st/ *v* قیمت‌داشتن، ارزیابی

How much does it cost?

قیمت آن چه قدر است؟

countable /'kauntəbəl/ *adj* قابل شمارش

The word "chair" is a countable noun.

کلمه "chair" اسم قابل شمارش است.

deaf /def/ *adj* ناشنوا

She's deaf in her left ear.

او از گوش چپش ناشنوا است.

despite /drɪ'spaɪt/ *prep* به‌رغم، با وجود

I enjoyed the weekend, despite the bad weather.

با وجود هوای بد از تعطیلات آخر هفته لذت بردم.

die /daɪ/ *v* ۱- از بین رفتن، نابود شدن ۲- مردن

One language dies about every fourteen days.

تقریباً هر چهارده روز یک زبان از بین می‌رود.

difference /'dɪfərəns, 'dɪfr-/ *n* تفاوت، اختلاف

Honestly, I didn't understand their differences.

راستش را بفواهی، تفاوت آن‌ها را نفهمیدم.

disappear /,dɪsə'pɪə \$ -'pɪr/ *v* از بین رفتن، ناپدید شدن

When a language dies, the culture disappears with it.

وقتی یک زبان از بین می‌رود، فرهنگ با آن از بین می‌رود.

dollar /'dɒlə \$ 'dɑ:lər/ *n* (واحد پول) دلار

Can I borrow ten dollars?

می‌توانم ده دلار قرض بگیرم؟

each other /i:tʃ 'ʌðə \$ 'ʌðər/ *pron* یکدیگر، همدیگر

They're always wearing each other's clothes.

آن‌ها همیشه لباس یکدیگر را می‌پوشند.

early /'ɜ:li \$ 'ɜ:rli/ *adj, adv* زود

I got up early in the morning.

من صبح زود بیدار شدم.

as early as possible هر چه زودتر، در اسرع وقت

You should start learning English as early as possible.

شما باید هر چه زودتر یادگیری انگلیسی را شروع کنید.

exchange /ɪks'tʃeɪndʒ/ *v* ردوبدل کردن، مبادله کردن

Through languages, people can exchange knowledge.

افراد از طریق زبان می‌توانند دانش مبادله کنند.

exercise /'eksəsaɪz \$ -ər-/ *v* تمرین کردن، ورزش کردن

Every night, we exercise for 30 minutes.

هر شب به مدت ۳۰ دقیقه ورزش می‌کنیم.

exist /ɪg'zɪst/ *v* وجودداشتن

Does water really exist on Mars?

آیا واقعاً در مریخ آب وجود دارد؟

experience /ɪk'spɪəriəns \$ -'spɪr-/ *n, v* ۱- تجربه ۲- تجربه کردن

He has a lot of experience in teaching English.

او تجربه زیادی در تدریس انگلیسی دارد.

explain /ɪk'spleɪn/ *v* توضیح‌دادن

He explained how to use the microscope.

او نحوه استفاده از میکروسکوپ را توضیح داد.

farming /'fɑ:mɪŋ \$ 'fɑ:r-/ *n* کشاورزی

Mazandaran is one of the best farming regions of Iran.

مازندران یکی از بهترین مناطق کشاورزی ایران است.

feeling /'fi:lɪŋ/ *n* احساس، (در جمع) احساسات

I enjoy running - it gives me a good feeling.

من از دویدن لذت می‌برم - آن به من احساس خوبی می‌دهد.

few /fju:/ *adj* کمی، تعداد کمی

Few people live to the age of 100.

تعداد کمی از افراد تا سن ۱۰۰ سالگی عمر می‌کنند.

fluently /'flu:əntli/ *adv* به راحتی، روان

She speaks five languages fluently.

او به راحتی به پنج زبان صحبت می‌کند.

foreigner /'fɔ:rənə \$ 'fɔ:rənər, 'fɑ:-/ *n* (فرد) خارجی

A lot of foreigners visit our town.

افراد خارجی زیادی از شهرستان بازدید می‌کنند.

glass /glɑ:s \$ glæs/ *n* **لیوان**
Please give me a glass of milk. *لطفاً یک لیوان شیر به من بدهید.*

grade /greɪd/ *n* **نمره**
I usually get good grades in my exams.
من معمولاً در امتحانات نمرات خوبی می‌گیرم.

grass /grɑ:s \$ græs/ *n* **علف، چمن**
Don't walk on the grass. *بر روی چمن راه نروید.*

greatly /'greɪtli/ *adv* **خیلی، بسیار زیاد**
Languages vary greatly from region to region.
زبان‌ها از منطقه‌ای به منطقه (دیگر) بسیار متفاوت هستند.

high school /'haɪ sku:l/ *n* **دبیرستان**
Meysam is a high school student. *میثم دانش‌آموز دبیرستانی است.*

honest /'ɒnəst \$ 'ɑ:n-/ *adj* **صادق، راستگو**
I am sure that he is an honest man. *مطمئنم که او مرد صادقی است.*

host /həʊst \$ hoʊst/ *v, n* **۱- میزبان ... بودن ۲- میزبان**
He is hosting Meysam in his office.
او در دفترش میزبان میثم است.

imagine /ɪ'mædʒɪn/ *v* **تصور کردن**
Imagine you are traveling in space. *تصور کنید دارید در فضا سفر می‌کنید.*

impossible /ɪm'pɒsɪbəl \$ ɪm'pɑ:-/ *adj* **غیرممکن**
It is impossible to imagine the world without language.
تصور کردن جهان بدون زبان غیرممکن است.

institute /ɪn'stɪtju:t \$ -tu:t/ *n* **آموزشگاه، مؤسسه**
I learned French in a language institute.
من فرانسوی را در یک آموزشگاه زبان یاد گرفتم.

IRIB /aɪ a: aɪ 'bi: \$ -ɑ:r-/ *n* **صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران**
Babak is a translator who works for IRIB.
بابک مترجمی است که برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند.

juice /dʒu:s/ *n* **[میوه] آب، آب‌میوه**
He gave me a glass of orange juice.
او یک لیوان آب پرتقال به من داد.

keep off /ki:p 'ɒf \$ 'ɑ:f/ *phr v* **وارد ... نشدن، دور ماندن از**
Keep off the grass. *وارد چمن نشوید.*

kilo /'ki:ləʊ \$ -ləʊ/ *n* **کیلو**
Tom bought three kilos of apples. *تام سه کیلو سیب خرید.*

largely /'lɑ:dʒli \$ 'lɑ:r-/ *adv* **عمدتاً، بیشتر، زیاد**
The room is largely used for meetings.
این اتاق بیشتر برای جلسات استفاده می‌شود.

learner /'lɜ:nə \$ 'lɜ:rnər/ *n* **نوآموز، فراگیر**
English has around one billion learners around the world.
زبان انگلیسی حدود یک میلیارد فراگیر در سرتاسر جهان دارد.

little /'lɪtl/ *adj* **کمی، مقدار کمی**
We have very little money. *ما پول خیلی کمی داریم.*

live /laɪv/ *adj* **زنده**
The number of live languages of the world is around 7000.
تعداد زبان‌های زنده دنیا حدود ۷۰۰۰ زبان است.

loaf /ləʊf \$ loʊf/ *n* **قرص نان**
My mother baked five loaves of bread. *مادر من پنج تان پخت.*

a loaf of bread **یک قرص نان، یک نان**
I bought a loaf of bread for breakfast.
یک نان برای صبحانه خریدم.

make up /meɪk 'ʌp/ *phr v* **تشکیل دادن**
China makes up 18% of the world's population.
چین ۱۸ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد.

means /mi:nz/ *n* **وسیله، طریق**
We crossed the river by means of a small bridge.
ما از طریق یک پل کوچک از رودخانه رد شدیم.

by means of **از طریق، به وسیله**
I tried to explain the new word by means of sign language.
من سعی کردم کلمه جدید را از طریق زبان اشاره توضیح بدهم.

means of communication **وسیله ارتباطی، ابزار ارتباطی**
They had no means of communication.
آن‌ها هیچ ابزار ارتباطی نداشتند.

Lesson One

meat /mi:t/ *n* گوشت

I bought 2 kilos of meat. من دو کیلو گوشت خریدم.

meet the needs of نیازهای ... را برآورده کردن

Scientists say that by 2050, wind power can meet the needs of the world.

دانشمندان می‌گویند تا سال ۲۰۵۰، نیروی باد می‌تواند نیازهای جهان را برآورده کند.

melon /'melən/ *n* خربزه

I ate two slices of melon and a slice of watermelon.

من دو قاچ خربزه و یک قاچ هندوانه خوردم.

mental /'mentl/ *adj* روانی، ذهنی

Mental health is as important as physical health.

سلامت روانی به اندازه سلامت جسمی مهم است.

Moscow /'mɒskəʊ \$ 'mə:skəʊ, -kəʊ/ *n* (شهر) مسکو

I learned Russian when I was in Moscow.

وقتی در مسکو بودم زبان روسی را یاد گرفتم.

mother tongue /,mʌðə 'tʌŋ \$ -ər/ *n* زبان مادری

Is English or French his mother tongue?

آیا انگلیسی زبان مادری اش است یا فرانسوی؟

native /'neɪtɪv/ *adj* ۱- آ زبان | مادری ۲- بومی

Spanish is Diego's native language.

اسپانیایی زبان مادری دیگو است.

native speaker سخنگوی بومی (زبان)، گویشور بومی

All our teachers are native speakers of English.

همه معلم‌هایمان انگلیسی‌زبان هستند.

nearly /'ni:li \$ 'nɪrli/ *adv* تقریباً

The endangered languages make up nearly 8 percent of the world's languages.

زبان‌های در معرض خطر تقریباً ۸ درصد زبان‌های جهان را تشکیل می‌دهند.

no matter ... /nəʊ 'mætə \$ nou -ər/

مهم نیست که ...، صرف‌نظر این که ...

We should respect all languages, no matter how many speakers they have.

ما باید به تمام زبان‌ها احترام بگذاریم؛ مهم نیست که چند گویشور داشته باشد.

notice /'nəʊtɪs \$ 'nou-/ *n, v* ۱- توجه ۲- توجه کردن به

Her red dress attracted notice. لباس قرمزش جلب توجه کرد.

take notice of توجه کردن به

I didn't take any notice of what she said.

من به آنچه او گفت هیچ توجهی نکردم.

Oceania /əʊ'ʃi:ɪniə \$ ɔʊʃ-/ *n* اقیانوسیه

There are more than 1300 languages in Oceania.

بیش از ۱۳۰۰ زبان در اقیانوسیه وجود دارد.

order /'ɔ:də \$ 'ɔ:rdə/ *v* ۱- سفارش دادن ۲- دستور دادن

I ordered some coffee.

مقداری قهوه سفارش دادم.

parking lot /'pɑ:kɪŋ lɒt \$ 'pɑ:r- lɑ:t/ *n* پارکینگ

There is a parking lot around.

این نزدیکی‌ها یک پارکینگ وجود دارد.

percent /pə'sent \$ pər-/ *adj* درصد

Today, less than 40 percent of people live in villages.

امروزه، کم‌تر از ۴۰ درصد از مردم در روستاها زندگی می‌کنند.

photograph /'fəʊtəgrɑ:f \$ 'fəʊtəgræf/ *n* عکس

Here is a photograph of my family.

این عکس خانواده‌ام است.

take a photograph (of) عکس گرفتن (از)

My friends took photographs of animals.

دوستانم از حیوانات عکس گرفتند.

physical /'fɪzɪkəl/ *adj* جسمی، بدنی

Your son is in good physical health.

پسر شما در سلامت جسمی خوبی است.

pick /pɪk/ *v* ۱- برداشتن ۲- انتخاب کردن

I picked the bags and read the explanations on them.

من کیسه‌ها را برداشتم و توضیحات روی آن‌ها را خواندم.

piece /pi:s/ *n* قطعه، تکه، برش

Would you like a piece of cake?

یک برش کیک میل دارید؟

point /pɔɪnt/ *n* نکته، مسئله

That's a very important point.

آن نکته بسیار مهمی است.

popular /'pɒpjʊlə \$ 'pɑ:pjələ/ *adj* پرطرفدار، محبوب

Rice is the most popular food in Iran.

برنج پرطرفدارترین غذا در ایران است.

population /ˌpɒpjʊˈleɪʃən \$ ˌpa:z-/ n جمعیت

What is the population of your country?

جمعیت کشور شما چه قدر است؟

project /ˈprɒdʒekt \$ ˈpra:z-/ n پروژه، طرح

He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

او برای پروژه مدرسه‌اش دارد با آقای صابریان مصاحبه می‌کند.

range /reɪndʒ/ v متغیر بودن، نوسان داشتن

Dictionary prices range from \$5 to \$15.

قیمت‌های فرهنگ لغت از ۵ دلار تا ۱۵ دلار متغیر است.

region /ˈri:dzən/ n منطقه، ناحیه

The birds return to this region every year.

پرندگان هر سال به این منطقه برمی‌گردند.

Russian /ˈrʌʃən/ n, adj -۱ (زبان) روسی -۲ (مربوط به) روسیه، روسی

I can speak English and Russian well.

من می‌توانم انگلیسی و روسی را به خوبی صحبت کنم.

sign language زبان اشاره

Deaf people can talk in sign language.

افراد ناشنوا می‌توانند به زبان اشاره حرف بزنند.

simple /ˈsɪmpəl/ adj ساده، ابتدایی

She explained her work in simple language.

او کارش را به زبانی ساده توضیح داد.

slice /slaɪs/ n تکه، قطعه، برش، قاچ

She cut the bread into three slices.

او نان را به سه تکه تقسیم کرد.

smart /sma:t \$ sma:rt/ adj باهوش، زرنگ

Ali is a smart student.

علی دانش‌آموز باهوشی است.

so ... that آن قدر ... که

This bag is so heavy that I can't carry it.

این کیف آن قدر سنگین است که من نمی‌توانم آن را حمل کنم.

society /səˈsaɪəti/ n جامعه

We live in an Islamic society.

ما در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم.

somewhere /ˈsʌmweə \$ -wer/ adv جایی، یک جایی

Helen lives somewhere in London.

هلن یک جایی در لندن زندگی می‌کند.

space /speɪs/ n

۱- فضا ۲- جا

Who was the first human being in space?

اولین انسانی که به فضا رفت چه کسی بود؟

speaker /ˈspi:kə \$ -ər/ n گوینده، گویشور، سخنگو

When a language has no speaker, it dies out.

وقتی یک زبان هیچ گویشوری نداشته باشد، از بین می‌رود.

English speaker انگلیسی‌زبان، گویشور انگلیسی

He is an English speaker.

او انگلیسی‌زبان است.

spoken /ˈspʊkən \$ ˈspou-/ adj گفتاری

Languages use written and spoken forms.

زبان‌ها از شکل نوشتاری و گفتاری استفاده می‌کنند.

storybook /ˈstɔ:ri:bʊk/ n کتاب داستان

On weekends, I read storybooks.

در تعطیلات آخر هفته، کتاب‌های داستان می‌خوانم.

sugar /ˈʃʊgə \$ -ər/ n شکر

There were four types of sugar in the shop.

چهار نوع شکر در فروشگاه وجود داشت.

surprising /səˈpraɪzɪŋ \$ sər-/ adj شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز

The news was surprising.

آن خبر شگفت‌انگیز بود.

therefore /ˈðeəfɔ: \$ ˈðɜ:fɔ:r/ adv بنابراین، در نتیجه

It was late, therefore I didn't stay long.

دیروقت بود، بنابراین مدت زیادی نماندم.

think of /θɪŋk ɒv \$ əv, a:v/ v فکر کردن درباره، تصور ... را کردن

I can't think of life without water.

من نمی‌توانم زندگی بدون آب را تصور کنم.

through /θru:/ prep ۱- از طریق ۲- از میان

People exchange feelings through language.

مردم احساسات را از طریق زبان مبادله می‌کنند.

tiny /ˈtaɪni/ adj خیلی کوچک

Ants are tiny insects.

مورچه‌ها حشرات خیلی کوچکی هستند.

to be honest (with you) راستش را بخواهی، راستش

To be honest, I don't want to go.

راستش را بخواهی، من نمی‌خواهم بروم.

Lesson One

traffic /'træfɪk/ *n* ترافیک، عبور و مرور

There was much traffic on the roads on Monday.

دوشنبه ترافیک زیادی در جاده‌ها بود.

turn off /tɜ:n 'ɒf \$ tɜ:n 'ɑ:f/ *phr v* [تلویزیون و غیره] خاموش کردن

You must turn off your mobile here.

تو باید این‌جا موبایلت را خاموش کنی.

turn on /tɜ:n 'ɑ:n \$ tɜ:n 'ɑ:n/ *phr v* [تلویزیون و غیره] روشن کردن

Could you turn the light on? ممکنه لطفاً لامپ را روشن کنی؟

uncountable /ʌn'kaʊntəbəl/ *adj* غیر قابل شمارش

There are many uncountable words for food in English.

کلمات غیر قابل شمارش زیادی برای غذا در انگلیسی وجود دارد.

understand /ʌndə'stænd \$ -ər-/ *v* زبان ... را فهمیدن، فهمیدن

He doesn't understand Spanish. او زبان اسپانیایی را نمی‌فهمد.

valuable /'væljuəbəl \$ 'væljəbəl/ *adj* باارزش

All languages are really valuable, despite their differences.

تمام زبان‌ها با وجود تفاوت‌هایشان فیلی با ارزش هستند.

vary /'veəri \$ 'veri/ *v* تفاوت داشتن، متفاوت بودن

In some cities, prices vary from shop to shop.

در برخی شهرها، قیمت‌ها از فروشگاه‌ها به فروشگاه دیگر متفاوت است.

written /'rɪtɪn/ *adj* نوشتاری، کتبی

Some languages have no written form.

برخی از زبان‌ها شکل نوشتاری ندارند.

wrongly /'rɒŋli \$ 'rɑ:ŋ-/ *adv* به اشتباه، اشتباهی

He spelled his name wrongly. او نامش را اشتباهی همی کرد.

You're welcome. (در پاسخ تشکر) خواهش می‌کنم.

«متشکرم.» - «خواهش می‌کنم.» "Thank you." "You're welcome."

واژگان کتاب‌کار

a number of

تعدادی، چند، چند تا

access /'ækses/ *n*

دستیابی، دسترسی

have access to

دسترسی داشتن به

add /æd/ *v*

اضافه کردن، افزودن

afraid /ə'freɪd/ *adj*

ترسیده

be afraid of

ترسیدن از

appear /ə'pɪə \$ ə'pɪr/ *v*

ظاهر شدن

artist /'ɑ:tɪst \$ 'ɑ:r-/ *n*

هنرمند

beginner /bɪ'gɪnə \$ -ər/ *n*

مبتدی، تازه‌کار، نوآموز

Belgium /'beldʒəm/ *n*

بلژیک

certainly /'sɜ:tɪnli \$ 'sɜ:r-/ *adv*

مطمئناً، قطعاً، یقیناً

confident /'kɒnfɪdənt \$ 'kɑ:n-/ *adj*

با اعتماد به نفس

be confident

اعتماد به نفس داشتن

consider /kən'sɪdə \$ -ər/ *v* در نظر گرفتن، مورد توجه قرار دادن

day-to-day /,deɪtə'deɪ/ *adj*

روزانه، روزمره، هر روز

decide /dɪ'saɪd/ *v*

تصمیم گرفتن

escape /ɪ'skeɪp/ *v*

فرار کردن

etc. /et 'setərə/ *adv*

و غیره

extra /'ekstrə/ *adj*

اضافی، بیشتر

fall down /fɔ:l 'daʊn \$ fa:l/ *phr v*

افتادن

hint /hɪnt/ *n*

راهنمایی، توصیه

improve /ɪm'pru:v/ *v*

بهبتر کردن، بهبود بخشیدن

improvement /ɪm'pru:vmənt/ *n*

بهبود، پیشرفت

item /'aɪtəm/ *n*

چیز، فقره

label /'leɪbəl/ *v*

برچسب زدن به

learning /'lɜ:nɪŋ \$ 'lɜ:r-/ *n*

یادگیری

listening /'lɪsənɪŋ/ *n*

گوش دادن

mention /'menʃən/ *v*

ذکر کردن، اشاره کردن به، نام بردن از

mistake /mɪ'steɪk/ *n*

اشتباه

make a mistake

اشتباه کردن

pack /pæk/ *n*

پاکت، بسته، جعبه

plenty of /'plenti əv \$ a:v/

مقدار زیادی، تعداد زیادی

quite /kwaɪt/ *adv*

کاملاً، خیلی

reading /'ri:dɪŋ/ *n*

خواندن، مطالعه

southern /'sʌðən \$ -ərn/ *adj*

جنوبی

speaking /spi:kɪŋ/ *n*

صحبت کردن

suggest /sə'dʒest \$ səg'dʒest/ *v*

پیشنهاد کردن

writing /'raɪtɪŋ/ *n*

نگارش، (عمل) نوشتن

کلاس خصوصی

فب، الان وقتشه بدونی از این همه لغتی که یادگرفتی چه نوع سوالایی از بفش واژگان میار. انواع سوالای بفش واژگان به صورت زیره:

۱- کلمه ناهماهنگ ۲- تصویر ۳- عبارت ۴- جورکردنی ۵- تست ۶- دانش واژگانی ۷- تعریف ۸- مترادف و متضاد

کلمه ناهماهنگ در این قسمت، سه کلمه از لحاظ معنی یا نوع کلمه (اسم، فعل، صفت یا قید بودن) با همدیگه هماهنگ و یکی متفاوته.

country	کشور	language	زبان	continent	قاره
I'm from ...	من اهل ... هستم.	I speak ...	من ... صحبت می‌کنم.	Africa	آفریقا
Iran	ایران	Persian / Farsi	فارسی	Asia	آسیا
France	فرانسه	French	فرانسوی	Oceania	اقیانوسیه
Germany	آلمان	German	آلمانی	South America	آمریکای جنوبی
England	انگلستان	English	انگلیسی	North America	آمریکای شمالی
Canada	کانادا	English / French	انگلیسی / فرانسوی	Europe	اروپا
Russia	روسیه	Russian	روسی	the world	جهان
Turkey	ترکیه	Turkish	ترکی، ترکیه‌ای	planet	سیاره
Sweden	سوئد	Swedish	سوئدی	area	منطقه، ناحیه
Spain	اسپانیا	Spanish	اسپانیایی	region	منطقه، ناحیه
Korea	کره	Korean	کره‌ای	continent	قاره
Egypt	مصر	Arabic	عربی	country	کشور
Japan	ژاپن	Japanese	ژاپنی	city	شهر
China	چین	Chinese	چینی	town	شهرستان، شهر
Portugal	پرتغال	Portuguese	پرتغالی	village	روستا، دهکده
Poland	لهستان	Polish	لهستانی	speaker	گویشور، سخنگو
Greece	یونان	Greek	یونانی	native speaker	گویشور بومی
India	هند	Hindi	هندی	English speaker	انگلیسی‌زبان
Thailand	تایلند	Thai	تایلندی	foreign learner	نواموز خارجی
Italy	ایتالیا	Italian	ایتالیایی	foreigner	(فرد) خارجی

time	زمان	place	مکان	liquid	مایع
century	قرن	university	دانشگاه	water	آب
year	سال	high school	دبیرستان	coffee	قهوه
month	ماه	institute	آموزشگاه، مؤسسه	milk	شیر
week	هفته	library	کتابخانه	tea	چای
day	روز	bookshop / bookstore	کتابفروشی	juice	آبمیوه
hour	ساعت	office	دفتر، اداره	orange juice	آب پرتقال
minute	دقیقه	coffee shop	کافی‌شاپ، کافه‌تریا	apple juice	آب سیب
second	ثانیه	parking lot	پارکینگ		

Lesson One

A Choose the odd one out.

- | | | | |
|----------------|------------------|----------------|---------------|
| 1. 1) grass | 2) flower | 3) plant | 4) region |
| 2. 1) Arabic | 2) Turkey | 3) Russian | 4) German |
| 3. 1) juice | 2) sugar | 3) rice | 4) meat |
| 4. 1) Africa | 2) North America | 3) Russia | 4) Europe |
| 5. 1) language | 2) institute | 3) high school | 4) laboratory |
| 6. 1) Canadian | 2) Italian | 3) Spanish | 4) Greek |

گزینه ناهم‌هنگ را انتخاب کنید.

تصویر سؤال تصویر به سه صورت می‌تونه طرح بشه:

۱- هر تصویر رو باید به کلمه یا جمله مربوط به اون وصل کنین.

۲- باید کلمه مربوط به هر تصویر رو بنویسین.

۳- با توجه به تصویر باید جمله‌های ناقص رو کامل کنین.

B Match the pictures with the given words. There is one extra word.

هر تصویر را به کلمات داده‌شده وصل کنید. یک کلمه اضافی است.



7.



8.



9.



10.



11.

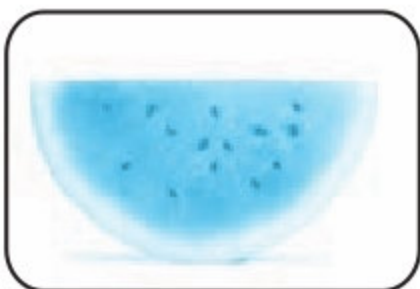


12.

- a** communicate
- b** percent
- c** sign language
- d** parking lot
- e** deaf
- f** tongue
- g** century

C Write correct words under the pictures.

کلمات درست را زیر تصاویر بنویسید.



13. s.....



14. g.....



15. c.....



16.



17.



18.

▶ Complete the following sentences using the pictures.

با استفاده از تصاویر، جملات زیر را کامل کنید.

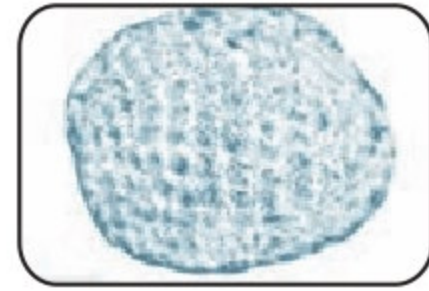
19. My classmate's m..... t..... is English.



20. His aunt is going to attend a l..... i..... to learn French.



21. I bought a l..... of b..... for breakfast this morning.



22. These deaf boys are talking to each other using s..... l..... now.



عبارت ← از من به شما نصیحت، عبارت‌های هر درس رو یاد بگیرین تا بتونین به این سؤال و بیشتر سوالای واژگان پاسخ بدین. در مورد سؤال عبارت، هر عبارت رو نصف میکنن، نصف عبارت رو زیر ستون A و نصف دیگه رو زیر ستون B مینویسن و شما باید اونا رو به هم وصل کنین، به همین راحتی (البته به شرطی که عبارت‌های زیر رو بلد باشین!).



native language	زبان مادری
mother tongue	زبان مادری
first language	زبان مادری
native speaker	گویشور بومی
a native speaker of English	انگلیسی‌زبان
an English speaker	انگلیسی‌زبان
a sign language	زبان اشاره
a language institute	آموزشگاه زبان
a loaf of bread	یک قرص نان
a piece of paper	یک ورق کاغذ

to be honest (with you)	راستش را بخواهی، راستش
You're welcome.	(در پاسخ تشکر) خواهش می‌کنم.
take notice of	توجه کردن به
take a photograph (of)	عکس گرفتن (از)
no matter how / what / ...	صرف‌نظر از این‌که
meet the needs of...	نیازهای ... را برآورده کردن
as early as possible	هر چه زودتر، در اسرع وقت
by means of	از طریق، به وسیله
means of communication	وسیله ارتباطی، ابزار ارتباطی
a piece of cake	یک برش کیک

▶ Match columns A and B. One is extra in column B. در ستون B یکی اضافی است.

A

- 23. to be honest
- 24. by means
- 25. meet the
- 26. take a
- 27. a native

B

- a needs of its speakers
- b mother tongue
- c photograph of animals
- d speaker of German
- e with you
- f of communication

Lesson One

۲ جورکردنی، تست و دانش واژگانی < سؤالی این قسمت به پوار صورتہ:

۱- مفہومی؛ با توبہ به مفہوم ۴ جملہ پاسخ میدین. مثل سؤالی ۲۹، ۳۲ و ۳۵.

۲- عبارتی؛ قسمتی از عبارت کہ حذف شدہ، پاسخ درستہ. مثل سؤالی ۳۰، ۳۱ و ۳۴.

۳- سافتاری؛ سافتار کمک میکنہ راحت تر پاسخ بدین. مثل سؤالی ۲۸ و ۳۳ کہ سافتارش به صورت زیرہ:

از چیزی به چیزی فرق کردن، در چیزهای مختلف متفاوت بودن

از فردی به فردی فرق کردن، در افراد مختلف متفاوت بودن

از منطقه‌ای به منطقه‌ای فرق کردن، در مناطق مختلف متفاوت بودن

از A تا B متفاوت بودن

قیمت‌های بلیط از ۸ تا ۱۵ دلار متفاوت است.

از نظر قیمت / اندازه / سن با هم فرق داشتن

این گل‌ها از نظر اندازه و رنگ با هم فرق دارند.

۴- تعریف؛ براساس تعریف جملہ، پاسخ میدین. مثل سؤالی ۳۶ و ۳۷.

○ vary from sth to sth

vary from person to person

vary from region to region

○ vary (range) from A to B

Ticket prices vary (range) from \$8 to \$15.

○ vary (range) in price / size / age

These flowers vary (range) in size and colour.

📦 Fill in the blanks with the given words. There is one extra word.

جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید. یک کلمه اضافی است.

vary - available - notice - matter - possible

28. The prices of some seafood from week to week.

29. Cars are now in a wide range of prices.

30. You should start learning French as early as

31. The boy took no of his father's advice.

📦 Choose the best answer .

بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

32. It's impossible to work with all this noise.

1) especially

2) absolutely

3) greatly

4) luckily

33. There were 120 students whose ages from 10 to 18 in my class.

1) picked

2) ranged

3) felt

4) grew

📦 Fill in the blanks with your own words.

جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

34. "Thank you so much for helping." "You're"

35. It's becoming dark. Could you on the light?

36. One of the seven main areas of land on the Earth, such as Africa, Asia, or Europe is called a(n)

37. A(n) is a person from another country.

تعریف < با توجه به این که کتاب درسی در هر درس، ۵ تا ۷ کلمه رو تعریف کرده و برای اون مثال هم آورده، اهمیت این قسمت مشخصه. پس لطفاً تمرین تعریف این کتاب رو با دقت بخونین. تعریف های صفحه بعد هم بقیه تعریف های مهم درس که از اینا هم سوال میاد:

ready for you to use, have, or see	آماده برای شما تا استفاده کنید، داشته باشید یا ببینید	available
not able to hear	ناتوان در شنیدن	deaf
a large area or building where you can leave your car for a time	مکانی بزرگ یا ساختمانی که در آن جا شما می توانید ماشین تان را برای مدتی بگذارید	parking lot
a school for children between the ages of 14 and 18	مدرسه ای برای بچه های بین سنین ۱۴ و ۱۸	high school
a place where people are studying a particular thing	مکانی که در آن جا افراد در حال یادگیری چیز خاصی هستند	institute
exchange information with other people, using words, signs, writing, etc.	تبادل اطلاعات با افراد دیگر با استفاده از کلمات، اشاره، نوشته و غیره	communicate

دو نوع سوال تعریف داریم: ۱- به صورت جمله (مثل سوال ۳۶ و ۳۷) ۲- وصل کردنی (مثل ۳۸ و ۳۹).

Match columns A and B. There are two extra words in column B.

ستون A و B را به هم وصل کنید. در ستون B دو کلمه اضافی است.

A

B

38. a part of a country or of the world
39. the number of people who live in a place

- a population
b human
c region
d continent

مترادف و متضاد < جدول مترادف و متضاد درس اول:

begin	≡ start	surprising	≡ amazing / wonderful	slice	≡ piece / part
die	≡ pass away	tiny	≡ small / little	simple	≡ easy
disappear	≡ die	imagine	≡ think of	therefore	≡ so
borrow	≡ take	at last	≡ finally	valuable	≡ useful / helpful
greatly	≡ largely / very much	nearly	≡ about / around	region	≡ area
make up	≡ form	vary	≡ be different	by means of	≡ by using
notice	≡ attention	take notice of	≡ pay attention to	mother tongue	≡ native language

مترادف

begin	≡ finish / end	tiny	≡ big / large	simple	≡ difficult / hard
die	≡ live	early	≡ late	impossible	≡ possible
borrow	≡ give / lend	turn on	≡ turn off	little	≡ big / much
few	≡ many	wrongly	≡ correctly	native	≡ foreign

متضاد

Find the antonyms or synonyms.

متضادها یا مترادفها را پیدا کنید.

40. The houses and cars looked tiny from the sky.
41. We lived there for nearly two years.

- a about
b greatly
c far
d big

نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان

۱- با استفاده از کلمات داده شده، جمله‌های زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

honest - explained - grass - foreign - make up - besides - vary

42. To be, I didn't think his English was very good.
43. Some animals such as cows and sheep eat
44. My uncle speaks two languages English.
45. They about 12.5 percent of the population.
46. The boxes in size from small to large.
47. The teacher the meaning of the poem to us.

valuable - despite - amount - exchange - experience - feelings

48. Tom borrowed a large of money from my uncle.
49. We decided to go out the bad weather.
50. If it's possible, I'd like to this for a larger size.
51. I didn't say anything to hurt his
52. She has a lot of in teaching English to children.
53. She gave me some very advice.

۲- تعریف ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

A

54. a large group of people who live together
55. to be different from each other
56. without taking any notice of
57. to form a thing, amount or number
58. the physical or mental power or skill to do something
59. one part in every hundred
60. the first language that you learn when you are a baby
61. a period of 100 years

B

- a mother tongue
- b percent
- c vary
- d native speaker
- e society
- f despite
- g make up
- h century
- i ability

۳- مترادف یا متضاد کلمات مشخص شده را از ستون مقابل پیدا کنید. (یک کلمه اضافی است.)

- | | | |
|--|---|--------------------|
| 62. He lost his health, and <u>therefore</u> his problems increased. | = | a late |
| 63. The number of people who die in car accidents is <u>surprising</u> . | = | b pieces |
| 64. I wasn't <u>greatly</u> surprised to see her there. | = | c area |
| 65. The train arrived ten minutes <u>early</u> . | ≠ | d amazing |
| 66. It was not so <u>simple</u> to write a letter in English. | ≠ | e very much |

Lesson One

89. Did you know that Asia and Africa are the two biggest in the world?

- 1) countries 2) continents 3) societies 4) centuries

90. Which foreign language do you think is the easiest for English speakers to learn?

- 1) available 2) simple 3) native 4) mental

91. I met two , one was from Canada, and the other from England.

- 1) foreigners 2) societies 3) regions 4) mother tongues

B Grammar

اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش Countable and Uncountable Nouns

- اسامی قابل شمارش اسامی ای هستند که همیشه شمرد و شکل مفرد و جمع دارد. قبل از اسامی قابل شمارش می‌شود از a, an و اعداد استفاده کرد.
- اسامی غیرقابل شمارش اسامی ای هستند که همیشه شمرد و شکل جمع ندارد و همیشه به صورت مفرد به کار می‌رود. پس s یا es جمع نمی‌گیرند.
- قبل از اسامی غیرقابل شمارش همیشه از a, an و اعداد استفاده کرد.

اسامی قابل شمارش	اسامی غیرقابل شمارش
a cup یک فنجان	coffee قهوه
an apple یک سیب	fruit میوه
two bottles دو بطری	water آب
ten cows ده گاو	meat گوشت
the car / the cars آن ماشین / آن ماشین‌ها	the weather هوا

اسامی غیرقابل شمارش زیر رو یاد بگیرین:

water - milk - tea - coffee - juice - soup - bread - rice - meat - sugar - cheese - money - information - news - weather - paper
homework - traffic - food - snow - rain - knowledge - air - music - cake - fruit - hair - time - chicken

حواستون باشه پنج کلمه آخر، با توجه به معنی‌شون می‌تونن غیرقابل شمارش یا قابل شمارش باشن:

We ate some **chicken** for dinner.

ما مقداری (گوشت) مرغ برای شام خوردیم.

There are some **chickens** in the garden.

تعدادی بوقلمون در باغ وجود دارند.

قبل از اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش از صفات کمی زیر استفاده کنین:

اسامی قابل شمارش جمع + صفات کمی	اسامی غیرقابل شمارش + صفات کمی
How many books ...? چندتا کتاب ...?	How much money ...? چه قدر پول ...?
many birds تعداد زیادی پرنده	much soup مقدار زیادی سوپ
a few eggs تعداد کمی تخم‌مرغ	a little bread مقدار کمی نان
few glasses تعداد کمی / اندکی لیوان	little milk مقدار کمی / اندکی شیر
a lot of goats تعداد زیادی بز	a lot of sugar مقدار زیادی شکر
lots of sandwiches تعداد زیادی ساندویچ	lots of rice مقدار زیادی برنج
some oranges تعدادی پرتقال	some juice مقداری آب‌میوه

بعد از صفات کمی ستون دوم، همیشه از اسامی غیرقابل شمارش (که همیشه به صورت مفرد) به همراه افعال مفرد (is, was ...) استفاده کنین:

There **is some tea** in the cup.

مقداری چای در فنجان وجود دارد.

● حواستون باشه بعد از صفات کمی ستون اول و اعداد بیش از یک (two, three ...)، از اسامی قابل شمارش جمع به همراه افعال جمع (are, were ...) استفاده کنین:

There **are some apples** in the basket. تعدادی سیب در سبد وجود دارد.

● البته بعد از (a, an یا one)، فقط باید از اسامی قابل شمارش مفرد به همراه افعال مفرد (is یا was) استفاده کنین:

There **is one / an apple** in the basket. یک سیب در سبد وجود دارد.

● این رو هم بگم که در این مورد، فقط اگه اسم، فاعل فعلی مورد نظر باشد، مفرد و جمع بودن فعل مهمه.

This news is very good. This news makes him happy. این خبر خیلی خوب است. این خبر او را خوشحال می‌کند.

فاعل فعل مفرد فاعل فعل مفرد

He eats a few **cookies** for breakfast. او تعداد کمی بیسکویت برای صبحانه می‌خورد.

مفعول

● some در جملات مثبت و برای بیان درخواست و تعارف در جملات سؤالی هم به کار می‌ره. حواستون باشه some در جملات منفی به کار نمی‌ره.

I bought **some** flowers. تعدادی گل خریدم.

Would you like **some** coffee? قهوه میل دارید؟

● از «How much» برای بیان قیمت با اسامی قابل شمارش مفرد و جمع و اسامی غیرقابل شمارش که همیشه به شکل مفرد استفاده کنین:

How much **is this camera**? = How much **does this camera** cost? قیمت این دوربین چه قدر است؟

اسم قابل شمارش مفرد فعل مفرد

How much **are these shoes**? = How much **do these shoes** cost? قیمت این کفش‌ها چه قدر است؟

اسم قابل شمارش جمع فعل جمع

How much **is the tea**? = How much **does the tea** cost? قیمت چای چه قدر است؟

اسم غیرقابل شمارش مفرد فعل مفرد

● اسامی غیرقابل شمارش، جمع بسته نمی‌شه ولی برای شمردن اونا می‌تونین از واحدهای زیر استفاده کنین:

bottle	بطری	two bottles of water / milk	دو بطری آب / شیر
cup	فنجان	four cups of tea / coffee	چهار فنجان چای / قهوه
glass	لیوان	some glasses of water / milk / juice	تعدادی لیوان آب / شیر / آبمیوه
bag	کیسه	many bags of rice / sugar	تعداد زیادی کیسه برنج / شکر
kilo	کیلو	ten kilos of meat	ده کیلو گوشت
slice	تکه، قاچ، برش	a slice of melon / banana	یک قاچ خربزه / موز
piece	تکه، قطعه، برش	few pieces of cake / paper	تعداد کمی برش کیک / ورق کاغذ
loaf	قرص (نان)	a few loaves of bread	تعداد کمی نان

● از این واحدها برای اسامی قابل شمارش هم می‌تونین استفاده کنین:

I bought four kilos of **potatoes** and two kilos of **sugar**. پهار کیلو سیب‌زمینی و دو کیلو شکر خریدم.

● few و a few به معنی تعداد کمی است؛ با این تفاوت که few مفهوم منفی داره، به عبارتی تعداد کم است و کافی نیست (یعنی تقریباً هیچی وجود نداره) ولی a few مفهوم مثبت داره به عبارتی تعداد کم است ولی کافیه.

I've got **a few** friends, so I'm not lonely. من تعداد کمی دوست دارم بنابراین من تنها نیستم.

I've got **few** friends. I'm lonely. من تعداد کمی دوست دارم. من تنها هستم.

● little و a little به معنی مقدار کمی است؛ با این تفاوت که little مفهوم منفی داره. به عبارتی مقدار کم است و کافی نیست (یعنی تقریباً هیچی وجود نداره) ولی a little مفهوم مثبت داره به عبارتی مقدار کم است ولی کافیه.

They have **a little** money, so they're not poor. آن‌ها مقدار کمی پول دارند بنابراین آن‌ها فقیر نیستند.

They have **little** money. They are very poor. آن‌ها مقدار کمی پول دارند. آن‌ها خیلی فقیر هستند.

Lesson One



نکته اعداد (hundred - thousand - million) جمع نمی‌گیرند حتی اگر بعد از (two - three ...) بیان، بلکه اسم بعد از اونا به شکل جمع میاد:

four hundred animals	چهار صد حیوان	five thousand dollars	پنج هزار دلار
Hundreds of animals	صدها حیوان	Thousands of dollars	هزاران دلار

ولی چنانچه قبل از این اعداد، عدد نیومده باشه، و بخوایم زیادبودن چیزی را بیان کنیم، می‌تونیم از شکل جمع استفاده کنیم:

کلاس خصوصی

الان دقیقاً وقتشه ببینیم چه نوع سوالایی از قسمت گرامر میاد ... انواع سوالایی که همیشه طرح کرد به صورت زیره:

۱- تست ۲- شکل صحیح اسم ۳- دانش گرامری ۴- کلمات به هم ریخته ۵- تصویر ۶- اشتباه گرامری ۷- سوال مناسب

تست هنگام پاسخ‌دادن به تست، هواستون به موارد زیر باشه:

◀ آگه جای خالی بعد از صفات کمی باشه:

● بعد از How many, many, a few, few, اسم قابل شمارش جمع به همراه فعل جمع میاد ولی بعد از How much, much, a little, little, اسم غیر قابل شمارش (که همیشه به صورت مفرد) به همراه فعل مفرد میاد.

● some, a lot of, lots of, a few با فعل مفرد اومده باشه، اسم غیر قابل شمارش مفرد رو انتخاب کنین؛ ولی آگه با فعل جمع اومده باشه، اسم قابل شمارش جمع رو انتخاب کنین.

● بعد از a, an, one, از اسم قابل شمارش مفرد استفاده کنین.

● ولی آگه جای خالی قبل از اسم باشه:

● قبل از اسم غیر قابل شمارش، با توجه به معنی، گزینه How much, a little, little, some, a lot of یا lots of رو انتخاب کنین و قبل از اسم قابل شمارش جمع، با توجه به معنی، گزینه How many, many, a few, few, some, a lot of یا lots of رو انتخاب کنین.

● little و few هم که مفهوم منفی و ناکافی دارن؛ ولی a few و a little مفهوم مثبت و کافی دارن.

● بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

A Choose the best answer .

92. How much did you buy this morning?

- 1) orange 2) kilos of oranges 3) bread 4) loaves of bread

93. There are some on the table in the kitchen.

- 1) tomato 2) tomatoes 3) rice 4) bag of rice

94. I have money, so we can go shopping if you want.

- 1) few 2) a few 3) little 4) a little

95. We have information about that company.

- 1) a few 2) many 3) an 4) a lot of

۲ شکل صحیح اسم ◀ همون سه نکته اولی که در مورد تست گفتیم.

B Write the correct form of the nouns in brackets.

شکل صحیح اسامی داخل پرانتز را بنویسید.

96. They had a little (cheese), three (egg), a big (apple), some

(bread), and two (glass) of milk for breakfast.

۳ دانش گرامری < با توجه به نکاتی که در مورد تست گفتم، باید صفات کمی مناسب یا فعل مفرد و جمع رو انتخاب کنین.

Fill in the blanks with your own words.

جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

97. cups of coffee did you drink yesterday?

98. There a lot of fruit in the fridge this morning.

۴ کلمات به هم ریخته < هواستون باشه موقع مرتب کردن، بعد از How many و How much از اسم استفاده کنین مثل سؤال ۹۹. و آگه دو صفت کمی بین

کلمات به هم ریخته وجود داشت، صفات کمی رو به طور درست قبل از اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش پیارین مثل سؤال ۱۰۰.

Unscramble the following sentences.

جمله های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

99. many / milk / glasses / you / every day / of / drink / how / do / ?

100. juice / orange / I / bought / sandwiches / and / you / a few / some / for / .

۵ تصویر < با توجه به تصویر، به سؤال پاسخ بدین. در مورد غیر قابل شمارش ها می تونین از واحدها (piece و kilo, cup, bottle, glass, loaf, slice) استفاده کنین.

Look at the pictures and answer the questions.

به تصاویر نگاه کنید و به سؤال ها پاسخ دهید.

101. How much melon did he eat?



102. How many children do they have?



۶ اشتباه گرامری < در این نوع سؤال، صفت کمی، مفرد و جمع بودن اسم، مفرد و جمع بودن فعل و هم چنین a و an درست به کار نرفته و باید با توجه به

توضیحاتی که در مورد تست گفتم، اونارو تصحیح کنین.

Find the mistakes in the following sentences and correct them.

اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن ها را تصحیح کنید.

103. Robert works in a old restaurant. He brings the food to the tables. He's a waiter.

104. I bought three big bottle of apple juice and a few oranges.

105. There's few coffee left. We need to buy some more.

۷ سؤال مناسب < با توجه به نوع اسمی که در پاسخ، بعد از صفات کمی وجود داره، برای اسم قابل شمارش مفرد یا جمع، از «اسم قابل شمارش جمع + How many»

و برای اسم غیر قابل شمارش، از «اسم غیر قابل شمارش مفرد + How much» استفاده کنین. هواستون باشه در جواب ممکنه اسم قابل شمارش مفرد داشته باشیم ولی

در سؤال متماً بعد از How many، از اسم جمع استفاده کنین.

آگه زیر some، a lot of و lots of فقط کشیده شده باشه، به بعد از اون نگاه می کنیم؛ آگه بعد از اون، اسم قابل شمارش اومده باشه، از How many استفاده کنین

ولی آگه اسم غیر قابل شمارش اومده باشه، از How much استفاده کنین.

How many friends does she have? She has a lot of friends.

او چند دوست دارد؟ او تعداد زیادی دوست دارد.

How much money does she have? She has a lot of money.

او چه قدر پول دارد؟ او مقدار زیادی پول دارد.

Make suitable questions for the following answers.

برای پاسخ های زیر سؤال مناسب بنویسید.

106. ?

My uncle gave me a glass of orange juice.

107. ?

I need some information about the flight to Boston.

نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر

۱- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

108. I need money to buy English book.
 1) a little / a 2) some / an 3) a few / the 4) lot of / the
109. How did you get up before 7 o'clock yesterday?
 1) many times 2) much time 3) many time 4) much times
110. "How have you got?" "I've got 100 dollars."
 1) many dollar 2) many money 3) much dollar 4) much money
111. We only have carrots. We should go and buy some more.
 1) much 2) a lot of 3) a few 4) a little
112. I'm sorry, I can't pay for your lunch. I have money.
 1) a lot of 2) some 3) few 4) little
113. There some on the table in the kitchen.
 1) are / apple 2) is / apple 3) is / meat 4) are / meat
114. Martin didn't eat much for lunch - only an and some
 1) apples / juice 2) sandwich / milk 3) orange / bread 4) chicken / eggs
115. My mother gave a of milk and a few of bread to Helen.
 1) piece / bag 2) slice / kilos 3) glass / loaf 4) bottle / loaves

۲- شکل صحیح اسامی داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

116. How much was there in these last year? (rain / village)
117. "How many do you and Tony have?" "We have only one" (child)
118. I ate a few with a little (banana / meat)
119. Let's get a lot of and some juice for dinner. (rice / orange)
120. There were some of cake in the kitchen last night. (slice)

۳- هر جمله را با استفاده از دانش گرامری خود کامل کنید.

121. How hours do you sleep every day?
122. How milk do you need for the cake?
123. How is this watch? 20 000 Tomans.
124. We have bread. It is not enough for dinner.
125. There a lot of snow on the road three days ago.
126. "..... water do you need to water the flowers?" "A little".

۴- با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید.

127. people / did / many / birthday / you / party / to / your / invite / how / ?
-

128. much / human / is / there / in / the / how / body / blood / ?

.....

129. my / drinks / two / small / morning / glasses / of / father / water / every / .

.....

130. information / agent / gave / us / some / city / travel / the / about / the / .

.....

131. much / coffee / do / you / sugar / put / in / your / how / ?

.....

132. not / warm / week / have / we / much / weather / did / this / .

.....

۵- با توجه به تصاویر، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

133. How many glasses of milk did you drink?



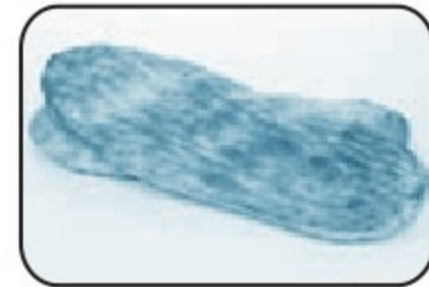
.....

134. How many daughters does your older brother have?



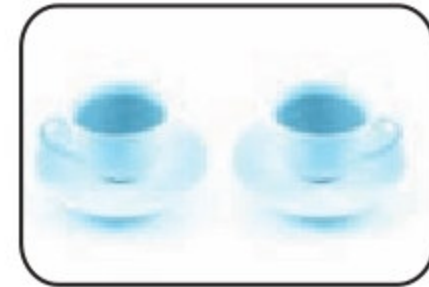
.....

135. How much bread is he going to buy?



.....

136. How much tea did your mother drink this morning?



.....

۶- در هر جمله یک کلمه اشتباه به کار رفته است. زیر کلمه نادرست خط بکشید و صحیح آن را بنویسید.

137. How many loaf of bread did mum buy?

.....

138. How many time does it take you to paint my room?

.....

139. Look! There is a few mice on the roof.

.....

140. Joe is always angry. That's why he has few friend.

.....

141. How much languages can your little sister speak? She can speak only English.

.....

۷- برای پاسخ‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

142. ?

He ate a slice of cake last night.

143. ?

There is a little water in this bottle.

144. ?

We saw some monkeys at the zoo last week.

145. ?

There was some orange juice in the bottle.

C Conversation

Babak Saberian is a translator who works for IRIB . Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان مترجمی است که برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند. امروز او در دفترش میزبان میثم است. میثم دانش‌آموز دبیرستانی است. او دارد برای پروژه‌ی مدرسه‌اش با آقای صابریان مصاحبه می‌کند.

Meysam: Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office. *آقای صابریان از این‌که من رو به دفترتان دعوت کردید متشکرم.*

Mr. Saberian: You're welcome! *فواهش می‌کنم.*

Meysam: I heard you know three languages. Is that right? *شنیده‌ام شما سه زبان بلدید. درسته؟*

Mr. Saberian: Well, actually four languages. *فُپ، درواقع چهار زبان.*

Meysam: Four! Really? What languages do you know? *چهار! واقعاً؟ چه زبان‌هایی بلدید؟*

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well. *علاوه بر زبان مادری‌ام، فارسی، من انگلیسی، فرانسوی و روسی رو به فوی بلدم.*

Meysam: Interesting! And when did you learn them? *پالبه! وکی آن‌ها را یاد گرفتید؟*

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

من یادگیری انگلیسی رو وقتی سیزده سال داشتم در مدرسه شروع کردم. بعد وقتی پانزده سال داشتم یادگیری فرانسوی رو در آموزشگاه زبان شروع کردم. و وقتی در مسکو دانشجوی دانشگاه بودم روسی رو یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them fluently? *آیا می‌تونید از همه‌آن‌ها به راحتی استفاده کنید؟*

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more. *من همه‌آن‌ها رو فوب بلدم ولی از انگلیسی بیشتر استفاده می‌کنم.*

Meysam: OK. Do you think language learning should start as early as possible? *بسیار فُپ. آیا فکر می‌کنید یادگیری زبان باید هر چه زودتر شروع بشه؟*

Mr. Saberian: My experience says interest and hard work are really more important than age. *تجربم میگه علاقه و سفت‌کوشی واقعاً از سن مهمتره.*

Meysam: Hmm... that's an important point. May I know what your favorite language is? English, French, or Russian? *اووم... نکته مهمیه! ممکنه بدونم زبان مورد علاقه شما چیه؟ انگلیسی، فرانسوی یا روسی؟*

Mr. Saberian: To be honest, I enjoy using them all, but my favorite language is absolutely my mother tongue! *راستش، من از به کار بردن همه‌آن‌ها لذت می‌برم. اما زبان مورد علاقه‌ام قطعاً زبان مادری‌ام است!*

A Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

146. What does Mr. Saberian's guest do?

.....

147. How did Mr. Saberian learn French?

.....

B Choose the correct answer .

گزینه درست را انتخاب کنید.

148. Mr. Saberian's first language is

- 1) English 2) French 3) Russian 4) Farsi

149. Mr. Saberian learned when he was studying in a foreign country.

- 1) English 2) French 3) Russian 4) Persian

C True or False?

درست یا نادرست؟

150. Mr. Saberian is a Persian native speaker.

- A) True B) False

151. Mr. Saberian can speak three foreign languages besides English.

- A) True B) False

نمونه سؤال امتحانی مکالمه

Richard is an English teacher. He is interviewing his student, Sei-ichi Yamada. Complete the following conversation using the given sentences.

ریچارد معلم انگلیسی است. او دارد با دانش‌آموزش سی‌ای‌چی یامادا مصاحبه می‌کند. مکالمه زیر را با استفاده از جملات داده شده کامل کنید.

Richard: Hi, could I ask some questions about your language learning experience?

152. Sei-ichi:

Richard: OK, Sam is easy to remember. What languages do you speak?

153. Sei-ichi:

Richard: How well is your English language ability?

154. Sei-ichi:

Richard: How did you learn English?

155. Sei-ichi:

Richard: And when did you start learning French?

156. Sei-ichi:

Richard: Do you have any foreign friends here?

157. Sei-ichi:

Richard: Well, thank you so much.

158. Sei-ichi:

Lesson One

- a I started learning French at school four years ago.
- b Hmm, let's see, I began learning English in a language institute when I was seven.
- c Well, Japanese is my mother tongue and I can speak English and French.
- d You're welcome.
- e Well, my English reading, speaking and listening skills are very good but I'm weak at writing.
- f Sure, I am Sei-ichi Yamada. You can call me Sam.
- g Yes, I made friends with some native English speakers and I practice English with them.

D Reading

Reading Strategy

روش scanning (نگاه اجمالی انداختن)

برای پاسخ دادن به سؤالی درک مطلب باید بتونین سریع کلمات کلیدی موجود در سؤال رو در متن پیدا کنین. برای سریع پیدا کردن کلمات کلیدی موجود در متن، مثل اعداد، اسامی، کلمات یا عبارتهای خاص، باید نگاه اجمالی به متن بندازین. برای این کار مراحل زیر رو دنبال کنین:

- ۱- تصویر واضحی از آن چه می‌خوانین دنبالش بگردین، یعنی کلمات کلیدی رو در ذهنتون داشته باشین.
 - ۲- دنبال کلمات کلیدی بگردین. برای این کار چشماتون رو سریع از روی متن بلغزونین. کلمه به کلمه نخونین بلکه عبارت به عبارت یا جمله به جمله بخونین.
 - ۳- وقتی کلمات کلیدی رو پیدا کردین، برای پاسخ دادن به سؤال مربوطه، باید با دقت اون جمله و بعضی مواقع جمله قبل و بعدش رو بخونین.
- ◀ پاسخ تشریحی سؤالی درک مطلب رو با دقت بخونین تا متوجه بشین که با استفاده از این تکنیک خیلی ساده یعنی «scanning» به راحتی می‌تونین به اکثر سؤالات پاسخ بدین.

Languages of the World

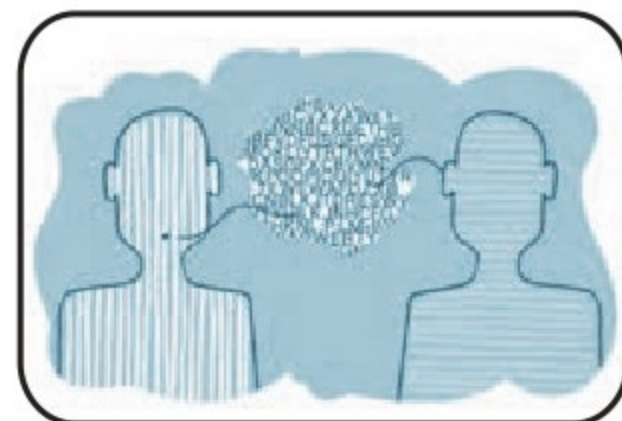
Language is a system of communication. It uses written and spoken forms. People use language to communicate with each other in a society. They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.

Languages vary greatly from region to region. They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent. It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world. There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers. The most popular language in the world is Chinese. More than one billion people in the world speak Chinese. Interestingly, English does not have this number of native speakers, but it has around one billion learners around the world. They learn English as an international language.

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers. In the beginning of the twenty-first century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers. The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages. We call them "endangered languages". As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.

All languages are really valuable, despite their differences. Every language is an amazing means of communication that meets the needs of its speakers. It is impossible to imagine the world without language. Therefore, we should respect all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.



گزینه درست را انتخاب کنید.

A Choose the correct answer.

159. Africa has fewer languages than

- 1) Oceania 2) Americas 3) Asia 4) Europe

160. We understand from the passage that there are more than languages in Africa and Asia.

- 1) 7000 2) 2000 3) 2250 4) 4250

161. We understand from the passage that about one billion people around the world are

- 1) Chinese learners 2) Chinese native speakers
3) English native speakers 4) English learners

162. According to the passage, which one is NOT correct?

- 1) About 3000 languages in the world have fewer than 5000 speakers.
2) About 548 languages are endangered.
3) Chinese has the largest number of native speakers in the world.
4) About 8 percent of the world's languages have fewer than 99 speakers.

B True or False?

163. There are 1000 languages in North America.

- A) True B) False

164. Oceania has the fewest number of languages in the world.

- A) True B) False

165. Some languages have fewer than 10 speakers.

- A) True B) False

166. People can exchange only knowledge by means of language.

- A) True B) False

167. Every language can meet the needs of other native speakers.

- A) True B) False

C Answer the following questions.

168. What do people use to communicate with each other?

169. Why can't people understand all languages?

170. Which continent has the most languages in the world?

درست یا نادرست؟

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن

A: Cloze Test

Read the following passage and then choose the correct answers. متن زیر را بخوانید و سپس پاسخ‌های درست را انتخاب کنید.

The first language you learn to speak is called your native language. As a baby, you listened to your parents or other people speaking and then told the sounds you heard. Babies seem to be born with a/an171..... to learn the language they hear.

Native speakers learn as children to use the right words and say them in the right order without even thinking about it. If English is your172..... language, you know automatically that "I going bed" is wrong, but "I am going to bed" is right.



Lesson One

If you learn a second language, you have to learn its words and173..... . That's why learning a second language can be difficult. Young children can learn a new language very easily. If they are among people speaking a different language, they soon learn to speak it174..... their native language. But as people grow older, it becomes more difficult to learn new175..... . People lose the ability to learn the grammar, words and the sounds of another language.

171. 1) notice 2) ability 3) space 4) experience

172. 1) second 2) sign 3) native 4) foreign

173. 1) tongues 2) differences 3) feelings 4) rules

174. 1) besides 2) by 3) despite 4) through

175. 1) projects 2) amounts 3) languages 4) foreigners

B: Reading Comprehension

Read the following passage and then answer the questions.

متن زیر را بخوانید و سپس به سؤال‌ها پاسخ دهید.

English has not always been the most popular language in the world. In the middle ages, people spoke Latin when they didn't understand each other's language. In the 16th, 17th and 18th centuries, people spoke French. But today, at the start of the 21st century, about one billion people around the world speak English as an international language.



Around 400 million speakers speak English as a first language in Australia, Britain, Canada, Ireland, New Zealand, South Africa and the USA. About 400 million people speak it in countries like Ghana, India, Nigeria and Singapore as the language of government, education and business. In most of the other countries, it's the most important foreign language that children will learn at school, because it's important for tourism, international business, entertainment and the Internet. So now about more than one billion people speak English.

How did this happen? English is not a simple language to learn. Its spelling and grammar are difficult. In the 18th century, Britain was a powerful nation and it made some countries learn English. In the 20th century, the USA made people all over the world become familiar with English through newspapers, television and films. It's now the common language for international travel, science, information technology and the Internet.

But it's important to remember that English has borrowed some words from many other languages. For example, it has borrowed kindergarten from German, restaurant from French, and zero from Arabic.

A Choose the correct answer .

گزینه درست را انتخاب کنید.

176. We understand from the passage that now is an international language.

- 1) English 2) French 3) Latin 4) Arabic

177. According to the passage, which sentence is TRUE?

- 1) English has more than one billion native speakers.
2) English is the mother tongue of around 400 million people.
3) Only Americans speak English as their native language.
4) English is the first language of the people who are living in Singapore.

178. According to the passage, which one is NOT correct?

- 1) Both Britain and the USA made people become familiar with English.
- 2) English is important only for tourism.
- 3) English spelling and grammar are not easy to learn.
- 4) Now, English is the most important foreign language.

B True or False?

درست یا نادرست؟

179. People spoke French from 16th to 18th century when they didn't understand each other's language.

A) True B) False

180. English is the mother tongue in Ghana and Nigeria.

A) True B) False

181. It is hard for people to learn English as a second language.

A) True B) False

C Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

182. In what countries do people speak English as their mother tongue?

183. When did Britain make some countries learn English?

184. Did English borrow any words from other languages? If yes, write the names of the countries.

E Pronunciation

استرس (تکیه = فشار صوت) Stress

در زبان انگلیسی کلمات تک‌هجایی استرس ندارند؛ ولی در کلمات بیش از تک‌هجایی، فقط یک هجا با استرس یعنی با فشار بیشتری از بقیه هجاها تلفظ می‌شود.

در فرهنگ لغت انگلیسی، برای نشان دادن استرس از علامت استرس (') استفاده می‌کنند.

برای تشخیص تعداد هجا یا سیلاب در کلمه نیز کافیه بدونی که به ازای هر مصوت (حرف صدا دار)، یک هجا وجود دارد. مثلن در کلمه twenty.

دو واژه «e = !» و «i = !» وجود دارد. پس دو هجاییه و علامت استرس نیز همون‌طور که می‌بینی روی بخش اول قرار دارد: twenty /'twenti/

اعدادی که به (ty) ختم می‌شن، استرس همیشه روی هجای اوله؛ یعنی هجای اول با فشار بیشتری نسبت به هجای دوم تلفظ می‌شه:

twenty - thirty - forty - fifty - sixty - seventy - eighty - ninety

اعدادی که به «teen» ختم می‌شن، در حالت عادی، استرس روی بخش آخر یعنی روی «teen» است:

thirteen - fourteen - fifteen - sixteen - seventeen - eighteen - nineteen

Did you say **sixty** or **sixteen**?

اعدادی که به «teen» ختم می‌شن وقتی در جمله به کار میرن، دو حالت دارن:

۱- وقتی به تنهایی میان، یعنی قبل از کلمه دیگری نباشن، استرس روی بخش آخر یعنی روی «teen» است:

A: How old are you? B: I'm **eighteen**.

۲- ولی وقتی قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هجای اوله:

A: How old are you? B: I'm **eighteen** years old.

fifteen people - **seventeen** heavy boxes - **nineteen** old men

نمونه سؤال امتحانی تلفظ

در جمله‌های زیر، هجای تکیه‌دار اعداد را مشخص کنید.

185. He had only eighteen dollars.
 186. Today she's ninety.
 187. I bought fourteen notebooks and twenty pens.
 188. Reza: How many books do you need? Ali: I need only thirteen.
 189. Reza: How many books do you need? Ali: I need only thirteen books.
 190. My friend is nineteen years old but his grandfather is seventy.
 191. I left school when I was seventeen.
 192. His father passed away at the age of fifty.
 193. A: He has sixteen books. B: How many? A: Sixteen.
 194. A: What time is it? B: It's five fifteen.

F Writing

جمله ساده Simple Sentence

در زبان انگلیسی هر جمله ساده حداقل باید یک فاعل و فعل داشته باشد. در چنین جمله‌هایی، فعل جمله، لازم است و به مفعول نیاز ندارد.

فعل لازم (ناگذرا) + فاعل

Mahan is sleeping.

فاعل فعل

ماهان خوابیده است.

The bird does not sing.

فاعل فعل

آن پرنده آواز نمی‌فواند.

چنانچه فعل جمله، متعدی باشد، بعد از فعل، مفعول لازم داریم.

برخی از افعال متعدی یک مفعول دارن:

مفعول + فعل متعدی (گذرا) + فاعل

The kids are drinking milk.

فاعل فعل مفعول

بچه‌ها دارند شیر می‌خورند.

Mahdi visited his doctor.

مهدی پیش دکترش رفت.

و برخی دیگر دو مفعول دارن. در این حالت، اول مفعول انسان بعد مفعول غیرانسان میاد:

مفعول مستقیم (غیرانسان) + مفعول غیرمستقیم (انسان) + فعل متعدی + فاعل

My mother bought Helen some books.

فاعل فعل مفعول مفعول

مادر برای هلن تعدادی کتاب فرید.

Mark gave me a glass of water.

مارک یک لیوان آب به من داد.

ولی اگر بخواهیم اول مفعول غیرانسان بعد مفعول انسان بیاریم، قبل از مفعول انسان، باید از حرف اضافه (to یا for) استفاده کنیم:

مفعول غیرمستقیم (انسان) + to / for + مفعول مستقیم (غیرانسان) + فعل متعدی + فاعل

My mother bought some books for Helen.

فاعل فعل مفعول حرف اضافه مفعول

مادر برای هلن تعدادی کتاب فرید.

Mark gave a glass of water to me.

مارک یک لیوان آب به من داد.

ترتیب اومدن قیدها در جمله به صورت زیره:

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل متعدی + قید تکرار + فاعل

Her sister often studies English carefully in the library on Sundays.

فاعل قید تکرار فعل اصلی قید مکان مفعول قید حالت قید زمان

فواهرش اغلب یکشنبه‌ها در کتابخانه با دقت انگلیسی می‌خواند.

قید زمان رو می‌شه در ابتدای جمله نیز آورد:

Yesterday we saw our teacher in the street.

قید زمان فاعل فعل مفعول قید مکان

دیروز معلم‌مان را در خیابان دیدیم.

اگه فعل جمله، to be باشه، ترتیب کلمات به صورت زیره:

قید زمان + قید مکان + متمم + قید تکرار + فعل to be + فاعل

My English teacher is always at school on Mondays.

فاعل قید زمان قید مکان قید تکرار فعل to be

معلم انگلیسی‌ام همیشه دوشنبه‌ها در مدرسه است.

Those women are teachers at our school.

فاعل قید مکان متمم فعل to be

آن خانم‌ها در مدرسه ما معلم هستند.

فاعل انجام‌دهنده عملی است و در ابتدای جمله، قبل از فعل میاد. برای تشخیص فاعل کافیسست بپرسیم چه کسی یا چه چیزی انجام‌دهنده کاری است یا این که جمله درباره چه کسی یا چه چیزی است. در جمله زیر، چه کسی عمل کمک کردن را انجام داده؟ (آن پسر) و در جمله دوم، جمله درباره چه کسی است؟ (مریم).

فاعل جمله یک اسم است که به جای اسم می‌شه از ضمیر فاعلی نیز استفاده کرد.

The boy helped Mina. = He helped her.

ضمیر مفعولی ضمیر فاعلی مفعول فعل فاعل

آن پسر به مینا کمک کرد. او به او کمک کرد.

Maryam is a smart student. = She is a smart student.

ضمیر فاعلی متمم فعل فاعل

مریم دانش‌آموز باهوشی است. او دانش‌آموز باهوشی است.

فعل جمله، انجام گرفتن عملی یا وجود حالتی رو نشون میده. برای تشخیص آن نیز کافیسست بگیم فاعل چه عملی رو انجام داده یا این که جمله درباره فاعل چی میگه. در جمله بالا می‌گیم فاعل (آن پسر) چه عملی رو انجام داده؟ (عمل کمک کردن)، پس helped فعله.
مفعول کلمه‌ای است که عملی بر روی آن انجام شده و بعد از فعل یا حرف اضافه میاد. برای تشخیص آن نیز کافیسست بگیم چه کسی یا چه چیزی فعل بر رویش انجام شده. در جمله بالا می‌گیم چه کسی عمل کمک کردن بر رویش انجام شده؟ (مینا)، پس Mina مفعوله.

کلاس خصوصی

چه نوع سوالایی از قسمت نگارش میار؟

۱- کلمه ناقص ۲- کلمه ناهماهنگ ۳- اضافه کردن کلمه به جمله ۴- کلمات به هم ریخته ۵- سوال مناسب

کلمه ناقص ← سوال‌های کلمه ناقص به دو صورت:

در بخش املا یک تا سه حرف از کلمه مورد نظر حذف می‌شه. حرف‌ها بر اساس قواعد زیر حذف می‌شن؛ پس لطفاً موقع تمرین املا به جای چندین بار نوشتن کلمه، هواستون به قواعد زیر باشه و حساب شده تمرین کنین:

written - difference

دو حرف یکسان در کلمه:

juice - sign - foreigner

حروفی که تلفظ نمی‌شوند:

region - century

حروفی که پور دیگری تلفظ می‌شوند:

available - popular

حروف صدادار (a - e - i - o - u):

Lesson One

A Write the missing letters.

حروف جاافتاده را بنویسید.

195. People use lang __ _ ge to co __ _ unicate with each other in so __ i __ ty.
 196. B __ _ ides my mother ton __ _ e, Per __ _ an, I know French and Ru __ _ ian well.
 197. All languages are really val __ _ ble, desp __ _ te their di __ _ erences.
 198. It is imp __ s __ ible to ima __ _ ine the world wi __ _ hout language.
 199. People e __ _ change knowle __ _ ge, bel __ _ fs, wishes, and fe __ _ lings thro __ _ gh language.
 200. I learned Russian in a language inst __ t __ _ te when I was a univer __ _ ity student in Mos __ _ ow.

● با توجه به مفهوم جمله، باید کلمه به هم ریخته رو حدس بزنید.

B Unscramble the given words.

کلمات به هم ریخته را مرتب کنید.

201. Don't forget to (nutr) off all the lights before going to bed.
 202. The ages of the students in the class (rgean) from 18 to 23.
 203. This kind of plant grows only in hot (rgieons).
 204. Do you believe that life (ixsset) on other planets?
 205. More than 70 (pnteerc) of the country's population is younger than 25.
 206. I believe that (talemn) exercise is as important as physical exercise for young children.

📌 **کلمه ناهماهنگ** ← بر اساس نوع کلمه (فاعل، مفعول، فعل، قید تکرار، قید حالت، قید مکان و قید زمان)، و همچنین بر اساس اسم قابل شمارش و غیر قابل شمارش، کلمه ناهماهنگ رو مشخص کنید. در بعضی موارد نیز ممکنه از شما بپوئان بر این اساس، اونارو در جدولی طبقه بندی کنید.

برای پاسخ دادن به سوال کلمه ناهماهنگ، هواستون به نکات زیر باشد:

● فاعل و مفعول می تونن به صورت اسم یا ضمیر باشن:

I, you, she, he, it, we, they

ضمایر فاعلی:

me, you, her, him, it, us, them

ضمایر مفعولی:

● اسم یا گروه اسمی با توجه به جایگاهشون در جمله، می تونن فاعل یا مفعول باشن:

the children - the birds - my little dog - Helen - his friend - our older brother - the tree - Jane and I

My sister helped John. She helped him.

فواهرم به جان کمک کرد. او به او کمک کرد.

ضمیر مفعولی ضمیر فاعلی مفعول فاعل

John helped my sister. He helped her.

جان به فواهرم کمک کرد. او به او کمک کرد.

ضمیر مفعولی ضمیر فاعلی مفعول فاعل

● فعل ها در زمان های مختلف، شکلائی متفاوتی دارن:

write - writes - wrote - am writing - is writing - are writing - was writing - were writing - will write - can write

● چند مثال از قیدای حالت:

carefully - quickly - quietly - slowly - loudly - happily - well - hard - fast - late - early

● چند مثال از قیدای مکان:

in the park - at school - here - there - over there - outside - inside - near the house - in front of the house

● چند مثال از قیدای زمان:

today - yesterday - last week - few months ago - tomorrow - soon - next week - now - recently - yet

● چند مثال از قیدای تکرار:

never - sometimes - often - usually - always

Choose the odd one out.

- | | | | |
|----------------|------------------|-----------|------------------|
| 207. 1) I | 2) he | 3) you | 4) we |
| 208. 1) sadly | 2) friendly | 3) well | 4) fast |
| 209. 1) Sunday | 2) recently | 3) soon | 4) two years ago |
| 210. 1) often | 2) late | 3) always | 4) sometimes |
| 211. 1) swims | 2) were swimming | 3) swam | 4) swimming |
| 212. 1) juice | 2) information | 3) orange | 4) weather |

گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید.

۳ اضافه کردن کلمه به جمله ← بر اساس جایگاه انواع کلمات در جمله، باید کلمات داخل پرانتز رو به جمله اضافه کنید. برای پاسخ دادن به این نوع سوال، ابتدا باید نوع کلمه داخل پرانتز رو تشخیص بدین (فاعل، مفعول، فعل، قید تکرار، قید حالت، قید مکان و قید زمان)، سپس بر اساس سافتاری که در بخش نگارش آوردیم باید جایگاهش رو در جمله مشخص کنیم.

Put the words in brackets in the correct places.

213. You should teach English at home tonight. (him)
214. Did your younger brother do a lot of homework in his room yesterday morning? (carelessly)

کلمات داخل پرانتز را در جاهای مناسب بنویسید.

۴ کلمات به هم ریخته ← بر اساس سافتاری که در بخش نگارش آوردیم، باید ترتیب کلمات به هم ریخته رو مشخص کنیم.

Unscramble the following sentences.

215. you / your / do / friend / with / school / help / homework / usually / Monday / his / at / every / ?

جمله‌های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

216. is / to / buy / a / new / he / tomorrow / you / going / bicycle / .

۵ سوال مناسب ← بر اساس نوع کلمه‌ای که زیرش خط کشیده شده، از کلمه پرسشی مناسب به جاش در ابتدای جمله استفاده کنید. سپس آنگاه از کلمه پرسشی به جای

اولین کلمه یا کلمات جمله دارین استفاده می‌کنین، هیچ تغییری نمی‌دین ولی آنگاه به جای کلمات دیگر جمله دارین استفاده می‌کنین، باید بقیه جمله رو نیز سوالی کنین.
 Reza's brother helped Mina.

برادر رضا به مینا کمک کرد.

آنگاه زیر اولین کلمه (در این جا Reza's که مالک است) خط کشیده باشن، از whose استفاده کنین و نیازی نیست بقیه جمله رو سوالی کنین:

Whose brother helped mina?

برادر چه کسی به مینا کمک کرد؟

آنگاه زیر اولین کلمه یا کلمات (در این جا Reza's brother که فاعل انسانه) خط کشیده باشن، از Who استفاده کنین و نیازی نیست بقیه جمله رو سوالی کنین:

Who helped Mina?

چه کسی به مینا کمک کرد؟

ولی آنگاه خط زیر اولین کلمه نباشه (در این جا Mina که مفعول انسانه)، از Who یا Whom استفاده کنین و بقیه جمله رو باید سوالی کنین:

Whom did Reza's brother help?

برادر رضا به چه کسی کمک کرد؟

برای فاعل انسان از who، فاعل غیر انسان از what، مفعول انسان از who(m)، مفعول غیر انسان از what، فعل از what، قید حالت از how، قید مکان از where، قید زمان از when و قید تکرار از how often استفاده کنین.

Make suitable questions for the following answers.

برای پاسخ‌های زیر سوال مناسب بنویسید.

217. ?

I saw a lot of people in the shop yesterday morning.

218. ?

We always meet her at the train station on Tuesdays.

نمونه سؤال های امتحانی نگارش

۱- کلمات داخل پرانتز را در جاهای مناسب بنویسید.

219. She is going to bake some cookies today. (us)
220. The man looked at me angrily this morning. (at the zoo)
221. Jack has his breakfast in the kitchen. (often / quickly)
222. Walter is at school on Wednesday afternoon. (always)
223. Could your sister speak three foreign languages two years ago? (well)
224. While my uncle was driving to the train station, the accident happened. (you)

۲- جمله های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

225. year / will / holiday / spend / our / at / not / home / next / we / .

.....

226. people / well / than / speak / more / three / can / few / languages / .

.....

227. you / is / not / to / send / a / going / week / letter / next / she / .

.....

228. older / watch / gave / night / brother / him / an / expensive / last / my / .

.....

229. I / me / reading / a / you / when / carefully / newspaper / was / called / .

.....

۳- برای پاسخ های زیر سؤال مناسب بنویسید.

230.?

We will go to the laboratory on Tuesday afternoon.

231.?

My aunt spent a lot of time translating the letter last night.

232.?

My sister spoke German very well in the museum this morning.

233.?

Millions of people visit the national park every year.

234.?

The cats were sleeping in the garden yesterday morning.

پاسخ نامه تشریحی

- منطقه، مکانه ولی بقیه به ترتیب (علف، گل و گیاه) گناه هستن.
- ترکیه اسم یک کشوره ولی بقیه به ترتیب (عربی، روسی و آلمانی) اسم زبانن.
- آب میوه مایع است ولی بقیه به ترتیب (شکر، برنج و گوشت) جامدن.
- روسیه اسم یک کشوره ولی بقیه به ترتیب (آفریقا، آمریکای شمالی و اروپا) اسمای قاره هستن.
- language به معنی زبانه ولی بقیه به ترتیب (آموزشگاه، دبیرستان و آزمایشگاه) مکانن.
- کانادایی فقط اسم یک ملیت است ولی بقیه به ترتیب (ایتالیایی، اسپانیایی و یونانی) هم اسم ملیت و هم اسم زبانن.
- (زبان اشاره)
- (ناشنوا)
- (ارتباط برقرار کردن)
- (درصد)
- (پارکینگ)
- (قرن)
- (برش، تکه، قاچ)
- (علف)
- (قاره)
- (گوشت)
- (آب میوه)
- (شمع)
- زبان مادری هم کلاسی ام انگلیسی است.
- عمه اش قصد دارد برای یادگیری زبان فرانسوی به آموزشگاه زبان برود.
- من امروز صبح برای صبحانه یک نان خریدم.
- این پسرهای ناشنوا الان دارند با استفاده از زبان اشاره با یکدیگر صحبت می کنند.
- راستش را بخواهی
- از طریق ابزار ارتباطی
- نیازهای گویشوران خود را برآورده کردن
- از حیوانات عکس گرفتن
- آلمانی زبان
- قیمت برخی غذاهای دریایی از هفته ای به هفته دیگر فرق می کند.
- الان ماشین ها در قیمت های بسیار مختلفی موجود هستند.
- شما باید یادگیری زبان فرانسوی را هر چه زودتر شروع کنید.
- آن پسر هیچ توجهی به توصیه پدرش نکرد.
- قطعاً کار کردن با این همه سروصدا غیرممکن است.
- ۱۲۰ دانش آموز که سن شان از ۱۰ تا ۱۸ (سال) متفاوت بود در کلاس بودند.

- 1 - region
- 2 - Turkey
- 3 - juice
- 4 - Russia
- 5 - language
- 6 - Canadian
- 7 - sign language
- 8 - deaf
- 9 - communicate
- 10 - percent
- 11 - parking lot
- 12 - century
- 13 - slice
- 14 - grass
- 15 - continent
- 16 - meat
- 17 - juice
- 18 - candle
- 19 - mother tongue
- 20 - language institute
- 21 - loaf of bread
- 22 - sign language
- 23 - (e)
- 24 - (f)
- 25 - (a)
- 26 - (c)
- 27 - (d)
- 28 - vary
- 29 - available
- 30 - possible
- 31 - notice
- 32 - گزینه «۲»
- 33 - گزینه «۲»

to be honest with you
by means of communication
meet the needs of its speakers
take a photograph of animals
a native speaker of German

«به خاطر کمک کردن، بسیار زیاد متشکرم.» «خواهش می‌کنم.»
 هوا داره تاریک می‌شه. ممکنه لطفاً لامپ را روشن کنید؟
 یکی از هفت منطقه اصلی خشکی بر روی کره زمین مثل آفریقا، آسیا یا اروپا، قاره نامیده می‌شود.
 یک فرد خارجی شخصی از یک کشور دیگر است.
 (منطقه، ناحیه) بخشی از یک کشور یا جهان
 (جمعیت) تعداد افرادی که در یک مکان زندگی می‌کنند
 خانه‌ها و ماشین‌ها از آسمان خیلی کوچک به نظر می‌رسیدند.

بزرگ = big = فیلی کوچک tiny

تقریباً = about = nearly

ما تقریباً به مدت دو سال آن‌جا زندگی کردیم.
 راستش را بخواهی، فکر نمی‌کردم انگلیسی‌اش خیلی خوب باشد.
 برخی حیوانات مثل گاو و گوسفند علف می‌خورند.
 عمویم علاوه بر انگلیسی به دو زبان (دیگر) صحبت می‌کند.
 آن‌ها حدود ۱۲/۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند.
 این جعبه‌ها از نظر اندازه از کوچک تا بزرگ با هم فرق دارند.
 معلم معنی آن شعر را برای ما توضیح داد.
 تام مقدار زیادی پول از عمویم قرض گرفت.
 با وجود هوای بد تصمیم گرفتیم بیرون برویم.
 اگر امکان دارد می‌خواهم این را با اندازه بزرگ‌تر تعویض کنم.
 من چیزی نگفتم که به احساساتش صدمه بزند.
 او تجربه زیادی در تدریس انگلیسی به کودکان دارد.
 او چند توصیه بسیار ارزشمند به من کرد.
 (جامعه) گروه بزرگی از افراد که با یکدیگر زندگی می‌کنند
 (متفاوت بودن) متفاوت بودن از یکدیگر
 (با وجود) بدون هیچ توجهی کردن
 (تشکیل دادن) تشکیل دادن یک چیز، مقدار یا تعداد
 (توانایی) قدرت جسمی یا روحی یا مهارت انجام دادن کاری
 (درصد) یک قسمت در هر صد (تا)
 (زبان مادری) اولین زبانی که وقتی کودک هستید یاد می‌گیرید
 (قرن) یک دوره صدساله
 او سلامتی‌اش را از دست داد و بنابراین مشکلاتش افزایش پیدا کرد.

بنابراین = so = therefore

شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز = surprising = amazing

فیلی زیاد = very much = بسیار زیاد greatly

دیر ≠ زود early

- ۳۴ - welcome
- ۳۵ - turn
- ۳۶ - continent
- ۳۷ - foreigner
- ۳۸ - region
- ۳۹ - population
- ۴۰ - big
- ۴۱ - about
- ۴۲ - honest
- ۴۳ - grass
- ۴۴ - besides
- ۴۵ - make up
- ۴۶ - vary
- ۴۷ - explained
- ۴۸ - amount
- ۴۹ - despite
- ۵۰ - exchange
- ۵۱ - feelings
- ۵۲ - experience
- ۵۳ - valuable
- ۵۴ - society
- ۵۵ - vary
- ۵۶ - despite
- ۵۷ - make up
- ۵۸ - ability
- ۵۹ - percent
- ۶۰ - mother tongue
- ۶۱ - century
- ۶۲ - so
- ۶۳ - amazing
- ۶۴ - very much
- ۶۵ - late

تعجب کردن be surprised

قطار ده دقیقه زود رسید.

نوشتن نامه به انگلیسی خیلی آسان نبود. **difficult - ۶۶**
 سفت، دشوار \neq ساده، آسان **simple**

لطفاً هندوانه را به شش قاچ تقسیم کنید. **pieces - ۶۷**
 تقسیم کردن، قسمت کردن **cut into** تکه، قطعه، برش **slice = piece**

او قصد دارد اواخر این هفته پروژه را شروع کند. **finish - ۶۸**
 تمام کردن \neq شروع کردن **begin**

آن پرنده هر سال به این منطقه برمی‌گردد. **area - ۶۹**
 منطقه، ناحیه **region = area**

یک گویشور بومی کسی است که زبانی را به عنوان زبان مادری اش صحبت می‌کند.
 آیا این مقدار پول نیاز شما را برآورده می‌کند؟
 این کتاب هم در انگلیسی گفتاری و هم در انگلیسی نوشتاری به شما کمک خواهد کرد.
 سلامت جسمی و روانی‌اش دارد بدتر می‌شود.
 آن‌ها همیشه لباس یکدیگر را می‌پوشند.
 ایمیل دارد ابزار ارتباطی مهمی می‌شود.

او انگلیسی را به خوبی صحبت می‌کند اما زبان مادری‌اش چینی است.
 من همیشه برای فرزندانم وقت خواهم داشت مهم نیست چه قدر گرفتار شوم. (سرم شلوغ شود).
 ارتباط برقرار کردن با افراد می‌تواند دشوار باشد اگر به زبان آن‌ها صحبت نکنید.
 غذادادن به حیوانات جاذبه‌ای پرطرفدار برای بازدیدکنندگان از مزرعه است.
 چشمان‌تان را ببندید و سفر در فضا را تصور کنید.
 آن‌ها در مورد نقش زن و مرد در جامعه امروزی تحقیق کردند.
 پدرش ناگهان به خاطر حمله قلبی در سال ۱۸۹۲ در سن ۳۷ سالگی فوت کرد.
 بسیاری از شهرهای جهان بیش از ۵ میلیون جمعیت دارند.
 آیا بچه‌ها اختلاف بین خوب و بد را می‌دانند؟
 برای ژاپنی‌ها دشوار است که به راحتی انگلیسی صحبت کنند.
 هر سال جمعیت جهان به طور متوسط تا دو درصد افزایش می‌یابد.

برای او عکس گرفتن در تاریکی غیرممکن بود.
 قصد دارم از شما چیزی بپرسم و از شما می‌خواهم با من صادق باشید.
 آیا می‌دانستید که آسیا و آفریقا دوتا از بزرگ‌ترین قاره‌های جهان هستند؟
 فکر می‌کنید یادگرفتن کدام زبان خارجی برای انگلیسی‌زبان‌ها راحت‌ترین است؟
 من دو فرد خارجی را ملاقات کردم. یکی اهل کانادا و دیگری اهل انگلستان بود.
 امروز صبح چه قدر نان خریدید؟

بعد از **How much**، اسم غیر قابل شمارش میاد و **bread** تنها اسم غیر قابل شمارش در بین گزینه‌هاست.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگر درست بود؛

How many oranges did you buy this morning?

امروز صبح چندتا پرتقال خریدید؟

How many kilos of oranges did you buy this morning?

امروز صبح چندکیلو پرتقال خریدید؟

How many loaves of bread did you buy this morning?

امروز صبح چندتا نان خریدید؟



۹۳- گزینه «۲»

تعدادی گوجه‌فرنگی بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.

بعد از **some** می‌تونین از اسم قابل شمارش جمع (tomatoes) به همراه فعل جمع (are / were) یا اسم غیر قابل شمارش (rice) به همراه فعل مفرد (is / was) استفاده کنین.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های ۳ و ۴ درست بود:

There **is / was** some rice on the table in the kitchen.

مقداری برنج بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد / داشت.

There **are / were** some bags of rice on the table in the kitchen.

تعدادی کیسه برنج بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد / داشت.

۹۴- گزینه «۴»

مقدار کمی پول دارم؛ بنابراین اگر بخواهید می‌تونیم به خرید برویم.

قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از **a little** یا **little** استفاده کنین. **a little** به معنی مقدار کم و کافیه. چون می‌تونه به فرید بره پس پولش کم ولی کافیه.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگه درست بود:

I have little money, so we **can't** go shopping.

مقدار کمی پول دارم بنابراین نمی‌تونیم به فرید بریم.

I have a few **dollars**, so we can go shopping if you want.

مقدار کمی دلار دارم بنابراین آگه بفواهی می‌تونیم به فرید بریم.

I have few **dollars**, so we **can't** go shopping.

مقدار کمی دلار دارم بنابراین نمی‌تونیم به فرید بریم.

۹۵- گزینه «۴»

مقدار زیادی اطلاعات درباره آن شرکت داریم.

قبل از اسم قابل شمارش و اسم غیر قابل شمارش (information) از **a lot of** استفاده کنین. بقیه گزینه‌ها قبل از اسم قابل شمارش میان.

۹۶- cheese - eggs - apple - bread - glasses

آنها مقدار کمی پنیر، سه عدد تخم‌مرغ، یک سیب بزرگ، مقداری نان و دو لیوان شیر برای صبحانه خوردند.

بعد از (a little)، اسم غیر قابل شمارش مفرد (cheese)، بعد از اعداد بیش از یک (three)، اسم قابل شمارش جمع (eggs)، بعد از (a)، اسم قابل شمارش مفرد (apple).

بعد از some، اسم قابل شمارش جمع یا اسم غیر قابل شمارش مفرد (bread) و بعد از اعداد بیش از یک (two)، اسم قابل شمارش جمع (glasses) استفاده کنین.

۹۷- How many

دیروز چند فنجان قهوه خوردید؟

قبل از اسم قابل شمارش جمع (cups)، از **How many** استفاده کنین.

در صورتی که بعد از جای فالی فقط coffee بود، **How much** درست بود:

دیروز چه قدر قهوه خوردید؟

How much **coffee** did you drink yesterday?

۹۸- was

امروز صبح مقدار زیادی میوه در یخچال وجود داشت.

a lot of با اسم غیر قابل شمارش مفرد (fruit) و فعل مفرد (is یا was) میاد. **this morning** با گذشته به کار می‌ره پس **was** درسته.

How many glasses of milk do you drink every day?

۹۹- هر روز چند لیوان شیر می‌خورید؟

I bought some orange juice and a few sandwiches for you.

۱۰۰- من مقداری آب پرتقال و تعداد کمی ساندویچ برای شما خریدم.

I bought a few sandwiches and some orange juice for you.

من تعداد کمی ساندویچ و مقداری آب پرتقال برای شما خریدم.

۱۰۱- او چه قدر خربزه خورد؟

He ate two slices of melon.

او دو قاچ خربزه خورد.

۱۰۲- آنها چند فرزند دارند؟

They have one child. They have a child.

آنها یک فرزند دارند.

Robert works in **an** old restaurant. He brings the food to the tables. He's a waiter.

۱۰۳-

رابرت در یک رستوران قدیمی کار می‌کند. او غذا سر میز می‌آورد. او پیشخدمت است.

قبل از اسم قابل شمارش مفردی که با حرف بی صدا شروع شده باشه (restaurant) از **a** استفاده کنین ولی آگه قبل از اسم، صفت اومده باشه، ملاک حرف اول صفته.

a restaurant / an old restaurant

در این‌جا صفت (old) با حرف صدادار شروع شده پس **an** درسته.

I bought three big **bottles** of apple juice and a few oranges.

۱۰۴- من سه بطری بزرگ آب سیب و تعداد کمی پرتقال خریدم.

بعد از اعداد بیش از یک (three)، اسم قابل شمارش جمع (bottles) میاد:

There's **little** coffee left. We need to buy some more.

۱۰۵- قهوه کمی باقی مانده. ما باید مقدار بیشتری بخریم.

قبل از اسم غیر قابل شمارش (coffee) از **little** استفاده کنین.

How many glasses of orange juice did your uncle give you?

۱۰۶- عمویت چند لیوان آب پرتقال به شما داد؟

عمویم یک لیوان آب پرتقال به من داد.

هواستون باشه در جواب ممکنه اسم قابل شمارش مفرد (glass) داشته باشیم ولی در سوال همیشه بعد از How many از اسم قابل شمارش جمع (glasses) استفاده کنیم.

How much information do you need about the flight to Boston?

۱۰۷- چه قدر اطلاعات درباره پرواز به بوستون نیاز دارید؟

مقداری اطلاعات درباره پرواز به بوستون نیاز دارم.

بعد از some, اسم غیر قابل شمارش (information) اومده، پس از How much استفاده کنیم.

۱۰۸- گزینه «۲» من برای خرید یک کتاب انگلیسی به مقداری پول نیاز دارم.

در این تست، قبل از اسم غیر قابل شمارش (money) از some, a little یا a lot of می‌تونیم استفاده کنیم ولی قبل از English book, باید از an یا the استفاده کنیم.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگه درست بود؛

برای خرید یک کتاب انگلیسی به مقدار کمی پول نیاز دارم.

برای خرید آن کتاب انگلیسی به مقدار کمی پول نیاز دارم.

برای خرید آن کتاب انگلیسی به مقدار زیادی پول نیاز دارم.

۱۰۹- گزینه «۱» دیروز قبل از ساعت ۷ چند بار از خواب بلند شدید؟

time به معنی (زمان) اسم غیر قابل شمارش ولی مثل این تست، به معنی «بار، دفعه» اسم قابل شمارش و قبل از آن How many میاد.

به تفاوت قابل شمارش و غیر قابل شمارش بودن time در مثالی زیر توجه کنیم:

چه قدر زمان لازم داری تا تکلیفت را تمام کنی؟

پنج بار در ماه به سینما می‌ری؟

۱۱۰- گزینه «۴» «شما چه قدر پول دارید؟» «من ۱۰۰ دلار دارم.»

قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از much استفاده کنیم ولی قبل از اسم قابل شمارش جمع (dollars)، باید از many استفاده کنیم.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه درست بود؛

شما چند دلار دارید؟

۱۱۱- گزینه «۳» ما فقط تعداد کمی هویج داریم. باید بریم و کمی بیشتر بخریم.

در این تست، قبل از اسم قابل شمارش جمع (carrots)، از a few یا a lot of می‌تونیم استفاده کنیم ولی با توجه به معنی، a few درسته.

۱۱۲- گزینه «۴» متأسفم من نمی‌تونم پول نهار شما را پرداخت کنم. من مقدار کمی پول دارم.

در این تست، قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از some, a little یا a lot of می‌تونیم استفاده کنیم ولی با توجه به این‌که little مفهوم منفی دارد، little درسته.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه ۱ و ۲ درست بود؛

I can pay for your lunch. I have a lot of / some money. من می‌تونم پول نهار شما را پرداخت کنم. من مقدار زیادی / مقداری پول دارم.

۱۱۳- گزینه «۳» مقداری گوشت بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.

some رو با اسم غیر قابل شمارش مفرد (meat) به همراه فعل مفرد (is) یا با اسم قابل شمارش جمع (apples) به همراه فعل جمع (are) استفاده کنیم.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه درست بود؛

تعدادی سیب بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.

There are some apples on the table in the kitchen.

۱۱۴- گزینه «۳» مارتین برای نهار زیاد غذا نخورد - فقط یک پرتقال و مقداری نان.

بعد از an، از اسم قابل شمارش مفردی که با حرف صدادار شروع شده باشه و بعد از some، از اسم قابل شمارش جمع یا اسم غیر قابل شمارش مفرد استفاده کنیم.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگه درست بود؛

Martin didn't eat much for lunch - only an apple and some juice. مارتین برای نهار زیاد غذا نخورد - فقط یک سیب و مقداری آب میوه.

Martin didn't eat much for lunch - only a sandwich and some milk. مارتین برای نهار زیاد غذا نخورد - فقط یک ساندویچ و مقداری شیر.

Martin didn't eat much for lunch - only a little chicken and some eggs.

مارتین برای نهار زیاد غذا نخورد - فقط مقدار کمی مرغ و مقداری تخم مرغ.

۱۱۵- گزینه «۴»

مادرم یک بطری شیر و تعداد کمی نان به هلم داد.

از واحد شمارش bottle و glass برای milk استفاده کنین و بعد از a few ، اسم قابل شمارش جمع (loaves) میاد.

۱۱۶- rain - villages پارسال در این روستاها چه قدر باران وجود داشته است؟

بعد از How much ، از اسم غیر قابل شمارش مفرد (rain) و بعد از ضمیر اشاره جمع (these) از اسم قابل شمارش جمع (villages) استفاده کنین.

۱۱۷- children - child «شما و تونی چند فرزند دارید؟» «ما فقط یک بچه داریم.»

بعد از How many ، از اسم قابل شمارش جمع (children) و بعد از عدد یک (one) از اسم قابل شمارش مفرد (child) استفاده کنین.

۱۱۸- bananas - meat من تعداد کمی موز و مقدار کمی گوشت خوردم.

بعد از a few ، از اسم قابل شمارش جمع (bananas) و بعد از a little از اسم غیر قابل شمارش مفرد (meat) استفاده کنین.

۱۱۹- rice - orange بیا مقدار زیادی برنج و مقداری آب پرتقال برای شام بخریم.

بعد از a lot of ، از اسم غیر قابل شمارش مفرد (rice) و بعد از some از اسم غیر قابل شمارش مفرد (juice) استفاده کنین. در این جا اسمی که بعد از some اومده،

اسم غیر قابل شمارش juice است نه orange . orange در اصل اسم پائشین صفت و صفت هم که s جمع نمی گیره.

بیا تعدادی پرتقال بفریم. Let's get some oranges.

بیا مقداری آب پرتقال بفریم. Let's get some orange juice.

۱۲۰- slices دیشب تعدادی برش کیک در آشپزخانه وجود داشت.

بعد از some از اسم قابل شمارش جمع (slices) استفاده کنین.

۱۲۱- many هر روز چند ساعت می خوابید؟

۱۲۲- much چه قدر شیر برای کیک نیاز دارید؟

۱۲۳- much «قیمت این ساعت چه قدر است؟» «۲۰۰۰۰ تومان.»

برای پرسیدن قیمت از How much استفاده کنین.

۱۲۴- little مقدار کمی نان داریم. برای شام کافی نیست.

little به معنی مقدار کمی، مفهوم منفی و کافی نبودن پیزی رو می رسونه و قبل از اسم غیر قابل شمارش (bread) استفاده کنین.

۱۲۵- was سه روز قبل مقدار زیادی برف بر روی جاده وجود داشت.

با اسم غیر قابل شمارش (snow) از فعل مفرد (is / was) استفاده کنین. با توجه به قید گذشته «three days ago» ، فعل مفرد was درسته.

۱۲۶- How much «چه قدر آب برای آبدادن به گل ها نیاز دارید؟» «مقدار کمی.»

۱۲۷- چند نفر به مهمانی جشن تولدت دعوت کردی؟ How many people did you invite to your birthday party?

۱۲۸- چه قدر خون در بدن انسان وجود دارد؟ How much blood is there in the human body?

۱۲۹- پدرم هر صبح دو لیوان کوچک آب می خورد. My father drinks two small glasses of water every morning.

۱۳۰- مدیر آژانس مسافرتی مقداری اطلاعات درباره آن شهر به ما داد. The travel agent gave us some information about the city.

آگه حرف اضافه to بین کلمات به هم ریخته بود، جمله زیر درست بود:

مدیر آژانس مسافرتی مقداری اطلاعات درباره آن شهر به ما داد. The travel agent gave some information about the city to us.

۱۳۱- چه قدر شکر در قهوه تان می ریزید؟ How much sugar do you put in your coffee?

۱۳۲- ما این هفته خیلی هوای گرم نداشتیم. We did not have much warm weather this week.

۱۳۳- شما چند لیوان شیر خوردید؟

من یک لیوان شیر خوردم. I drank a glass of milk.

۱۳۴- برادر بزرگ ترت چند دختر دارد؟

او دو دختر دارد. He has two daughters.

He is going to buy two loaves of bread.

۱۳۵- او قصد دارد چه قدر نان بخرد؟

او قصد دارد دو تا نان بخرد.

She drank two cups of tea.

۱۳۶- امروز صبح مادرت چه قدر چای خورد؟

او دو فنجان چای خورد.

How many loaves of bread did mum buy?

۱۳۷- مامان چند نان خرید؟

بعد از How many، از اسم قابل شمارش جمع (loaves) استفاده کنین.

How much time does it take you to paint my room?

۱۳۸- چه قدر وقت شما را می‌گیرد تا اتاقم را رنگ بزنید؟

time به معنی «زمان»، اسم غیر قابل شمارش و قبل از اون، How much میاد.

Look! There are a few mice on the roof.

۱۳۹- نگاه کن! تعدادی موش بر روی پشت بام وجود دارد.

با اسم قابل شمارش جمع (mice) از فعل جمع (are) استفاده کنین.

Joe is always angry. That's why he has few friends.

۱۴۰- جو همیشه عصبانی است. به این دلیل است که او دوستان کمی دارد.

بعد از few از اسم قابل شمارش جمع (friends) استفاده کنین.

How many languages can your little sister speak? She can speak only English.

۱۴۱-

«خواهر کوچکت به چند زبان می‌تواند صحبت کند؟» «او می‌تواند فقط انگلیسی صحبت کند.»

قبل از اسم قابل شمارش جمع (languages) از How many استفاده کنین.

How many slices of cake did he eat last night?

۱۴۲- او دیشب چند برش کیک خورد؟

او دیشب یک برش کیک خورد.

How much water is there in this bottle?

۱۴۳- چه قدر آب در این بطری وجود دارد؟

مقدار کمی آب در این بطری وجود دارد.

How many monkeys did you see at the zoo last week?

۱۴۴- هفته گذشته چند میمون در باغ وحش دیدید؟

هفته گذشته تعدادی میمون در باغ وحش دیدیم.

How much orange juice was there in the bottle?

۱۴۵- چه قدر آب پرتقال داخل بطری وجود داشت؟

مقداری آب پرتقال داخل بطری وجود داشت.

۱۴۶- مهمان آقای صابریان چه کاره است؟

او دانش‌آموز دبیرستانی است.

He is a high school student.

۱۴۷- آقای صابریان چه طور فرانسوی یاد گرفت؟

او زبان فرانسوی را در یک آموزشگاه زبان یاد گرفت.

He learned French in a language institute.

۱۴۸- گزینه «۴» زبان مادری آقای صابریان فارسی است.

۱۴۹- گزینه «۳» آقای صابریان وقتی داشت در یک کشور خارجی درس می‌خواند زبان روسی را یاد گرفت.

۱۵۰- True آقای صابریان فارسی زبان است.

۱۵۱- False آقای صابریان علاوه بر انگلیسی می‌تواند به سه زبان خارجی صحبت کند.

۱۵۲- (f) سلام، ممکنه تعدادی سؤال در مورد تجربه یادگیری زبان تان بپرسم؟

البته، من سی‌ای‌چی یامادا هستم. شما می‌تونن من را سم صدا بزنی.

۱۵۳- (c) بسیار خُب، به خاطر سپردن سم راحت. به چه زبان‌هایی صحبت می‌کنی؟

خُب، زبان مادریم ژاپنی است و من می‌تونم انگلیسی و فرانسوی رو صحبت کنم.

۱۵۴- (e) توانایی زبان انگلیسی‌ات چه قدر خوبه؟

خُب، مهارت‌های خواندن، صحبت کردن و شنیداری انگلیسی‌ام خیلی خوبه ولی در نگارش ضعیفم.

۱۵۵- (b)

انگلیسی را چه طور یاد گرفتی؟

اووم، بذار ببینم، من یادگیری انگلیسی را وقتی هفت سال داشتم در آموزشگاه زبان شروع کردم.

۱۵۶- (a)

و کی یادگیری فرانسوی را شروع کردی؟

چهار سال پیش یادگیری فرانسوی را در مدرسه شروع کردم.

۱۵۷- (g)

در این جا دوستان خارجی داری؟

بله، من با چند انگلیسی زبان دوست شدم و با آنها انگلیسی تمرین می کنم.

۱۵۸- (d)

بسیار خوب، بسیار متشکرم.

خواهش می کنم.

زبان های جهان

زبان یک سیستم ارتباطی است. زبان از شکل نوشتاری و گفتاری استفاده می کند. افراد در یک جامعه از زبان برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می کنند. آنها از طریق آن، دانش، عقاید، آرزوها و احساسات را مبادله می کنند.

زبانها از منطقه ای به منطقه (دیگر) بسیار متفاوت هستند. آنها آن قدر متفاوت هستند که یک شخص ممکن است زبان فردی از منطقه، کشور یا قاره دیگر را نفهمد. تعجب آور نیست که می شنویم امروزه حدود ۷۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد. بیش از ۲۰۰۰ زبان در آفریقا، ۱۰۰۰ در قاره های آمریکا، بیش از ۲۲۵۰ در آسیا، حدود ۲۳۰ در اروپا و بیش از ۱۳۰۰ زبان در اقیانوسیه وجود دارد.

گویشوران بومی این زبانها از نظر تعداد، از خیلی زیاد، با صدها میلیون گویشور تا خیلی کم، با کم تر از ۱۰ گویشور، متفاوت هستند. پرتعدادترین زبان در جهان، چینی است. بیش از یک میلیارد نفر در جهان چینی صحبت می کنند. جالب این که، انگلیسی این تعداد گویشور بومی ندارد اما حدود یک میلیارد فراگیر در سرتاسر جهان دارد. آنها انگلیسی را به عنوان یک زبان بین المللی یاد می گیرند.

حدود پنجاه درصد از زبانهای جهان کم تر از ۵۰۰۰ گویشور دارد. در ابتدای قرن بیست و یکم، ۲۰۴ زبان، کم تر از ۱۰ گویشور و ۳۴۴ زبان، بین ۱۰ تا ۹۹ گویشور داشته است. ۵۴۸ زبان، با کم تر از ۹۹ گویشور تقریباً ۸ درصد زبانهای جهان را تشکیل می دهند. ما آنها را زبانهای در معرض خطر می نامیم. وقتی گویشوران این زبانها بزرگ شوند و بمیرند، زبانشان نیز از بین خواهد رفت.

تمام زبانها با وجود تفاوت هایشان خیلی باارزش هستند. هر زبان یک وسیله ارتباطی حیرت انگیز است که نیازهای گویشورانش را برآورده می کند. تصور کردن جهان بدون زبان غیرممکن است. بنابراین ما باید به تمام زبانها احترام بگذاریم؛ مهم نیست که چه قدر تفاوت داشته باشند و چند گویشور داشته باشند.

۱۵۹- گزینه «۳»

آفریقا زبانهای کمتری نسبت به آسیا دارد.

با استفاده از تکنیک scanning یعنی با نگاه اجمالی، دنبال کلمه کلیدی یعنی تعداد زبانهای موجود در گزینه ها می گردیم. با تکنیک نگاه اجمالی، پیدا کردن این ارقام خیلی راحت است. هاستون باشه برای پیدا کردن این ارقام نیازی به فوندن کلمه به کلمه نیست بلکه با نگاه اجمالی، سریع می تونین این ارقام رو پیدا کنین. (بیش از ۲۰۰۰ در آفریقا، ۱۰۰۰ در آمریکا، ۲۲۵۰ در آسیا، ۲۳۰ در اروپا و ۱۳۰۰ در اقیانوسیه) بنابراین آفریقا از آسیا کم تر زبان داره.

۱۶۰- گزینه «۴»

ما از متن می فهمیم که بیش از ۴۲۵۰ زبان در آفریقا و آسیا وجود دارد.

با استفاده از تکنیک scanning یعنی با نگاه اجمالی، دنبال کلمه کلیدی (languages in Africa and Asia) (تعداد زبانها در آفریقا و آسیا) می گردیم. در سطر ۶ تعداد زبانهای آفریقا ۲۰۰۰ و تعداد زبانهای آسیا ۲۲۵۰ بیان شده بنابراین مجموع آنها ۴۲۵۰ است.

۱۶۱- گزینه «۴»

از متن می فهمیم که حدود یک میلیارد نفر در سرتاسر جهان فراگیران انگلیسی هستند.

با نگاه اجمالی، دنبال کلمه کلیدی (about one billion) می گردیم. در سطر آخر پاراگراف ۳ گفته: «انگلیسی این تعداد گویشور بومی نداره. اما حدود یک میلیارد فراگیر در سرتاسر جهان داره».

۱۶۲- گزینه «۱»

طبق متن، کدامیک درست نیست؟ حدود ۳۰۰۰ زبان در جهان کم تر از ۵۰۰۰ گویشور دارد.

با استفاده از تکنیک scanning یعنی با نگاه اجمالی، دنبال کلمه کلیدی موجود در گزینه ها می گردیم.

کلمه کلیدی گزینه ۱، (3000 languages) و (5000 speakers) است که (5000 speakers) رو در ابتدای پاراگراف ۴ پیدا می کنیم و جمله ای که این کلمه کلیدی داره، می گه: «حدود پنجاه درصد زبان جهان کم تر از ۵۰۰۰ گویشور داره». با توجه به این که ۵۰ درصد زبان جهان، ۳۵۰۰ می شه پس این جمله غلطه. پس این گزینه درسته. بیاین

گزینه های دیگر رو هم بررسی کنیم:

کلمه کلیدی گزینه ۲، (548 languages) رو در سطر ۲ پاراگراف ۴ پیدا می‌کنیم. جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره و جمله بعدش، می‌گه: «۵۴۸ زبان با کم‌تر از ۹۹ گویشور تقریباً ۸ درصد زبان جهان را تشکیل می‌دهند. ما آن‌ها را زبان‌های در معرض فطر می‌نامیم.» پس این گزینه و گزینه ۴ درسته در نتیجه این گزینه‌ها غلطن.
کلمه کلیدی گزینه ۳ هم Chinese است که در سطر ۲ پاراگراف ۳ پیدا می‌کنیم که می‌گه: «محبوب‌ترین زبان در جهان چینی است. بیش از یک میلیارد نفر در جهان چینی صحبت می‌کنند.» پس این جمله هم درسته در نتیجه این گزینه غلطه.

۱۶۳- False زبان در آمریکای شمالی وجود دارد.

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی 1000 و America رو در سطر ۴ پاراگراف ۲ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «۱۰۰۰ زبان در قاره‌های آمریکا یعنی قاره‌های آمریکای شمالی و جنوبی وجود داره» نه فقط در آمریکای شمالی، پس این جمله غلطه.

۱۶۴- False اقیانوسیه کم‌ترین تعداد زبان در جهان را دارد.

با توجه به توضیحات سؤال ۱۵۹، این جمله غلطه.

۱۶۵- True برخی از زبان‌ها کم‌تر از ۱۰ گویشور دارند.

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی ۱۰ رو در سطر ۲ پاراگراف ۳ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «زبان با کم‌تر از ۱۰ گویشور هم داریم» پس این جمله درسته.
افراد از طریق زبان می‌توانند فقط دانش مبادله کنند.

۱۶۶- False

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی exchange و knowledge رو در سطر ۲ پاراگراف اول پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «افراد از طریق زبان دانش، عقاید، آرزوها و احساسات را مبادله می‌کنند.» نه فقط دانش، پس این جمله غلطه. همیشه هواستون به کلمه only و just به معنی فقط باشه.

۱۶۷- False هر زبان می‌تواند نیازهای گویشوران بومی دیگر را برآورده کند.

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی (meet the needs of)، رو در سطر ۲ پاراگراف آخر پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «هر زبان یک وسیله ارتباطی هیرت‌انگیز است که نیازهای گویشورانش را برآورده می‌کند.» نه نیازهای گویشوران دیگر زبان‌ها رو، پس این جمله غلطه.

۱۶۸- افراد برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر از چه چیزی استفاده می‌کنند؟

افراد برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر از زبان استفاده می‌کنند.
People use language to communicate with each other.

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی (communicate with each other) رو در سطر یک پاراگراف اول پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «افراد در جامعه از زبان برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می‌کنند.»

۱۶۹- چرا افراد نمی‌توانند تمام زبان‌ها را بفهمند؟

Because languages are so different that people can't understand all languages.

چون آن‌ها آن قدر متفاوت هستند که افراد نمی‌توانند تمام زبان‌ها را بفهمند.

با استفاده از تکنیک scanning یعنی با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی (understand all languages) را در پاراگراف اول پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «زبان‌ها آن قدر متفاوت هستند که یک شخص، زبان فردی از منطقه، کشور یا قاره دیگر را نمی‌فهمد.»

۱۷۰- کدام قاره بیشترین زبان در جهان را دارد؟

Asia has the most languages in the world.

آسیا بیشترین زبان را در جهان دارد.

اولین زبانی که یاد می‌گیرید صحبت کنید زبان مادری شما نامیده می‌شود. وقتی بچه بودید، شما به والدین و افراد دیگری که صحبت می‌کردند گوش دادید و سپس صداهایی را که شنیدید ادا کردید. به نظر می‌رسد کودکان با توانایی یادگرفتن زبانی که می‌شنوند به دنیا می‌آیند. گویشوران بومی مثل کودکان یاد می‌گیرند از کلمات درست استفاده کنند و حتی بدون فکر کردن درباره آن، آن‌ها را به ترتیب صحیح بیان کنند. اگر انگلیسی، زبان مادری شما است، شما به طور غیرارادی می‌دانید که "I going bed" اشتباه اما "I am going to bed" درست است. اگر شما زبان دومی را یاد می‌گیرید، مجبورید واژگان و قواعد آن را یاد بگیرید. به این دلیل است که یادگیری زبان دوم می‌تواند دشوار باشد. کودکان می‌توانند یک زبان جدید را به راحتی یاد بگیرند. اگر آن‌ها در میان افرادی باشند که زبان متفاوتی را صحبت می‌کنند، طولی نمی‌کشد که علاوه بر زبان مادری‌شان، آن زبان را صحبت کنند. اما هر چه افراد بزرگ‌تر می‌شوند، یادگرفتن زبان‌های جدید سخت‌تر می‌شود. افراد توانایی یادگرفتن دستور زبان، واژگان و صداهای زبان دیگر را از دست می‌دهند.

۱۷۱- گزینه «۲»	(۱) توجه	(۲) توانایی	(۳) فضا، جا	(۴) تجربه
۱۷۲- گزینه «۳»	(۱) دوم	(۲) اشاره، علامت، نشانه	(۳) بومی	(۴) خارجی
۱۷۳- گزینه «۴»	(۱) زبان	(۲) اختلاف، تفاوت	(۳) قاعده، قانون	(۴) از طریق
۱۷۴- گزینه «۱»	(۱) علاوه بر	(۲) تا، به وسیله	(۳) با وجود، به رغم	(۴) فرد خارجی
۱۷۵- گزینه «۳»	(۱) پروژه، طرح	(۲) مقدار	(۳) زبان	(۴) فرد خارجی

انگلیسی همیشه پرطرفدارترین زبان در جهان بوده است. در قرون وسطی وقتی مردم زبان یکدیگر را نمی فهمیدند به زبان لاتین صحبت می کردند. در قرن های شانزدهم، هفدهم و هجدهم مردم به زبان فرانسوی صحبت می کردند. اما امروزه، در ابتدای قرن بیست و یکم، حدود یک میلیارد نفر در سرتاسر جهان زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین المللی صحبت می کنند.

حدود ۴۰۰ میلیون گویشور در استرالیا، بریتانیا، کانادا، ایرلند، نیوزیلند، آفریقای جنوبی و ایالات متحده آمریکا انگلیسی را به عنوان زبان مادری صحبت می کنند. حدود ۴۰۰ میلیون نفر در کشورهای دیگری مثل غنا، هند، نیجریه و سنگاپور انگلیسی را به عنوان زبان دولتی، آموزش و تجارت صحبت می کنند. در بیشتر کشورهای دیگر، انگلیسی مهم ترین زبان خارجی است که بچه ها در مدرسه یاد می گیرند؛ چون آن برای جهانگردی، تجارت بین الملل، تفریح و اینترنت مهم است. بنابراین هم اکنون حدود بیش از یک میلیارد نفر انگلیسی صحبت می کنند.

چطور این مسئله اتفاق افتاد؟ انگلیسی زبان راحتی برای یادگیری نیست. املا و دستور زبانش دشوار است. در قرن هجدهم بریتانیا کشوری قوی بود و برخی کشورها را مجبور کرد انگلیسی یاد بگیرند. در قرن بیستم، آمریکا باعث شد افراد در سرتاسر جهان از طریق روزنامه، تلویزیون و فیلم با زبان انگلیسی آشنا شوند. اکنون انگلیسی زبان رایج برای سفر بین المللی، علوم، فناوری اطلاعات و اینترنت است.

اما باید به خاطر داشت که انگلیسی تعدادی کلمه را از زبان های دیگر وام گرفته است. برای مثال، زبان انگلیسی کلمات kindergarten را از آلمانی، restaurant را از فرانسوی و zero را از عربی وام گرفته است.

۱۷۶- گزینه «۱» از متن می فهمیم که اکنون زبان انگلیسی یک زبان بین المللی است.

با استفاده از تکنیک scanning یعنی با نگاه اجمالی، دنبال کلمه کلیدی (an international language) می گردیم. در سطر آخر پاراگراف یک بیان شده: «حدود یک میلیارد نفر در سرتاسر جهان زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین المللی صحبت می کنند». پس گزینه یک درست است.

۱۷۷- گزینه «۲» طبق متن، کدام جمله درست است؟ انگلیسی، زبان مادری حدود ۴۰۰ میلیون نفر است.

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی گزینه یک یعنی (native speakers, one billion)، رو در سطر آخر پاراگراف اول پیدا می کنیم و جمله ای که این کلمه کلیدی دارد و جمله بعدش، می گه: «حدود یک میلیارد نفر در سرتاسر جهان زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین المللی صحبت می کنند. حدود ۴۰۰ میلیون گویشور در استرالیا، ... و ایالات متحده آمریکا انگلیسی را به عنوان زبان مادری صحبت می کنند». پس گزینه ۱ و ۳ غلط و گزینه ۲ درست است.

با نگاه اجمالی کلمه کلیدی گزینه ۴ یعنی Singapore رو در سطر ۲ پاراگراف ۲ پیدا می کنیم و جمله ای که این کلمه کلیدی دارد، می گه: «حدود ۴۰۰ میلیون نفر در کشورهای غنا، هند، نیجریه و سنگاپور انگلیسی را به عنوان زبان دولتی، آموزش و تجارت صحبت می کنند.» و نه زبان مادری، پس این گزینه که می گه: «انگلیسی زبان مادری مردم سنگاپور» غلط است.

۱۷۸- گزینه «۲» طبق متن، کدام جمله درست نیست؟ انگلیسی فقط برای جهانگردی مهم است.

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی گزینه یک یعنی Britain و USA رو در سطر ۲ پاراگراف ۳ پیدا می کنیم و جمله ای که این کلمه کلیدی دارد و جمله بعدش، می گه: «در قرن هجدهم بریتانیا برفی کشورها را مجبور کرد انگلیسی یاد بگیرند. در قرن بیستم، آمریکا باعث شد افراد سرتاسر جهان با زبان انگلیسی آشنا شوند». پس جمله این گزینه که می گه: «هم بریتانیا و هم آمریکا باعث شدند مردم با انگلیسی آشنا شوند» درست است. در نتیجه این گزینه غلط است.

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی گزینه ۲ یعنی tourism رو در سطر ۴ پاراگراف ۲ پیدا می کنیم و جمله ای که این کلمه کلیدی دارد، می گه: «انگلیسی مهم ترین زبان خارجی است که بچه ها در مدرسه یاد می گیرند چون آن برای جهانگردی، تجارت بین الملل، تفریح و اینترنت مهم است.» و نه فقط برای جهانگردی، پس جمله این گزینه که می گه: «انگلیسی فقط برای جهانگردی مهم» غلط است و در نتیجه این گزینه درست است. هواستون به کلمه only (فقط) باشه.

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی گزینه ۳ یعنی (spelling and grammar) رو در سطر ۱ پاراگراف ۳ پیدا می کنیم و جمله ای که این کلمه کلیدی دارد، می گه: «املا و دستور زبان انگلیسی دشوار است». پس جمله این گزینه که می گه «املا و گرامر انگلیسی آسان نیست» درست است و در نتیجه این گزینه غلط است.

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی گزینه ۴ یعنی **the most important foreign language**، رو در سطر ۳ پاراگراف ۲ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه «انگلیسی مهم‌ترین زبان فارسی است.»، پس جمله این گزینه درسته و در نتیجه این گزینه غلطه.

از قرن شانزدهم تا قرن هجدهم وقتی مردم زبان یکدیگر را نمی‌فهمیدند فرانسوی صحبت می‌کردند. **True - ۱۷۹**

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی **16th** و **18th**، رو در سطر ۲ پاراگراف اول پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «در قرون وسطی وقتی مردم زبان یکدیگر را نمی‌فهمیدند به زبان لاتین صحبت می‌کردند. در قرن‌های شانزدهم، هفدهم و هیجدهم مردم به زبان فرانسوی صحبت می‌کردند.» پس این جمله درسته.

انگلیسی، زبان مادری در غنا و نیجریه است. **False - ۱۸۰**

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی **Ghana** و **Nigeria**، رو در سطر ۲ پاراگراف ۲ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «در حدود ۴۰۰ میلیون نفر در کشورهای غنا، هند، نیجریه و سنگاپور انگلیسی را به عنوان زبان دولتی، آموزش و تجارت صحبت می‌کنند.» و نه زبان مادریشون، پس این جمله غلطه.

زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم برای افراد دشوار است. **True - ۱۸۱**

با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی **(learn English)**، رو در سطر یک پاراگراف ۳ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «انگلیسی زبان راحتی برای یادگیری نیست.»، پس این جمله درسته.

۱۸۲- در چه کشورهایی، افراد انگلیسی را به عنوان زبان مادری‌شان صحبت می‌کنند؟

People speak English as their mother tongue in Australia, Britain, Canada, Ireland, New Zealand, South Africa and the USA.

مردم در استرالیا، بریتانیا، کانادا، ایرلند، نیوزیلند، آفریقای جنوبی و ایالات متحده آمریکا انگلیسی را به عنوان زبان مادری صحبت می‌کنند.

۱۸۳- چه موقع بریتانیا برخی کشورها را مجبور کرد انگلیسی یاد بگیرند؟

In the 18th century, Britain made some countries learn English.

در قرن هیجدهم بریتانیا برخی کشورها را مجبور کرد انگلیسی یاد بگیرند.

۱۸۴- آیا انگلیسی هیچ کلمه‌ای از زبان‌های دیگر قرض گرفت؟ اگر وام گرفته، اسم آن کشورها را بنویسید.

Yes, it did. It borrowed some words from German, French, and Arabic.

بله، وام گرفت. انگلیسی تعدادی کلمه را از آلمانی، فرانسوی و عربی وام گرفت.

He had only **eighteen** dollars.

-۱۸۵

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هبای اوله.

Today she's **ninety**.

-۱۸۶

اعدادی که به (ty) فتم میشن، استرس همیشه روی هبای اوله.

I bought **fourteen** notebooks and **twenty** pens.

-۱۸۷

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هبای اوله. و اعدادی که به (ty) فتم میشن، استرس همیشه روی هبای اوله.

Reza: How many books do you need? Ali: I need only **thirteen**.

-۱۸۸

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله به تنهایی میان، استرس روی بخش آخر یعنی روی (teen) است.

Reza: How many books do you need? Ali: I need only **thirteen** books.

-۱۸۹

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هبای اوله.

My friend is **nineteen** years old but his grandfather is **seventy**.

-۱۹۰

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هبای اوله. و اعدادی که به (ty) فتم میشن، استرس همیشه روی هبای اوله.

I left school when I was **seventeen**.

-۱۹۱

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله به تنهایی (معمولاً در انتهای جمله) میان، استرس روی بخش آخر یعنی روی (teen) است.

His father passed away at the age of **fifty**.

-۱۹۲

اعدادی که به (ty) فتم میشن، استرس همیشه روی هبای اوله.

۱۹۳- A: He has **sixteen** books. B: How many? A: **Sixteen**.
 اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هبای اوله ولی وقتی در جمله به تنهایی (معمولاً در انتهای جمله) میان، استرس روی بخش آخر یعنی روی (teen) است.

۱۹۴- A: What time is it? B: It's five **fifteen**.

۱۹۵- language - communicate - society

۱۹۶- Besides - tongue - Persian - Russian

۱۹۷- valuable - despite - differences

۱۹۸- impossible - imagine - without

۱۹۹- exchange - knowledge - beliefs - feelings - through

۲۰۰- institute - university - Moscow

۲۰۱- turn فراموش نکن قبل از خوابیدن تمام لامپ‌ها را خاموش کنی.

۲۰۲- range سن دانش‌آموزان در کلاس از ۱۸ تا ۲۳ متفاوت است.

۲۰۳- regions این نوع گیاه فقط در مناطق گرمسیر رشد می‌کند.

۲۰۴- exists آیا فکر می‌کنید که حیات بر روی سیارات دیگر وجود دارد؟

۲۰۵- percent بیش از ۷۰ درصد از جمعیت آن کشور جوان‌تر از ۲۵ سال است.

۲۰۶- mental من معتقدم که ورزش ذهنی به اندازه ورزش جسمی برای جوانان مهم است.

۲۰۷- you **you** ضمیر فاعلی و مفعولیه ولی بقیه فقط ضمیر فاعلین.

۲۰۸- friendly **friendly** صفتی ولی بقیه قید حالتین.

۲۰۹- Sunday **Sunday** اسمه ولی بقیه قید زمانین.

۲۱۰- late **late** قید حالتی ولی بقیه قید تکرارین.

۲۱۱- swimming **swimming** اسمه (اسم مصدر) یا قسمتی از فعل استمراریه ولی بقیه فعلین.

۲۱۲- orange **orange** به دو دلیل **orange** ناهماهنگه:

orange ۱- اسم قابل شمارش ولی بقیه غیر قابل شمارش **orange** ۲- هم اسم و هم صفتی ولی بقیه فقط اسمین.

۲۱۳- شما باید امشب در خانه به او انگلیسی درس بدهید.
 You should teach **him** English at home tonight.

مفعول (در این با ضمیر مفعولی **him**) بعد از فعل میاد. در این جمله دو مفعول داریم، که اول مفعول انسان (**him**) میاد بعد مفعول غیرانسان (**English**).

۲۱۴- Did your younger brother do a lot of homework **carelessly** in his room yesterday morning?

آیا برادر کوچک شما دیروز صبح در اتاقش با بی‌دقتی تکالیف زیادی را انجام داد؟

قید حالت (**carelessly**) بعد از فعل و پتان‌په در جمله، مفعول باشه، بعد از مفعول (**a lot of homework**) میاد.

۲۱۵- Do you usually help your friend with his homework at school every Monday?

آیا شما معمولاً هر دوشنبه در مدرسه به دوستت در تکالیفش کمک می‌کنید؟

help sb with sth به کسی در چیزی کمک کردن

۲۱۶- او قصد دارد فردا برای شما یک دوچرخه جدید بخرد.
 He is going to buy you a new bicycle tomorrow.

اگه حرف اضافه **for** بین کلمات به هم ریخته وجود داشت، ترتیب به صورت زیر میشد:

او قصد دارد فردا برای شما یک دوچرخه جدید بفرد.
 He is going to buy a new bicycle for you tomorrow.

۲۱۷- چه موقع افراد زیادی را در فروشگاه دیدید؟
 When did you see a lot of people in the shop?

دیروز صبح افراد زیادی را در فروشگاه دیدم.

۲۱۸- Whom do you always meet at the train station on Tuesdays?

شما همیشه سه‌شنبه‌ها چه کسی را در ایستگاه قطار ملاقات می‌کنید؟

ما همیشه سه‌شنبه‌ها او را در ایستگاه قطار ملاقات می‌کنیم.

She is going to bake **us** some cookies today.

۲۱۹- او قصد دارد امروز تعدادی بیسکویت برای ما درست کند.

She is going to bake some cookies **for** us today.

او قصد دارد امروز تعدادی بیسکویت برای ما درست کند.

-۲۲۰

The man looked at me **angrily** **at the zoo** **this morning**.

قید زمان قید مکان قید حالت

آن مرد امروز صبح در باغ‌وحش با عصبانیت به من نگاه کرد.

-۲۲۱

Jack **often** has his breakfast **quickly** in the kitchen.

قید مکان قید حالت مفعول فعل اصلی قید تکرار

جک اغلب صبحانه‌اش را در آشپزخانه سریع می‌خورد.

-۲۲۲

Walter is **always** at school on Wednesday afternoon.

قید تکرار فعل to be

والتر همیشه چهارشنبه بعدازظهر در مدرسه است.

-۲۲۳

Could your sister speak **three foreign languages** **well** two years ago?

مفعول قید حالت

آیا خواهرت دو سال قبل می‌توانست به خوبی به سه زبان خارجی صحبت کند؟

-۲۲۴

While my uncle **was driving** **you** to the train station, the accident happened.

مفعول فعل

وقتی عمویم داشت شما را با ماشین به ایستگاه قطار می‌برد، آن تصادف اتفاق افتاد.

We will not spend our holiday at home next year.

۲۲۵- ما سال آینده تعطیلاتمان را در خانه نخواهیم گذرانیم.

Few people can speak more than three languages well.

-۲۲۶

تعداد کمی از افراد می‌توانند بیش از سه زبان را به خوبی صحبت کنند.

She is not going to send you a letter next week.

۲۲۷- او قصد ندارد هفته آینده برای شما یک نامه بفرستد.

اگر حرف اضافه **to** بین کلمات به هم ریخته وجود داشت، ترتیب به صورت زیر میشد:

She is not going to send a letter to you next week.

او قصد ندارد هفته آینده برای شما یک نامه بفرستد.

My older brother gave him an expensive watch last night.

۲۲۸- برادر بزرگترم دیشب یک ساعت گران‌قیمت به او داد.

اگر حرف اضافه **to** بین کلمات به هم ریخته وجود داشت، ترتیب به صورت زیر میشد:

My older brother gave an expensive watch to him last night.

برادر بزرگترم دیشب یک ساعت گران‌قیمت به او داد.

I was reading a newspaper carefully when you called me.

-۲۲۹

وقتی به من زنگ زدید داشتم با دقت یک روزنامه می‌خواندم.

Where will you go on Tuesday afternoon?

۲۳۰- شما بعدازظهر سه‌شنبه به کجا خواهید رفت؟

ما بعدازظهر سه‌شنبه به آزمایشگاه خواهیم رفت.

Who spent a lot of time translating the letter last night?

۲۳۱- چه کسی دیشب زمان زیادی را صرف ترجمه نامه کرد؟

عمه‌ام دیشب زمان زیادی را صرف ترجمه نامه کرد.

How did your sister speak German in the museum this morning?

۲۳۲- خواهرت امروز صبح در موزه چه‌طور آلمانی صحبت کرد؟

خواهرم امروز صبح در موزه خیلی خوب آلمانی صحبت کرد.

What do millions of people visit every year?

۲۳۳- هر سال میلیون‌ها نفر از چه چیزی بازدید می‌کنند؟

هر سال میلیون‌ها نفر از پارک ملی بازدید می‌کنند.

What were the cats doing in the garden yesterday morning?

۲۳۴- آن گربه‌ها دیروز صبح در باغ داشتند چه کار می‌کردند؟

آن گربه‌ها دیروز صبح در باغ خوابیده بودند.



A Vocabulary

above /ə'bu:v/ *adj, adv, prep* ۱- بالا ۲- بالای

There's a mirror above the TV. یک آینه بالای تلویزیون وجود دارد.

above all مخصوصاً، از همه مهم‌تر

I would like to thank my teachers, my friends, and above all, my parents.

من می‌خواهم از معلم‌هایم، دوستانم و مخصوصاً پدر و مادرم تشکر کنم.

active /'æktɪv/ *adj* فعال

She's over 80, but is still very active.

او بالای ۸۰ سال دارد اما هنوز خیلی فعال است.

addiction /ə'dɪkʃən/ *n* اعتیاد

Today, addiction to technology is a big problem.

امروزه، اعتیاد به تکنولوژی مشکل بزرگی است.

anti-cancer /ænti'kænsə \$ -ər/ *adj* ضد سرطان

Anti-cancer drugs have cured many patients.

داروهای ضد سرطان بیماران زیادی را درمان کرده است.

asleep /ə'sli:p/ *adj* خوابیده، خواب

Is the baby asleep or awake?

بچه خوابه یا بیداره؟

be asleep

خواب بودن

James usually wakes up early, but today he's still asleep.

جیمز معمولاً زود بیدار می‌شود اما امروز او هنوز خواب است.

away /ə'weɪ/ *adv* دور

Keep the children away from the fire.

بچه‌ها را از آتش دور نگه دارید.

go away /gəʊ ə'weɪ \$ goʊ/ *phr v*

(جایی) رفتن، به مسافرت رفتن

Go away! I want to be alone.

از این‌جا برو! می‌خواهم تنها باشم.

balanced /'bælənst/ *adj* متعادل، متوازن

A balanced diet contains lots of fruit and vegetables.

یک رژیم غذایی متعادل شامل مقدار زیادی میوه و سبزیجات است.

bike /baɪk/ *n, v* ۱- دوچرخه ۲- دوچرخه‌سواری کردن

Yesterday, we went biking.

دیروز ما دوچرخه‌سواری کردیم.

blood pressure /'blʌd prefə \$ -ər/ *n* فشار خون

My aunt has high blood pressure.

عمه‌ام فشارخون بالا دارد.

business /'bɪznɪs/ *n* کار، تجارت، دادوستد

He has started his business.

او کارش را شروع کرده است.

E-books

call back /kɔ:l 'bæk \$ ka:l/ *phr v* دوباره تلفن کردن

I'll call back later. بعداً دوباره تلفن می‌کنم.

calm /ka:m \$ ka:m, ka:lm/ *adj* آرام

Try to stay calm - the doctor will come soon. سعی کن آرام باشی - دکتر به زودی می‌آید.

candy /'kændi/ *n* آبنبات

Do you want a piece of candy? آیا یک تکه آبنبات می‌خواهی؟

cause /kɔ:z \$ ka:z/ *v* باعث ... شدن

What caused the accident? چه چیزی باعث تصادف شد؟

certain /'sɜ:tn \$ 'sɜ:r-/ *adj* ۱- معین، مشخص ۲- مطمئن

The library's only open at certain times of day. کتابخانه فقط در اوقات معینی از روز باز است.

check in /tʃek 'ɪn/ *phr v*

[هتل] اتاق گرفتن، به پذیرش مراجعه کردن

Have you checked in? Yes, I am in my room now. اتاق گرفته‌ای؟ بله، من الان در اتاقم هستم.

Come on! /kʌm 'ɑ:n/ *phr v* (در ترغیب و خطاب) یالا!، بجنب!

Come on! We don't have much time. بجنب! وقت زیادی نداریم.

condition /kən'dɪʃən/ *n* وضع، وضعیت

He is in good physical condition. او در وضعیت جسمی خوبی است.

contain /kən'teɪn/ *v* شامل ... بودن، داشتن، دارای ... بودن

Chocolate contains a lot of sugar. شکلات شکر زیادی دارد.

couch potato /'kaʊtʃ pə'teɪtəʊ \$ -təʊ/ *n* خوره تلویزیون

Come on! Stop being a couch potato! یالا! دست از خوره تلویزیون بودن برداره!

cultural /'kʌltʃərəl/ *adj* فرهنگی

There are a lot of cultural differences between the two countries. اختلافات فرهنگی زیادی بین آن دو کشور وجود دارد.

cure /kjʊə \$ kjʊr/ *v* معالجه کردن

New medicines have cured many patients. داروهای جدید بیماران زیادی را درمان کرده است.

cycle /'saɪkəl/ *v* دوچرخه‌سواری کردن

Saeed is cycling in the park right now. سعید الان دارد در پارک دوچرخه‌سواری می‌کند.

death /deθ/ *n* مرگ

Do you believe in life after death? آیا به زندگی بعد از مرگ اعتقاد داری؟

decrease /dɪ'kri:s/ *v* /'di:kri:s/ *n* ۱- کم کردن، کاهش دادن ۲- کاهش

A good social life decreases the risk of death. یک زندگی اجتماعی خوب خطر مرگ را کاهش می‌دهد.

depressed /drɪ'prest/ *adj* افسرده، غمگین

Working with computers for a long time makes people depressed. کار کردن با کامپیوتر برای مدت طولانی افراد را افسرده می‌کند.

diet /'daɪət/ *n* ۱- رژیم غذایی ۲- غذا

Eating vegetables is an important part of a healthy diet. خوردن سبزیجات بخش مهمی از رژیم غذایی سالم است.

disagree /,dɪsə'gri:/ *v* مخالف بودن

My sister and I disagree about everything! من و خواهرم در مورد همه چیز با هم مخالف هستیم!

dish /dɪʃ/ *n* ۱- غذا ۲- ظرف، بشقاب

Children prefer fast food to homemade dishes. بچه‌ها غذای فست‌فود را به غذاهای خانگی ترجیح می‌دهند.

dislike /dɪs'laɪk/ *v* دوست نداشتن، (کسی) بدش آمدن از

I dislike eating dinner alone. من تنها شام خوردن را دوست ندارم.

disorder /dɪs'ɔ:də \$ -'ɔ:rdər/ *n* اختلال، بی‌نظمی، بیماری

Watching TV has increased sleep disorders. تماشای تلویزیون اختلالات خواب را افزایش داده است.

drug /drʌg/ *n* دارو

They used the new drug to cure cancer. آن‌ها از داروی جدید برای درمان سرطان استفاده کردند.

education /'edʒu'keɪʃən \$ 'edʒə-/ *n* آموزش، تحصیلات

Do you have a university education? آیا شما تحصیلات دانشگاهی دارید؟

Lesson Two

higher education تحصیلات عالی، آموزش عالی

People with higher education usually live longer.

افراد دارای تحصیلات عالی معمولاً بیشتر عمر می‌کنند.

effective /ɪ'fektɪv/ *adj* مؤثر، کارآمد

Jogging is an effective way to stay healthy.

دو آهسته شیوه‌ای مؤثر برای سالم ماندن است.

emotion /ɪ'məʊʃən \$ ɪ'mou-/ *n* احساس، احساسات، عاطفه

She can't control her emotions.

او نمی‌تواند احساساتش را کنترل کند.

emotional /ɪ'məʊʃənəl \$ ɪ'mou-/ *adj* احساساتی، عاطفی

Her problem was more emotional than physical.

مشکلش بیشتر عاطفی بود تا جسمی.

ever /'evə \$ 'evər/ *adv* تاکنون، تا به حال، هیچ وقت

Have they ever traveled to Madrid?

آیا تاکنون به مادرید سفر کرده‌اید؟

exciting /ɪk'saɪtɪŋ/ *adj* هیجان‌انگیز، مهیج

His job is really exciting.

شغلش واقعاً هیجان‌انگیز است.

factor /'fæktə \$ -ər/ *n* عامل، فاکتور

What is the most important factor for having a healthier life?

مهم‌ترین عامل برای داشتن یک زندگی سالم‌تر چیست؟

fat /fæt/ *adj* چاق

Eating junk food makes people fat.

فوردن هله‌هوله افراد را چاق می‌کند.

finish /'fɪnɪʃ/ *v, n* ۱- تمام کردن، به پایان رساندن ۲- پایان

The students haven't finished their homework.

دانش‌آموزان تکالیفشان را تمام نکرده‌اند.

fire service /'faɪə sɜ:vɪs \$ 'faɪə sɜ:r-/ *n* آتش‌نشانی

After university, I joined the fire service.

بعد از دانشگاه، به آتش‌نشانی ملحق شدم.

fish /fɪʃ/ *v, n* ۱- ماهی‌گیری کردن ۲- ماهی

My dad goes fishing on Fridays.

پدرم جمعه‌ها به ماهی‌گیری می‌رود.

for sure /fɔ:ʃɜ: \$ fɔ:rʃʊr/ *adv* یقیناً، قطعاً، مطمئناً

No one knows for sure what happened.

هیچ‌کس قطعاً نمی‌داند که چه اتفاقی افتاد.

gain /geɪn/ *v* ۱- به دست آوردن ۲- زیاد کردن

I gained useful experience from that job.

من تجربه مفیدی از آن کار به دست آوردم.

gain weight چاق شدن

I've gained weight recently.

من اخیراً چاق شده‌ام.

general /'dʒenərəl/ *adj* کلی، عمومی

They should check their general health.

آن‌ها باید سلامت عمومی‌شان را چک کنند.

get up /get 'ʌp/ *phr v* (از خواب) بلند شدن

I got up early in the morning.

من صبح زود از خواب بلند شدم.

goal /gəʊl \$ goʊl/ *n* هدف

Writing English well is one of my goals.

انگلیسی را به خوبی نوشتن یکی از اهداف من است.

golf /gɒlf \$ ga:lfl/ *n* گلف

My mother plays golf on Sundays.

مادرم یکشنبه‌ها گلف بازی می‌کند.

habit /'hæbɪt/ *n* عادت

Arash has a bad eating habit.

آرش عادت غذایی بدی دارد.

hang out /hæŋ 'aʊt/ *phr v* گشتن، پرسه زدن

I rarely go out and hang out with my friends.

من به ندرت بیرون می‌روم و با دوستانم می‌گردم.

happiness /'hæpɪnəs/ *n* خوشحالی، خوشبختی

Happiness is more important than money.

خوشبختی از پول مهم‌تر است.

harmful /'hɑ:mfəl \$ 'hɑ:rm-/ *adj* مضر، خطرناک

Smoking is harmful to your health.

سیگار کشیدن برای سلامتی شما مضر است.

have to /hæv 'tu:/ *v* مجبور بودن، بایستن

We don't have to get up early tomorrow.

ما مجبور نیستیم فردا زود از خواب بلند شویم.

heart attack /'hɑ:t ətæk \$ 'hɑ:rt/ *n* **حمله قلبی، سکتة قلبی**

Our neighbor had a heart attack yesterday.

همسایه من دیروز دچار سکتة قلبی شد.

heartbeat /'hɑ:tbi:t \$ 'hɑ:rt/ *n* **ضربان قلب**

The doctor is listening to my grandfather's heartbeat.

دکتر دارد به ضربان قلب پدر بزرگم گوش می دهد.

hike /haɪk/ *v* **پیاده روی کردن**

My favorite sport is hiking.

ورزش مورد علاقه من پیاده روی است.

hiking /'haɪkɪŋ/ *n* **پیاده روی**

They went hiking in the mountains at the weekend.

آن ها در تعطیلات آخر هفته در کوهستان پیاده روی کردند.

homeless /'həʊmləs \$ 'həʊm-/ *adj* **بی خانمان**

We should help the homeless people.

ما باید به افراد بی خانمان کمک کنیم.

How's it going? **چه طوری؟ اوضاع و احوال چه طوره؟**

Hi Sina. How's it going?

سلام سینا. چه طوری؟

however /haʊ'evə \$ -ər/ *adv* **با وجود این، با این حال**

She's very clever. However, she's lazy.

او خیلی باهوش است. با وجود این تنبل است.

improve /ɪm'pru:v/ *v* **بهبود کردن، بهبود بخشیدن**

Daily exercise improves people's health condition.

ورزش روزانه وضعیت سلامتی افراد را بهبود می بخشد.

incomplete /,ɪnkəm'pli:t/ *adj* **ناقص، ناتمام**

This English sentence is incomplete.

این جمله انگلیسی ناقص است.

incorrect /,ɪnkə'rekt/ *adj* **نادرست، غلط، اشتباه**

The address on the letter was incorrect.

آدرس روی نامه اشتباه بود.

influence /,ɪnfluəns/ *v* **تحت تأثیر قرار دادن، اثر گذاشتن بر**

Technology has influenced the lives of people.

فن آوری زندگی افراد را تحت تأثیر قرار داده است.

invitation /,ɪnvɪ'teɪʃən/ *n* **دعوت، کارت دعوت**

Joe sent me an invitation to his birthday party.

جو یک کارت دعوت به جشن تولدش برای من فرستاد.

jog /dʒɒg \$ dʒɑ:-/ *v*

آهسته دویدن، قدم دو رفتن

I go out and jog every morning.

من هر روز صبح بیرون می روم و آهسته می دویم.

keep on /ki:p 'ɒn \$ 'ɑ:n/ *phr v*

ادامه دادن

You should keep on practicing.

شما باید به تمرین ادامه بدهید.

key /ki:/ *n, adj*

۱- کلید ۲- کلیدی، بسیار مهم، اصلی

Research is a key part of our work.

تحقیق بخش اصلی کارمان است.

laughter /'lɑ:ftə \$ 'læftər/ *n*

خنده

Laughter is the best medicine for your health.

خنده بهترین دارو برای سلامتی شما است.

let /let/ *v*

اجازه دادن به، امکان دادن به

Let them play outside.

به آن ها اجازه بده بیرون بازی کنند.

lifestyle /'laɪfstɑ:l/ *n*

شیوة زندگی، سبک زندگی

Have you ever thought of a healthy lifestyle?

آیا تاکنون به سبک زندگی سالم فکر کرده اید؟

look after /lʊk 'ɑ:ftə \$ 'æftər/ *phr v*

مراقبت کردن از

Sara looked after us very well.

سارا خیلی خوب از ما مراقبت کرد.

look back /lʊk 'bæk/ *phr v*

به گذشته نگاه کردن، به گذشته برگشتن

When I look back, I see that I have had a very interesting life.

وقتی به گذشته نگاه می کنم می بینم که زندگی خیلی جالبی داشته ام.

manner /'mænə \$ -ər/ *n*

رفتار، طرز رفتار

My teacher has a very calm manner.

معلم من رفتار خیلی آرامی دارد.

maybe /'meɪbi/ *adv*

شاید، ممکن است

"Are you going to sell your house?" "Maybe."

« قصد داری خانه ات را بفروشی؟ » « شاید. »

measure /'meʒə \$ -ər/ *v*

اندازه ... را گرفتن، اندازه گرفتن

My sister measures herself every month.

خواهرم هر ماه خودش را اندازه می گیرد.

medical /'medɪkəl/ *adj*

پزشکی

Medical inventions have saved lives of many people.

اختراعات پزشکی زندگی افراد زیادی را نجات داده است.



Lesson Two

middle /'mɪdl/ *n* وسط، میان

Tom was standing in the middle of the room.

تام وسط اتاق ایستاده بود.

midterm /,mɪd'tɜ:m \$ -'tɜ:rm/ *adj* میان ترم، نیم ترم

Midterm exams start next week.

امتحانات میان ترم هفته آینده شروع می شود.

mission /'mɪʃən/ *n* مأموریت

I have been in many missions for the past 25 years.

پی ۲۵ سال گذشته در مأموریت های زیادی بوده ام.

most of the time اکثر اوقات، بیشتر اوقات

This place is really busy most of the time.

این مکان اکثر اوقات واقعاً شلوغ است.

mount /maʊnt/ *n* کوه

They climbed Mount Damavand last year.

آن ها سال گذشته از کوه دماوند بالا رفتند.

necessary /'nesəsəri \$ -seri/ *adj* لازم، ضروری

Warm clothes are necessary in winter.

لباس های گرم در زمستان ضروری هستند.

No fishing! ماهی گیری ممنوع!

NO FISHING means "Fishing is forbidden".

«ماهی گیری ممنوع» به معنی «ماهی گیری ممنوع است» می باشد.

nope /nəʊp \$ noup/ *adv* نه، نه

"Have you done your homework?" "Nope."

«تکالیفت را انجام داده ای؟» «نه.»

normal /'nɔ:nməl \$ 'nɔ:r-/ *adj* ۱- طبیعی، سالم ۲- معمولی، عادی

My parents gave me a normal and healthy life.

والدینم یک زندگی طبیعی و سالم به من دادند.

oil /ɔɪl/ *n* روغن

Water and oil are both liquids.

آب و روغن هر دو مایع هستند.

onion /'ɒnjən/ *n* پیاز

He is growing onions in his garden.

او دارد در باغش پیاز پرورش می دهد.

opposite /'ɒpəzɪt \$ 'ɑ:p-/ *n* متضاد

"Hot" is the opposite of "cold."

«داغ» متضاد «سرد» است.

paper /'peɪpə \$ -ər/ *n* ۱- کاغذ ۲- (صفت گونه) کاغذی

She wrote the address on a piece of paper.

او آدرس را بر روی یک ورق کاغذ نوشت.

physically /'fɪzɪkli/ *adv* به لحاظ جسمی، از لحاظ بدنی

Men are physically stronger than women.

مردها به لحاظ جسمی از زن ها قوی تر هستند.

practice /'præktɪs/ *n, v* ۱- تمرین ۲- تمرین کردن

She practices the piano every day.

او هر روز پیانو تمرین می کند.

pressure /'preʃə \$ -ər/ *n* فشار

I'm always under pressure.

من همیشه تحت فشار هستم.

prevent /prɪ'vent/ *v* جلوگیری کردن از، مانع ... شدن

Daily exercise can prevent diseases.

ورزش روزانه می تواند از بیماری ها جلوگیری کند.

produce /prə'dju:s \$ -'du:s/ *v* تولید کردن، ساختن

Has Mr. Ahmadi produced that movie?

آیا آقای احمدی آن فیلم را ساخته است؟

properly /'prɒpəli \$ 'pra:pəli/ *adv* درست، خوب، درست و حسابی

He has not eaten properly for a long time.

او برای مدتی طولانی است که درست و حسابی غذا نخورده است.

protein /'prəʊti:n \$ 'prɒu-/ *n* پروتئین

Protein helps you to grow and stay healthy.

پروتئین به شما کمک می کند رشد کنید و سالم بمانید.

rarely /'reəli \$ 'rerli/ *adv* به ندرت

I rarely see her these days.

من این روزها او را به ندرت می بینم.

reality /ri'ælɪti/ *n* ۱- واقعیت ۲- حقیقت

The reality is that we can't buy a house.

واقعیت این است که ما نمی توانیم خانه بخریم.

reason /'ri:zən/ *n* دلیل، علت

Is there any reason why you were late?

آیا هیچ دلیلی وجود دارد که چرا دیر کردید؟

for no good reason بیخود و بی جهت

He uses his laptop everywhere for no good reason.

او بیفود و بی جهت همه جا از لپ تاپش استفاده می کند.

recent /'ri:sənt/ *adj* **اخیر**

The price of bananas has increased in recent weeks.

قیمت موزها در هفته‌های اخیر افزایش یافته است.

regular /'regjələ \$ -ər/ *adj* **۱- منظم، مرتب ۲- (دستور) باقاعده**

Doing regular exercise is useful for everyone.

انجام ورزش منظم برای همه مفید است.

relationship /rɪ'leɪʃənʃɪp/ *n* **رابطه، ارتباط**

She has a very good relationship with her aunt.

او با عمه‌اش ارتباط خیلی خوبی دارد.

replay /'ri:pleɪ/ *n* **۱- نمایش مجدد، تکرار**

۲- [فیلم] دوباره گذاشتن، دوباره پخش کردن

I missed the film but saw the replay.

آن فیلم را از دست دادم ولی تکرار آن را دیدم.

rethink /ri:'θɪŋk/ *v*

تجدیدنظر کردن درباره، دوباره فکر کردن درباره

They need to rethink the way they live.

آن‌ها باید درباره طرز زندگی کردنشان تجدیدنظر کنند.

retire /rɪ'taɪə \$ -'taɪr/ *v* **بازنشسته شدن**

My father is going to retire this week.

پدرم قصد دارد این هفته بازنشسته شود.

rewrite /,ri:'raɪt/ *v* **بازنویسی کردن، دوباره نوشتن**

I'm going to rewrite the story.

من قصد دارم داستان را بازنویسی کنم.

right now /raɪt naʊ/ *adv* **همین الان، همین حالا**

Saeed is cycling in the park right now.

سعید همین الان دارد در پارک دوچرخه سواری می‌کند.

risk /rɪsk/ *v, n* **۱- به خطر انداختن، به مخاطره انداختن ۲- خطر**

Eating junk food increases the risk of heart attack.

فوردن هله هوله فطر همله قلبی را افزایش می‌دهد.

rush /rʌʃ/ *v* **با عجله رفتن، عجله کردن**

I rushed home from work to get ready for the party.

من با عجله از سرکار به خانه رفتم تا برای مهمانی آماده شوم.

sail /seɪl/ *v*

قایق‌رانی کردن، [کشتی] حرکت کردن

The boat sailed along the river.

قایق در امتداد رودخانه حرکت کرد.

go sailing

قایق‌رانی کردن

We often go sailing on weekends.

ما اغلب در تعطیلات آخر هفته قایق‌رانی می‌کنیم.

scanner /'skæənə \$ -ər/ *n*

(کامپیوتر) اسکنر

The store sells a range of scanners.

این فروشگاه انواع مختلف اسکنر می‌فروشد.

scientific /,saɪən'tɪfɪk/ *adj*

علمی

Farzaneh enjoys watching scientific movies.

فرزانه از تماشای فیلم‌های علمی لذت می‌برد.

secret /'si:kɹət/ *adj*

راز، رمز

They have found keys to the secrets of the human body.

آن‌ها کلیدهای رازهای بدن انسان را کشف کرده‌اند.

series /'sɪəri:z \$ 'sɪr-/ *n*

(رادیو و تلویزیون) مجموعه، سریال

Have you watched Amir Kabir TV series?

آیا سریال امیرکبیر را تماشا کرده‌ای؟

serving /'sɜ:vɪŋ \$ 'sɜ:r-/ *n*

[غذا] پُرس

One serving of rice is not enough for them.

یک پُرس برنج برای آن‌ها کافی نیست.

since /sɪns/ *prep*

از، از ... تا حالا، از وقتی که

I've known her since 1980.

من از سال ۱۹۸۰ او را می‌شناسم.

skate /sket/ *v*

اسکیت‌بازی کردن

We went skating in the park.

ما در پارک اسکیت‌بازی کردیم.

ski /ski:/ *v*

اسکی کردن

Can you ski?

می‌تونی اسکی کنی؟

go skiing

اسکی‌بازی کردن

We went skiing in Colorado.

ما در کلرادو اسکی‌بازی کردیم.

smoker /'sməʊkə \$ 'sməʊkər/ *n*

سیگاری

Both Mark's brothers were smokers.

هر دو برادر مارک سیگاری بودند.

Lesson Two

smoking /'sməʊkɪŋ \$ 'smoʊk-/ *n* سیگار کشیدن

Has your father given up smoking? آیا پدرت سیگار را ترک کرده است؟

snack /snæk/ *n* ۱- تنقلات ۲- غذای سرپایی، غذای سبک

They eat unhealthy snacks and junk food.

آن‌ها تنقلات ناسالم و هله هوله می‌خورند.

so far / səʊ fa: \$ sou fa:r/ *adv* تاکنون

What have you done to lose weight so far?

تاکنون برای کاهش وزن چه کاری انجام داده‌ای؟

social /'səʊʃəl \$ 'sou-/ *adj* اجتماعی

You should attend social events.

شما باید در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنید.

sportsperson /'spɔ:ts,pɜ:sən \$ 'spɔ:rts,pɜ:r-/ *n* ورزشکار

Is Sina a sportsperson? آیا سینا ورزشکار است؟

stage /steɪdʒ/ *n* مرحله

Our project is in its final stages. پروژه ما در مراحل پایانی اش است.

stop /stɒp \$ sta:p/ *v* جلوگیری کردن از، دست کشیدن از

They have found ways to stop diseases in the early stages.

آن‌ها شیوه‌هایی برای جلوگیری از بیماری‌ها در مراحل اولیه پیدا کرده‌اند.

stress /stres/ *n* فشار روحی، استرس، تنش

Praying decreases stress. نماز خواندن استرس را کاهش می‌دهد.

take away /teɪk ə'weɪ/ *phr v* کم کردن

One day of smoking can take around 5 hours away from the smoker's life.

یک روز سیگار کشیدن می‌تواند تقریباً ۵ ساعت از عمر سیگاری را کم کند.

take care /teɪk 'keə \$ ker/ *phr v* مواظب بودن، مراقب بودن

Take care when you cross the road... وقتی از خیابان عبور می‌کنی مراقب باش...

take part (in) /teɪk 'pa:t \$ 'pa:rt/ *phr v* شرکت کردن (در)

How many countries took part in the Olympics?

چند کشور در مسابقات المپیک شرکت کردند؟

taste /teɪst/ *n* ۱- سلیقه، ذائقه ۲- مزه، طعم

I don't like the taste of this cheese. من مزه این پنیر را دوست ندارم.

technological /,teknə'lɒdʒɪkəl \$ -'la:z-/ *adj*

تکنولوژیکی، (مربوط به) فن آوری، فنی

Some technological inventions have helped doctors to check people's health condition.

برخی از اختراعات فن آوری به پزشکان کمک کرده است تا وضعیت سلامتی افراد را چک کنند.

technology /tek'nɒlədʒi \$ -'na:z-/ *n* فن آوری، تکنولوژی

Addiction to technology such as using computers for a long time is dangerous.

اعتیاد به تکنولوژی مثل استفاده از کامپیوتر برای مدت طولانی خطرناک است.

the Olympics /ði əʊ'lɪmpɪks \$ -ou -/ *n pl*

بازی‌های المپیک، مسابقات المپیک

Have you ever taken part in the Olympics?

آیا تا به حال در مسابقات المپیک شرکت کرده‌ای؟

towards /tə'wɔ:dz \$ tɔ:rdz, twɔ:rdz/ *prep* ۱- نسبت به

۲- به طرف، به سوی

She's been very kind towards them.

او همیشه نسبت به آن‌ها خیلی مهربان بوده است.

turn round /tɜ:n 'raʊnd \$ tɜ:rn/ *phr v* برگشتن، چرخیدن

Tom, turn round and look at the board.

تام، برگرد و به تخته نگاه کن.

unhealthy /ʌn'helθi/ *adj* ناسالم، مضر

Don't eat unhealthy food such as chips.

غذاهای ناسالم مثل پپس را نخورید.

unimportant /,ʌnɪm'pɔ:tənt \$ -ɔ:r-/ *adj* بی‌اهمیت، کم‌اهمیت

His opinion was unimportant. نظرش بی‌اهمیت بود.

unsafe /,ʌn'seɪf/ *adj* ناامن، خطرناک

The building is unsafe. آن ساختمان ناامن است.

washing machine /'wɒʃɪn məʃi:n \$ 'wa:z-/ *n* ماشین لباسشویی

Turn off the washing machine. ماشین لباسشویی را خاموش کن.

watch out /wɒtʃ aʊt \$ wa:tʃ/ *phr v* مراقب بودن، مواظب بودن

Ted, watch out! The water is hot. تد، مواظب باش! آب داغ است.

weight /weɪt/ *n* وزن
Her weight is 60 kilos. وزنش ۶۰ کیلو است.

win /wɪn/ *v* بردن، برنده شدن
They won the game. آن‌ها مسابقه را بردند.

workout /'wɜ:kəʊt \$ 'wɜ:rk-/ *n* ورزش [تمرین، تمرین بدنی]
Have you done daily workouts? آیا تمرینات روزانه انجام داده‌ای؟

You win. خیلی خوب، باشه، قبول
Okay, you win - we'll go to the movies. باشه قبول - می‌ریم سینما.

You're right. حق با شماست.
You're right; the answer is six. حق با شماست؛ پاسخ شش است.

واژگان کتاب‌کار

addict /'ædɪkt/ *n* معتاد

ahead /ə'hed/ *adv* ۱- در پیش، پیش رو ۲- جلو

as well /æz wel/ *adv* هم، نیز

avoid /ə'vɔɪd/ *v* اجتناب کردن از، جلوگیری کردن از

calorie /'kæləri/ *n* کالری

creative /kri'eɪtɪv/ *adj* خلاق

depression /dɪ'preʃən/ *n* افسردگی

device /dɪ'vaɪs/ *n* وسیله، ابزار

disable /dɪs'eɪbəl/ *v* ناتوان کردن

Do you mind ...? ممکن است لطفاً ...؟

effect /ɪ'fekt/ *n* اثر، تأثیر

enable /ɪ'neɪbəl/ *v* قادر ساختن، امکان دادن به

every other week یک هفته در میان

factory /'fæktəri/ *n* کارخانه

flat /flæt/ *adj* ۱- [لاستیک] پنچر ۲- صاف، مسطح

give somebody a heart attack کسی را سخته دادن، کسی را زهره ترک کردن

groceries /'grəʊsərɪz \$ 'grəʊsrɪz/ *n pl* خواربار

grocery /'grəʊsəri \$ 'grəʊ-/ *n* خواربار فروشی

headset /'hedset/ *n* گوشی، هدست

impatient /ɪm'peɪjənt/ *adj* بی‌حوصله

in particular /ɪn pə'tɪkjələ \$ pə'r'tɪkjələr/ *adv* خصوصاً، به خصوص، به ویژه

indirect /ɪndə'rekt/ *adj* غیرمستقیم

limit /'lɪmɪt/ *v* محدود کردن

look out /lʊk 'aʊt/ *phr v* مواظب بودن، مراقب بودن

mile /maɪl/ *n* مایل (۱۶۰۹ متر)

mind /maɪnd/ *v* ۱- ناراحت شدن از ۲- اهمیت دادن

mineral /'mɪnərəl/ *n* ۱- ماده معدنی ۲- (در جمع) آب معدنی

miracle /'mɪrəkəl/ *n* معجزه

nervous system دستگاه عصبی

note /nəʊt \$ nəʊt/ *n* ۱- یادداشت ۲- توجه

per /pə; pɜ: \$ pər; pɜ:r/ *prep* در، در هر

press /pres/ *v* ۱- اتو کردن ۲- فشار دادن

take sb's blood pressure فشار خون کسی را گرفتن

proportion /prə'pɔ:ʃən \$ -'pɔ:r-/ *n* سهم، بخش

redo /ri:'du:/ *v* دوباره انجام دادن

shut /ʃʌt/ *v* [در و غیره] بستن

smartphone /'smɑ:tfəʊn \$ 'smɑ:rtfəʊn/ *n* گوشی هوشمند

socialize /'səʊʃəlaɪz \$ 'səʊ-/ *v* معاشرت کردن

specialist /'speʃəlɪst/ *n* متخصص، کارشناس

thought /θɔ:t \$ θɑ:t/ *n* اندیشه، فکر

tire /taɪə \$ taɪr/ *n* تایر، لاستیک

unhappy /ʌn'hæpi/ *adj* ناراحت

vacuum cleaner /'vækjəm kli:nə \$ -ər/ *n* جاروبرقی

various /'veəriəs \$ 'ver-/ *adj* مختلف، متنوع

video game /'vɪdiəʊ geɪm \$ -diʊ/ *n* بازی کامپیوتری

wellness /'welnəs/ *n* سلامت، بهداشت

worthy /'wɜ:ði \$ 'wɜ:rði/ *adj* سزاوار، لایق، شایسته



پیشوندها و پسوندها Prefixes and Suffixes

۱- prefix (پیشوند) حرف یا گروهی از حروف هستند که در ابتدای یک کلمه میاد و معنی اون رو تغییر می‌ده و کلمه جدیدی رو به وجود میاره. غیرممکن impossible ممکن possible

پیشوند

پیشوند	معنی	مثال
re-	دوباره، باز-	replay [فیلم] دوباره پخش کردن rewrite دوباره نوشتن، بازنویسی کردن
im-	بی-، نا-، غیر	impolite بی ادب impossible غیرممکن
in-	بی-، نا-، غیر	incomplete ناتمام، ناقص incorrect نادرست
un-	بی-، نا-، غیر	unfortunately متأسفانه uncountable غیرقابل شمارش unimportant بی اهمیت unsafe ناامن
dis-	بی-، نا-، غیر	dislike دوست نداشتن dishonest نادرست، فریب کار disorder بی نظمی، اختلال disagree موافق نبودن، مخالفت کردن
mid-	نیم، میان، وسط	midterm میان ترم، نیم ترم midday وسط روز، نیمروز
anti-	ضد، پاد-	anti-virus (کامپیوتر) ضد ویروس anti-cancer ضد سرطان

حواستون باشه حروفی که در جدول به عنوان پیشوند معرفی شدن، ممکنه در کلمه‌ای جزء خود کلمه باشه و پیشوند به حساب نیاد. مثل:

read خواندن image تصویر، عکس uncle عمو، دایی

۲- suffix (پسوند) حرف یا گروهی از حروف هستند که در انتهای یک کلمه میاد و کلمه جدیدی رو به وجود میاره.

rain باران rainy بارانی

پسوند

پسوند	نقش	مثال
-er	اسم‌ساز	writer نویسنده scanner اسکنر
-or		translator مترجم inventor مخترع
-ness		happiness خوشحالی illness بیماری
-ion		invention اختراع creation آفرینش، خلقت
-ation		invitation دعوت information اطلاعات
-sion		permission اجازه discussion بحث
-ship		relationship ارتباط friendship رابطه دوستانه
-ity		nationality ملیت personality شخصیت
-ist		tourist جهانگرد receptionist مسئول پذیرش
-ful		صفت‌ساز
-ous	dangerous خطرناک famous مشهور	
-y	rainy بارانی healthy سالم	
-al	natural طبیعی cultural فرهنگی	
-ian	Iranian ایرانی Brazilian برزیلی	
-able	valuable باارزش comfortable راحت	
-less	careless بی دقت homeless بی خانمان	
-ive	attractive جذاب active فعال	
-ly	friendly دوستانه daily روزانه	
-ly	قیدساز	

حواستون باشه حروفی که در جدول به عنوان پسوند معرفی شدن، ممکنه در کلمه‌ای جزء خود کلمه باشه و پسوند به حساب نیاد. مثل:

paper کاغذ family خانواده metal فلز

کلاس خصوصی

فب، الان وقتشه بدونی از این همه لغتی که یادگرفتی چه نوع سوالایی از بفش واژگان میاد. انواع سوالای بفش واژگان به صورت زیره:
 ۱- کلمه ناهماهنگ ۲- تصویر ۳- عبارت ۴- جورکردنی ۵- تست ۶- دانش واژگانی ۷- تعریف ۸- مترادف و متضاد
 کلمه ناهماهنگ در این قسمت، سه کلمه از لحاظ معنی یا نوع کلمه (اسم، فعل، صفت و قید بودن) با همدیگه هماهنگن و یکی متفاوته.

healthy lifestyle	سبک زندگی سالم	unhealthy lifestyle	سبک زندگی ناسالم	exercise	ورزش
doing exercise	ورزش کردن	eating junk food	خوردن هله‌هوله	jogging	دو آهسته
eating vegetables	خوردن سبزیجات	eating fast food	خوردن غذای حاضری	walking	پیاده‌روی
eating fruits	خوردن میوه‌ها	eating snacks	خوردن تنقلات	hiking	پیاده‌روی
social life	زندگی اجتماعی	eating candy	خوردن آب‌نبات	swimming	شنا
praying	نماز خواندن، دعا کردن	addiction	اعتیاد	skating	اسکیت‌بازی
checking general health	چک کردن سلامتی عمومی	smoking	سیگار کشیدن	skiing	اسکی‌بازی
hanging out with friends	با دوستان گشتن	being a couch potato	خوره تلویزیون بودن	running	دو
		gaining weight	چاق شدن	cycling	دوچرخه‌سواری
				sailing	قایقرانی
healthy food	غذای سالم	unhealthy food	غذای ناسالم	food	غذا
vegetables	سبزیجات	junk food	هله‌هوله	diet	غذا، رژیم غذایی
fruit	میوه‌ها	fast food	غذای حاضری	meal	غذا، وعده غذا
fish	ماهی	snack	تنقلات	dish	غذا، ظرف
milk	شیر	candy	آب‌نبات	fast food	غذای حاضری
bread	نان	chips	چیپس	serving	غذا [پرس]
medical	پزشکی	take care	مراقب بودن، مواظب بودن	illness	بیماری
medicine	دارو	take care of	مراقبت کردن از	disease	بیماری
drug	دارو	look after	مراقبت کردن از	sick	بیمار
cure	معالجه کردن	watch out	مراقب بودن، مواظب بودن	ill	بیمار
anti-cancer	ضد سرطان	be careful about	مراقب ... بودن	patient	(فرد) بیمار
		protect	محافظت کردن از	depressed	افسرده
				stress	استرس، فشار روحی
				disorder	اختلال، بیماری
				heart attack	حمله قلبی

A Choose the odd one out.

گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید.

- | | | | |
|--------------------|--------------|-----------------|----------------|
| 1. 1) diet | 2) meal | 3) stage | 4) dish |
| 2. 1) stress | 2) disease | 3) heart attack | 4) emotion |
| 3. 1) take care of | 2) watch out | 3) take part in | 4) look after |
| 4. 1) laughter | 2) exercise | 3) addiction | 4) social life |
| 5. 1) habit | 2) drug | 3) cure | 4) medicine |
| 6. 1) hiking | 2) swimming | 3) jogging | 4) praying |

۲ تصویر < سوال تصویر به سه صورت می‌تونه طرح بشه:

۱- هر تصویر رو باید به کلمه یا جمله مربوط به آن وصل کنین.

۲- باید کلمه مربوط به هر تصویر رو بنویسین.

۳- با توجه به تصویر باید جمله‌های ناقص رو کامل کنین.

B Match the pictures with the given words. There is one extra word.

تصاویر را به کلمات داده‌شده وصل کنید. یک کلمه اضافی است.



7.



8.



9.



10.



11.



12.

- a jogging
- b praying
- c sportsperson
- d skating
- e vegetables
- f fire service
- g junk food

C Write correct words under the pictures.

کلمات درست را زیر تصاویر بنویسید.



13. go



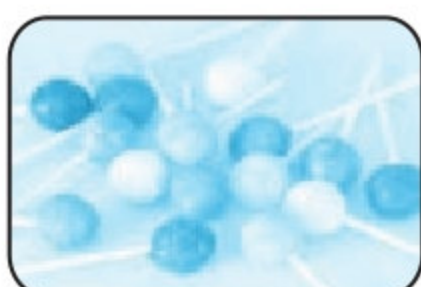
14. c.....



15. a.....



16. d.....



17. c.....



18. o.....

D Complete the sentences using the pictures.

با استفاده از تصاویر، جملات زیر را کامل کنید.

19. is a good food for your health.



20. Everest is the highest in the world.



21. My father becomes a potato during football season.



22. The nurse is measuring my father's now.



عبارت ← از من به شما نصیحت، عبارت‌های هر درس رو یاد بگیرین تا بتونین به این سؤال و بیشتر سؤالای واژگانی پاسخ بدین. در مورد سؤال عبارت، هر عبارت رو نصف میکنن، نصف عبارت رو زیر ستون A و نصف دیگه رو زیر ستون B می‌نویسن و شما باید اونا رو به هم وصل کنین، به همین راحتی (البته به شرطی که عبارت‌های زیر رو بلد باشین!).

a healthy diet	یک رژیم غذایی سالم	fire service	آتش‌نشانی
a balanced diet	یک رژیم غذایی متعادل	go fishing	به ماهی‌گیری رفتن
keep / stay calm	آرام ماندن	go sailing	قایق‌رانی کردن
high blood pressure	فشار خون بالا	No fishing!	ماهی‌گیری ممنوع
be under pressure	تحت فشار بودن	in recent years	در سال‌های اخیر
higher education	تحصیلات عالی	above all	مخصوصاً، از همه مهم‌تر
have a heart attack	دچار حمله قلبی شدن	for sure	یقیناً، مطمئناً
gain weight	چاق شدن، وزن اضافه کردن	for no good reason	بیخود و بی‌جهت
put on weight	چاق شدن، وزن اضافه کردن	Mt. / Mount Everest	کوه اورست
lose weight	وزن کم کردن، لاغر شدن	a main / key factor	یک عامل اصلی
be a couch potato	خوره تلویزیون بودن	general health	سلامت عمومی
measure blood pressure	فشار خون را اندازه گرفتن	physical and emotional health	سلامت جسمی و عاطفی

Match columns A and B. One is extra in column B. ستون A و B را به هم وصل کنید. در ستون B یکی اضافی است.

A

- 23. have high
- 24. people with higher
- 25. be under a lot of
- 26. physical and
- 27. go

B

- a education
- b heart attack
- c pressure at work
- d hiking
- e blood pressure
- f emotional health

جور کردنی، تست و دانش واژگانی ← سؤالای این قسمت به چهار صورت:

۱- مفهومی؛ با توجه به مفهوم جمله پاسخ میدین. مثل سؤالای ۳۰، ۳۳ و ۳۵.

۲- عبارتی؛ قسمتی از عبارت که حذف شده، پاسخ درسته. مثل سؤالای ۲۹، ۳۱، ۳۲ و ۳۴.

۳- سافتاری؛ سافتار کمک میکنه راحت تر پاسخ بدین. مثل سؤال ۲۸ که سافتارش به صورت زیره:

● decrease from B to A

از B به A کاهش یافتن

۴- تعریف؛ براساس تعریف جمله پاسخ میدین. مثل سؤالای ۳۶ و ۳۷.

Lesson Two

F Fill in the blanks with the given words. There is one extra word.

جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید. یک کلمه اضافی است.

addiction - balanced - weight - decreased - improved

28. The number of employees has from 200 to 100.

29. A(n) diet and exercise are both important for health.

30. He is now fighting his to smoking.

31. My friend Helen's gained a lot of recently.

C Choose the best answer.

بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

32. I was under from my parents to become a doctor.

- 1) pressure 2) weight 3) reason 4) condition

33. Unfortunately, the patient's got worse last night.

- 1) education 2) addiction 3) condition 4) emotion

H Fill in the blanks with your own words.

جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

34. For no good they started to laugh.

35. I can't tell you what she said – it's a(n)

36. An amount of food that is enough for one person is called a(n)

37. A(n) potato is a person who spends a lot of time sitting and watching television.

تعریف با توجه به این که کتاب درسی در هر درس، ۵ تا ۷ کلمه رو تعریف کرده و برای اون مثال هم آورده، اهمیت این قسمت مشفمه. پس لطفاً تمرین تعریف این کتاب رو با دقت بنویس. تعریف‌های زیر هم بقیه تعریف‌های مهم درس که از اینا هم سؤال میاد:

a strong need to spend doing a particular activity	نیازی شدید برای صرف انجام فعالیت خاص	addiction
to make a sick person well again	فرد بیمار را دوباره خوب کردن	cure
to spend a lot of time in a place or with someone	زمان زیادی را در یک مکان یا با کسی گذراندن	hang out
to become better or to make something better	بهبود شدن یا چیزی را بهتر کردن	improve
to run slowly for exercise	برای ورزش به آرامی دویدن	jog
to go somewhere or do something quickly	به سرعت به جایی رفتن یا به سرعت کاری را انجام دادن	rush
when a life finishes	وقتی زندگی تمام می‌شود	death
a strong feeling such as love, hate, or anger	احساس قوی مثل عشق، تنفر یا خشم	emotion
teaching people at a school or university	آموزش افراد در مدرسه یا دانشگاه	education
special foods that you eat when you are sick or when you want to get thinner	غذاهای خاصی که وقتی بیمار هستید یا وقتی می‌خواهید لاغرتر شوید می‌خورید	diet

دو نوع سؤال تعریف داریم: ۱- به صورت جمله (مثل سؤال ۳۶ و ۳۷) ۲- وصل کردن (مثل ۳۸ و ۳۹).

Match columns A and B. There are two extra words in column B.

ستون A و B را به هم وصل کنید. در ستون B دو کلمه اضافی است.

A

- 38. the food that you usually eat
- 39. the way that someone behaves and speaks to other people

B

- a manner
- b reason
- c candy
- d diet

مترادف و متضاد: جدول مترادف و متضاد درس دوم:

above all	≡	especially	unsafe	≡	dangerous	produce	≡	make / build
in particular	≡	especially	risk	≡	danger	calm	≡	quiet
cause	≡	make	certain	≡	special / sure	contain	≡	have
depressed	≡	sad / unhappy	dislike	≡	hate	drug	≡	medicine
however	≡	but	look after	≡	take care of	most of the time	≡	usually

مترادف

above	≡	under / below	calm	≡	worried / angry	death	≡	life
decrease	≡	increase	depressed	≡	happy / glad	dislike	≡	like / love
fat	≡	thin	finish	≡	begin / start	exciting	≡	boring
rarely	≡	often	win	≡	lose	excited	≡	bored / calm
physical	≡	mental	produce	≡	destroy	asleep	≡	awake

متضاد

Find the antonyms or synonyms.

متضادها یا مترادفها را پیدا کنید.

- 40. Oranges contain a lot of vitamin C.
- 41. I'll finish painting the room in the morning.

- a measure
- b begin
- c decrease
- d have

نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان

۱- با استفاده از کلمات داده شده، جمله‌های زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

influence - depressed - diet - prevent - medical - measure - recent

- 42. It is easier to disease than to cure it.
- 43. She became deeply when her husband died.
- 44. The number of car accidents has increased in years.
- 45. Eating a balanced will help you stay healthy.
- 46. Actually, many factors a film's success.
- 47. How can we the temperature of the water?

Lesson Two

laughter - cure - risk - absolutely - practice - emotional - maybe

48. The doctors are sure they can his illness.
 49. If you want to play the piano well, you must every day.
 50. "Will you go to the party?" "I don't know."
 51. Smoking can increase the of heart disease.
 52. I heard the sound of in the room next door.
 53. He got very when we said goodbye.

۲- تعریف ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

A

B

54. without worry
 55. to stop something from happening
 56. buying and selling things
 57. relating to the body
 58. happening or starting a short time ago
 59. with all parts existing in the correct amounts
 60. relating to the emotions
 61. the way in which two or more people feel and behave towards each other

- a recent
 b emotional
 c disorder
 d relationship
 e balanced
 f business
 g calm
 h prevent
 i physical

۳- مترادف یا متضاد کلمات مشخص شده را از ستون مقابل پیدا کنید. (یک کلمه اضافی است.)

62. Whatever happens, you must keep calm. ≡
 63. The injury caused him to lose the game. ≡
 64. I'm certain that I've seen her before. ≡
 65. She felt very depressed after losing her job. ≡
 66. We still don't know what caused his death. ≠
 67. The population of this city has decreased. ≠
 68. The baby is asleep in the bedroom. ≠
 69. This isn't a very exciting film. ≠

- a life
 b sure
 c increased
 d happy
 e awake
 f sad
 g boring
 h made
 i quiet

۴- جمله‌های زیر را با نوشتن کلمات مناسب کامل کنید.

70. Don't worry, I'll look the kids tomorrow.
 71. We're working on it right, so it should be ready soon.
 72. What is the height of Everest?
 73. "Are you asleep?" "No, I'm"
 74. I can't talk now – I'll call you later.
 75. NO FISHING means " Fishing is"
 76. He started his homework two hours ago and he still hasn't
 77. John, out! There's a car coming!

۵- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

78. Money will be the main when we decide to buy a new house.

- 1) goal 2) business 3) factor 4) stage

79. He spent a lot of time with his old friends in the park.

- 1) hanging out 2) keeping on 3) turning round 4) taking away

80. Every year thousands of students come to London to their English.

- 1) influence 2) decrease 3) rewrite 4) improve

81. It was a big change in our when we moved to the village.

- 1) mission 2) lifestyle 3) reason 4) reality

82. He is doing research into the between diet and health problems.

- 1) opposite 2) factor 3) relationship 4) pressure

83. He wanted to at 45 because of his illness last year.

- 1) disagree 2) finish 3) retire 4) rush

84. Every large city has people sleeping on the streets.

- 1) emotional 2) homeless 3) social 4) cultural

85. Parents should teach their children to behave in church.

- 1) safely 2) cruelly 3) physically 4) properly

86. Does he have the skills and experience for the job?

- 1) necessary 2) secret 3) exciting 4) recent

87. She has a condition that makes it hard for her to work.

- 1) cultural 2) medical 3) natural 4) normal

88. Fortunately, this new drug can cure your high blood

- 1) heart 2) manner 3) pressure 4) stage

89. This book a lot of useful information about blood pressure.

- 1) gains 2) contains 3) measures 4) influences

90. Bad weather has a lot of problems on the roads.

- 1) retired 2) risked 3) caused 4) finished

B Grammar

زمان حال کامل (ماضی نقلی) Present Perfect

● ماضی نقلی برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته و یا اثر اون رو در زمان حال می‌بینیم.

ساختار فعل ماضی نقلی: (pp) قسمت سوم فعل + have / has

● فعل ماضی نقلی «رفتن» که در فارسی به صورت «رفته‌ام / رفته‌ای / رفته است / رفته‌ایم / رفته‌اید / رفته‌اند» صرف می‌شود در انگلیسی به صورت زیره:

I / You / We / They **have gone**.

من رفته‌ام / تو رفته‌ای / ما رفته‌ایم / آن‌ها رفته‌اند.

He / She / It **has gone**.

او / او / آن رفته است.

Lesson Two

● مخففِ have و has به صورت «s و 've» است. بعد از فاعلِ سوم شخص مفرد (he / she / it / Mina / Reza)، از has و بعد از فاعلِ غیر سوم شخص مفرد (I / You / We / They / Mina and Reza)، از have استفاده کنین.

I've / You've / We've / They've gone.

من رفته ام / تو رفته ای / ما رفته ایم / آنها رفته اند.

He's / She's / It's gone.

او / او / آن رفته است.

● (pp (past participle) به معنی صفت مفعولی همون قسمت سوم فعله که در مورد افعال باقاعده، مثل گذشته ساده، با اضافه کردن ed یا d به شکل ساده فعل ساخته می‌شه ولی در مورد افعال بی‌قاعده، باید با استفاده از جدول افعال بی‌قاعده انتهای کتاب اونا رو حفظ کنین.

افعال باقاعده	clean → cleaned	live → lived	study → studied
افعال بی‌قاعده	go → gone	buy → bought	put → put

● یه مثال از فعل باقاعده wash:

آنها ماشین را شسته اند.

They have washed the car.

● یه مثال از فعل بی‌قاعده write:

او یک نامه نوشته است.

He has written a letter.

● برای منفی کردن، بعد از فعلِ have یا has، «not»، یا فرم مخفف آن «n't» رو میاریم. در پاسخ کوتاه حتماً از فرم مخفف استفاده کنین.

● برای سؤالی کردن، فعل have یا has رو به ابتدای جمله میاریم.

Have they washed the car?

آیا آنها ماشین را شسته اند؟

Yes, they have. They have washed the car.

بله، شسته اند. آنها ماشین را شسته اند.

No, they haven't. They haven't (have not) washed the car.

نه، نشسته اند. آنها ماشین را نشسته اند.

Has he written a letter?

آیا او یک نامه نوشته است؟

Yes, he has. He has written a letter.

بله، نوشته است. او یک نامه نوشته است.

No, he hasn't. He hasn't (has not) written a letter.

نه، ننوشته است. او یک نامه ننوشته است.

● دو کاربرد مهم ماضی نقلی:

۱- برای بیان عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته.



He has lived in Paris for 3 years.

او به مدت ۳ سال است که در پاریس زندگی می‌کند. (هنوز هم زندگی می‌کند).

۲- برای بیان عملی که در گذشته نامعلوم انجام شده ولی اثر اون رو در زمان حال می‌بینیم.

I have seen this film before.

من قبلاً این فیلم را دیده‌ام. (زمان دقیق دیدن فیلم معلوم نیست ولی اثر اون در ذهن شفاف وجود داره).

● قیدای زمان و نشونه‌هایی که با ماضی نقلی به کار می‌ره:

تاکنون so far / اخیراً recently / تاکنون ever / هنوز yet / طول زمان + for / مبدأ زمان + since

۱- since مبدأ زمان و نقطه شروع در گذشته رو نشون میده؛ ولی for طول زمان رو نشون میده. تصور کنین امیر از سال ۱۳۹۰ در بانک استخدام شده و الان که سال ۱۳۹۷ است هنوز داره کار می‌کنه. این رو می‌تونیم به دو صورت نشون بدیم:

Amir has worked in a bank since 1390 / since 7 years ago.

امیر از سال ۱۳۹۰ / از ۷ سال قبل دارد در بانک کار می‌کند.

Amir has worked in a bank for 7 years.

امیر به مدت ۷ سال است که در بانک کار می‌کند.

for و since رو با هم مقایسه کنین:

for	a day	به مدت یک روز
	three days	به مدت سه روز
	the last week	در طول هفته گذشته
	the past 2 weeks	به مدت دو هفته گذشته
	a few months	به مدت چند ماه
	4 hours	به مدت ۴ ساعت
	many years	برای سال‌های طولانی
	twenty minutes	به مدت ۲۰ دقیقه
	a long time	به مدت زیادی

since	yesterday	از دیروز
	three days ago	از سه روز قبل
	last week	از هفته گذشته
	Monday	از دوشنبه
	September	از ماه سپتامبر
	4 o'clock	از ساعت ۴
	1970	از سال ۱۹۷۰
	twenty minutes ago	از ۲۰ دقیقه قبل
	I was ten years old	از وقتی ده سال داشتم

همون طور که در جدول می‌بینین، بعد از since، اسم، عبارت یا جمله میاد. حواستون باشه فعل جمله بعد از since، باید گذشته ساده باشه:

David **hasn't telephoned** since he **left** home at three o'clock. *از وقتی دیوید ساعت سه فانه را ترک کرد، تلفن نکرده است.*

۲- قید زمان yet (هنوز) در انتهای جمله سؤالی و منفی با ماضی نقلی به کار می‌ره:

A: **Have you finished** your homework **yet**? *آیا هنوز تکالیفت را تمام نکرده‌ای؟*

B: No, not yet. I **haven't finished** it **yet**. *نه، هنوز نه. هنوز آن را تمام نکرده‌ام.*

۳- قید زمان ever (تاکنون) در جمله سؤالی و never (هرگز) در جمله خبری با ماضی نقلی به کار می‌رن:

A: **Have you ever been** to London? *آیا تاکنون به لندن رفته‌اید؟*

B: No, I've **never been** there. *نه، من هرگز به آنجا نرفته‌ام.*

۴- قید زمان recently و lately (اخیراً) با ماضی نقلی به کار می‌رن:

I **have talked** to Anna **recently**. *اخیراً با آنا صحبت کرده‌ام.*

Has Mina seen Tim **recently**? *آیا اخیراً مینا تیم را دیده است؟*

۵- فعل ماضی نقلی به همراه ever به صورت «قسمت سوم فعل + ever + have / has» در انتهای جمله با صفت عالی به کار می‌ره:

That was **the most interesting** story (that) I **have ever read**. *آن جالب‌ترین داستانی بود که تا به حال خوانده‌ام.*

I think it's **the worst** film I've **ever seen**. *فکر می‌کنم آن بدترین فیلمی است که تا به حال دیده‌ام.*

تفاوت گذشته ساده و ماضی نقلی:

برای بیان عملی که در گذشته معینی انجام و تمام شده باشه از گذشته ساده استفاده کنین. در گذشته ساده معمولن با قید زمان، زمان دقیق را

مشخص می‌کنیم ولی برای عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داره یا در گذشته نامعلوم انجام شده و اثرش الان وجود داره از

ماضی نقلی استفاده کنین. به عبارتی ماضی نقلی با **زمان حال** در ارتباطه ولی زمان گذشته در گذشته تمام شده.

1. Ted **has lost** his key. He can't find it. *تد کلیدش را گم کرده است. او نمی‌تواند آن را پیدا کند.*

2. Ted **lost** his key last week. He found it yesterday. *تد هفته گذشته کلیدش را گم کرد. او دیروز آن را پیدا کرد.*

در جمله اول تد کلیدش را گم کرده و الان کلید نداره؛ یعنی عمل گم‌شدن کلید در زمان حال ادامه داره. ولی در جمله دوم تد کلیدش را هفته

گذشته گم کرد و دیروز آن را پیدا کرد؛ یعنی عمل گم‌شدن کلید در زمان حال ادامه نداره.

و دو نکته خارج از کتاب که اکثر دبیرا معمولن سر کلاس می‌گن:

۱- قید زمان already (قبلاً) و just (همین الان، تازه) به صورت «قسمت سوم فعل + just / already + have / has» با ماضی نقلی به کار می‌ره.

He **has just done** his homework. *او همین الان تکالیفش را انجام داده است.*

I've **already seen** this movie three times. *من این فیلم را قبلاً سه بار دیده‌ام.*

۲- اگه بخواین عبارت «طول زمان + for» یا «مبدأ زمان + since» رو مورد سؤال قرار بدین، از کلمه پرسشی How long به معنی «چه مدت» استفاده کنین.

A: **How long has** he **lived** in Tehran? *او چه مدت است که در تهران زندگی می‌کند؟*

B: He **has lived** in Tehran **since 1390 / for 6 years**. *او از سال ۱۳۹۰ / به مدت ۶ سال است که در تهران زندگی می‌کند.*

Lesson Two

یادگرفتن نکات جالب زیر هم خالی از لطف نیست:

۱- دو جمله زیر رو با هم مقایسه کنین:

او به پاریس رفته است. (او الان در پاریس است.)

او به پاریس رفته است. (او قبلاً به پاریس رفته و برگشته است.)

۲- شکل فعل have به معنی خوردن و داشتن در زمان ماضی نقلی ممکنه کمی عجیب به نظر برسه:

He **has gone** to Paris.

He **has been** to Paris.

She **has had** her lunch. = She **has eaten** her lunch.

او نهارش را فورده است.

I **have had** my lunch. = I **have eaten** my lunch.

من نهارم را فورده ام.

He **has had** that car for 3 months.

او به مدت ۳ ماه است که آن ماشین را دارد.

We **have had** that car for 3 months.

به مدت ۳ ماه است که آن ماشین را داریم.

افعال مرکب (افعال گروهی) Phrasal Verbs

افعال مرکب افعالی هستن که از دو قسمت (جزء قیدی + فعل) تشکیل شدن.

wake up بیدار کردن، بیدار شدن

جزء قیدی فعل

Turn off the washing machine. It's making too much noise.

ماشین لباسشویی را خاموش کن. داره فیلی سروصدا می‌کنه.

Has your father **given up** smoking?

آیا پدرت سیگار را ترک کرده است؟

برخی از افعال مرکب:

grow up	بزرگ شدن	call back	دوباره تلفن کردن
hurry up	عجله کردن	look for	دنبال ... گشتن
get up	(از خواب) بلند شدن	look after	مراقبت کردن از
wake up	بیدار شدن، بیدار کردن	turn off	[تلویزیون و غیره] خاموش کردن
give up	[سیگار] ترک کردن، دست کشیدن از	turn on	[تلویزیون و غیره] روشن کردن
make up	تشکیل دادن	get off	[اتوبوس و غیره] پیاده شدن
keep on	ادامه دادن	get on	[اتوبوس و غیره] سوار شدن
check in	[هتل] اتاق گرفتن، به پذیرش مراجعه کردن	put on	[لباس] پوشیدن
cut down	[درخت] قطع کردن	take off	[لباس] درآوردن

کلاس خصوصی

الان دقیقاً و قشقه ببینیم چه نوع سوالایی از قسمت گرامر میاد ... انواع سوالایی که میشه طرح کرد به صورت زیره:

۱- تست ۲- شکل صبیح فعل ۳- دانش گرامری ۴- کلمات به هم ریخته ۵- تصویر ۶- اشتباه گرامری ۷- سوال مناسب

تست < تست ماضی نقلی به دو صورت می تونه طرح بشه:

● قیدای زمان یا نشونه های ماضی نقلی (for / since / ever / yet / recently / already / just / so far) یا قیده های زمان گذشته ساده

(yesterday / last week / 2 days ago / on Sunday) رو میدن و از شما فعل ماضی نقلی یا گذشته ساده رو میفوان. مثل سوالای ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۶ و ۹۸.

البته بعضی مواقع هم هیچ نشونه ای نداریم و باید با توجه به مفهوم جمله، فعل مناسب رو انتخاب کنین. در این مورد باید هواستون باشه آگه فعل با زمان حال در

ارتباط باشه، ماضی نقلی درسته ولی آگه فعل در گذشته تمام شده باشه، فعل گذشته ساده درسته مثل سوالای ۹۴ و ۹۷.

● فعل ماضی نقلی رو میدن و با توجه به «طول زمان + for» یا «مبدأ زمان + since» باید since یا for رو انتخاب کنین. مثل سوال ۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۱.

A Choose the best answer.

بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

91. My aunt has lived in Australia 15 years.

1) ever

2) since

3) for

4) yet

92. Ken and Fred to go to the party yet.

- 1) hasn't decided 2) decided 3) have decided 4) have not decided

93. Karen me a nice birthday present last year.

- 1) has given 2) gives 3) was giving 4) gave

94. I my watch. I can't find it anywhere.

- 1) have lost 2) lost 3) lose 4) will lose

95. Jennifer is in her office. She there since 7 o'clock.

- 1) was 2) is 3) have been 4) has been

۲ شکل صحیح فعل < با توجه به قیدای زمان و نشونه‌هایی که در قسمت تست گفتیم، در جای خالی باید فعل ماضی نقلی یا گذشته ساده رو بنویسین. بعضی مواقع هم فقط have یا has فعل ماضی نقلی رو میدن و از شما قسمت سوم فعل رو می‌خوان. نکته دیگه این که هاستون باشه بعد از since، از فعل گذشته ساده استفاده کنین.

۳ Write the correct form of the verbs in brackets.

شکل صحیح فعل‌های داخل پرانتز را بنویسید.

96. His parents have a big house. They their house for two and a half years. (have)

97. "Where is Liz?" "She's not here. She out." (go)

98. My brother to us since he to Italy last month. (not write / travel)

۳ دانش گرامری < سوال دانش گرامری به دو صورت می‌تونه طرح بشه:

● have یا has فعل ماضی نقلی که حذف شده رو باید بنویسین.

● فعل جمله، ماضی نقلیه و در جای خالی باید for یا since رو بنویسین. در این مورد آگه مبدأ زمان مطرح باشه، since و آگه طول زمان مطرح باشه، for بنویسین.

۴ Fill in the blanks with your own words.

جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

99. Catherine works in a bank. She has worked there five years ago.

100. He's been in hospital a few weeks.

101. Mr. Johnson worked for this company since 1990?

۴ کلمات به هم ریخته < هاستون باشه موقع مرتب کردن، آگه جمله سوالی بود، have یا has رو به ابتدای جمله بیارین و در مورد جمله منفی، بعد از have

یا has از not استفاده کنین. عبارت «طول زمان + for» یا «مبدأ زمان + since» رو هم در انتهای جمله می‌نویسیم. ever هم که معمولن در جمله سوالی به

صورت «Have you ever / Has he ever» به کار می‌ره.

۵ Unscramble the following sentences.

جمله‌های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

102. you / ever / cooked / for / friend / dinner / have / your / ?

103. bike / not / yet / fixed / his / sister's / Andy / has / old / .

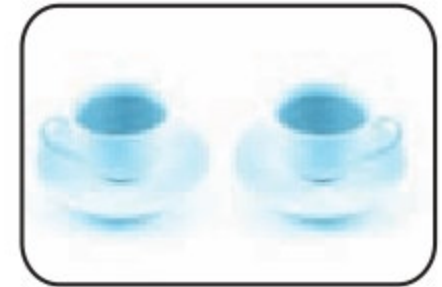
۵ تصویر < با توجه به تصویر پاسخ بدین.

۶ Look at the pictures and answer the questions.

به تصاویر نگاه کنید و به سوال‌ها پاسخ دهید.

104. Why can't he open the door?





105. How much coffee have you drunk today?

.....

اشتباه گرامری ← از لفاظ گرامری، فعل «ماضی نقلی یا گذشته ساده» و «for یا since» درست استفاده نشده و باید اصلاح بشه.

Find the mistakes in the following sentences and correct them.

اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آنها را تصحیح کنید.

106. I have not seen Peter for I arrived last Tuesday.

.....

107. "Have you done your homework yet?" "Yes, I have finished it an hour ago."

.....

108. George lives in California. He lived there for almost twenty years.

.....

سؤال مناسب ← آگه زیر «طول زمان + for» یا «مبدأ زمان + since» فط کشیده شده باشه، از کلمه پرسشی How long به معنی «چه مدت» استفاده کنین.

Make suitable questions for the following answers.

برای پاسخ‌های زیر سؤال مناسب بنویسید.

109. ?

My aunt has been ill for a long time.

110. ?

I haven't eaten anything since 9 o'clock.

نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر

۱- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

111. My grandfather has been in Ireland

- 1) since two weeks 2) for two weeks ago 3) since three day ago 4) for three days

112. Linda has a headache. She a headache since she got up this morning.

- 1) has had 2) have had 3) has 4) had

113. Mr. Lee in a bank for 15 years. Then he gave it up. Now he works as a gardener.

- 1) works 2) have worked 3) has worked 4) worked

114. Jane and I are friends. I her for a long time.

- 1) know 2) knew 3) have known 4) has known

115. We ready for Helen's birthday yet.

- 1) have gotten 2) got 3) haven't gotten 4) don't get

116. Where yesterday evening?

- 1) are you 2) were you 3) have you been 4) has you been

117. "Where are my glasses?" "I don't know. I them."

- 1) don't see 2) hasn't seen 3) haven't seen 4) didn't see

118. I English to the children from 2007 to 2011.

- 1) has taught 2) have taught 3) teach 4) taught

119. My little sister has had her dog five months ago.

- 1) since 2) for 3) from 4) ever

120. A: has your mother been in hospital? B: Since Monday morning.

- 1) How many 2) How much 3) When 4) How long

۲- شکل صحیح فعل‌های داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

121. My parents to my math teacher yet. (speak)

122. My cousin very busy recently. (be)

123. My older sister lives in Paris. She there since 3 years ago. (live)

124. Jack and I our homework an hour ago. (do)

125. I haven't any coffee today - I feel very sleepy! (have)

126. When I home last night, I was very tired and to bed early. (get / go)

۳- هر جمله را با استفاده از دانش گرامری خود کامل کنید.

127. John has been sick a long time. He has been in hospital October.

128. A: When you arrive? B: At ten thirty.

129. My aunt been a teacher for ten years, and she still enjoys it.

130. I can't go out because I finished my work yet.

131. Frank bought his bike last May. So he has had it 4 months.

132. "..... you ever been to Thailand?" "No, I"

۴- با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید.

133. me / your / booked / London / a / flight / father / to / has / for / ?

134. older / not / shopping / has / brother / done / my / the / yet / .

135. your / ever / elephant / ridden / parents / have / on / an / ?

136. helped / friend / job / since / has / me / a lot / my / I / lost / my / .

137. not / her / time / long / seen / mother / has / who / for / a / ?

Lesson Two

۵- با توجه به تصاویر به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

138. What has your little sister done?



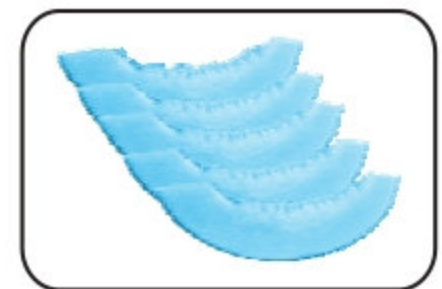
.....

139. Who has sent Tom a letter?



.....

140. How many slices of melon have your children eaten?



.....

141. How much milk have you bought?



.....

142. Where has your uncle been since Wednesday?



.....

۶- اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

143. Bill worked in that company for 3 years. He still works there.

144. William Shakespeare has lived from 1564 to 1616. He was a writer and wrote many poems.

145. We have planned our holiday yet.

146. My daughter has read eleven books for last weekend.

147. Jason and Clara has been friends for more than 10 years.

148. A: Where do you live? B: In Boston. A: How long did you live there? B: Five years.

A: Where did you live before that? B: In Chicago. A: And how long did you live in Chicago? B: Two years.

۷- برای پاسخ‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

149.?

I have seen this film three times.

150.?

Cindy has had her car for only five months.

151.?

My parents have invited my friends to my birthday party.

152.?

We haven't called our aunt since April.

153.?

My friend and I haven't seen Mr. Parker since Monday.

C Conversation

Sina and Behzad are old friends. They have not seen each other for about three months. Behzad has called Sina.

سینا و بهزاد دوستان قدیمی هستند. آن‌ها به مدت تقریباً سه ماه است که یکدیگر را ندیده‌اند. بهزاد به سینا تلفن کرده است.

Behzad: Hi Sina. How is it going? I haven't seen you since Norooz. سلام سینا. چه طوری؟ از نوروز تو را ندیده‌ام.

Sina: Hi, Behzad. Thanks for calling. I am home most of the time. I do different things like surfing the Net and playing computer games.

سلام بهزاد. ممنونم به خاطر تلفنت. من اکثر اوقات فونم‌ام. کارهای مختلفی انجام میدم؛ مثل گشتن در اینترنت و انجام بازی‌های رایانه‌ای.

Behzad: How about your free time? Going out, jogging, playing football, ...?

وقت آزادت چه طور؟ بیرون رفتن، آهسته دویدن، بازی فوتبال، ...؟

Sina: Nope. I rarely go out and hang out with my friends. نه. به ندرت بیرون میرم و با دوستانم می‌گردم.

Behzad: I see. Reza and I are going to Darband for climbing and walking this Thursday. We really like to see you. Will you come with us?

که این طور. من و رضا این پنج‌شنبه برای کوه‌نوردی و پیاده‌روی داریم میریم در بند. واقعاً دوست داریم تو را ببینیم. با ما می‌ای؟

Sina: What?! Oh, no, I haven't gone there for a long time. I prefer to stay home and watch my movies on the weekend.

I've bought lots of things to eat, too.

چی؟ اوه، نه، مدتی طولانی که اونجا نرفتم. ترجیح میدم تعطیلات آخر هفته رو فونم بمونم و فیلم‌هام رو نگاه کنم. چیزای زیادی برای خوردن هم فریده‌ام.

Behzad: Come on! Stop being a couch potato! I guess you haven't exercised for a long time. I think you are a bit fat now.

ایلا! این همه فوراً تلویزیون نباش! عذس می‌زنم مدت طولانی که ورزش نکرده‌ای. فکر می‌کنم الان کمی چاق هستی.

Sina: Um..... actually, you're right. I've gained five kilos in three months. I really do not like to move!

اوم... در واقع حق با توه. ظرف ۳ ماه ۵ کیلو اضافه کرده‌ام. واقعاً دوست ندارم حرکت کنم.

Behzad: See? I told you. Working with computers for a long time makes people sick and depressed. I've read about this somewhere.

که این طور؟ من که بهت گفته بودم. کارکردن با کامپیوتر برای مدت زیاد آدم رو مریض و افسرده می‌کنه. یه جایی این رو خوندم.

Sina: All right. You won! ... When and where should we meet?! بسیار فب. تو بردی! ... کی و کجا باید همدیگر رو ببینیم؟!

Lesson Two

A Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

154. What are Behzad and Reza going to do in Darband?

.....

155. How long hasn't Behzad seen Sina?

.....

B Choose the correct answer .

گزینه درست را انتخاب کنید.

156. According to the conversation, Sina spends a lot of time

- | | |
|-----------------------|---------------------------------|
| 1) going out | 2) hanging out with his friends |
| 3) climbing mountains | 4) watching television |

157. Which one is NOT true about Sina?

- 1) He likes surfing the Net at home.
- 2) He doesn't prefer staying home to going to Darband.
- 3) He's gained a lot of weight.
- 4) He doesn't enjoy going out, jogging, and playing football.

158. Which one is TRUE about Sina?

- 1) He's never gone to Darband.
- 2) He has invited Behzad to come with him to Darband.
- 3) He hasn't exercised for a long time.
- 4) He's very energetic.

True or False?

درست یا نادرست؟

159. Working for a long time has made Sina sick and depressed.

A) True B) False

160. Norooz was about three months ago.

A) True B) False

161. Sina never goes out and hangs out with his friends.

A) True B) False

نمونه سؤال امتحانی مکالمه

Complete the following conversation between Helen and her doctor using the given words. There is one extra word.

مکالمه زیر بین هلن و دکترش را با استفاده از کلمات داده شده کامل کنید. یک کلمه اضافی است.

suggestions - stop - fruits - healthy - diet - exercise - junk - else

Helen: Doctor, can you give me some162..... on how to stay healthy?

Doctor: Well, first of all, you need to make sure that you eat the163..... food.

Helen: What are the best foods to eat?

Doctor: You should eat fresh164....., vegetables, bread and milk.

Helen: What shouldn't I eat?

Doctor: You shouldn't eat too much sugar and165..... food. You need to166..... eating fatty foods.

Helen: What167..... is important to stay healthy?

Doctor: You need to get plenty of168..... every day. If you smoke, you need to stop.

Helen: Thanks a lot for your useful advice.

Doctor: You're welcome.

D Reading

Reading Strategy

روش skimming (نگاه اجمالی انداختن)

● در درس اول، روش scanning رو برای پاسخ دادن به سؤالی درک مطلب یاد گرفتین. در این درس هم با روش skimming آشنا میشین. هر دو روش به معنی «نگاه اجمالی انداختن» است؛ با این تفاوت که در روش scanning، نگاه اجمالی به متن میندازین تا اطلاعات خاص یا همون کلمات کلیدی (مثل اعداد، اسامی و کلمات خاص) رو در متن پیدا کنین؛ ولی در روش skimming، متن رو سریع می خونین تا عنوان (topic) یا ایده اصلی (main idea) متن رو پیدا کنین.

◀ **topic (عنوان متن):** در واقع عنوان اصلی متنه که در بالای هر متنی می نویسن. عنوان متن ساده است و میتونه یک کلمه یا عبارت باشه. برای تشخیص topic کافیست پرسیم متن درباره چیست؟ جواب همیشه topic.

◀ **main idea (ایده اصلی متن):** در واقع موضوع اصلی است که نویسنده در متن به آن پرداخته و سعی داره اون رو توضیح بده. برخلاف topic که یه کلمه یا عبارتته، main idea یه جمله یا بنده. برای تشخیص main idea کافیست پرسیم مهم ترین چیزی که نویسنده درباره عنوان می گه چیست؟ جواب همیشه main idea. حواستون باشه main idea، موضوع اصلی و کلی متنه و نه موضوعات جزئی متن. پس در سؤال چهارگزینه ای، گزینه ای که زیاد جزئی، نمی تونه main idea باشه؛ هر چند عیناً در قسمتی از متن اومده باشه و گزینه ای به عنوان main idea درسته که کلی باشه.

● برای پیدا کردن main idea مراحل زیر رو دنبال کنین:

۱- عنوان متن رو بخونین.

۲- به تصاویر نگاه کنین.

۳- جمله های اول هر پاراگراف رو بخونین.

۴- سریع بخونین. کلمه به کلمه نخونین بلکه عبارت به عبارت یا جمله به جمله بخونین. جزئیات مهم نیستن.

۵- عبارت یا جمله ای که جزئی نیست و کلی است رو به عنوان main idea متن انتخاب کنین.

حواستون باشه main idea می هر پاراگراف معمولن در جمله اول و گاهی اوقات در جمله دوم بیان میشه ولی main idea می کل متن، در جمله اول پاراگراف اول و دوم و بعضی اوقات نیز main idea می مشترک تمام پاراگرافاست. گاهی اوقات هم ممکنه main idea در جمله آخر باشه.

● صورت سؤال topic و main idea در سؤالی چهارگزینه ای به صورت زیره:

What is the subject / topic of the passage?

موضوع / عنوان این متن چیست؟

What is the best title for this passage?

بهترین عنوان برای این متن چیست؟

The best title for the passage is / would be

بهترین عنوان برای این متن است.

What is the main idea of the passage?

ایده اصلی این متن چیست؟

The passage is mainly about

این متن عمدتاً درباره است.

What is the passage mainly about?

این متن عمدتاً درباره چیست؟

What does the passage mainly discuss?

این متن عمدتاً در مورد چه چیزی بحث می کند؟

Lesson Two

Having a Healthier and Longer Life

Have you ever thought of a healthy lifestyle to live longer? People can do many things to have a healthier life. Most people have a special diet or do lots of exercise; however, without a careful plan they may hurt themselves.

To have a healthier lifestyle, people need to do certain things. First they should check their general health. Measuring blood pressure and heartbeat is the most important thing to do. They also need to check their family health history. In this way, they understand if anyone in the family has had a special illness.

Another thing is paying attention to physical health. For example, eating healthy food helps people live longer and prevents diseases. Eating junk food makes people gain weight and increases the risk of heart attack. Eating balanced servings of bread, vegetables, fruits, protein, and oil is necessary for everyone. Also, daily exercises improve people's health condition.



An effective way to enjoy a better lifestyle is having healthy relationships with others. Recent research has shown that a good social life decreases the risk of death. Sadly, some people do not visit their relatives very often these days. They are so busy with their work and usually use technology to communicate.

Bad habits and addiction can be harmful to health. One day of smoking can take around 5 hours away from the smoker's life. Addiction to technology such as using computers for a long time is also dangerous.

Above all, the most important thing for having a good life is having emotional health. Praying decreases stress and gives people a calm and balanced life. People with this lifestyle have had a better life.

There are many other things people can do to live healthier and longer. The key point, however, is having a plan for the way they want to live and take care of their physical and emotional health.

A Choose the correct answer.

گزینه درست را انتخاب کنید.

169. What is the main idea of the passage?

- | | |
|------------------------------------|--|
| 1) Thinking of a healthy lifestyle | 2) What to do to have a healthy life |
| 3) How to check our general health | 4) Paying attention to physical health |

170. What's the main idea of paragraph three?

- 1) Paying attention to physical health is necessary for a healthy life.
- 2) Paying attention to our food is necessary for our physical health.
- 3) Daily exercises improve people's health condition.
- 4) Eating junk food increases the risk of heart attack.

171. What is paragraph four mainly about?

- 1) A good social life can decrease the risk of death.
- 2) Having a healthy relationship with others makes our lives better.
- 3) Some people use technology to communicate.
- 4) Some people do not visit their relatives very often.

B True or False?

درست یا نادرست؟

172. Having a healthy and long life needs a careful plan.

A) True B) False

173. The main idea of paragraph six is "Praying gives people a healthy life".

A) True B) False

174. Paragraph 5 is mainly about "Smoking is harmful to health."

A) True B) False

Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

175. What is the main idea of paragraph six?

176. What's the topic of paragraph five?

نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن

A: Cloze Test

Read the following passage and then choose the correct answers. متن زیر را بخوانید و سپس پاسخ‌های درست را انتخاب کنید.

We all want to be strong and healthy. You can do many things to have a healthier life. Doing lots of177..... and eating a healthy178..... help you to stay healthy.

Watching TV a lot or playing computer games won't keep you179....., but playing sports will. You can join a club or play with your friends in a park. If you don't like team sports, you can walk to school, go swimming or trying skating180..... . Regular exercise makes you feel stronger and gives you more energy.



Chocolate, candies and chips are fun to eat sometimes, but it is not good to eat them every day. These foods181..... too much sugar, fat or salt. Make sure you eat vegetables with every meal, and plenty of fruit, too. Fruit and vegetables help you stay healthy and grow strong.

- | | | | |
|-------------------|--------------|------------|-------------|
| 177. 1) education | 2) exercise | 3) manner | 4) reason |
| 178. 1) candy | 2) factor | 3) diet | 4) stress |
| 179. 1) healthy | 2) social | 3) harmful | 4) homeless |
| 180. 1) even | 2) anymore | 3) instead | 4) still |
| 181. 1) prevent | 2) influence | 3) improve | 4) contain |

B: Reading Comprehension

Read the following passage and then answer the questions. متن زیر را بخوانید و سپس به سؤال‌ها پاسخ دهید.

There are many things you can do to have a healthy life. Many people know that eating healthy food and exercising are two of them. Something else people can do is to spend time outside, in nature. Doing these simple things can help you to have a better life now and will help you to live longer and happier in the future.

One of the best things you can do for your body is doing exercise. People exercise to keep healthy. They also exercise to lose weight. Doing exercise can be fun and can make you feel good. But how much is enough? Some people think that doing simple things like cleaning the house are helpful and enough. Other people do heavy exercise every day such as running or swimming. One thing scientists agree on is that any kind of exercise is good for you.

Lesson Two

Having a healthy diet can help improve people's health condition. You should eat foods like fresh fruits and vegetables several times each day. Eating foods with a lot of sugar, salt and fat is harmful for your body. Try not to eat junk food such as candy, potato chips, and soda. They are not good for your health because they contain high amounts of fat or sugar.

Being outside has positive effects on human health. Spending time outside can also help decrease the chance of gaining weight. People are inactive inside. But when people are outside they are active. This activity can help control weight. It also decreases stress.

A Choose the correct answer.

گزینه درست را انتخاب کنید.

182. What's the topic of the passage?

- 1) Going Outside 2) Eating Healthy Food 3) Doing Exercise 4) Having a Healthy Life

183. The word "it" in the last line refers to

- 1) stress 2) weight 3) activity 4) inside

B True or False?

درست یا نادرست؟

184. The main idea of paragraph 2 is "how to lose weight".

- A) True B) False

185. We understand from the passage that being outside helps you not to be fat.

- A) True B) False

C Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

186. What is paragraph 3 mainly about?

187. What makes you feel good?

E Pronunciation

استرس (تکیه = فشار صوت) Stress

در مورد فعل‌های دو کلمه‌ای (فعل‌های مرکب) کلمه دوم تکیه داره ولی در برخی موقعیت‌ها مثل مواقع اضطراری و امری، هر دو کلمه تکیه دار هستن. برای مثال کلمه watch out در جمله اول، فقط کلمه دوم یعنی out تکیه داره ولی در جمله دوم هر دو کلمه تکیه دارن.

1. If you don't watch **out** you may fall. اگر مواظب نباشی ممکنه بیفتی.

2. **Watch out!** the man has a gun. مواظب باش! آن مرد تفنگ داره.

در جملات امری زیر، هر دو کلمه تکیه دار هستن.

Watch out!	مواظب باش!	Come back!	برگرد!
Look out!	مواظب باش!	Hurry up!	عجله کن!
Take care!	مواظب باش!	Turn round!	برگرد!
Sit down!	بنشین!	Wake up!	بیدار شو!
Go away!	برو، از این جا برو!	Stand up!	بلند شو، پاشو!

نمونه سؤال امتحانی تلفظ

در کدام یک از جمله‌های زیر، هر دو کلمه‌ای که زیر آن‌ها خط کشیده شده، تکیه‌دار هستند؟

188. When you cross the street, watch out for cars.
189. Watch out! You're going to hit that car!
190. Hurry up! It's too late.
191. If we don't hurry up we'll miss our flight.
192. Sit down! Eat your food!
193. It's raining so take care when you drive home.
194. What time did you wake up this morning?
195. Wake up! Your breakfast is ready.
196. Go away! Leave me alone!

F Writing

اسم مصدر / Gerund

اسم مصدر با اضافه کردن ing به فعل ساده ساخته میشه و در جمله مثل اسم عمل می‌کنه.

شناکردن | swimming | ing + شکل ساده فعل → اسم مصدر

اسم مصدر مثل اسم می‌تونه به عنوان فاعل، مفعول فعل یا مفعول حرف اضافه به کار بره.

اسم مصدر به عنوان فاعل:

دویدن او را خسته کرد.

Running made him tired.

فاعل

اسم مصدر همیشه مفرده پس هرگاه اسم مصدر، فاعل جمله باشه، مثل فاعل سوم شخص مفرد (He، She، It)، بعد از اون، فقط فعل مفرد

(is، was، helps، makes) استفاده میشه.

شنا برای همه مفید است.

Swimming is useful for everyone.

فعل مفرد
فاعل

Reading helps us learn English.

فعل مفرد
فاعل

فوائدن به ما کمک می‌کند انگلیسی یاد بگیریم.

ولی اگه دو اسم مصدر یا بیشتر به عنوان فاعل داشته باشیم، بعد از اونا فقط از فعل جمع (are، were، help، make) استفاده کنیم.

Cycling and Jogging are my favorite sports.

فاعل
فعل جمع

دو پرفه سواری و آهسته دویدن ورزش‌های مورد علاقه من هستند.

بعد از اسم مصدر، می‌تونین از اسم نیز استفاده کنیم.

عکس گرفتن سرگرمی او است.

Taking photos is her hobby.

اسم مصدر
اسم

در تابلوها معمولاً از (اسم مصدر + NO) استفاده می‌کنن که ممنوع بودن چیزی رو می‌رسونه:

NO SMOKING!

استعمال دخانیات ممنوع!

NO PARKING!

پارک ممنوع!

NO FISHING!

ماهی‌گیری ممنوع!

Lesson Two

۲ اسم مصدر به عنوان مفعول فعل:

بعد از افعال زیر، از اسم مصدر استفاده کنین:

like	دوست داشتن	keep (on)	ادامه دادن
love	عاشق ... بودن، دوست داشتن	imagine	تصور کردن
dislike	بد آمدن از، دوست نداشتن	begin	شروع کردن
enjoy	لذت بردن از	start	شروع کردن
hate	متنفر بودن از	finish	تمام کردن
prefer	ترجیح دادن	stop	[سیگار و ...] ترک کردن، دست کشیدن از
prevent	جلوگیری کردن از	quit	[سیگار و ...] ترک کردن، دست کشیدن از
avoid	اجتناب کردن از	give up	[سیگار و ...] ترک کردن، دست کشیدن از
try	امتحان کردن	practice	تمرین کردن
suggest	پیشنهاد کردن	spend	[وقت] صرف کردن

I **enjoy** swimming.

من از شنا کردن لذت می برم.

I have **finished** painting the room.

من رنگ زدن اتاق را تمام کرده ام.

● برای توصیف فعالیت های تفریحی معمولاً از (اسم مصدر + go) استفاده می کنن:

go fishing	به ماهی گیری رفتن	go jogging	آهسته دویدن
go swimming	به شنا رفتن	go sailing	قایق رانی کردن
go skating	اسکیت بازی کردن	go biking	دوچرخه سواری کردن
go skiing	اسکی بازی کردن	go running	برای دویدن رفتن، دویدن

Yesterday, we **went** biking.

دیروز دوچرخه سواری کردیم.

Let's **go** shopping.

بیا بریم خرید.

۳ اسم مصدر به عنوان مفعول حرف اضافه:

بعد از حروف اضافه از اسم مصدر استفاده کنین:

in - on - at - by - of - for - from - after - before - with - without - about - to - against

I am tired **of** washing the dishes.

من از شستن ظرف ها خسته ام.

اسم مصدر حرف اضافه

He is good **at** speaking and writing German.

او در صحبت کردن و نوشتن آلمانی مهارت دارد.

● برای منفی کردن اسم مصدر، قبل از اسم مصدر از **not** استفاده کنین:

He enjoys **not** working.

او از کار نکردن لذت می برد.

The best thing for your health is **not** smoking.

بهترین چیز برای سلامتی ات سیگار نکشیدن است.

● و نکته آخر این که اسم مصدر رو با حال استمراری و گذشته استمراری اشتباه نگیرین:

Maryam's favorite hobby **is** writing poems.

سرگرمی مورد علاقه مریم نوشتن شعر است.

اسم مصدر فعل

Maryam **is** writing a poem now.

مریم الان دارد شعر می نویسد.

فعل حال استمراری

My father's favorite sport **was** playing football.

ورزش مورد علاقه پدرم بازی فوتبال بود.

اسم مصدر فعل

He **was** playing football when I called.

وقتی تلفن کردم او داشت فوتبال بازی می کرد.

فعل گذشته استمراری

کلاس خصوصی

چه نوع سوالی از قسمت نگارش میاد؟

۱- کلمه ناقص ۲- کلمه ناهماهنگ ۳- تست ۴- شکل صحیح فعل ۵- کلمات به هم ریخته ۶- تصویر ۷- اشتباه گرامری ۸- سوال مناسب

📌 **کلمه ناقص** دو نوع سوال کلمه ناقص داریم:

● در بخش املا یک تا سه حرف از کلمه مورد نظر حذف می‌شود. موقع تمرین، هواستون به قواعدی که در درس اول گفتیم باشه.

حروف جافتاده را بنویسید.

A Write the missing letters.

197. Stop being a co _ ch potato! I g _ ess you haven't e _ ercised for a long time.

198. Meas _ ring blood pres _ ure and h _ artbeat is the most important thing to do.

199. Eating bal _ nced servings of vegetables, fruits, and prote _ n is ne _ es _ ary for everyone.

200. Re _ ent research has shown that a good so _ ial life decre _ ses the risk of death.

201. Ad _ iction to tec _ nology such as using computers for a long time is also dangero _ s.

202. You should take c _ re of your p _ ysical and emo _ ional he _ lth.

● با توجه به مفهوم جمله، باید کلمه به هم ریخته رو درس بزنین.

B Unscramble the given words.

کلمات به هم ریخته را مرتب کنید.

203. It's a good idea to ask your doctor to check your blood (psreersu) each visit.

204. She has the ability to keep (cmal) in an emergency.

205. It is important to eat meat or eggs, because they (cnnoati) protein and vitamins.

206. Don't let your children become (cohuc) potatoes. Watching TV a lot is harmful to their eyes.

207. This medicine will (ceur) your cold.

208. A healthy (dtei) contains plenty of fresh fruit and vegetables.

📌 **کلمه ناهماهنگ** دو نوع سوال کلمه ناهماهنگ داریم:

● چهار کلمه داریم که به ing فتم شدن، یکی یا سه تا از اونا اسم مصدرن. پس هواستون باشه هر کلمه ای که به ing فتم میشه، نمی تونه اسم مصدر باشه، مثل evening.

C Choose the odd one out.

گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید.

209. 1) exercising 2) surprising 3) amazing 4) interesting

210. 1) fishing 2) nothing 3) anything 4) something

211. 1) jogging 2) sailing 3) spring 4) joining

212. 1) ring 2) sing 3) bring 4) taking

● در یک جمله چند کلمه داریم که به ing فتم شدن و از شما می‌فوان که اسم مصدر رو مشخص کنین. هواستون باشه (فعل ing دار + is / was) ممکنه فعل استمراری باشه.

D Underline the gerunds in the following sentences.

در جمله‌های زیر، زیر اسم مصدر خط بکشید.

213. He was thinking of climbing Mount Damavand in spring.

214. She is talking about traveling to some amazing countries during the summer.

215. An interesting sport is hiking in the morning.

216. Do you prefer surfing the Net and watching TV to going out and playing football?

Lesson Two

- ۳ تست** < موقع پاسخ‌دادن به تست و سؤال شکل صحیح فعل، هرگاه یکی از موارد زیر وجود داشت، اسم مصدر یعنی فعل **ing** دار می‌نویسیم:
- آگه جای فالی بعد از برقی افعال مثل «**finish, like, ...**» یا بعد از هروف اضافه مثل «**about, of, ...**» باشه، مثل سؤالی ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۲ و ۲۲۳.
 - آگه جای فالی در ابتدای جمله باشه. در این مورد، فعل بعد، معمولاً **make** یا «**is, was, are, were**» است. مثل سؤالی ۲۱۹، ۲۲۰ و ۲۲۱.
 - هواستون باشه بعضی مواقع برای این که کمی سؤال رو سفت تر کنن، قبل از این جمله، عبارت «**I think**» یا «**I believe**» میارن. مثل سؤال ۲۲۰.
 - آگه جای فالی بعد از فعل **go** (go, goes, went, has gone, ...) باشه مثل سؤال ۲۲۴.

Choose the best answer.

بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

217. Their mother hasn't finished the kitchen yet.

- 1) cleans 2) cleaning 3) has cleaned 4) to clean

218. I'm tired of TV - let's go out.

- 1) to watch 2) watch 3) have watched 4) watching

219. by train is cheap and safe.

- 1) Travel 2) Traveling 3) Travels 4) Have traveled

220. I think fast food makes you fat.

- 1) eat 2) eating 3) ate 4) have eaten

۴ شکل صحیح فعل < همون توضیحاتی که برای تست گفتیم!

Write the correct form of the verbs in brackets.

شکل صحیح فعل‌های داخل پرانتز را بنویسید.

221. a new language is necessary for every student. (know)

222. Could you please stop so much noise? (make)

223. Karen isn't interested in for a new job. (look)

224. It's a nice day. Let's go (swim)

۵ کلمات به هم ریخته < موقع مرتب کردن، هواستون باشه بعد از برقی افعال مثل «**finish, like ...**» یا بعد از هروف اضافه مثل «**about, of, ...**»، فعل **ing** دار بنویسین ولی آگه به جای برقی از افعال و هروف اضافه، فعل **make** یا فعل **to be** داشتیم، اول فعل **ing** دار رو در ابتدای جمله بنویسین بعد بقیه جمله رو کامل کنین. در آخر هم هواستون باشه آگه جمله سؤالیه، فعل کمکی رو بیارین اول جمله.

Unscramble the following sentences.

جمله‌های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

225. cooking / sister / good / is / really / older / at / my / .

.....

226. I / home / can / working / not / imagine / at / .

.....

227. him / tired / will / by / travelling / make / car / ?

.....

۶ تصویر < آگه در صورت سؤال، فعل **make** یا فعل **to be** داشتیم، با توجه به تصویر، فعل **ing** دار رو در ابتدای جمله می‌نویسیم و بعد بقیه جمله رو؛ مثل سؤال ۲۲۸. ولی آگه برقی افعال مثل «**finish, like, ...**» داشتیم، موقع پاسخ‌دادن، با توجه به تصویر، بعد از این افعال، فعل **ing** دار مناسب یعنی اسم مصدر رو می‌نویسیم؛ مثل سؤال ۲۲۹.

Look at the pictures and answer the questions.

به تصاویر نگاه کنید و به سؤال‌ها پاسخ دهید.

228. What has made John happy?



229. What does Mr. White dislike?



اشتباه گرامری بعد از برخی افعال مثل «like, finish, ...» یا بعد از حروف اضافه مثل (about, of, ...)، به جای اسم مصدر، شکل دیگری از فعل اومده که باید شکل درست اون رو بنویسین.

Find the mistakes in the following sentences and correct them.

اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

230. I am thinking about invite my friends to my birthday party.

231. He dislikes to live in that apartment because it is far from the town.

سؤال مناسب آگه زیر فعل ing دار در اول جمله (یعنی فاعل جمله) فقط به باش What رو در ابتدای جمله می‌نویسیم؛ مثل سؤال ۲۳۲.

ولی آگه فعل ing دار که زیرش فقط کشیده، اول جمله نباشه، به باش What رو در ابتدای جمله می‌نویسیم و بعد بقیه جمله رو سوالی می‌کنیم مثل سؤال ۲۳۳.

Make suitable questions for the following answers.

برای پاسخ‌های زیر سؤال مناسب بنویسید.

232. Eating vegetables is good for your health.

233. Mary enjoys listening to music.

نمونه سؤال‌های امتحانی نگارش

۱- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

234. My father stopped because it was harmful for his health.

- 1) smoked 2) smokes 3) smoking 4) has smoked

235. in this river is dangerous for young children.

- 1) Swam 2) Swimming 3) Swim 4) Have swum

236. My friend crossed the road without

- 1) looked 2) has looked 3) to look 4) looking

237. My little sister her math homework yet.

- 1) hasn't finished doing 2) didn't finish to do 3) don't finish doing 4) hasn't finished to do

238. He has to practice so that he can his test.

- 1) driving / passes 2) drive / passing 3) drives / pass 4) driving / pass

Lesson Two

239. Richard has a small boat and he often goes

- 1) sailing 2) sail 3) to sail 4) has sailed

240. When I'm on vacation, I enjoy to get up early.

- 1) don't have 2) not to have 3) not having 4) haven't had

241. She is tired so much homework. She needs a break.

- 1) from writing 2) from write 3) of write 4) of writing

242. George dislikes the dishes, so he often eats out.

- 1) washes 2) washing 3) to wash 4) has washed

243. He should up, it's not good for his health.

- 1) give / smoking 2) gives / to smoke 3) give / to smoke 4) gives / smoking

244. I think English for a long time has made him tired.

- 1) practice 2) has practiced 3) practiced 4) practicing

245. My sister is very interested a new language.

- 1) in learning 2) to learning 3) in learn 4) to learn

۲- شکل صحیح فعل‌های داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

246. We thanked him for our questions honestly. (answer)

247. Can you imagine a thousand dollars? (win)

248. Everyone knows that "Hello" is a nice way of a conversation. (say / start)

249. His older brother is good at and French. (speak / write)

250. I think football for 4 hours has made him tired. (play)

251. I went before breakfast this morning. (jog)

۳- با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید.

252. on / at / being / for / students / school / is / time / necessary / the / .

.....

253. you / bedroom / cleaning / sister's / finished / your / younger / have / ?

.....

254. is / doctor / in / interested / becoming / a / she / .

.....

255. smoking / was / it / for / her / to / hard / quit / .

.....

256. is / about / studying / John / thinking / abroad / .

.....

257. needs / Spanish / practice / to / speaking / she / .

.....

۴- با توجه به تصاویر به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

258. What has made your friend so happy?



259. What is forbidden in this bus?



260. What made your mother tired?



261. What does your cousin enjoy at weekends?



۵- اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

262. I'm sorry I can't come to your party but thank you for invited me.

263. Jim is 65, but he isn't going to retire yet. He wants to keep on to work.

264. She's a very interesting person. I always enjoy talk to her.

265. I'm tired of studies on the weekend.

266. Helen's two-year-old sister likes play with her toys in the bathroom.

267. Mrs. Hamidi finished to type the letters and left the office.

۶- برای پاسخ‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

268.?

Understanding the lesson was difficult for my friend.

269.?

My sister is thinking about inviting her friends to her birthday party.

270.?

My uncle has given up smoking recently.

271.?

My friend is going to practice writing English.

پاسخ نامه تشریحی

- stage - ۱ stage به معنی «مرحله» است ولی بقیه به معنی «غذا» هستند.
- emotion - ۲ emotion به معنی «احساس» است ولی بقیه به ترتیب، «استرس، بیماری و حمله قلبی»، با بیماری در ارتباطند.
- take part in - ۳ take part in به معنی «شرکت کردن در» است ولی بقیه به معنی «مراقبت کردن از، مراقب بودن و مراقبت کردن از» مترادفند.
- addiction - ۴ addiction به معنی «اعتیاد» مربوط به سبک زندگی ناسالمه و بار منفی داره ولی بقیه به ترتیب، «فنده، ورزش و زندگی اجتماعی» مربوط به سبک زندگی سالمه و بار مثبت داره.
- habit - ۵ habit به معنی «عادت» است ولی بقیه به ترتیب، «دارو، معالجه و دارو» مربوط به دارو و درمانند.
- praying - ۶ praying به معنی «نماز خواندن و دعا کردن» است ولی بقیه به ترتیب، «پیاده روی، شنا و دو آهسته» ورزشند.
- junk food - ۷ (هله هوله)
- sportsperson - ۸ (ورزشکار)
- fire service - ۹ (آتش نشانی)
- jogging - ۱۰ (دو آهسته)
- skating - ۱۱ (اسکیت بازی)
- praying - ۱۲ (نماز خواندن، دعا کردن)
- go sailing - ۱۳ (قایق رانی کردن)
- cycle / cycling - ۱۴ (دوچرخه سواری کردن، دوچرخه سواری)
- asleep - ۱۵ (خوابیده، خواب)
- drug - ۱۶ (دارو)
- candy - ۱۷ (آب نبات)
- onion - ۱۸ (پیاز)
- Laughter - ۱۹ خنده غذایی خوب برای سلامتی شما است.
- Mount / mountain - ۲۰ کوه اورست مرتفع ترین کوه در جهان است.
- couch - ۲۱ پدرم در طول فصل فوتبال خوره تلویزیون می شود.
- blood pressure - ۲۲ پرستار الان دارد فشار خون پدرم را اندازه می گیرد.
- (e) - ۲۳ فشار خون بالایی داشتن
- (a) - ۲۴ افراد با تحصیلات عالی
- (c) - ۲۵ سر کار تحت فشار زیادی بودن
- (f) - ۲۶ سلامت جسمی و عاطفی
- (d) - ۲۷ پیاده روی کردن
- decreased - ۲۸ تعداد کارمندان از ۲۰۰ نفر به ۱۰۰ نفر کاهش یافته است.
- balanced - ۲۹ یک رژیم غذایی متعادل و ورزش هر دو برای سلامتی مهم هستند.
- addiction - ۳۰ او الان دارد با اعتیادش به سیگار مبارزه می کند.
- weight - ۳۱ دوستم هلمن اخیراً خیلی زیاد چاق شده است.
- گزینه «۱» - ۳۲ من از طرف والدینم تحت فشار بوده ام تا دکتر شوم.

متأسفانه، دیشب وضعیت بیمار بدتر شد.
 آن‌ها بیخود و بی‌جهت شروع کردند به خندیدن.
 آن‌چه را که او گفت نمی‌توانم به شما بگویم - آن یک راز است.
 مقدار غذایی که برای یک نفر کافی است یک پُرس نامیده می‌شود.
 خوره تلویزیون کسی است که زمان زیادی را می‌نشیند و تلویزیون تماشا می‌کند.
 (غذا، رژیم غذایی) غذایی که معمولاً می‌خورید
 (رفتار) شیوه‌ای که کسی با افراد دیگر رفتار یا صحبت می‌کند
 پرتقال ویتامین C زیادی دارد.

contain داشتن = have دارای ... بودن، داشتن

finish تمام کردن ≠ begin شروع کردن

صبح رنگ‌زدن اتاق را تمام خواهیم کرد.
 پیشگیری از بیماری از درمان آن راحت‌تر است.
 بعد از این‌که شوهرش فوت کرد به شدت افسرده شد.
 در سال‌های اخیر تعداد تصادفات ماشین افزایش یافته است.
 خوردن غذای متعادل به سالم نگه‌داشتن شما کمک خواهد کرد.
 در واقع، عوامل زیادی در موفقیت یک فیلم تأثیر دارد.
 چه‌طور می‌توانیم دمای آب را اندازه بگیریم؟
 پزشکان مطمئن هستند که می‌توانند بیماری‌اش را درمان کنند.
 اگر می‌خواهید به خوبی پیانو بنوازید باید هر روز تمرین کنید.
 «آیا به مهمانی می‌ری؟» «نمی‌دونم. شاید.»
 سیگار کشیدن می‌تواند خطر بیماری قلبی را افزایش دهد.
 در اتاق بغلی صدای خنده شنیدم.
 وقتی خدا حافظی می‌کردیم خیلی احساساتی شد.
 (آرام) بدون نگرانی
 (جلوگیری کردن از) مانع از اتفاق افتادن چیزی شدن
 (تجارت، دادوستد) خرید و فروش کالا
 (جسمی) مربوط به بدن
 (اخیر) مدت زمان کوتاهی قبل، اتفاق افتادن یا شروع شدن
 (متعادل) با تمام قسمت‌هایی که در مقادیر مناسب وجود دارد
 (احساساتی، عاطفی) مربوط به احساسات
 (ارتباط) شیوه‌ای که در آن دو نفر یا بیشتر نسبت به هم احساس و رفتار می‌کنند
 هر اتفاقی بیفتد شما باید آرام بمانید.

calm آرام، ساکت = quiet

cause باعث شدن، موجب شدن = make باعث ... شدن، باعث شدن

۳۳ - گزینه «۳»

reason - ۳۴

secret - ۳۵

serving - ۳۶

couch - ۳۷

diet - ۳۸

manner - ۳۹

have - ۴۰

begin - ۴۱

prevent - ۴۲

depressed - ۴۳

recent - ۴۴

diet - ۴۵

influence - ۴۶

measure - ۴۷

cure - ۴۸

practice - ۴۹

Maybe - ۵۰

risk - ۵۱

laughter - ۵۲

emotional - ۵۳

calm - ۵۴

prevent - ۵۵

business - ۵۶

physical - ۵۷

recent - ۵۸

balanced - ۵۹

emotional - ۶۰

relationship - ۶۱

quiet - ۶۲

made - ۶۳



sure - 64

مطمئنم که او را قبلاً دیده‌ام.

certain = sure مطمئن

sad - 65

او بعد از دست دادن شغلش خیلی احساس افسردگی می‌کرد.

depressed غمگین، ناراحت = sad افسرده، غمگین

life - 66

ما هنوز نمی‌دانیم چه چیزی باعث مرگش شد.

death مرگ ≠ life زندگی

increased - 67

جمعیت این شهر کاهش یافته است.

decrease افزایش دادن، کاهش یافتن، کاهش دادن ≠ increase

awake - 68

بچه در اتاق خواب خوابیده است.

asleep خوابیده، خواب ≠ awake بیدار

be asleep خواب بودن

boring - 69

این فیلم خیلی هیجان‌انگیزی نیست.

exciting هیجان‌انگیز ≠ boring کسل‌کننده، فسته‌کننده

after - 70

نگران نباش، من فردا از بچه‌ها مراقبت می‌کنم.

now - 71

ما همین الان داریم بر روی آن کار می‌کنیم، بنابراین باید به زودی آماده شود.

Mount - 72

ارتفاع کوه اورست چه قدر است؟

awake - 73

«خوابی؟» «نه، بیدارم.»

back - 74

من الان نمی‌توانم صحبت کنم - بعداً دوباره به شما تلفن می‌کنم.

forbidden - 75

«ماهی‌گیری ممنوع» به معنی «ماهی‌گیری ممنوع است» می‌باشد.

finished - 76

او دو ساعت قبل تکالیفش را شروع کرد و هنوز تمام نکرده است.

watch - 77

جان، مراقب باش! یه ماشین داره میاد!

گزینه ۳ - 78

وقتی ما تصمیم می‌گیریم یک خانه نو بخریم، پول عامل اصلی خواهد بود.

گزینه ۱ - 79

او وقت زیادی را به گشتن با دوستان قدیمی‌اش در پارک صرف کرد.

گزینه ۴ - 80

هر سال هزاران دانشجو برای بهتر کردن انگلیسی‌شان به لندن می‌آیند.

گزینه ۲ - 81

وقتی به روستا نقل مکان کردیم، آن تغییر بزرگی در سبک زندگی مان بود.

گزینه ۳ - 82

او دارد در مورد ارتباط بین رژیم غذایی و مشکلات سلامتی تحقیق می‌کند.

گزینه ۳ - 83

او سال گذشته می‌خواست به خاطر بیماری‌اش در سن ۴۵ سالگی بازنشسته شود.

گزینه ۲ - 84

هر شهر بزرگ افراد بی‌خانمانی دارد که در خیابان‌ها می‌خوابند.

گزینه ۴ - 85

والدین باید به کودکانشان یاد بدهند که در کلیسا درست رفتار کنند.

گزینه ۱ - 86

آیا او مهارت‌ها و تجربه لازم برای آن شغل را دارد؟

گزینه ۲ - 87

او وضعیت پزشکی‌ای دارد که کار کردن را برای او دشوار می‌کند.

گزینه ۳ - 88

خوشبختانه این داروی جدید می‌تواند فشار خون بالای شما را درمان کند.

گزینه ۲ - 89

این کتاب حاوی اطلاعات مفید زیادی درباره فشار خون است.

گزینه ۳ - 90

آب و هوای بد باعث مشکلات زیادی در جاده‌ها شده است.

گزینه ۳ - 91

عمه‌ام به مدت ۱۵ سال در استرالیا زندگی کرده است.

عبارت «۱۵ سال»، طول زمان رو می‌رسونه پس for درسته. ولی آله عبارت «15 years ago» که مبدأ زمان رو می‌رسونه داشتیم، since درست بود.

گزینه ۴ - 92

کین و فِرد هنوز برای رفتن به مهمانی تصمیم نگرفته‌اند.

yet با فعل منفی ماضی نقلی به کار می‌ره. عبارت «Ken and Fred» سوم شخص جمع، پس have درسته.

۹۳- گزینه «۴» کارن سال گذشته یک هدیه جشن تولد قشنگی به من داد.

قید زمان *last year*، با فعل گذشته به کار می‌ره. چون عمل هدیه‌دادن در *یہ لفظہ اتفاق افتادہ*، پس گذشته استمراری (*was giving*) نمی‌تونه درست باشه.

۹۴- گزینه «۱» ساعتیم را گم کرده‌ام. نمی‌توانم آن را هیچ‌جا پیدا کنم.

هیچ قید و نشونه‌ای نداریم؛ پس با توجه به معنی پاسخ می‌دیم. عمل گم‌شدن ساعت در گذشته اتفاق افتاده و هنوز در زمان حال ادامه داره، پس ماضی نقلی درسته.

۹۵- گزینه «۴» جنیفر در دفترش است. او از ساعت ۷ آن‌جا است.

عبارت *«since 7 o'clock»*، با ماضی نقلی به کار می‌ره. فاعل *She* سوم شخص مفرد، پس *has* درسته.

۹۶- *have had* والدینش خانه بزرگی دارند. آن‌ها به مدت دو سال و نیم است که خانه‌شان را دارند.

عبارت *«for two and a half years»*، با ماضی نقلی به کار می‌ره. فاعل *They* سوم شخص جمع، پس *have had* درسته.

۹۷- *has gone* «لیز کجاست؟» «او این‌جا نیست. او بیرون رفته است.»

هیچ قید و نشونه‌ای نداریم؛ پس با توجه به معنی پاسخ می‌دیم. با توجه به این‌که عمل بیرون‌رفتن در گذشته اتفاق افتاده و تا زمان حال ادامه داشته، ماضی نقلی درسته.

۹۸- *has not written - traveled* برادرم از وقتی ماه گذشته به ایتالیا سفر کرد برای ما نامه ننوشته است.

عبارت *«جمله گذشته + since»*، با ماضی نقلی (*has not written*) به کار می‌ره. جمله بعد از *since* نیز باید گذشته ساده (*traveled*) باشه.

۹۹- *since* کاترین در یک بانک کار می‌کند. او از پنج سال قبل در آن‌جا کار کرده است.

عبارت *«five years ago»*، مبدأ زمان رو می‌رسونه پس *since* درسته. ولی آگه عبارت *«five years»* که طول زمان رو می‌رسونه داشتیم، *for* درست بود.

۱۰۰- *for* او به مدت چند هفته است که در بیمارستان است.

عبارت *«a few weeks»*، طول زمان رو می‌رسونه پس *for* درسته. ولی آگه عبارت *«a few weeks ago»* که مبدأ زمان رو می‌رسونه داشتیم، *since* درست بود.

۱۰۱- *Has* آیا آقای جانسون از سال ۱۹۹۰ برای این شرکت کار کرده است؟

عبارت *«مبدأ زمان + since»*، با ماضی نقلی (*has worked*) به کار می‌ره. جمله سؤالیه و *has* به ابتدای جمله رفته.

Have you ever cooked dinner for your friend?

۱۰۲- آیا تا به حال برای دوستت شام درست کرده‌ای؟

آگه *for* وجود نداشت، به صورت زیر درست بود:

Have you ever cooked your friend dinner?

آیا تا به حال برای دوستت شام درست کرده‌ای؟

Andy has not fixed his sister's old bike yet.

۱۰۳- اندی هنوز دوچرخه قدیمی خواهرش را تعمیر نکرده است.

۱۰۴- چرا او نمی‌تواند در را باز کند؟

He can't open the door because he has lost his key.

او نمی‌تواند در را باز کند چون کلیدش را گم کرده است.

۱۰۵- شما امروز چه قدر قهوه خورده‌اید؟

I have drunk two cups of coffee today.

من امروز دو فنجان قهوه خورده‌ام.

I have not seen Peter since I arrived last Tuesday.

۱۰۶- من از سه‌شنبه گذشته که رسیدم پیتر را ندیده‌ام.

عبارت *«جمله گذشته + since»*، با ماضی نقلی (*have not seen*) به کار می‌ره.

"Have you done your homework yet?" "Yes, I finished it an hour ago."

۱۰۷-

«تکالیف را هنوز انجام نداده‌ای؟» «بله، یک ساعت پیش آن را تمام کردم.»

عبارت *«an hour ago»*، با گذشته ساده (*finished*) به کار می‌ره.

George lives in California. He has lived there for almost twenty years.

۱۰۸-

جرج در کالیفرنیا زندگی می‌کند. او به مدت تقریباً بیست سال است که در آن‌جا زندگی می‌کند.

عبارت *«(for almost twenty years)»*، با فعل ماضی نقلی (*has lived*) به کار می‌ره.

How long has your aunt been ill?

۱۰۹- چه مدت عمهات بیمار بوده است؟

او مدتی طولانی بیمار بوده است.

How long haven't you eaten anything?

۱۱۰- چه مدت است که چیزی نخورده‌اید؟

من از ساعت ۹ چیزی نخورده‌ام.

۱۱۱- گزینه «۴» پدر بزرگم به مدت سه روز است که ایرلند است.

عبارت «طول زمان + for»، با ماضی نقلی (has been) به کار می‌رود.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگر هم درست بود؛

1) since two weeks ago 2) for two weeks ago 3) since three days ago

۱۱۲- گزینه «۱» لیندا سردرد دارد. او از وقتی امروز صبح از خواب بلند شد سردرد دارد.

عبارت «جمله گذشته + since»، یعنی «since she got up this morning» با ماضی نقلی (has had) به کار می‌رود.

۱۱۳- گزینه «۴» آقای لی به مدت ۱۵ سال در یک بانک کار کرد. بعد او کارش را ترک کرد. الان او به عنوان باغبان کار می‌کند.

با توجه به این که عمل کار کردن در بانک در گذشته تمام شده و با حال در ارتباط نیست، فعل گذشته ساده (worked) درسته. آگه جمله دوم و سوم رو نداشتیم، با توجه به

این که «طول زمان + for»، یعنی «for 15 years» با ماضی نقلی به کار می‌رود، گزینه سه هم می‌تونست درست باشه.

۱۱۴- گزینه «۳» من و جین دوست هستیم. برای مدتی طولانی است که او را می‌شناسم.

عبارت «طول زمان + for»، یعنی «for a long time» با ماضی نقلی (have known) به کار می‌رود.

۱۱۵- گزینه «۳» ما هنوز برای جشن تولد هلن آماده نشدیم.

قید زمان yet، با فعل منفی ماضی نقلی به کار می‌رود.

۱۱۶- گزینه «۲» شما دیروز عصر کجا بودید؟

قید زمان «yesterday evening»، با گذشته ساده (were) به کار می‌رود.

۱۱۷- گزینه «۳» «عینکم کجاست؟» «نمی‌دانم. آن را ندیده‌ام.»

هیچ قید و نشونه‌ای نداریم؛ پس با توجه به این که عمل ندیدن عینک در گذشته شروع شده و الان یعنی در زمان حال نیز ادامه داره، فعل ماضی

نقلی (haven't seen) درسته. فاعل «I» غیر سوم شخص مفرد، پس haven't درسته.

۱۱۸- گزینه «۴» من از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ به بچه‌ها انگلیسی یاد دادم.

عبارت «from 2007 to 2011» نشون میده که عمل درس دادن انگلیسی در گذشته انجام و تمام شده؛ پس فعل گذشته ساده (taught) درسته.

۱۱۹- گزینه «۱» خواهر کوچکم از پنج ماه پیش سگش را دارد.

عبارت «مبدأ زمان + since»، با ماضی نقلی (has had) به کار می‌رود.

۱۲۰- گزینه «۴» «مادرت چه مدت است که در بیمارستان است؟» «از دوشنبه صبح.»

آگه بفواین عبارت «طول زمان + for» یا «مبدأ زمان + since»، در این جا «since Monday morning» رو مورد سؤال قرار بدین، از کلمه پرسشی How long به

معنی (چه مدت) استفاده کنین.

۱۲۱- haven't spoken والدینم هنوز با معلم ریاضی صحبت نکرده‌اند.

قید زمان yet، با فعل منفی ماضی نقلی به کار می‌رود. عبارت «my parents = my father and my mother = they» سوم شخص جمع، پس haven't درسته.

۱۲۲- has been اخیراً عموزاده‌ام خیلی گرفتار بوده است.

قید زمان recently، با فعل ماضی نقلی (has been) به کار می‌رود. عبارت «my cousin = he/she» سوم شخص مفرد، پس has درسته.

۱۲۳- has lived خواهر بزرگ‌ترم در پاریس زندگی می‌کند. او از سه سال پیش دارد آن جا زندگی می‌کند.

عبارت «مبدأ زمان + since»، با ماضی نقلی (has lived) به کار می‌رود.

۱۲۴- did من و جک تکالیفمان را یک ساعت پیش انجام دادیم.

قید زمان «an hour ago»، با فعل گذشته ساده (did) به کار می‌رود.

- ۱۲۵ - had من امروز هیچ قهوه‌ای نخورده‌ام - خیلی خوابم می‌آید.
 فعل ماضی نقلی به صورت «قسمت سوم فعل + have/has not» در این‌جا «haven't had» است.
- ۱۲۶ - got - went وقتی دیشب به خانه رسیدم، خیلی خسته بودم و زود به رختخواب رفتم.
 قید زمان «last night»، با فعل گذشته ساده (got/went) به کار می‌ره.
- ۱۲۷ - for / since جان مدت زیادی بیمار بوده است. او از ماه اکتبر در بیمارستان است.
 عبارت «طول زمان + for» در این‌جا «for a long time» و «مبدأ زمان + since» در این‌جا «since October» با ماضی نقلی در این‌جا «has been» به کار می‌ره.
- ۱۲۸ - did «شما کی رسیدید؟» «ساعت ده و نیم.»
 با توبه به مفهوم جمله، ساعت ده و نیم مربوط به گذشته است. در زمان گذشته، برای سوالی کردن از did استفاده می‌کنیم و فعل بعد رو به صورت ساده (arrive) می‌نویسیم.
- ۱۲۹ - has عمه‌ام به مدت ده سال است که معلم است و هنوز از آن لذت می‌برد.
 عبارت «طول زمان + for»، یعنی «for ten years» با ماضی نقلی و گذشته به کار می‌ره، با توبه به جمله دوم که می‌گه «هنوز از کارش لذت می‌برد» با زمان حال در ارتباط پس ماضی نقلی «has been» درسته.
- ۱۳۰ - haven't من نمی‌توانم بیرون بروم چون هنوز کارم را تمام نکرده‌ام.
 قید yet، با فعل منفی ماضی نقلی به کار می‌ره. فاعل «I» غیر سوم شخص مفرد، پس haven't یا have not درسته.
- ۱۳۱ - for فرانک دو چرخه‌اش را ماه مه گذشته خرید. بنابراین به مدت ۴ ماه است که آن را دارد.
 عبارت «طول زمان + for»، یعنی «for 4 months» با ماضی نقلی (has had) به کار می‌ره.
- ۱۳۲ - Have / haven't «آیا تا به حال به تایلند رفته‌اید؟» «نه، نرفته‌ام.»
 قید ever، با ماضی نقلی به کار می‌ره. فاعل «you» غیر سوم شخص مفرد، پس Have درسته. در پاسخ کوتاه منفی باید از فرم مفف استفاده کنیم پس haven't درسته.
- ۱۳۳ - آیا پدرت پروازی به لندن را برای من رزرو کرده است؟
 ۱۳۴ - برادر بزرگ‌ترم هنوز خرید نکرده است.
 ۱۳۵ - آیا والدینت تاکنون سوار فیل شده‌اند؟
 ۱۳۶ - از وقتی کارم را از دست دادم دوستم خیلی به من کمک کرده است.
 ۱۳۷ - چه کسی مادرش را برای مدتی طولانی ندیده است؟
 ۱۳۸ - خواهر کوچکت چه کاری انجام داده است؟
 او یک شمع کشیده است.
 ۱۳۹ - چه کسی برای تام یک نامه فرستاده است؟
 هلن برای او یک نامه فرستاده است.
 ۱۴۰ - بچه‌های شما چند قاچ خربزه خورده‌اند؟
 آن‌ها پنج قاچ خربزه خورده‌اند.
 ۱۴۱ - شما چه قدر شیر خریده‌اید؟
 من سه بطری شیر خریده‌ام.
 ۱۴۲ - از چهارشنبه عمویت کجا بوده است؟
 او از چهارشنبه در فرانسه بوده است.
 ۱۴۳ - Bill has worked in that company for 3 years. He still works there.
 بیل به مدت ۳ سال در آن شرکت کار کرده است. او هنوز آن‌جا کار می‌کند.
 جمله‌ای که عبارت «طول زمان + for» دارد، در این‌جا «for 3 years»، آنگه با زمان حال در ارتباط باشه (الان هم در آن شرکت کار می‌کند)، با ماضی نقلی (has worked) به کار می‌ره.

William Shakespeare **lived** from 1564 to 1616. He was a writer and wrote many poems. ۱۴۴-

ویلیام شکسپیر از سال ۱۵۶۴ تا سال ۱۶۱۶ زندگی کرد. او یک نویسنده بود و شعرهای زیادی نوشت.
عبارت «from 1564 to 1616» نشون میده که عمل زندگی کردن در گذشته انجام و تمام شده پس فعل گذشته ساده (lived) درسته.

We have **not** planned our holiday yet. ۱۴۵- ما هنوز تعطیلاتمان را برنامه ریزی نکرده ایم.

قید زمان yet، با فعل منفی ماضی نقلی (have not planned) به کار می ره.

My daughter has read eleven books **since** last weekend. ۱۴۶- دخترم از تعطیلات آخر هفته گذشته یازده کتاب خوانده است.

عبارت «last weekend»، مبدأ زمان رو می رسونه پس since درسته.

Jason and Clara **have** been friends for more than 10 years. ۱۴۷- جیسون و کلارا به مدت بیش از ۱۰ سال است که دوست هستند.

فاعل «Jason and Clara = They» غیر سوم شخص مفرد، پس have درسته.

A: Where do you live? B: In Boston. A: How long **have you lived** there? B: Five years. ۱۴۸-

A: Where did you live before that? B: In Chicago. A: And how long did you live in Chicago? B: Two years.

«کجا زندگی می کنی؟» «در بوستون.» «چه مدت است که آن جا زندگی می کنی؟» «پنج سال.»

«قبل از آن کجا زندگی کردی؟» «در شیکاگو.» «و چه مدت در شیکاگو زندگی کردیدی؟» «دو سال.»

با توجه به این که هنوز در بوستون زندگی می کنه، و فعل ماضی نقلی با زمان حال در ارتباطه، فعل ماضی نقلی (have lived) درسته ولی عمل زندگی کردن در شیکاگو در

گذشته به مدت دو سال انجام و تمام شده پس فعل گذشته ساده درست استفاده شده.

How many times have you seen this film? ۱۴۹- چند بار این فیلم را دیده اید؟

سه بار این فیلم را دیده ام.

How long has Cindy had her car? ۱۵۰- چه مدت است که سندی ماشینش را دارد؟

او به مدت فقط پنج ماه است که ماشینش را دارد.

اگر بفواین عبارت «طول زمان + for» یا «مبدأ زمان + since»، در این جا «for only five months» رو مورد سؤال قرار بدین، از کلمه پرسشی How long به

معنی «چه مدت» استفاده کنین.

Who has invited your friends to your birthday party? ۱۵۱- چه کسی دوستانت را به مهمانی جشن تولدت دعوت کرده است؟

والدینم دوستانم را به مهمانی جشن تولدم دعوت کرده اند.

اگر بفواین فاعل انسان رو مورد سؤال قرار بدین، فقط باید کلمه پرسشی Who رو به جای فاعل در ابتدای جمله بنویسین. هواستون باشه بعد از Who، هتمن باید از

فعل مفرد (در این جا has) استفاده کنین.

Whom haven't you called since April? ۱۵۲- از ماه آوریل به چه کسی تلفن نکرده اید؟

از ماه آوریل به عمه مان تلفن نکرده ایم.

اگر بفواین مفعول انسان رو مورد سؤال قرار بدین، باید کلمه پرسشی Who یا Whom رو به جای مفعول در ابتدای جمله بنویسین و باقی جمله رو باید سوالی کنین.

How long haven't your friend and you seen Mr. Parker? ۱۵۳- چه مدت است که شما و دوست آقای پارکر را ندیده اید؟

من و دوستم از دوشنبه آقای پارکر را ندیده ایم.

اگر بفواین عبارت «طول زمان + for» یا «مبدأ زمان + since»، در این جا «since Monday» رو مورد سؤال قرار بدین، از کلمه پرسشی How long به معنی «چه

مدت» استفاده کنین.

۱۵۴- بهزاد و رضا قصد دارند در دربند چه کار کنند؟

They are going to climb and walk in Darband. آنها قصد دارند در دربند کوه نوردی و پیاده روی کنند.

- ۱۵۵- چه مدت است که بهزاد سینا را ندیده است؟
 Behzad (He) hasn't seen Sina (him) for about three months. بهزاد (او) تقریباً به مدت سه ماه است که سینا (او) را ندیده است.
- ۱۵۶- گزینه «۴»
 طبق مکالمه، سینا وقت زیادی را صرف تماشای تلویزیون می‌کند.
- ۱۵۷- گزینه «۲»
 کدام‌یک در مورد سینا درست نیست؟ او ماندن در خانه را به رفتن به دریند ترجیح نمی‌دهد.
- ۱۵۸- گزینه «۳»
 کدام‌یک در مورد سینا درست است؟ او برای مدتی طولانی ورزش نکرده است.
- ۱۵۹- False
 کار کردن برای مدت زیاد سینا را بیمار و افسرده کرده است.
- ۱۶۰- True
 نوروز حدود سه ماه پیش بود.
- ۱۶۱- False
 سینا هرگز بیرون نمی‌رود و با دوستانش نمی‌گردد.
- ۱۶۲- suggestions
 دکتر، ممکنه چند پیشنهاد در مورد نحوه سالم ماندن به من بدهید؟
- ۱۶۳- healthy
 خوب، قبل از هر چیز، شما باید مطمئن شوید که غذای سالم می‌خورید.
- ۱۶۴- fruits
 بهترین غذاها برای خوردن چه هستند؟ شما باید میوه‌های تازه، سبزیجات، نان و شیر بخورید.
- ۱۶۵- junk
 چه چیزی نباید بخورم؟ شما نباید خیلی زیاد شکر و هله‌هوله بخورید.
- ۱۶۶- stop
 شما باید از خوردن غذاهای پرچرب دست بردارید.
- ۱۶۷- else
 چه چیز دیگری برای سالم ماندن مهم است؟
- ۱۶۸- exercise
 شما باید هر روز مقدار زیادی ورزش کنید. اگر سیگار می‌کشید، باید ترک کنید.
 برای توصیه مفیدتان بسیار متشکرم. خواهش می‌کنم.

داشتن زندگی سالم‌تر و طولانی‌تر

آیا تاکنون به یک سبک زندگی سالم برای بیشتر عمر کردن فکر کرده‌اید؟ افراد می‌توانند برای داشتن زندگی سالم‌تر کارهای زیادی انجام دهند. اکثر افراد رژیم غذایی خاصی دارند یا ورزش زیادی انجام می‌دهند؛ با وجود این، آن‌ها بدون برنامه دقیق ممکن است به خودشان صدمه بزنند. برای داشتن سبک زندگی سالم‌تر، افراد باید کارهای خاصی انجام بدهند. در ابتدا آن‌ها باید سلامت عمومی‌شان را چک کنند. اندازه‌گیری فشار خون و ضربان قلب مهم‌ترین کار است. آن‌ها همچنین باید تاریخچه سلامت خانواده‌شان را چک کنند. بدین طریق، آن‌ها می‌فهمند که آیا کسی در خانواده بیماری خاصی داشته است.

کار دیگر توجه کردن به سلامت جسمی است. برای مثال، خوردن غذای سالم به افراد کمک می‌کند تا بیشتر عمر کنند و از بیماری‌ها جلوگیری کنند. خوردن هله‌هوله افراد را چاق می‌کند و خطر حمله قلبی را افزایش می‌دهد. خوردن پرس‌های متعادل نان، سبزیجات، میوه‌ها، پروتئین و روغن برای هر کسی ضروری است. همچنین ورزش‌های روزانه وضعیت سلامت افراد را بهبود می‌بخشد.

شیوه‌ای مؤثر برای لذت بردن از سبک زندگی بهتر، داشتن ارتباط سالم با دیگران است. تحقیقات اخیر نشان داده است که زندگی اجتماعی خوب خطر مرگ را کاهش می‌دهد. متأسفانه، این روزها برخی افراد معمولاً به دیدن خویشاوندانشان نمی‌روند. آن‌ها خیلی مشغول کارشان هستند و معمولاً از فن‌آوری برای ارتباط استفاده می‌کنند.

عادات بد و اعتیاد می‌تواند برای سلامتی مضر باشد. یک روز سیگار کشیدن می‌تواند تقریباً ۵ ساعت از عمر سیگاری را کم کند. اعتیاد به تکنولوژی مثل استفاده از کامپیوتر برای مدتی طولانی نیز خطرناک است.

از همه مهم‌تر، مهم‌ترین چیز برای زندگی خوب، داشتن سلامت عاطفی است. نماز خواندن استرس را کاهش می‌دهد و به افراد زندگی آرام و متعادلی می‌دهد. افراد با این سبک زندگی، زندگی بهتری داشته‌اند.

کارهای زیاد دیگری وجود دارد که افراد می‌توانند انجام دهند تا سالم‌تر و طولانی‌تر زندگی کنند. با وجود این، نکته اصلی داشتن برنامه برای شیوه‌ای است که می‌خواهند زندگی کنند و مراقب سلامت جسمی و عاطفی‌شان باشند.

۱۶۹- گزینه ۲»

ایده اصلی این متن چیست؟ برای داشتن یک زندگی سالم چه کار کنیم.

با استفاده از تکنیک skimming یعنی با نگاه اجمالی، جمله اول و دوم پاراگراف اول و در صورت نیاز جمله‌های اول دیگر پاراگراف‌ها را نیز می‌فونیم. در جمله دوم پاراگراف اول گفته: «افراد می‌توانند برای داشتن زندگی سالم تر کارهای زیادی انجام دهند.» همین به جمله برای انتخاب main idea کافیست. در جمله اول پاراگراف دوم نیز گفته: «برای داشتن سبک زندگی سالم تر، افراد باید کار خاصی انجام بدهند.» در جمله اول پاراگراف بعدی نیز گفته: «کار دیگر برای داشتن یک زندگی سالم، توجه کردن به سلامت جسمی است.» در ابتدای پاراگراف بعدی نیز گفته: «یک راه فوب برای داشتن سبک زندگی بهتر، داشتن ارتباط سالم با دیگران است.» در جمله اول پاراگراف بعدی نیز کاری رو که برای داشتن یک زندگی سالم نیاز، بیان کرده. پس main idea گزینه ۲ (برای داشتن یک زندگی سالم چه کار کنیم) است. بقیه گزینه‌ها جزئی هستند و فقط در قسمتی از هر پاراگراف به اونا اشاره شده.

۱۷۰- گزینه ۱»

ایده اصلی پاراگراف سه چیست؟ توجه به سلامت جسمی برای زندگی سالم ضروری است.

با استفاده از تکنیک skimming یعنی با نگاه اجمالی، جمله اول پاراگراف سه رو می‌فونیم. این جمله می‌گه: «کار دیگر (برای داشتن زندگی سالم تر) توجه کردن به سلامت جسمی است.» پس main idea همیشه گزینه یک: (توجه کردن به سلامت جسمی برای زندگی سالم ضروری است). بقیه گزینه‌ها جزئی هستند و هر کدام مثالی برای ایده اصلی این پاراگراف است؛ و فقط در قسمتی از این پاراگراف به اون اشاره شده. مثلن توجه کردن به غذا (گزینه ۲)، ورزش کردن (گزینه ۳) و خوردن هله‌هوله (گزینه ۴).

۱۷۱- گزینه ۲»

پاراگراف ۴ عمدتاً درباره چیست؟ داشتن ارتباط سالم با دیگران زندگی ما را بهتر می‌کند.

جمله اول پاراگراف ۴ رو می‌فونیم. این جمله می‌گه: (یک راه فوب برای داشتن سبک زندگی بهتر، داشتن ارتباط سالم با دیگران است.) پس main idea همیشه گزینه دو: (داشتن ارتباط سالم با دیگران زندگی ما را بهتر می‌کند). بقیه گزینه‌ها جزئی هستند و فقط در قسمتی از این پاراگراف به اون اشاره شده.

۱۷۲- True

برای داشتن زندگی سالم و طولانی یک برنامه‌ریزی دقیق نیاز است.

۱۷۳- False

ایده اصلی پاراگراف شش «نماز خواندن به افراد یک زندگی سالم می‌دهد.» است.

جمله اول پاراگراف ۶ می‌گه: «مهم‌ترین چیز برای زندگی فوب، داشتن سلامت عاطفی است.» که این جمله می‌تونه main idea باشه. برای توضیح این مطلب در جمله دوم یک مثال میاره: «نماز خواندن استرس را کاهش می‌دهد و به افراد زندگی آرام و متعادلی می‌دهد.» که نسبت به جمله اول جزء به حساب میاد و نمی‌تونه main idea باشه.

۱۷۴- False

پاراگراف ۵ عمدتاً درباره «سیگار کشیدن برای سلامتی مضر است.» می‌باشد.

جمله اول پاراگراف ۵ می‌گه: «عادات بد و اعتیاد می‌تواند برای سلامتی مضر باشد.» که این جمله می‌تونه main idea باشه. در جمله دوم و سوم برای تأیید این مطلب چند مثال میاره: «۱- سیگار کشیدن برای سلامتی مضره ۲- اعتیاد و تکنولوژی مفرن» که نسبت به جمله اول جزء به حساب میان و نمی‌تونن main idea باشن.

۱۷۵- ایده اصلی پاراگراف ۶ چیست؟

The main idea of paragraph 6 is "the most important thing for having a good life is having emotional health."

ایده اصلی پاراگراف ۶ «مهم‌ترین چیز برای زندگی خوب، داشتن سلامت عاطفی است.» می‌باشد.

۱۷۶- موضوع پاراگراف ۵ چیست؟

The topic of paragraph five is "Bad habits and addiction".

موضوع پاراگراف ۵ «عادات بد و اعتیاد» است.

برای تشخیص topic (عنوان) یک پاراگراف کافی است بپریم این پاراگراف درباره چه؟ عنوان باید ساده باشه و میتونه یک کلمه یا عبارت (عادات بد و اعتیاد) باشه.

همه ما می‌خواهیم قوی و سالم باشیم. شما می‌توانید برای داشتن یک زندگی سالم تر کارهای زیادی انجام دهید. انجام ورزش زیاد و خوردن غذای سالم به شما کمک می‌کند سالم بمانید.

زیاد تلویزیون تماشا کردن یا بازی‌های رایانه‌ای شما را سالم نگه نمی‌دارد؛ اما ورزش کردن شما را سالم نگه می‌دارد. شما می‌توانید در یک باشگاه عضو شوید یا با دوستانتان در یک پارک بازی کنید. اگر ورزش‌های تیمی را دوست ندارید به جایش می‌توانید پیاده به مدرسه بروید، به شنا بروید یا اسکیت‌بازی را امتحان کنید. ورزش منظم باعث می‌شود احساس قوی‌تر بودن کنید و به شما انرژی بیشتری می‌دهد.

گاهی اوقات خوردن شکلات، آب‌نبات و چیپس لذت دارد؛ اما این که هر روز آن‌ها را بخورید خوب نیست. این غذاها مقدار زیادی شکر، چربی یا نمک دارند. مطمئن شوید که با هر وعده غذایی، سبزیجات و هم‌چنین مقدار زیادی میوه می‌خورید. میوه و سبزیجات به شما کمک می‌کند سالم بمانید و قوی شوید.

۱۷۷- گزینه «۲»	(۱) آموزش	(۲) ورزش، تمرین	(۳) رفتار، طرز رفتار	(۴) دلیل
۱۷۸- گزینه «۳»	(۱) آب‌نبات	(۲) عامل	(۳) غذا، رژیم غذایی	(۴) استرس، تنش
۱۷۹- گزینه «۱»	(۱) سالم	(۲) اجتماعی	(۳) مضر	(۴) بی‌خانمان
۱۸۰- گزینه «۳»	(۱) حتی	(۲) دیگر	(۳) به جایش	(۴) هنوز
۱۸۱- گزینه «۴»	(۱) جلوگیری کردن از	(۲) اثر گذاشتن بر	(۳) بهبودبخشیدن	(۴) داشتن، حاوی ... بودن

برای داشتن یک سبک زندگی سالم کارهای خیلی زیادی وجود دارد که می‌توانید انجام دهید. اکثر افراد می‌دانند که خوردن غذای سالم و ورزش دو مورد از آن‌ها هستند. کار دیگری که افراد می‌توانند انجام دهند گذراندن اوقات در بیرون، در طبیعت است. انجام این کارهای ساده می‌تواند به شما کمک کند تا در حال حاضر زندگی بهتری داشته باشید و کمک خواهد کرد تا در آینده بیشتر و شادتر زندگی کنید. یکی از بهترین کارهایی که می‌توانید برای بدنتان انجام دهید ورزش کردن است. افراد ورزش می‌کنند تا سالم بمانند. آن‌ها هم‌چنین ورزش می‌کنند تا وزن کم کنند. ورزش می‌تواند سرگرم‌کننده باشد و باعث شود احساس خوبی داشته باشید. اما چه قدر کافی است؟ برخی افراد فکر می‌کنند که انجام کارهای ساده مثل تمیز کردن خانه مفید و کافی است. افراد دیگر هر روز ورزش سنگین مثل دویدن و شنا انجام می‌دهند. یک چیز که دانشمندان در مورد آن توافق دارند این است که هر نوع ورزشی برای شما مفید است. داشتن یک رژیم غذایی سالم به بهبود یافتن وضعیت سلامت افراد کمک می‌کند. شما باید هر روز چندین بار غذاهایی مانند میوه‌های تازه و سبزیجات بخورید. خوردن غذاهایی که شکر، نمک و چربی زیادی دارند برای بدنتان مضر است. سعی کنید هله‌هوله مثل آب‌نبات، چیپس و نوشابه نخورید. آن‌ها برای سلامتی شما خوب نیستند؛ چون مقدار زیادی چربی یا شکر دارند. بیرون بودن تأثیر مثبتی بر روی سلامت انسان دارد. اوقات را در بیرون گذراندن هم‌چنین می‌تواند به کم شدن احتمال چاق شدن کمک کند. افراد داخل خانه بی‌تحرک هستند. اما وقتی افراد بیرون از خانه هستند آن‌ها فعال هستند. این فعالیت می‌تواند به کنترل وزن کمک کند. آن هم‌چنین استرس را کاهش می‌دهد.

۱۸۲- گزینه «۴» عنوان این متن چیست؟ داشتن یک زندگی سالم

این متن در مورد «داشتن زندگی سالم» است و در سه پاراگراف آخر سه کاری که برای داشتن زندگی سالم مفید رو عنوان می‌کند. این سه کار که به عنوان جزء به حساب میان در سه گزینه اول این سؤال اومده پس نمی‌تونه عنوان کل پاراگراف باشه. هواستون باشه هر یک از عبارت‌های سه گزینه اول می‌تونن عنوانی برای هر یک از سه پاراگراف آخر باشن.

۱۸۳- گزینه «۳» کلمه "it" در سطر آخر به «فعالیت» اشاره دارد.

۱۸۴- False ایده اصلی پاراگراف ۲ «نحوه وزن کم کردن» است.

پاراگراف ۲ توضیح داده که ورزش کمک می‌کند زندگی سالمی داشته باشیم. پس main idea این پاراگراف می‌تونه «exercise keeps you healthy» یا «exercise helps you have a healthy life» باشه. بقیه مواردی که برای توضیح این ایده اصلی اومده (مثل وزن کم کردن، سرگرم کننده بودن ورزش و این‌که ورزش می‌تونه باعث احساس خوبی بشه) جزء هستن و نمی‌تونن main idea باشن.

هواستون باشه عنوان متن ساده است و می‌تونه یک کلمه یا عبارت باشه پس عنوان این پاراگراف «Doing Exercise» ولی ایده اصلی متن یک جمله یا بنده.

۱۸۵- True ما از متن می‌فهمیم که بیرون بودن کمک می‌کند چاق نشوید.

۱۸۶- پاراگراف ۳ عمدتاً درباره چیست؟

Paragraph 3 is mainly about "Eating healthy food keeps you healthy."

پاراگراف ۳ عمدتاً درباره «خوردن غذای سالم شما را سالم نگه می‌دارد.» است.

ایده اصلی پاراگراف ۳ در جمله اول این پاراگراف اومده. پیزی شبیه به این جمله می‌تونه ایده اصلی باشه.

۱۸۷- چه چیزی باعث می‌شود احساس خوبی داشته باشید؟

Doing exercise makes you feel good.

ورزش کردن باعث می‌شود احساس خوبی داشته باشید.

When you cross the street, watch **out** for cars.

۱۸۸- وقتی از خیابان عبور می‌کنی مواظب ماشین‌ها باش.

فقط کلمه **out** در «**watch out**» استرس دارد چون که جزء مواقع خاص و اضطراری نیست.

Watch out! You're going to hit that car!

۱۸۹- مواظب باش! داری به آن ماشین می‌خوری!

هر دو کلمه در «**watch out**» استرس دارند چون که جزء مواقع خاص و اضطراریه.

Hurry up! It's too late.

۱۹۰- عجله کن! خیلی دیر شده.

If we don't hurry **up** we'll miss our flight.

۱۹۱- اگه عجله نکنیم به پروازمان نمی‌رسیم.

Sit down! Eat your food!

۱۹۲- بشین! غذا تو بخور!

It's raining so take **care** when you drive home.

۱۹۳- باره باران می‌باره بنابراین وقتی داری با ماشین خونه می‌ری مواظب باش.

What time did you wake **up** this morning?

۱۹۴- امروز صبح چه ساعتی بیدار شدی؟

Wake up! Your breakfast is ready.

۱۹۵- بیدار شو! صبحانه‌ات آماده است.

Go away! Leave me alone!

۱۹۶- از این جا برو! من رو تنها بذار!

۱۹۷- **couch - guess - exercised**

۱۹۸- **Measuring - pressure - heartbeat**

۱۹۹- **balanced - protein - necessary**

۲۰۰- **Recent - social - decreases**

۲۰۱- **Addiction - technology - dangerous**

۲۰۲- **care - physical - emotional - health**

۲۰۳- **pressure**

فکر خوبیه که در هر ویزیت از دکترت بخوای تا فشارخونت را کنترل کند.

۲۰۴- **calm**

او توانایی آرام‌ماندن در مواقع اضطراری را دارد.

۲۰۵- **contain**

مهم است که گوشت یا تخم‌مرغ بخورید؛ چون آن‌ها پروتئین و ویتامین دارند.

۲۰۶- **couch**

اجازه ندهید بچه‌های تان خوره تلویزیون باشند. تماشای زیاد تلویزیون برای چشم‌هایشان مضر است.

۲۰۷- **cure**

این دارو سرماخوردگی شما را درمان می‌کند.

۲۰۸- **diet**

یک رژیم غذایی سالم شامل مقدار زیادی میوه‌های تازه و سبزیجات است.

۲۰۹- **exercising**

exercising اسم مصدره ولی بقیه صفتن. البته می‌تونن به عنوان اسم مصدر هم به کار برن.

۲۱۰- **fishing**

fishing اسم مصدره ولی بقیه ضمیر مبهم هستن.

۲۱۱- **spring**

spring اسمه ولی بقیه اسم مصدرن.

۲۱۲- **taking**

taking اسم مصدره ولی بقیه فعلن.

۲۱۳- او داشت در مورد بالا رفتن از کوه دماوند در فصل بهار فکر می‌کرد. He was thinking of **climbing** Mount Damavand in spring.

climbing اسم مصدره که بعد از حرف اضافه (of) اومده ولی «**was thinking**» فعل گذشته استمراریه و **spring** هم که اسمه و **ing** جزء فود کلمه است.

۲۱۴- She is talking about **traveling** to some amazing countries during the summer.

او دارد درباره سفر به چند کشور شگفت‌انگیز در طول تابستان صحبت می‌کند.

traveling اسم مصدره که بعد از حرف اضافه (about) اومده ولی «**is talking**» فعل حال استمراریه و **amazing** و **during** هم که به ترتیب صفت و حرف اضافه هستن.

۲۱۵- یک ورزش جالب، آهسته دویدن در صبح است. An interesting sport is **hiking** in the morning.

hiking اسم مصدره ولی **interesting** و **morning** به ترتیب صفت و اسمن.

Do you prefer surfing the Net and watching TV to going out and playing football? - ۲۱۶

آیا شما گشتن در اینترنت و تماشای تلویزیون را به بیرون رفتن و بازی فوتبال ترجیح می‌دهید؟

surfing و watching اسم مصدرن که بعد از فعل prefer اومدن و going و playing نیز اسم مصدرن که بعد از حرف اضافه to اومدن. هواستون باشه حرف ربط and دو کلمه از بنس هم را به هم وصل می‌کنه.

مادرشان هنوز تمیز کردن آشپزخانه را تمام نکرده است. - ۲۱۷ گزینه «۲»

من از تماشای تلویزیون خسته‌ام - بیا بریم بیرون. - ۲۱۸ گزینه «۴»

سفر کردن با قطار ارزان و ایمن است. - ۲۱۹ گزینه «۲»

من فکر می‌کنم خوردن غذاهای حاضری شما را چاق می‌کند. - ۲۲۰ گزینه «۲»

دانستن یک زبان جدید برای همه دانش‌آموزان ضروری است. - ۲۲۱ Knowing

ممکنه لطفاً دست از این همه سروصدا بردارید؟ - ۲۲۲ making

کارن علاقه‌ای ندارد دنبال شغل جدید بگردد. - ۲۲۳ looking

روز خوبیه - بیا بریم شنا. - ۲۲۴ swimming

خواهر بزرگ‌ترم واقعاً در آشپزی ماهر است. - ۲۲۵

من نمی‌توانم کار کردن در خانه را تصور کنم. - ۲۲۶

آیا سفر با ماشین او را خسته خواهد کرد؟ - ۲۲۷

چه چیزی جان را خوشحال کرده است؟ - ۲۲۸

بازی پینگ‌پنگ جان را خوشحال کرده است. - ۲۲۹

آقای وایت از چه چیزی بدش می‌آید؟ - ۲۲۹

او از شستن ظرف‌ها بدش می‌آید. - ۲۳۰

My older sister is really good at cooking.

I cannot imagine working at home.

Will travelling by car make him tired?

Playing ping-pong has made John happy.

He dislikes washing the dishes.

I am thinking about inviting my friends to my birthday party.

He dislikes living in that apartment because it is far from the town. - ۲۳۱

او از زندگی کردن در آن آپارتمان بدش می‌آید چون که از شهر دور است.

What is good for my health? - ۲۳۲

چه چیزی برای سلامتی‌ام مفید است؟

خوردن سبزیجات برای سلامتی‌ات مفید است.

What does Mary enjoy? - ۲۳۳

ماری از چه چیزی لذت می‌برد؟

ماری از گوش دادن به موسیقی لذت می‌برد.

پدرم سیگار را ترک کرد چون برای سلامتی‌اش مضر بود. - ۲۳۴ گزینه «۳»

بعد از فعل «stop» به معنی «ترک کردن، دست‌کشیدن از»، از اسم مصدر (smoking) استفاده کنین.

شناکردن در این رودخانه برای کودکان خطرناک است. - ۲۳۵ گزینه «۲»

اسم مصدر (Swimming) در ابتدای جمله به عنوان فاعل استفاده میشه. در این حالت، معمولن بعد از آن، فعل make یا to be (در این‌جا is) میاد.

دوستم بدون نگاه کردن از خیابان عبور کرد. - ۲۳۶ گزینه «۴»

بعد از حرف اضافه (without)، از اسم مصدر (looking) استفاده کنین.

خواهر کوچکم هنوز انجام دادن تکالیف ریاضی‌اش را تمام نکرده است. - ۲۳۷ گزینه «۱»

در انتهای جمله قید زمان yet داریم؛ پس فعل منفی ماضی نقلی (hasn't finished) درسته و بعد از فعل «finish» نیز اسم مصدر (doing) میاد.

- ۲۳۸- گزینه «۴» او مجبور است تمرین رانندگی کند تا بتواند در امتحانش قبول شود.
بعد از فعل (practice)، از اسم مصدر (driving) و بعد از افعال و بیهی (can) از فعل ساده (pass) استفاده کنین.
- ۲۳۹- گزینه «۱» ریچارد یک قایق کوچک دارد و اغلب قایق رانی می کند.
برای توصیف فعالیت های تفریحی از (اسم مصدر + go) استفاده کنین.
- ۲۴۰- گزینه «۳» وقتی در تعطیلات هستم، از این که مجبور نیستم زود از خواب بلند شوم لذت می برم.
بعد از فعل (enjoy)، از اسم مصدر (having) استفاده کنین. برای منفی کردن اسم مصدر نیز قبل از آن، not میاریم.
- ۲۴۱- گزینه «۴» او از نوشتن تکالیف خیلی زیاد خسته است. او به استراحت نیاز دارد.
بعد از صفت tired از حرف اضافه of و بعد از حرف اضافه نیز، از اسم مصدر (writing) استفاده کنین.
- ۲۴۲- گزینه «۲» جرج از شستن ظرف ها بدش می آید؛ بنابراین او اغلب بیرون غذا می خورد.
بعد از فعل (dislike)، از اسم مصدر (washing) استفاده کنین.
- ۲۴۳- گزینه «۱» او باید سیگار را ترک کند. آن برای سلامتی اش خوب نیست.
بعد از فعل و بیهی (should)، از فعل ساده (give up) و بعد از فعل (give up) از اسم مصدر (smoking) استفاده کنین.
- ۲۴۴- گزینه «۴» من فکر می کنم تمرین کردن انگلیسی برای مدت طولانی او را خسته کرده است.
اسم مصدر (practicing) در ابتدای جمله به عنوان فاعل استفاده میشه. در این حالت، معمولن بعد از آن، فعل make یا to be (در این جا has made) میاد.
- ۲۴۵- گزینه «۱» خواهرم به یادگیری یک زبان جدید علاقه مند است.
بعد از صفت interested از حرف اضافه in و بعد از حرف اضافه نیز، از اسم مصدر (learning) استفاده کنین.
- ۲۴۶- answering ما از او به خاطر این که صادقانه به سؤال های مان پاسخ داد تشکر کردیم.
بعد از حرف اضافه (for)، از اسم مصدر (answering) استفاده کنین.
- ۲۴۷- winning آیا می توانید بردن هزار دلار را تصور کنید؟
بعد از فعل (imagine)، از اسم مصدر (winning) استفاده کنین.
- ۲۴۸- saying - starting همه می دانند که «سلام کردن» روش خوبی برای شروع یک مکالمه است.
اسم مصدر (saying) در ابتدای جمله به عنوان فاعل استفاده میشه و بعد از حرف اضافه (of)، نیز از اسم مصدر (starting) استفاده کنین.
- ۲۴۹- speaking - writing برادر بزرگ ترش در صحبت کردن و نوشتن فرانسوی ماهر است.
بعد از حرف اضافه (at)، از اسم مصدر (speaking and writing) استفاده کنین. حرف ربط and دو کلمه از پنس هم رو به هم وصل میکنه.
- ۲۵۰- playing من فکر می کنم بازی فوتبال به مدت ۴ ساعت او را خسته کرده است.
اسم مصدر (playing) در ابتدای جمله به عنوان فاعل استفاده میشه. در این حالت، بعد از آن معمولن، فعل make یا to be (در این جا has made) میاد.
- ۲۵۱- jogging من امروز صبح قبل از صبحانه آهسته دویدم.
برای توصیف فعالیت های تفریحی، معمولن از «اسم مصدر + go» استفاده میکنن.
- ۲۵۲- سر وقت بودن در مدرسه برای دانش آموزان ضروری است.
Being on time at school is necessary for the students.
- ۲۵۳- آیا شما تمیز کردن اتاق خواب خواهر کوچک ترت را تمام کرده اید؟
Have you finished cleaning your younger sister's bedroom?
- ۲۵۴- او علاقه دارد دکتر شود.
She is interested in becoming a doctor.
- ۲۵۵- ترک کردن سیگار برای او دشوار بود.
It was hard for her to quit smoking.
- ۲۵۶- جان دارد در مورد درس خواندن در خارج فکر می کند.
John is thinking about studying abroad.

She needs to practice speaking Spanish.

۲۵۷- او باید اسپانیایی صحبت کردن را تمرین کند.

Drawing the picture has made my friend (her) so happy.

۲۵۸- چه چیزی دوستت را خیلی خوشحال کرده است؟

Smoking is forbidden in this bus.

کشیدن تصویر دوستم (او) را خیلی خوشحال کرده است

۲۵۹- چه چیزی در این اتوبوس ممنوع است؟

Washing the clothes made my mother (her) tired.

سیگار کشیدن در این اتوبوس ممنوع است.

۲۶۰- چه چیزی مادرت را خسته کرد؟

My cousin (He) enjoys swimming at weekends.

شستن لباس‌ها مادرم (او) را خسته کرد.

۲۶۱- پسرعمویت در تعطیلات آخر هفته از چه چیزی لذت می‌برد؟

I'm sorry I can't come to your party but thank you for **inviting** me.

پسرعمویم (او) در تعطیلات آخر هفته از شنا کردن لذت می‌برد.

۲۶۲-

متأسفم نمی‌توانم به مهمانی‌ات بیایم؛ اما از این که من را دعوت کردید تشکر می‌کنم.

بعد از حرف اضافه (for)، از اسم مصدر (inviting) استفاده کنید.

Jim is 65, but he isn't going to retire yet. He wants to keep on **working**.

۲۶۳-

جیم ۶۵ سال دارد اما هنوز قصد ندارد بازنشسته شود. او قصد دارد به کار کردن ادامه دهد.

بعد از فعل (keep on)، از اسم مصدر (working) استفاده کنید.

She's a very interesting person. I always enjoy **talking** to her.

۲۶۴-

او شخص خیلی جالبی است. من همیشه از صحبت کردن با او لذت می‌برم.

بعد از فعل (enjoy)، از اسم مصدر (talking) استفاده کنید.

I'm tired of **studying** on the weekend.

۲۶۵- من از درس خواندن در تعطیلات آخر هفته خسته‌ام.

بعد از حرف اضافه (of)، از اسم مصدر (studying) استفاده کنید.

Helen's two-year-old sister likes **playing** with her toys in the bathroom.

۲۶۶-

خواهر دو ساله هلن بازی کردن با اسباب‌بازی‌هایش را در حمام دوست دارد.

بعد از فعل (like)، از اسم مصدر (playing) استفاده کنید.

Mrs. Hamidi finished **typing** the letters and left the office.

۲۶۷- خانم حمیدی تایپ نامه‌ها را تمام کرد و از دفتر بیرون رفت.

بعد از فعل (finish)، از اسم مصدر (typing) استفاده کنید.

What was difficult for your friend?

۲۶۸- چه چیزی برای دوستت دشوار بود؟

فهمیدن درس برای دوستم دشوار بود.

What is your sister thinking about?

۲۶۹- خواهرت در مورد چه چیزی دارد فکر می‌کند؟

خواهرم در مورد دعوت کردن دوستانش به جشن تولدش دارد فکر می‌کند.

What has your uncle given up recently?

۲۷۰- اخیراً عمویت چه چیزی را ترک کرده است؟

اخیراً عمویم سیگار را ترک کرده است.

What is your friend going to practice?

۲۷۱- دوستت قصد دارد چه چیزی را تمرین کند؟

دوستم قصد دارد نوشتن انگلیسی را تمرین کند.





هنر و فرهنگ

Art and Culture

A Vocabulary

agree /ə'gri:/ v موافق بودن، موافقت کردن
I agree with you. من با شما موافق هستم.

amazed /ə'meɪzd/ adj حیرت زده، شگفت زده، متعجب
I'm amazed that she invited you. از این که شما را دعوت کرد تعجب می‌کنم.

amused /ə'mju:zd/ adj سرگرم
Mina got amused by the story. مینا از داستان فوشش آمد.

appreciate /ə'pri:ʃiət/ v ۱- ارزشی .. را دانستن ۲- قدردانی کردن از
Each society appreciates its art and culture. هر جامعه‌ای ارزش هنر و فرهنگش را می‌داند.

art /ɑ:t \$ a:rt/ n هنر
Art increases brain's activity. هنر فعالیت مغز را افزایش می‌دهد.

art gallery /'ɑ:t gæləri \$ 'ɑ:rt/ n نمایشگاه آثار هنری، گالری
Have you ever visited an art gallery? آیا تاکنون از نمایشگاه آثار هنری دیدن کرده‌اید؟

artist /'ɑ:tɪst \$ 'ɑ:r-/ n هنرمند
I want to become an artist like my neighbor. من می‌فواهم مثل همسایه‌ام یک هنرمند شوم.

artistic /ɑ:'tɪstɪk \$ a:r-/ adj هنری، هنرمندانه
Iran has a five-thousand-year-old history of artistic works. ایران تاریخ پنج هزار ساله آثار هنری دارد.

artwork /'ɑ:twɜ:k \$ 'ɑ:rtwɜ:rk/ n اثر هنری
I love his beautiful artworks. من آثار هنری زیبای او را دوست دارم.

attempt /ə'tempt/ v سعی کردن، تلاش کردن
You should attempt to answer all the questions. تو باید سعی کنی به تمام سوالات پاسخ دهی.

be able to /bi 'eɪbəl tu:/ توانستن، قادر بودن
Is Sue able to swim? آیا سو می‌تواند شنا کند؟

beauty /'bju:ti/ n زیبایی، قشنگی
The beauty of the mountains was amazing. زیبایی کوه‌ها شگفت‌انگیز بود.

bored /bɔ:d \$ bɔ:rd/ adj کسل، خسته
Amir is bored with his present job. امیر از کار فعلی‌اش خسته است.

calligraphy /kə'lɪgrəfi/ n خطاطی، خوش‌نویسی
I attempted to learn calligraphy. من تلاش کردم خطاطی را یاد بگیرم.

calligraphic /kəlɪ'grəfɪk/ adj خوش‌نویسی شده، خطاطی شده
I bought a calligraphic tile. من یک کاشی خطاطی شده را خریدم.

BOOKS

catch /kætʃ/ v **اقتدار و غیره [رسیدن به، گرفتن**
 I ran fast to catch the bus. من سریع دویدم تا به اتوبوس برسم.

cheerful /'tʃiəfəl \$ 'tʃɪr-/ adj **شاد، خوشحال**
 Tom seems a very cheerful child. تام بچهٔ خیلی شادی به نظر می‌رسد.

collection /kə'leɪʃən/ n **مجموعه، کلکسیون**
 There is a collection of Farshchian's paintings in Astan Ghods Museum.

مجموعه‌ای از تابلوهای نقاشی فرشیان در موزهٔ آستان قدس وجود دارد.

come from **۱- از ... به دست آمدن ۲- اهل ... بودن**
 The country's income comes from selling handicrafts.
 درآمد کشور از فروش صنایع دستی به دست می‌آید.

confused /kən'fju:zd/ adj **گیج**
 Tom seems a little confused. تام کمی گیج به نظر می‌رسد.

correctly /kə'rektli/ adv **به طور صحیح، درست**
 He will get a prize if he answers the question correctly.
 اگر درست به آن سؤال پاسخ بدهد، یک جایزه دریافت خواهد کرد.

craftsman /'kra:ftsmən \$ 'kræfts-/ n **صنعتگر مرد، استادکار مرد**
 Our neighbor is a craftsman. همسایه ما یک صنعتگر است.

craftswoman /'kra:fts,wʊmən \$ 'kræfts-/ n **صنعتگر زن، استادکار زن**
 Iranian craftswomen are hard-working people.
 صنعتگران زن ایرانی افراد سخت‌کوشی هستند.

creative /kri'eɪtɪv/ adj **خلاق**
 Art makes people more creative and sociable.
 هنر افراد را فلاق‌تر و اجتماعی‌تر می‌آورد.

custom /'kʌstəm/ n **آداب، رسم، سنت**
 My uncle is interested in old local customs.
 عمویم به آداب و رسوم محلی قدیم علاقه‌مند است.

decorative /'dekəreɪtɪv/ adj **تزیینی، زینتی**
 My aunt bought a decorative wall clock.
 عمه‌ام یک ساعت دیواری تزیینی خرید.

depend /dɪ'pend/ v **بستگی داشتن**
 The price depends on its size. قیمت به سائزش بستگی دارد.

discount /'dɪskaʊnt/ n **تخفیف**
 If you buy more than 100 dollars, you'll get a 20 percent discount.
 اگر بیش از صد دلار خرید کنید، ۲۰ درصد تخفیف می‌گیرید.

diversity /daɪ'vɜ:sɪti \$ -zɪr-/ n **تنوع، گوناگونی**
 The animal diversity of Lorestan is amazing.
 تنوع حیوانات لرستان شگفت‌انگیز است.

earn /ɜ:n \$ ɜ:rn/ v **[پول] به دست آوردن، درآوردن**
 If I earn enough money next year, I will buy a new car.
 اگر سال آینده پول کافی به دست بیاورم، یک ماشین نو بخواهم خرید.

economy /ɪ'kɒnəmi \$ ɪ'ka:-/ n **اقتصاد**
 Selling handicrafts is a good way to help a country's economy.
 فروش صنایع دستی روش خوبی برای کمک به اقتصاد یک کشور است.

etc. /et 'setərə/ adv **و غیره، و مانند آن**
 Remember to take some paper, a pen, etc.
 یادت باشه چند کاغذ، یک خودکار و غیره با خودت برداری.

excited /ɪk'saɪtəd/ adj **هیجان‌زده**
 I'm so excited that we're going to Yazd.
 من از این‌که داریم می‌ریم یزد خیلی هیجان‌زده هستم.

exhibition /eksɪ'brɪʃən/ n **نمایشگاه**
 We are planning to have an exhibition of Persian art in Paris.
 ما قصد داریم نمایشگاهی از هنر ایرانی در پاریس داشته باشیم.

expect /ɪk'spekt/ v **انتظار داشتن**
 He didn't expect to see me here. او انتظار نداشت که من را این‌جا ببیند.

fall /fɔ:l \$ fa:l/ v **پایین آمدن، کاهش یافتن، افتادن**
 Prices have fallen again. قیمت‌ها دوباره کاهش یافته است.

fingerprint /'fɪŋgə,prɪnt \$ -gər-/ n **اثر انگشت**
 Each person's fingerprint is unique.

اثر انگشت هر شخص منحصر به فرد است.

fortunate /'fɔ:tʃənət \$ 'fɔ:r-/ adj **خوش‌شانس، خوشبخت**
 I was very fortunate to get the job.
 من خیلی خوش‌شانس بودم که آن شغل را به دست آوردم.



Lesson Three

frightened /'fraɪtnd/ *adj* ترسیده، وحشت زده

To tell the truth, I was frightened to death.

راستش را بخواهی، خیلی ترسیدم (تا سر حد مرگ ترسیدم).

get along with کنار آمدن با، تفاهم داشتن با

If people practice art, they will get along with their stress.

اگر افراد به کار هنر مشغول شوند، آن‌ها با استرسشان کنار خواهند آمد.

get back /get 'bæk/ *phr v* برگشتن، بازگشتن

When did you get back from your vacation?

چه موقع از تعطیلاتتان برگشتید؟

go well /gəʊ wel \$ ɡoʊ/ خوب پیش رفتن

If everything goes well, we will open the new store in June.

اگر همه چیز خوب پیش برود، ما فروشگاه جدید را در ماه ژوئن افتتاح می‌کنیم.

handicraft /'hændikrɑ:ft \$ -kræft/ *n* صنایع دستی

Handicrafts are good examples of the art and culture of a country.
صنایع دستی نمونه‌های خوبی از هنر و فرهنگ یک کشور است.

handmade /,hænd'meɪd/ *adj* دست‌ساز

You can find a range of handmade products in this shop.

شما می‌توانید انواع کالای دست‌ساز را در این مغازه پیدا کنید.

homeland /'həʊmlænd \$ 'həʊm-/ *n* زادگاه، وطن

She returned to her homeland, Egypt.
او به زادگاهش، مصر برگشت.

humankind /,hju:mən'kaɪnd/ *n* انسان، بشر

The World Wars have been really bad for humankind.

جنگ‌های جهانی برای بشر خیلی بد بوده است.

identity /aɪ'dentɪti/ *n* هویت

The policeman is searching for the identity of that man.

پلیس به دنبال هویت آن مرد است.

include /ɪn'klu:d/ *v* ۱- شامل ... بودن ۲- گنجانیدن

The price of the room includes breakfast.

قیمت اتاق شامل صبحانه می‌شود.

including /ɪn'klu:dɪŋ/ *prep* از جمله، شامل

There were five people in the car, including the driver.

پنج نفر از جمله راننده در ماشین بودند.

income /'ɪŋkʌm, 'ɪn-/ *n* درآمد

We have an income of over \$100,000 a year.

ما بیش از ۱۰۰۰۰۰ دلار در سال درآمد داریم.

item /'aɪtəm/ *n* چیز، قلم، فقره

He made some decorative items using his hands.

او چند چیز تزئینی با دست‌هایش ساخت.

lovely /'lʌvli/ *adj* ۱- عالی، خوب ۲- دوست‌داشتنی، قشنگ

How lucky you are to work in such a lovely shop.

چه قدر خوش شانس که در چنین مغازه‌ی خوبی کار می‌کنی.

lucky /'lʌki/ *adj* خوش شانس

He's lucky to have such a good job.

او خوش شانس است که چنین شغل خوبی دارد.

mark /mɑ:k \$ mɑ:rk/ *n* نمره

If I get a good mark, my father will buy me a bicycle.

اگر نمره‌ی خوبی بگیرم، پدرم برای من یک دوچرخه خواهد خرید.

material /mə'tɪəriəl \$ -'tɪr-/ *n* ۱- ماده ۲- (در جمع) مواد، مصالح

Wood and stone are building materials.

چوب و سنگ مصالح ساختمانی هستند.

metal /'metl/ *n* فلز

Gold is an expensive metal.
طلا فلز گران‌قیمتی است.

metalwork /'metlwɜ:k \$ -wɜ:rk/ *n* (هنر) کارهای فلزی

They sell a range of Iranian metalworks.

آن‌ها انواع مختلف کارهای فلزی ایرانی را می‌فروشند.

mistake /mɪ'steɪk/ *n* اشتباه

This letter's full of spelling mistakes.

این نامه پر از اشتباهات املایی است.

make a mistake اشتباه کردن

We can't learn English without making mistakes.

ما بدون اشتباه کردن نمی‌توانیم انگلیسی یاد بگیریم.

moral /'mɔrəl \$ 'mɔ:-/ *adj* معنوی، اخلاقی

Persian art is famous for reflecting moral values.

هنر ایرانی به خاطر نشان‌دادن ارزش‌های معنوی مشهور است.

on time /ɒn taɪm \$ a:n/ *adv* سر وقت، به موقع

The bus didn't arrive on time. اتوبوس به موقع نیامد.

pack /pæk/ *v* بسته‌بندی کردن

Please pack the pottery for me. لطفاً ظروف سفالی را برای من بسته‌بندی کنید.

painting /'peɪntɪŋ/ *n* (هنر) نقاشی، تابلو نقاشی

There is a painting on the wall in the living room. یک تابلو نقاشی در اتاق نشیمن بر روی دیوار است.

pass /pa:s \$ pæs/ *v* قبول شدن (در)

Did you pass your driving test? آیا در امتحان رانندگی ات قبول شدی؟

physics /'fɪzɪks/ *n* فیزیک

She studied physics at university. او در دانشگاه فیزیک خواند.

pleasure /'pleʒə \$ -ər/ *n* ۱- تفریح ۲- شادی، خوشحالی

Is this trip for business or pleasure? این سفر برای کار است یا برای تفریح؟ (آیا این سفر کاری است یا تفریحی؟)

pottery /'pɒtəri \$ 'pa:-/ *n* ظروف سفالی، سفالگری، سفالی

I bought this beautiful pottery cup in Meibod. من این فنجان سفالی زیبا را در میبد خریدم.

practice /'præktɪs/ *v* تمرین کردن، به کار ... مشغول بودن

She practiced medicine for 20 years. او به مدت ۲۰ سال به کار طبابت مشغول بود.

present /'prezənt/ *adj, n* ۱- فعلی، حاضر ۲- هدیه

I don't have her present address. آدرس فعلی اش را ندارم.

prize /praɪz/ *n* جایزه

My teacher gave me a prize. معلم به من یک جایزه داد.

product /'prɒdʌkt \$ 'pra:-/ *n* ۱- محصول ۲- کالا، جنس

We have a range of Iranian handmade products. ما انواع مختلف کالای دست‌ساز ایرانی داریم.

promise /'prɒmɪs \$ 'pra:-/ *v, n* ۱- قول دادن ۲- قول

She promised to give the book back. او قول داد کتاب را برگرداند.

proud /praʊd/ *adj* ۱- سربلند، سرافراز ۲- مغرور

They are very proud of their son. آن‌ها خیلی به پسرشان افتخار می‌کنند.

reflect /rɪ'flekt/ *v* نشان دادن، نشان‌دهنده ... بودن، منعکس کردن

This poem reflects the poet's love of nature. این شعر علاقه شاعر به طبیعت را نشان می‌دهد.

rise /raɪz/ *v, n* ۱- افزایش یافتن، بالا آمدن ۲- افزایش

Prices have risen by 20%. قیمت‌ها تا ۲۰ درصد افزایش یافته است.

rug /rʌg/ *n* قالیچه

I bought a beautiful Turkish rug. من یک قالیچه ترکی زیبا خریدم.

sad /sæd/ *adj* غمگین، ناراحت

I was very sad when our cat died. وقتی گربه‌مان مرد خیلی ناراحت شدم.

satisfied /'sætɪsfaɪd/ *adj* راضی، خشنود

The teacher was not satisfied with my work. معلم از کارم راضی نبود.

shocked /ʃɒkt \$ ʃɑ:kt/ *adj* شوکه، حیرت‌زده

We are all shocked by his death. ما همه از مرگش شوکه شدیم.

silk /sɪlk/ *n* ابریشم، (صفت‌گونه) ابریشمی

She is weaving a beautiful silk carpet. او دارد یک فرش ابریشمی زیبا می‌بافد.

skillful /'skɪlfəl/ *adj* ۱- ماهرانه، استادانه ۲- ماهر

He made some decorative items in a skillful way. او چند چیز تزئینی به شیوه‌ای ماهرانه درست کرد.

sociable /'səʊʃəbəl \$ 'sou-/ *adj* اجتماعی

She's a very sociable child. او یک بچه خیلی اجتماعی است.

soft /sɒft \$ sa:ft/ *adj* نرم

The boy was sleeping on the soft and warm carpet. آن پسر روی آن فرش نرم و گرم خوابیده بود.

sorry /'sɒri \$ 'sa:ri, 'sɔ:ri/ *adj* ۱- متأسف

۲- ببخشید، معذرت می‌خواهم
I'm sorry — I can't help you. متأسفم — نمی‌توانم به شما کمک کنم.

surprised /sə'praɪzd \$ sər-/ *adj* متعجب، شگفت‌زده، حیرت‌زده

We were greatly surprised at the news. ما از آن خبر خیلی شگفت‌زده شدیم.

tile /taɪl/ *n* کاشی

He bought a calligraphic tile. او یک کاشی فطاطی شده را خرید.

tilework /'taɪlwɜ:k \$ -wɜ:rk/ *n* کاشی‌کاری، کاشی‌کار شده

There are lots of tileworks in Sheikh Lotfollah Mosque. کاشی‌کاری‌های بسیاری در مسجد شیخ لطف‌الله وجود دارد.

Lesson Three

totally /'təʊtli \$ 'tu:-/ *adv* کاملاً، به کلی

I'm totally confused. Would you please explain it again?

من کاملاً گیج شدم. ممکنه لطفاً آن را دوباره توضیح بدهید؟

touching /'tʌtʃɪŋ/ *adj* تأثیرگذار

How touching this Gabbeh is! این گبه چه قدر تأثیرگذاره!

truth /tru:θ/ *n* حقیقت، واقعیت

Are you telling me the truth? آیا داری حقیقت را به من می‌گویی؟

uncertain /ʌn'sɜ:tn \$ -ɜ:r-/ *adj* نامطمئن، دودل، مردد

Helen was uncertain about meeting him.

هلن در مورد ملاقات با او مطمئن نبود.

unique /ju:'ni:k/ *adj* منحصر به فرد، بی نظیر

Everyone in the world is unique. هر کسی در جهان منحصربه‌فرد است.

value /'vælju:/ *v* ارزش قائل شدن برای، اهمیت دادن به

I really value the time I spend with my friends.

من واقعاً برای وقتی که با دوستانم می‌گذرانم ارزش قائل می‌شوم.

vast /va:st \$ væst/ *adj* ۱- [سرزمین] پهناور ۲- زیاد

Iran is a vast country in Southwest Asia.

ایران کشوری پهناور در جنوب غربی آسیا است.

weave /wi:v/ *v* بافتن

He is weaving a rug. او دارد یک قالیچه می‌بافد.

well-known /,wel'nəʊn \$ -'nəʊn/ *adj* شناخته‌شده، معروف

He is a well-known writer. او نویسنده معروفی است.

wellness /'welnəs/ *n* سلامت، بهداشت

Art can improve people's physical and emotional wellness.

هنر می‌تواند سلامت جسمی و عاطفی افراد را بهبود بخشد.

wood /wud/ *n* چوب

They are famous for producing artworks from wood.

آن‌ها به خاطر تولید آثار هنری از چوب مشهور هستند.

workshop /'wɜ:kʃɒp \$ 'wɜ:rkʃɑ:p/ *n* کارگاه

It is my father's workshop and store.

این کارگاه و فروشگاه پدرم است.

واژگان کتاب‌کار

accept /ək'sept/ *v* پذیرفتن، قبول کردن

according to /ə'kɔ:diŋ ,tu: \$ -'kɔ:r-/ طبق، بنابر

advise /əd'vaɪz/ *v* توصیه کردن، نصیحت کردن

artifact /'ɑ:təfækt \$ 'ɑ:r-/ *n* شیء دست‌ساز قدیمی

attitude /'ætɪtju:d \$ -tu:d/ *n* نگرش، طرز فکر

bow /bau/ *v* تعظیم کردن

clothing /'kləʊðɪŋ \$ 'klou-/ *n* لباس، پوشاک

combination /,kɒmbɪ'neɪʃən \$,kɑ:m-/ *n* ترکیب

common /'kɒmən \$ 'kɑ:-/ *adj* رایج، متداول

element /'eləmənt/ *n* عنصر، رکن

essay /'eseɪ/ *n* مقاله

face /feɪs/ *n, v* ۱- صورت ۲- مواجه شدن با، روبه‌رو شدن

handshaking /'hændʃeɪkɪŋ/ *n* دست‌دادن

hug /hʌg/ *v* بغل کردن، در آغوش گرفتن

interest /'ɪntrəst/ *v* توجه ... را جلب کردن، علاقه‌مند کردن

lend /lend/ *v* قرض دادن

machine /mə'ʃi:n/ *n* دستگاه، ماشین

market /'mɑ:kət \$ 'mɑ:r-/ *n* بازار

miss /mɪs/ *v* ۱- [قطار و غیره] نرسیدن به ۲- از دست دادن

other than غیر از، به جز

palm /pɑ:m \$ pa:m, pa:lm/ *n* کف دست

pressing one's palms together کف دست‌های خود را به هم فشردن

pool /pu:l/ *n* استخر (شنا)

public transportation /,pʌblɪk 'træns'pɔ:t'eɪʃən \$ -ɔ:rt/ *n* وسایل نقلیه عمومی

reflect on فکر کردن درباره

respectful /rɪ'spektfəl/ *adj* حاکی از احترام

become respectful of احترام گذاشتن به

shared /ʃeəd \$ ʃerd/ *adj* مشترک

simply /'sɪmpli/ *adv* صرفاً، فقط

step /step/ *n* ۱- مرحله ۲- قدم، گام

think of sth as ... چیزی را ... دانستن

thought /θɔ:t \$ θɑ:t/ *n* فکر، تفکر، اندیشه

کلاس خصوصی

فب، الان وقتشه بدونی از این همه لغتی که یادگرفتی چه نوع سوالایی از بفش واژگان میاد. انواع سوالای بفش واژگان به صورت زیره:
 ۱- کلمه ناهمانگ ۲- تصویر ۳- عبارت ۴- جورکردنی ۵- تست ۶- دانش واژگانی ۷- تعریف ۸- مترادف و متضاد
 ۱ کلمه ناهمانگ در این قسمت، سه کلمه از لفاظ معنی یا نوع کلمه (اسم، فعل، صفت و قید بودن) با همدیگه هماهنگن و یکی متفاوته.

artwork	اثر هنری	humankind	انسان، بشر	material	ماده
handicraft	صنایع دستی	artist	هنرمند	metal	فلز
craft	صنایع دستی	craftsman	صنعتگر مرد	wood	چوب
artifact	شیء دست ساز قدیمی	craftswoman	صنعتگر زن	stone	سنگ
metalwork	کارهای فلزی	painter	نقاش	plastic	پلاستیک
tilework	کاشی کاری	poet	شاعر	paper	کاغذ
painting	نقاشی، تابلو			silk	ابریشم
calligraphy	خطاطی، خوش نویسی	handmade	دست ساز	place	مکان
pottery	ظروف سفالی، سفال	handicraft	صنایع دستی	museum	موزه
rug	قالیچه	homemade	خانگی	art gallery	نمایشگاه آثار هنری، گالری
carpet	فرش	artifact	شیء دست ساز قدیمی	workshop	کارگاه

A Choose the odd one out.

- | | | | |
|-------------------|--------------|----------------|----------------|
| 1. 1) painting | 2) diversity | 3) tilework | 4) calligraphy |
| 2. 1) carpet | 2) metal | 3) stone | 4) wood |
| 3. 1) workshop | 2) museum | 3) art gallery | 4) handicraft |
| 4. 1) craftswoman | 2) painter | 3) firefighter | 4) artist |
| 5. 1) rug | 2) carpet | 3) silk | 4) pottery |

۲ تصویر سؤال تصویر به سه صورت می تونه طرح بشه:

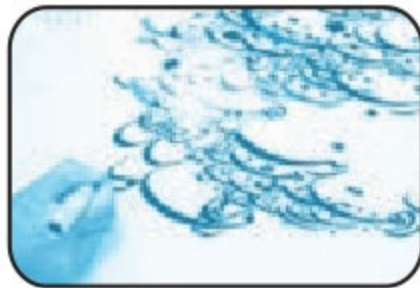
- هر تصویر رو باید به کلمه یا جمله مربوط به اون وصل کنین.
- باید کلمه مربوط به هر تصویر رو بنویسین.
- با توجه به تصویر باید جمله های ناقص رو کامل کنین.

B Match the pictures with the given words. There is one extra word.

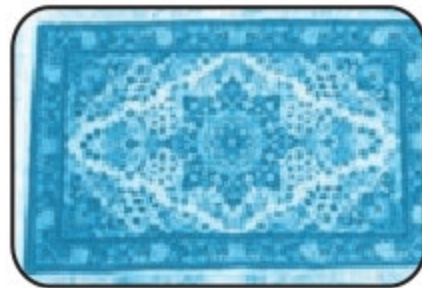
هر تصویر را به کلمات داده شده وصل کنید. یک کلمه اضافی است.



6.



7.



8.



9.



10.

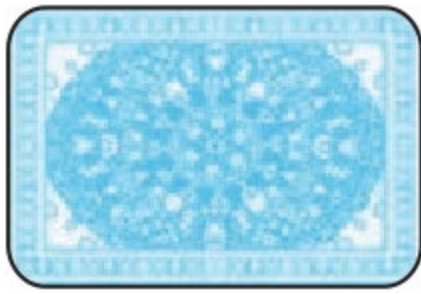


11.

- a** pottery
- b** silk
- c** calligraphy
- d** rug
- e** tilework
- f** craftsman
- g** souvenir

Lesson Three

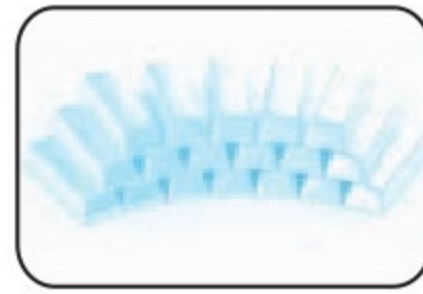
Write correct words under the pictures.



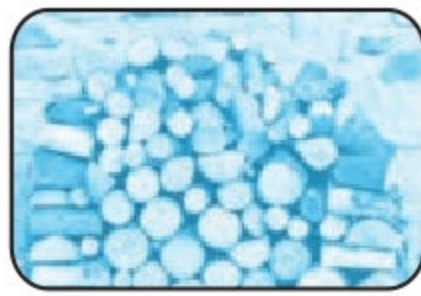
12. c.....



13. p.....



14. m.....



15.



16.



17. a.....

Match the pictures with the sentences.

18. The tourist bought an expensive Persian carpet.

19. The girl is weaving a beautiful silk carpet.

20. There are lots of tileworks in Sheikh Lotfollah Mosque.

21. Iranian craftsmen produce a lot of beautiful handicrafts.

کلمات درست را زیر تصاویر بنویسید.

تصاویر را به جملات وصل کنید.



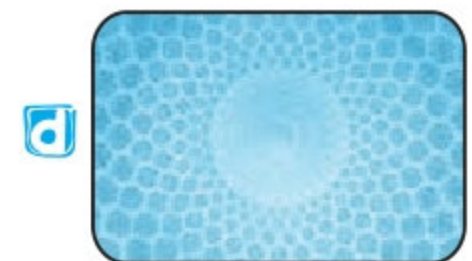
a



b



c



d

عبارت ← هر عبارت رو نصف می‌کنن، نصف عبارت رو زیر ستون A و نصف دیگه رو زیر ستون B می‌نویسن و شما باید اونا رو به هم وصل کنین.

be able to (do sth)	توانستن، قادر بودن (کاری را انجام دادن)
be amused by / at	(کسی) خوشش آمدن از، لذت بردن از
be surprised at / by sth	از چیزی تعجب کردن
be interested in doing sth	به انجام دادن کاری علاقمند بودن
be proud of sb / sth	به کسی / چیزی افتخار کردن
be satisfied with sth	از چیزی راضی بودن
be angry with sb	از دست کسی عصبانی بودن
be bored with sth	از چیزی خسته بودن
be frightened to death	خیلی ترسیدن، تا سرحد مرگ ترسیدن
be honoured to	مفتخر بودن که، مایه افتخار بودن که

depend on sb / sth	به کسی وابسته بودن / به چیزی بستگی داشتن
get along with sb / sth	با چیزی کنار آمدن، با کسی تفاهم داشتن
make a mistake	اشتباه کردن
get a 20 percent discount	۲۰ درصد تخفیف دریافت کردن
win a prize	جایزه بردن
earn money	پول درآوردن
visit an art gallery	از یک گالری هنر بازدید کردن
family members	اعضای خانواده
To tell the truth ...	راستش را بخواهی ...
If all goes well, ...	اگر همه چیز به خوبی پیش برود، ...

ستون A و B را به هم وصل کنید. در ستون B یکی اضافی است. Match columns A and B. One is extra in column B.

A

- 22. get a 15 percent
- 23. all my family
- 24. the art and culture
- 25. a five-thousand-year-old
- 26. be interested

B

- a history of artistic works
- b of a country
- c discount
- d in old local customs
- e a mistake
- f members

۲ جور کردنی، تست و دانش واژگانی < سؤالی این قسمت به چهار صورت:

۱- مفهومی؛ با توجه به مفهوم جمله، پاسخ می‌دین. مثل سؤالی ۲۷ و ۲۹.

۲- عبارتی؛ قسمتی از عبارت که حذف شده، پاسخ درسته. مثل سؤالی ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۳ و ۳۴.

۳- سافتاری؛ سافتار کمک می‌کنه راحت تر پاسخ بدین. مثل سوال ۳۲ که سافتارش به صورت زیره:

پیزی / کسی را به کسی معرفی کردن

من می‌فواهم شما را به والدینم معرفی کنم.

۴- تعریف؛ براساس تعریف جمله پاسخ می‌دین. مثل سؤالی ۳۵ و ۳۶.

introduce sth/sb to sb

I want to introduce you to my parents.

۳ Fill in the blanks with the given words. There is one extra word.

جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید. یک کلمه اضافی است.

artist - proud - discount - economy - earn

27. Leonardo da Vinci was the greatest of his time.

28. My students have worked hard, and I'm of them.

29. An increase in tourism will help the city's

30. She doesn't much money, but she enjoys her work.

۳ Choose the best answer .

بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

31. The physics teacher was not with my work.

- 1) unique
- 2) satisfied
- 3) skillful
- 4) moral

32. Making and selling handicrafts are good ways to help a country its culture to other nations.

- 1) introduce
- 2) produce
- 3) include
- 4) appreciate

۳ Fill in the blanks with your own words.

جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

33. I made a I should write \$230, not \$320.

34. You will get a 10% if you book more than ten tickets.

35. A person who is has a lot of new ideas or is good at making new things.

36. A person who is good at making things with their hands is called a/an

۵ تعریف < با توجه به این که کتاب درسی در هر درس، ۵ تا ۷ کلمه رو تعریف کرده و برای اونا مثالی هم آورده، اهمیت این قسمت مشفصه. پس لطفاً تمرین

تعریف این کتاب رو با دقت بفونین.

Lesson Three

تعریف‌های زیر هم بقیه تعریف‌های مهم درس که از اینا هم سؤال میاد:

an activity in which people make beautiful things using their hands	handicraft
فعالیتی که در آن افراد با دست‌هایشان چیزهای زیبایی را می‌سازند	
made by people using their hands, not by a machine	handmade
ساخته‌شده با دست توسط افراد نه با دستگاه	
to put something into a bag, box, etc.	pack
گذاشتن چیزی در کیف، جعبه و غیره	
a lower price than usual	discount
قیمت کم‌تر از معمول	
all the money that you receive for your work	income
تمام پولی که شما برای کارتان دریافت می‌کنید	
to get money by working	earn
با کار پول به دست آوردن	

دو نوع سؤال تعریف داریم: ۱- به صورت جمله (مثل سؤال ۳۵ و ۳۶) ۲- وصل‌کردنی (مثل ۳۷ و ۳۸).

Match columns A and B. There are two extra words in column B.

ستون A و B را به هم وصل کنید. در ستون B دو کلمه اضافی است.

A

37. the country where you were born
38. the state of being healthy

B

- a wellness
b nation
c condition
d homeland

مترادف و متضاد ← جدول مترادف و متضاد درس سوم:

collection	≡	set	earn	≡	get	correctly	≡	right / properly
lucky	≡	fortunate	be able to	≡	can	truth	≡	fact
well-known	≡	famous	amazed	≡	surprised	cheerful	≡	happy / glad
attempt	≡	try	bored	≡	tired	satisfied	≡	happy
vast	≡	big / large	mark	≡	grade	diversity	≡	difference / range
rise	≡	increase	lovely	≡	nice / beautiful	include	≡	contain
unique	≡	one	reflect	≡	show	including	≡	with

مترادف

excited	≡	bored / calm	rise	≡	fall / decrease	ugly	≡	beautiful / lovely
cheerful	≡	sad	soft	≡	hard	buy	≡	sell
start	≡	finish / end	quickly	≡	slowly	cheap	≡	expensive
uncertain	≡	certain / sure	vast	≡	small / little	wellness	≡	illness / disease

متضاد

نکته Antonyms (متضادها) کلماتی هستند که معانی مخالفی دارند. از نظر شکل کلمه، دو نوع متضاد داریم:

۱- دو کلمه متضاد فعلی با هم متفاوتن مثل:

true درست، صحیح ≠ false غلط، نادرست hot گرم ≠ cold سرد

۲- دو کلمه متضاد با اضافه‌کردن یا تغییر پیشوند یا پسوند ساخته میشن مثل:

like دوست‌داشتن ≠ dislike دوست‌نداشتن careful بی‌دقت، بی‌احتیاط ≠ careless مواظب، مراقب

Find the antonyms or synonyms.

متضادها یا مترادفها را پیدا کنید.

39. Did you know that Australia is a vast country?
40. She's very well-known in this part of the country.

- a famous
b weak
c wellness
d small

نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان

۱- با استفاده از کلمات داده شده، جمله‌های زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

moral - diversity - values - custom - skillful - vast - unique

41. I like the of giving gifts at Christmas.
42. Everyone's personality is totally
43. The city is famous for its cultural
44. She the time she spends with her family.
45. There are some very players in our team.
46. Some people do not eat meat for reasons.

incomes - packed - identity - appreciated - frightened - artworks - products

47. A local painter was selling her on the street.
48. The company produces a range of handmade
49. I carefully a present to give to Mary on her birthday.
50. His art reflects his cultural
51. We should help the people on low
52. Don't be We're not going to hurt you.

۲- تعریف ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

A

53. all people
54. to show something
55. traditional or usual things that people do in an area
56. who or what a person or thing is
57. to value somebody or something
58. to try to do something that is difficult
59. very good at doing something
60. not late or early

B

- a diversity
b skillful
c identity
d on time
e appreciate
f attempt
g custom
h humankind
i reflect

Lesson Three

۳- مترادف یا متضاد کلمات مشخص شده را از ستون مقابل پیدا کنید. (یک کلمه اضافی است).

- | | |
|--|-------------|
| 61. Sleeping on a bed that is too <u>soft</u> can be bad for your back. ≠ | a fact |
| 62. You don't look very <u>cheerful</u> today. What's the matter? ≠ | b fortunate |
| 63. In the desert the temperature <u>falls</u> quickly at night. ≠ | c hard |
| 64. Are you <u>bored</u> with your present job? ≠ | d right |
| 65. She is <u>lucky</u> to be alive after the accident. = | e excited |
| 66. Thank you for the <u>lovely</u> birthday present. = | f sad |
| 67. We are still uncertain about the <u>truth</u> . = | g shocked |
| 68. Have I spelled your name <u>correctly</u> ? = | h rise |
| | i beautiful |

۴- جمله‌های زیر را با نوشتن کلمات مناسب کامل کنید.

69. Someone who is is friendly and enjoys being with people.
70. The art of making beautiful writing using a special pen is
71. A place where people make or repair things is called a(n)
72. When did you get from your vacation?
73. We get well with our neighbors.
74. They sell pottery, rug and other Iranian
75. The police found his on the gun.
76. Plastic is a very easy to work with and make beautiful things.

۵- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

77. There was a(n) of paintings by Egyptian artists in the museum.
- 1) custom 2) collection 3) economy 4) identity
78. We really all the help you gave us last weekend.
- 1) appreciate 2) depend 3) earn 4) catch
79. It is the in Japan to take your shoes off when you go into someone's house.
- 1) beauty 2) art 3) custom 4) diversity
80. Average have risen by 4.5 percent over the past year.
- 1) attempts 2) incomes 3) mistakes 4) economies
81. I was to see Jack yesterday - I thought he was in Florida.
- 1) bored 2) frightened 3) amused 4) surprised
82. I'm confused. Could you explain that again?
- 1) totally 2) correctly 3) especially 4) fortunately
83. They were to climb Mount Everest last month.
- 1) earning 2) appreciating 3) attempting 4) including
84. We were to hear about David's heart attack - he's so young.
- 1) confused 2) shocked 3) amused 4) excited
85. I think the between the two countries have got better recently.
- 1) relationship 2) customs 3) materials 4) collections

86. Every time someone tries to explain the information technology to me, I get even more

- 1) fortunate 2) confused 3) skillful 4) unique

87. Are you in New York for business or for

- 1) discount 2) economy 3) pleasure 4) diversity

88. Everyone, me, liked the book better than the movie.

- 1) including 2) such as 3) against 4) besides

89. The amount I earn on the kind of work I'm doing.

- 1) includes 2) reflects 3) appreciates 4) depends

90. I was to hear that Mark had won first prize.

- 1) amused 2) amazed 3) frightened 4) bored

B Grammar

جملات شرطی (شرطی نوع اول) Conditional Sentences

وقتی می‌خواهین شرطی رو مطرح کنین که انجامش در آینده امکان‌پذیر باشه، از جمله شرطی نوع اول به صورت زیر استفاده کنین:



If you study hard, you will pass the exams.

حال ساده آینده ساده

اگر سفت درس بفوانی، در امتحانات قبول فواهی شد.

If you don't study hard, you won't pass the exams.

حال ساده آینده ساده

اگر سفت درس نفوانی، در امتحانات قبول نفواهی شد.

● جمله شرطی از دو قسمت تشکیل شده:

۱- **جمله شرط:** جمله‌ای است که با **if** شروع میشه و فعلش حال ساده است.

study - studies - don't study - doesn't study

فعل study در زمان حال ساده:

۲- **جمله جواب شرط:** جمله‌ای است که با **if** شروع نمیشه و فعلش، آینده ساده یا فعل مدال (وجهی) می‌تونه باشه.

will pass - will not pass (won't pass)

فعل pass در زمان آینده ساده:

can / may pass - can't / may not pass

فعل مدال:

If you are hungry, you can eat an apple.

حال ساده فعل وجهی

اگر گرسنه هستی، می‌توانی یک سیب بخوری.

● فعل جمله جواب شرط می‌تونه امری نیز باشه.

If you're hungry, eat an apple.

حال ساده فعل امری

اگر گرسنه هستی، یک سیب بخور.

● جای جمله شرط و جواب شرط رو همیشه عوض کرد. حواستون باشه در این حالت دیگه ویرگول نیاز نداریم:



You will pass the exams **if** you study hard.

آینده ساده حال ساده

اگر سفت درس بفوانی، در امتحانات قبول فواهی شد.

Lesson Three

● برای سؤالی کردن، جملهٔ جواب شرط (یعنی جمله‌ای که will دارد) رو سؤالی می‌کنیم:

I **will buy** a bicycle **if** I **have** \$100.

اگر ۱۰۰ دلار داشته باشم یک دوپرفه می‌فرم.

Will you **buy** a bicycle **if** you **have** \$100?

اگر ۱۰۰ دلار داشته باشی یک دوپرفه می‌فری؟

What **will** you **buy** **if** you **have** \$100?

اگر ۱۰۰ دلار داشته باشی چی می‌فری؟

What **will** you **do** **if** you **have** \$100?

اگر ۱۰۰ دلار داشته باشی چه کار می‌کنی؟

صفات مفعولی و فاعلی Past and Present Participle

● صفت کلمه‌ای است که اسم رو توصیف میکنه و در جمله، قبل از اسم یا بعد از افعال ربطی میاد.

فواهرم به رمان علاقه دارد.

My sister **is** **interested** in novels.

صفت فعل ربطی

My sister reads **interesting** novels.

صفت اسم

فواهرم رمان‌های پالپی می‌خواند.

افعال ربطی زیر را یاد بگیرین:

فعل ربطی		
be (am / is / are / was / were)	بودن	feel احساس ... کردن
become	شدن	look به نظر رسیدن
get	شدن	seem به نظر رسیدن

● صفت مفعولی با اضافه کردن (ed) به فعل ساده ساخته میشه و برای بیان اثرپذیری جاندار (انسان یا حیوان) به کار می‌ره.

● صفت فاعلی با اضافه کردن (ing) به فعل ساده ساخته میشه و معمولاً برای بیان اثرگذار بودن غیرانسان به کار می‌ره.

صفت مفعولی	صفت فاعلی
amused سرگرم	amusing سرگرم‌کننده
confused گیج	confusing گیج‌کننده
bored کسل، خسته	boring کسل‌کننده، خسته‌کننده
interested علاقه‌مند	interesting جالب
excited هیجان‌زده	exciting هیجان‌انگیز
surprised شگفت‌زده، متعجب	surprising شگفت‌انگیز، تعجب‌آور
shocked شوکه	shocking هولناک، تکان‌دهنده
frightened ترسیده	frightening ترسناک
tired خسته	tiring خسته‌کننده
depressed افسرده، غمگین	depressing افسرده‌کننده

در جملهٔ زیر، صفت فاعلی boring برای توصیف غیرانسان (شغلش) به کار رفته و اثرگذار بودن شغلش را بیان میکنه. و صفت مفعولی bored برای توصیف انسان به کار رفته و اثرپذیری او را بیان میکنه.

Her job is **boring**. She is **bored** with her job.

صفت فاعلی انسان صفت فاعلی غیرانسان

شغلش فسته‌کننده است. او از شغلش فسته است.

The news was **shocking**. She was **shocked** when she heard the news.

آن خبر تکان‌دهنده بود. او شوکه شد وقتی آن خبر را شنید.

The film was **exciting** so the children got **excited**.

فیلم هیجان‌انگیز بود بنابراین بچه‌ها هیجان‌زده شدند.

کلاس خصوصی

الان دقیقاً وقتشه ببینیم چه نوع سوالایی از قسمت گرامر میاد ... انواع سوالایی که میشه طرح کرد به صورت زیره:
 ۱- تست ۲- شکل صحیح فعل ۳- دانش گرامری ۴- کلمات به هم ریخته ۵- سوال مناسب ۶- تصویر ۷- اشتباه گرامری
تست در جمله شرطی دو جمله داریم:

۱- جمله‌ای که با if شروع میشه و فعلش حال ساده است. ۲- جمله‌ای که با if شروع نمیشه و فعلش آینده ساده است. در سوالای تستی و شکل صحیح فعل، از شما یکی از این دو فعل را می‌فوان مثل سوالای ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۶ و ۹۷ یا هر دو را، مثل سوال ۹۳.

○ هواستون به این دو تا فعل be و have باشه و شکل اونارو در زمان حال ساده و آینده ساده درست بنویسین:

am, is, are, am not, isn't, aren't / have, has, don't have, doesn't have فعل‌های حال ساده:
 will be, won't be / will have, won't have فعل‌های آینده ساده:

A Choose the best answer. بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

91. He a better job if he doesn't pass that exam.
 1) doesn't get 2) didn't get 3) won't get 4) isn't getting
92. If your uncle to Canada next month, he can improve his English.
 1) go 2) goes 3) will go 4) went
93. If your sister to Paris this summer, she a good time.
 1) travels / will have 2) will travel / has 3) travels / has 4) will travel / will have
94. Everybody was that he passed the exam.
 1) surprise 2) surprising 3) surprisingly 4) surprised

۲ شکل صحیح فعل همون نکاتی که در مورد تست گفتیم.

B Write the correct form of the verbs in brackets. شکل صحیح فعل‌های داخل پرانتز را بنویسید.

95. If we go by bus, it cheaper. (be)
 96. He'll go on holiday if he time. (have)
 97. If the weather fine, the children can walk to school. (be)

۳ دانش گرامری در این نوع سوال، از شما do, does, will یا شکل منفی اون یعنی don't, doesn't, won't رو می‌فوان.

C Fill in the blanks with your own words. جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

98. It be too hot if he travels to Greece in August.
 99. If I feel well tomorrow, I'll stay at home.

۴ کلمات به هم ریخته موقع مرتب کردن هواستون به سافتار جمله شرطی باشه و فعل حال ساده رو در جمله‌ای که if داره استفاده کنین. اگه بین کلمات به هم ریخته، ویرگول باشه، باید If رو در ابتدای جمله بیارین در غیر این صورت، if رو باید بین دو جمله بیارین.

D Unscramble the following sentences. جمله‌های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

100. him / he / come / if / to / birthday / my / party / I / invite / will / ?

 101. if / we / be / late / don't / hurry / we / will / , / , / .

۵ سوال مناسب اگه زیر کل جمله جواب شرط یعنی جمله‌ای که if نداره فط کشیده شده باشه، از (What will happen if ...?) استفاده کنین مثل سوال ۱۰۲. و اگه زیر کل جمله جواب شرط به جز فاعل فط کشیده شده باشه، از (what will + فاعل + do if ...?) استفاده کنین مثل سوال ۱۰۳. در مورد بقیه نیز به جای کلمه‌ای که زیرش فط کشیده شده از کلمه پرسشی مناسب استفاده کنین مثل سوال ۱۰۴.

Lesson Three

E Make suitable questions for the following answers.

برای پاسخ‌های زیر سؤال مناسب بنویسید.

102.?

If she eats too much chocolate, she'll feel sick.

103.?

Peggy will go shopping if she has time in the afternoon.

104.?

I will buy a new dress if I have enough money.

تصویر با توجه به تصویر پاسخ بدین.

F Look at the pictures and answer the questions.

به تصاویر نگاه کنید و به سؤال‌ها پاسخ دهید.

105. What will you visit if you go to Paris?



106. What will you do if you don't have any homework?



107. What will happen if he takes off his coat?



اشتباه گرامری فعل جمله‌ای که با if شروع شده، باید حال ساده و فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، باید آینده ساده باشد. بر این اساس فعلی که اشتباه به کار رفته رو اصلاح کنید.

G Find the mistakes in the following sentences and correct them.

اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

108. If you will repair my bike, I will help you with the math homework.

109. If he surfs the Internet, he finds a lot of information about handicrafts.

نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر

۱- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

110. If she travels to London, she the museums.

- 1) visit 2) visits 3) is visiting 4) will visit

111. If she a lot of money, she will fly to New York.

- 1) earn 2) earns 3) will earn 4) earning

112. I'm thinking of to see Tom. If I go, you come with me?

- 1) going / will 2) going / does 3) to go / will 4) to go / does

113. If the weather is fine, my uncle in the mountain.

- 1) goes to hike 2) goes hiking 3) will go hike 4) will go hiking

114. Simon to London next week if he a cheap flight.

- 1) goes / gets 2) goes / will get 3) will go / gets 4) will go / will get

115. If you get back late, I angry.

- 1) was 2) is 3) will be 4) be

116. If I late this evening, wait for me.

- 1) am / won't 2) am / don't 3) will be / won't 4) will be / don't

117. I'm so that we're going at the weekend.

- 1) exciting / fishing 2) excited / fishing
3) excited / to fish 4) exciting / to fish

118. If I enough time this evening, I a movie.

- 1) will have / watch 2) have / watch
3) will have / will watch 4) have / will watch

119. If she too much junk food, she not lose weight.

- 1) eats / will 2) eats / does 3) will eat / will 4) will / does

120. Peter's parents very proud him if he gets good marks.

- 1) are / to 2) are / of 3) will be / to 4) will be / of

121. The horse is because the lion is

- 1) frightened / frightened 2) frightening / frightening
3) frightened / frightening 4) frightening / frightened

۲- شکل صحیح فعل‌های داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

122. If she to the library, she can study more. (go)

123. If they don't invite me, I (not go)

124. If you a taxi to work, you will not be late for the meeting. (take)

125. My mother will be very angry if I my homework. (do)

126. Your teacher angry if you late. (be)

127. If my friend, I very happy. (come / become)

128. Peggy will go if she time in the afternoon. (shop / have)

129. He can't this math problem if your brother him. (solve / not help)

۳- هر جمله را با استفاده از دانش گرامری خود کامل کنید.

130. If you go to bed early, you will be very tired and sleepy at school tomorrow.

131. If we send an invitation, our friends come to our party.

132. We can go swimming tomorrow if it rain.

133. If you don't work, you earn money.

134. you go to his birthday party if he invites you?

135. Fanny and Jason will be healthier they run for 10 minutes every day.

Lesson Three

۴- با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید.

136. you / hurry / train / catch / don't / you / if / won't / the / , , / .

.....

137. busy / you / are / later / we / now / can / talk / if / , , / .

.....

138. children / not / walk / rains / will / go / for / a / if / it / the / / .

.....

139. will / chocolate / happen / eats / much / if / she / too / what / ?

.....

140. days / Steven / better / if / he / bed / stays / in / for / feel / a few / will / ?

.....

141. will / now / she / this / letter / if / send / you / receive / it / when / ?

.....

۵- با توجه به تصاویر به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

142. What will happen if he drives carelessly?

.....



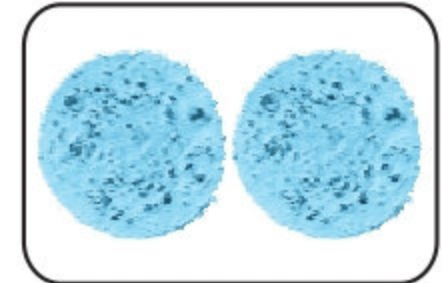
143. What time will you arrive in New York if you leave now?

.....



144. How much bread should we buy if we want to invite him to dinner?

.....



145. What will your father buy in London if he has a lot of money?

.....



146. What will Tom do if the weather is nice this weekend?

.....



147. What will Ted's mum let him do if he does his homework before 6?

.....



۶- اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آنها را تصحیح کنید.

148. I give you my laptop if you promise to be careful with it.
149. If you will see Helen tomorrow, can you ask her to call me?
150. I am very angry with Nick if he forgets to bring my CD again.
151. If he will have time tomorrow, he'll go and see his grandmother.
152. He was very amusing by my story because it was very interesting.
153. She felt very depressing after losing her job.

۷- برای پاسخ‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

154. ?
If the shop is open, I will buy a few souvenirs.
155. ?
She'll stay in London if she gets a job.
156. ?
If we don't protect the blue whales, they will die out.
157. ?
If it rains, I will wear a raincoat.
158. ?
If the children play in the yard, they will break the window.
159. ?
If I finish my homework before 7, I will help my mother.

Conversation

Reza: How can I help you, sir?

چه طور می‌تونم به شما کمک کنم، آقا؟

Tourist: I am looking for some Iranian handicrafts.

من دارم دنبال تعدادی صنایع دستی ایرانی می‌گردم.

Reza: Here you can find a range of Iranian handmade products, from carpets to pottery and tilework, but we don't sell metalwork.

شما می‌تونید در این‌جا انواع کالای دست‌ساز ایرانی از فرش تا ظروف سفالی و کاشی کار شده را پیدا کنید ولی ما کارهای فلزی را نمی‌فروشیم.

Tourist: I'd like to buy a Persian carpet, but it seems too expensive.

من می‌خواهم یک فرش ایرانی بخرم ولی خیلی گران به نظر می‌رسه.

Reza: The price depends on its size. Instead, you can take an Isfahan Termeh or a Qashqai Gabbeh.

قیمت به اندازه‌اش بستگی داره. به باش شما می‌تونید یک ترمه اصفهان یا یک گبه قشقایی بردارید.

Tourist: Wow! How touching this Gabbeh is! How much is it?

وای! این گبه چه قدر تأثیرگذاره! قیمتش چه قدره؟

Reza: It is 85 dollars. If you buy more than 100 dollars, you'll get a 20 percent discount. You can take this calligraphic tile for only 30 dollars.

۸۵ دلار. آگه بیش از صد دلار خرید کنید، ۲۰ درصد تخفیف می‌گیرید. شما می‌تونید این کاشی فطاطی شده را فقط به قیمت ۳۰ دلار بردارید.

Lesson Three

Tourist: Well, I'll take both. Please pack them for me.

بسیار قُب، هر دو را برمی دارم. لطفاً آن ها را برای من بسته بندی کنید.

Reza: Yes, sure.

بله، البته.

Tourist: Do you work for this shop? Who has made these beautiful items?

آیا برای این مغازه کار می کنید؟ چه کسی این اشیای زیبا را ساخته است؟

Reza: Actually, it is my father's workshop and store. I work here after school. All my family members work here to help our family business.

در واقع، این کارگاه و مغازه پدرمه. من بعد از مدرسه این جا کار می کنم. همه اعضای خانواده ام در این جا کار می کنند تا به کسب و کار خانواده مان کمک کنند.

Tourist: Well done! How lucky you are to work in such a lovely shop. I really appreciate the culture and art of Iran.

آفرین! چه قدر فوش شانس که در چنین مغازه خوبی کار می کنی. من واقعاً ارزش فرهنگ و هنر ایران را می دانم.

Reza: Thank you very much. If you are interested in knowing more about our products, you can check this booklet.

فیلی متشکرم. آگه علاقه مند هستید که بیشتر درباره محصولاتمان بدانید می تونید این کتابچه را ببینید.

A Answer the following questions.

به سؤال های زیر پاسخ دهید.

160. What was the tourist looking for?

.....

161. How much was the Qashqai Gabbeh?

.....

162. What did the tourist buy?

.....

B Choose the correct answer.

گزینه درست را انتخاب کنید.

163. According to the conversation, which one is TRUE?

- 1) The tourist disliked Persian carpets.
- 2) The tourist depended on the carpet.
- 3) The carpet prices varied in size.
- 4) The Persian carpet was very cheap.

164. According to the conversation, which one is NOT true?

- 1) There was no metalwork in the store.
- 2) All Persian handicrafts weren't expensive.
- 3) There were just carpet, pottery and tilework.
- 4) Reza told the tourist to buy an Isfahan Termeh.

C True or False?

درست یا نادرست؟

165. They sell different Iranian handmade products.

A) True

B) False

166. If the tourist buys two Qashqai Gabbehs, he must pay 170 dollars.

A) True

B) False

167. The tourist wanted to pack them himself.

A) True

B) False

نمونه سؤال امتحانی مکالمه

Jane and John are at the Louvre Museum in Paris, France. They are talking about the paintings. Complete the following conversation between them using the given sentences.

جین و جان در موزه لور در پاریس واقع در فرانسه هستند. آن‌ها دارند درباره تابلوهای نقاشی صحبت می‌کنند. مکالمه زیر بین آن‌ها را با استفاده از جملات داده شده کامل کنید.

John: Hey, look at this painting! It's wonderful.

168. Jane:

John: Well, Leonardo painted this famous *Mona Lisa*.

169. Jane:

John: Leonardo da Vinci was an Italian artist born in the 15th century. He was a scientist, inventor, engineer and a painter. Leonardo seemed to be good at everything.

170. Jane:

John: Actually, he was famous for his painting. *Mona Lisa* and *The Last Supper* are his most famous paintings. It took Leonardo 3 years to paint *The Last Supper*.

171. Jane:

- A Who was Leonardo?
- B His painting still looks amazing!
- C What was he famous for?
- D Wow! What a beautiful painting! Do you know anything about it?

D Reading

Reading Strategy

تشخیص کلمات مرجع Recognizing Reference Words

● برای اجتناب از تکرار اسامی افراد، مکان‌ها، ایده‌ها یا چیزهای دیگر در جمله و متن، از کلمات مرجع مثل ضمیر استفاده کنیم. در سؤال‌های درک مطلب گاهی از شما می‌خوان که مشخص کنیم یک ضمیر به چه اسمی، عبارتی یا جمله‌ای در متن برمی‌گردد. به عبارتی باید مرجع اون ضمیر رو پیدا کنیم. اسم یا عبارتی که ضمیر به اون برمی‌گردد معمولاً قبل از ضمیره. گاهی اوقات ممکنه با توجه به مفهوم جمله، مرجع ضمیر بعد از اون باشه.

● صورت این نوع سؤال معمولاً به صورت زیره:

The pronoun "x" in the third paragraph refers to ضمیر "x" در پاراگراف سوم به اشاره دارد .

The word "x" in line 6 refers to کلمه "x" در سطر ۶ به اشاره دارد .

● برای پاسخ‌دادن، با توجه به شماره سطر یا پاراگراف داده شده، ضمیر رو در متن پیدا کنیم. در اکثر موارد، زیر ضمیر در متن خط می‌کشیم. اول جمله‌ای که ضمیر در اون به صورت نیاز، جمله قبل از اون، گاهی اوقات هم جمله بعد رو با دقت می‌خونیم. با توجه به مفهوم جمله یا جمله‌های قبل و یا بعد از ضمیر، گزینه‌ای درسته که بشه موقع معنی کردن به جای اون ضمیر گذاشت.

John didn't have any money, so his brother lent him some. بان هیچ پولی نداشت بنابراین برادرش مقداری به او قرض داد.

در این جمله، his و him به John و some به money برمی‌گردد چون می‌تونیم به جاش بذاریم:

جان هیچ پولی نداشت بنابراین برادر جان مقداری پول به جان قرض داد.

Lesson Three

نکته ضمائر موصولی (that, who, whom, which, whose) به اسم یا عبارت قبل از خودشون برمی گردن پس برای پیدا کردن گزینه درست، نیازی به معنی کردن نیست.

This school is only for the children **whose** first language is not English.

این مدرسه فقط برای بچه‌هایی است که زبان مادری‌شان انگلیسی نیست.

در این جمله، ضمیر موصولی **whose** به اسم قبل از خودش یعنی به children برمی‌گردد چون می‌تونیم به جاش بذاریم:

این مدرسه فقط برای بچه‌هایی است که زبان اول آن بچه‌ها انگلیسی نیست.

My friend knows the **girl who** is speaking English.

دوستم آن دختری که دارد انگلیسی صحبت می‌کند را می‌شناسد.

در این جمله ضمیر موصولی **who** به اسم قبل از خود (girl) برمی‌گردد.

I went back to the **town where** I was born.

من به شهری برگشتم که در آن‌جا متولد شدم.

در این جمله، **where** به اسم قبل از خود (town) برمی‌گردد چون می‌تونیم به جاش بذاریم:

من به شهری برگشتم که در آن شهر متولد شدم.

Art, Culture and Society

Art is what people create with imagination and skill. As a part of culture, it shows the way of life and identity of a nation and reflects the history of a society. In fact, the history of humankind is the history of art. If we want to know a country or a nation well, we should study its art.



Handicrafts are good examples of the art and culture of a country. By handicrafts, we mean making decorative items in a skillful way using our hands. Each country and culture has its own handicrafts.

Making and selling handicrafts are good ways to help a country's economy and introduce its culture to other nations. Many people of the world produce handicrafts and sell them to tourists. In some Asian countries a part of the country's income comes from making and selling handicrafts.

Iran has a five-thousand-year-old history of artistic works and handicrafts including pottery, painting, calligraphy, rugs, carpets, etc. If you travel across Iran, you'll get back home with excellent handicrafts as souvenirs for your family and friends.

Iranian art is also quite famous all around the world. There are very excellent collections of Persian art in many important museums of the world. If we want to name the countries with richest art and cultural diversity, Iran is among them. Persian art is famous in the world for reflecting moral and social values of Iranian people and the natural beauty of this vast country.

Iranian craftsmen and craftswomen are famous for producing very unique artworks from wood, metal and other simple materials around them. Many people of the world appreciate the art and skill of a young Iranian girl who weaves a beautiful silk carpet in a small village of Azarbaijan or Kordestan. When tourists buy Persian rugs or carpets, they take a part of Iranian art and culture to their homelands.

گزینه درست را انتخاب کنید.

A Choose the correct answer.

172. According to the passage, which one is not as an example of handicrafts?

- 1) pottery 2) souvenir 3) calligraphy 4) carpet

173. The word "reflect" in the second line means

- 1) build 2) show 3) explain 4) recite

174. The pronoun "it" in line 2 refers to

- 1) culture 2) art 3) life 4) nation

175. The pronoun "them" in paragraph 5 refers to and in the last paragraph refers to

- 1) collections / materials 2) museums / artworks
3) countries / craftsmen and craftswomen 4) art and cultural diversity / people

176. The word "its" in

- 1) the first paragraph only refers to "nation"
2) the second paragraph refers to "country and culture"
3) the third paragraph refers to "economy"
4) this passage just refers to "country"

177. What is the main idea of the third paragraph?

- 1) We must sell handicrafts to other nations.
2) Making and selling handicrafts help a country's economy.
3) Some Asian countries earn money from making and selling handicrafts.
4) Many people of the world sell handicrafts to tourists.

B True or False?

درست یا نادرست؟

178. Iran is a country with the richest art and cultural diversity.

- A) True B) False

179. The word "who" in the last paragraph refers to the "people".

- A) True B) False

180. Both the words "they" and "their" in the last paragraph refer to "tourists".

- A) True B) False

C Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

181. What do handicrafts mean?

.....

182. What is Persian art famous for?

.....

183. How can we know a country or a nation well?

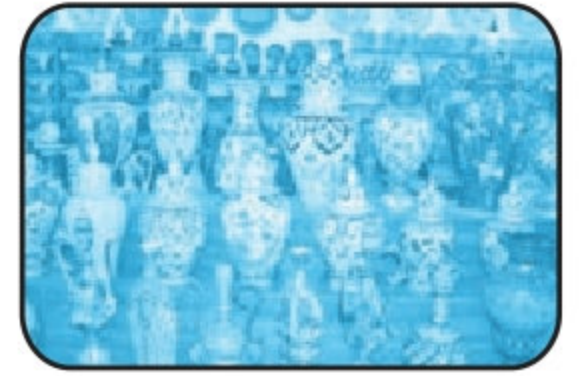
.....

نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن

A: Cloze Test

متن زیر را بخوانید و سپس پاسخ‌های درست را انتخاب کنید. Read the following passage and then choose the correct answers.

The culture of Turkey is one of the oldest cultures in the world. Humans have lived in the land of Turkey for thousands of years. Many parts of Turkish culture and art are the oldest in the world. Art and184..... are very important to Turkish people. In fact, Turkish craftsmen and craftswomen are famous for185..... the most beautiful and valuable handmade crafts in Turkey.



Many years ago, those who lived in Turkey were called Ottoman Turks. It was a common186..... among Ottoman Turks that every person should be187..... in at least one craft. Maybe because of this belief, Turkish crafts have greatly developed and they have always been very unique. Turkey is a country with the richest art and cultural188..... . Craftsmen and craftswomen still produce valuable handicrafts in many areas of the country.

- | | | | |
|----------------------|-------------|--------------|----------------|
| 184. 1) customs | 2) crafts | 3) products | 4) collections |
| 185. 1) appreciating | 2) packing | 3) producing | 4) depending |
| 186. 1) belief | 2) attempt | 3) identity | 4) beauty |
| 187. 1) proud | 2) cheerful | 3) skillful | 4) sociable |
| 188. 1) truth | 2) income | 3) skill | 4) diversity |

B: Reading Comprehension

متن زیر را بخوانید و سپس به سؤال‌ها پاسخ دهید. Read the following passage and then answer the questions.

Pablo Picasso was a famous Spanish artist. He grew up in Spain where he was born on October 25, 1881. Picasso's father was a painter and art teacher. He helped his son to develop his artistic ability. Pablo liked to draw from an early age. From the age of seven, Picasso had formal art lessons from his father. When Picasso was ten years old, his family moved to Barcelona, Spain, where Picasso took an exam to attend a famous art school. The exam was going to take one month, but Picasso finished it in one day! A few years later he went to another school in Madrid. However, Picasso was bored with the old teachings of art school. He didn't want to paint like people hundreds of years ago. He wanted to create something new.

He later moved to Paris, where he worked as an artist and created his wonderful drawings. During this time, he created his famous "Blue Period" works. In 1907, Picasso painted a painting which is known to have been the first painting in the "modern art" movement. Artists from all over the world travelled there to see this painting. In 1907, Picasso began to experiment with a new style of painting. He is best known for creating the Cubism style.

One of the most interesting things about Picasso is that he was the first artist to be famous during his own lifetime. He was one of the most important artists of the twentieth century. He passed away on April 8, 1973.

A Choose the correct answer.

گزینه درست را انتخاب کنید.

189. The underlined word "his" in the second line refers to

- 1) Picasso 2) Picasso's son 3) father 4) teacher

190. What is the main idea of the passage?

- 1) Picasso and his "Blue Period" works 2) Picasso's early life
3) Picasso's Life and Works 4) a New Style of Painting

B True or False?

درست یا نادرست؟

191. The word "which" in the second paragraph refers to "painting".

A) True B) False

192. Picasso's father taught him art when he was seven years old.

A: True B) False

C Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

193. Was Picasso interested in the old teachings of art school?

194. Where did Picasso create his famous "Blue Period" works?

E Pronunciation

Rising and Falling Intonation in Conditional Sentences

در جملات شرطی جمله اول، آهنگ خیزان و جمله دوم، آهنگ افتان دارد.

If the bus does not come on time,	↗ we'll get to school late.	↘	اگر اتوبوس به موقع نیاید، دیر به مدرسه خواهیم رسید.
Will you buy a new cellphone	↗ if you get the money?	↘	اگر پول به دست بیاری، تلفن همراه نو می‌خری؟

نمونه سؤال امتحانی تلفظ

در جمله‌های زیر، آهنگ افتان و خیزان را مشخص کنید.

195. If I earn enough money next year, I will buy a new car.

196. You should eat healthy food to live longer.

197. If you have a toothache, you must go to the dentist.

198. The school bus did not come on time.

199. Do you enjoy visiting other countries?

200. Will she pass the exam if you help her?

201. What time do you usually get home after school?

202. My brother will invite his friend to his house.

203. Will you borrow money from your friend?

204. If you have enough time, what will you do at the weekend?

F Writing

مصدر با to / Infinitives

شناکردن to swim | مصدر با to → شکل ساده فعل + to

«مصدر با to» با اضافه کردن to به فعل ساده ساخته میشه و در موارد زیر به کار می‌ره:

۱ «مصدر با to» برای بیان هدف و قصد از انجام کاری استفاده میشه. در این حالت، «مصدر با to» در جمله می‌تونه در ابتدا یا وسط جمله بیاد. در جمله زیر قصد و هدف ماریا از زود از خونه بیرون رفتن این بوده که به اتوبوس برسه و در جمله دوم هدف از با اتوبوس به سر کار رفتن، پس انداز کردن پوله.

Maria left home early **to catch** the bus.

ماریا زود از خانه بیرون رفت تا به اتوبوس برسد.

To save my money, I go to work by bus.

برای پس انداز کردن پولم، با اتوبوس به سر کار می‌روم.

۲ «مصدر با to» به عنوان فاعل در ابتدای جمله میاد:

To smoke is very bad for everyone.

سیگار کشیدن برای همه فیزی مضر است.

نکته به جای استفاده از «مصدر با to» در ابتدای جمله، رایج‌تر و طبیعی‌تره که از ساختار It یا اسم مصدر استفاده کنین:

مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + فعل to be + It

It is very bad for everyone to smoke.

سیگار کشیدن برای همه فیزی مضر است.

Smoking is very bad for everyone.

سیگار کشیدن برای همه فیزی مضر است.

یه مثال دیگه:

To climb the mountain was difficult.

بالا رفتن از آن کوه سخت بود.

It was difficult to climb the mountain.

بالا رفتن از آن کوه سخت بود.

Climbing the mountain was difficult.

بالا رفتن از آن کوه سخت بود.

۳ «مصدر با to» بعد از برخی افعال میاد:

نکته بعد از برخی افعال جدول زیر، بلافاصله «مصدر با to» میاد و بعد از برخی دیگر، ابتدا مفعول بعد «مصدر با to» میاد.

I have **decided to learn** Spanish.

من تصمیم گرفته‌ام که اسپانیایی یاد بگیرم.

My teacher **told me to do** my homework.

معلمم به من گفت که تکالیفم را انجام بدهم.

مفعول

بعد از افعال زیر «مصدر با to» به کار می‌ره:

tell	گفتن	hope	امیدوار بودن
want	خواستن	invite	دعوت کردن
decide	تصمیم گرفتن	wish	مایل بودن، خواستن
promise	قول دادن	would like	مایل بودن، خواستن
expect	انتظار داشتن	plan	قصد داشتن، خواستن
agree	موافق بودن	ask	تقاضا کردن، خواستن
choose	انتخاب کردن	cause	باعث شدن
learn	یاد گرفتن	help	کمک کردن
wait	صبر کردن	advise	توصیه کردن
attempt	سعی کردن، تلاش کردن	order	دستور دادن



توجه بعد از فعلای جدول زیر، با توجه به معنی آن‌ها، هم «مصدر با to» و هم (اسم مصدر) میاد.

stop	توقف کردن، دست کشیدن از	like	دوست داشتن
try	سعی کردن	love	عاشق ... بودن، دوست داشتن
forget	فراموش کردن	hate	متنفر بودن
remember	به یاد آوردن	start	شروع کردن
prefer	ترجیح دادن	begin	شروع کردن

بعد از like, love, hate و prefer هم می‌تونه «مصدر با to» بیاید و هم (اسم مصدر).

I like to travel by car.

من دوست دارم که با ماشین مسافرت کنم.

I like travelling by car.

من مسافرت با ماشین را دوست دارم.

بعد از stop به معنی (از ... دست کشیدن، ترک کردن، متوقف کردن)، «اسم مصدر» ولی به معنی (ایستادن، توقف کردن)، «مصدر با to» میاد.

He got very tired so he stopped working.

او خیلی خسته شد بنابراین از کار کردن دست کشید.

He got hungry so he stopped to eat.

او گرسنه شد بنابراین ایستاد (توقف کرد) تا غذا بخورد.

بعد از try، به معنی (امتحان کردن)، اسم مصدر ولی به معنی (سعی کردن)، «مصدر با to» میاد.

Try using a different shampoo.

استفاده از شامپوی دیگری را امتحان کن.

I tried to fix his car, but I couldn't.

سعی کردم ماشینش را تعمیر کنم اما نتوانستم.

در مورد forget و remember چنانچه عمل فراموش کردن یا به یاد آوردن مربوط به کاری باشه که قبلاً انجام شده، از اسم مصدر ولی چنانچه مربوط به کاری باشه که هنوز انجام نشده، از «مصدر با to» استفاده کنین. در جمله ۱ و ۳، ملاقات با هنرمند و خاموش کردن لامپها قبلاً انجام شده، ولی در جمله ۲ و ۴، پست کردن نامه و خاموش کردن لامپها هنوز انجام نشده.

1. I'll never forget meeting the artist.

من هرگز ملاقات با آن هنرمند را فراموش نخواهم کرد.

2. Don't forget to post the letter.

فراموش نکن که نامه را پست کنی.

3. I'm sure I turned off the light. I remember turning it off.

من مطمئنم که لامپ را خاموش کردم. من خاموش کردن آن را به یاد دارم.

4. Please remember to turn off the lights when you go out.

لطفاً وقتی بیرون می‌روی یادتان باشد لامپها را خاموش کنید.

۴ «مصدر با to» بعد از برخی صفات میاد:

We are very sad to hear that you are leaving.

از شنیدن این که شما دارید می‌روید خیلی ناراحت هستیم.

She became happy to see her classmate.

از دیدن هم‌کلاسی اش خوشحال شد.

بعد از صفات زیر «مصدر با to» به کار می‌ره:

happy	خوشحال	amazed	حیرت زده، شگفت زده
glad	خوشحال	surprised	شگفت زده، متعجب
sad	ناراحت، غمگین	shocked	شوکه، حیرت زده
sorry	متأسف	ashamed	شرمنده
lucky	خوش شانس	certain	مطمئن، قطعی
fortunate	خوش شانس	careful	مواظب، مراقب
nice	خوب	safe	ایمن
good	خوب	nervous	عصبی، نگران

برای منفی کردن «مصدر با to»، قبل از to، از not استفاده کنین.

It is important not to translate anything.

مهم است که هر چیزی را ترجمه نکنیم.

I told the children not to play in the yard.

به بچه‌ها گفتم در حیاط بازی نکنند.

I was sorry not to see Helen at the party.

من متأسف بودم از این که هلن را در مهمانی ندیدم.

۳ شکل صحیح فعل < همون توضیحاتی که برای تست گفتیم!

شکل صحیح فعل‌های داخل پرانتز را بنویسید.

Write the correct form of the verbs in brackets.

221. She went to the post office some stamps. (buy)

222. She became happy her classmate after ten years. (see)

223. Was it easy for you my house? (find)

224. I didn't expect them here. (be)

۴ کلمات به هم ریخته < موقع مرتب کردن، هواستون باشه بعد از بر فی افعال مثل (tell, want ...), بعد از بر فی صفات مثل (happy, sorry ...), «مصدر با to»

بنویسین و سافتار It هم باید بلد باشین. در آخر هم هواستون باشه آگه جمله سوالیه، فعل کمکی رو اول جمله بیارین.

Unscramble the following sentences.

جمله‌های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

225. is / for / children / it / river / dangerous / this / to / swim / in / ?

226. police / questions / asked / him / honestly / to / the / answer / the / .

227. be / help / to / for / don't / ask / ashamed / .

۵ تصویر < شکل کلی صورت سؤال (برای مثال برای فعل tell) معمولاً به دو صورت زیره:

What did you tell him to do?

به او گفتی چه کار کند؟

What did you tell him to buy?

به او گفتی چه ببرد؟

در هر دو حالت بعد از بر فی افعال، (در این جا tell)، «مصدر با to» میاد. در مورد اول هواستون باشه با توجه به تصویر، به جای do از فعل مناسب استفاده کنین.

Look at the picture and answer the question.

به تصویر نگاه کنید و به سؤال پاسخ دهید.

228. What is the woman telling the girl to do?



۶ اشتباه گرامری < هواستون باشه بعد از مواردی که در مورد تست‌ها گفتیم، آگه «مصدر با to» نیومده بود، اون رو اصلاح کنین.

Find the mistakes in the following sentences and correct them.

اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

229. I'm sorry I forgot phoning you yesterday. I was very busy.

230. It was expensive eat in that restaurant, but the food was wonderful.

231. I stayed up late last night finishing my English homework.

۷ سؤال مناسب < آگه زیر «مصدر با to» یا عبارتی که با «مصدر با to» شروع شده فط کشیده شده باشه، سه حالت داره. آگه قسمتی که زیر اون فط کشیده شده:

۱- قصد و هدف رو بیان کنه، به باش Why رو در ابتدای جمله بنویسین و بعد بقیه جمله رو سوالی کنین مثل سؤال ۲۳۲.

۲- در ابتدای جمله به عنوان فاعل اومده باشه، فقط به باش What رو در ابتدای جمله بنویسین مثل سؤال ۲۳۳.

۳- بعد از بر فی افعال اومده باشه، به باش از (to do) استفاده کنین و بعد What رو در ابتدای جمله بنویسین بعدش بقیه جمله رو سوالی کنین. مثل سؤال ۲۳۴.

Lesson Three

Make suitable questions for the following answers.

برای پاسخ‌های زیر سؤال مناسب بنویسید.

232.?

Alice went to Beijing to learn Chinese.

233.?

To tell the truth is sometimes dangerous.

234.?

My father wants Alice to post his letters every week.

نمونه سؤال‌های امتحانی نگارش

۱- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

235. Sometimes it is a bit hard the language if people talk fast.

- 1) understand 2) to understand 3) will understand 4) understood

236. It was late, so I ran the bus.

- 1) catch 2) catching 3) to catch 4) will catch

237. Tell the children so much noise.

- 1) not to make 2) to not make 3) not making 4) don't make

238. Do you think this water is safe?

- 1) drink 2) drinking 3) drinks 4) to drink

239. My friend is good at volleyball.

- 1) playing 2) play 3) to play 4) plays

240. My parents asked me home at 11 o'clock.

- 1) be 2) am 3) being 4) to be

241. It's nice a headache any more.

- 1) not having 2) not to have 3) don't have 4) to not have

242. My father wanted me my homework before out.

- 1) to do / going 2) to do / to go 3) doing / going 4) doing / to go

243. We bought some good shoes in the mountain.

- 1) to go walk 2) going walking 3) to go walking 4) going to walk

244. Remember us a postcard when you're on vacation.

- 1) sending 2) to send 3) send 4) sends

۲- شکل صحیح فعل‌های داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

245. Goodbye! I hope you again soon. (see)

246. He moved to a new apartment near his work. (be)

247. I am interested in to South America. (travel)
248. I learned when I was five years old. (swim)
249. My mother asked me to finish the kitchen. (clean)
250. We'll be sorry you tomorrow. (not see)
251. I think it is interesting how other people live. (see)
252. I'm trying Please stop (study / talk)

۳- با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید.

253. gone / meet / to / Bob / has / the / uncle / airport / to / his / ?

254. physics / loudly / asked / him / not / teacher / our / to / speak / .

255. older / does / your / sister / tonight / want / to / what / do / ?

256. I / exercise / it / is / think / always / good / to / do / .

257. give / he / wife / some / flowers / bought / to / to / his / .

258. not / careful / to / Paul / wake / up / be / .

۴- با توجه به تصاویر به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

259. Why did your friend go to the mountain last Sunday?



260. Why has Jane gone to the store?



261. What is he telling his son to do?



Lesson Three

262. What does the teacher ask her students to do?



.....

263. What has your mother asked him to do?



.....

264. What does your little sister want to do in the evening?



.....

۵- اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

265. We didn't have any money taking a taxi, so we walked home.

.....

266. Hannah must learn to not talk about herself all the time.

.....

267. Remember waking me up tomorrow morning.

.....

268. The teacher wanted us do the exercise carefully.

.....

269. It is always important being polite to older people.

.....

270. I'm ashamed saying I still don't know how to ride a bicycle.

.....

۶- برای پاسخ‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

271.?

I went to town on Saturday to buy a present for my cousin's birthday.

272.?

My parents have decided to sell their car.

273.?

Your sister should try not to laugh when David sings.

274.?

To learn a foreign language perfectly is almost impossible.

275.?

I turned on the radio to hear the latest news.

276.?

Mother told John not to wear his dirty shirt.

پاسخ‌نامه تشریحی

- diversity - ۱ به معنی (تنوع) است ولی بقیه به معنی (تابلو، کاشی کار شده و فطاطی) آثار هنری و کارهای دستی هستند.
- carpet - ۲ به معنی (فرش) است ولی بقیه به ترتیب (فلز، سنگ و چوب) مواد اولیه هستند.
- handicraft - ۳ به معنی (صنایع دستی) است ولی بقیه به معنی (کارگاه، موزه و گالری) مکانن.
- firefighter - ۴ به معنی (آتش‌نشان) است ولی بقیه به ترتیب (صنعتگر زن، نقاش و هنرمند) شغل‌هایی در ارتباط با هنر.
- silk - ۵ به معنی (ابریشم) ماده اولیه است ولی بقیه به ترتیب (قالیچه، فرش و ظروف سفالی) صنایع دستی هستند.
- (سوغاتی) souvenir - ۶
- (خوش‌نویسی، خطاطی) calligraphy - ۷
- (قالیچه) rug - ۸
- (کاشی کاری) tilework - ۹
- (ظروف سفالی) pottery - ۱۰
- (صنعتگر مرد) craftsman - ۱۱
- (فرش) carpet - ۱۲
- (تابلو نقاشی) painting - ۱۳
- (فلز) metal - ۱۴
- (چوب) wood - ۱۵
- (اثر انگشت) fingerprint - ۱۶
- (شیء دست‌ساز قدیمی) artifact - ۱۷
- آن توریست یک فرش ایرانی گران‌قیمت خرید. (c) - ۱۸
- آن دختر دارد یک فرش ابریشمی زیبا می‌بافد. (b) - ۱۹
- کاشی‌کاری‌های بسیاری در مسجد شیخ لطف‌الله وجود دارد. (d) - ۲۰
- صنعتگران ایرانی صنایع دستی زیبای بسیاری را تولید می‌کنند. (a) - ۲۱
- ۱۵ درصد تخفیف دریافت کردن (c) - ۲۲
- همه اعضای خانواده‌ام (f) - ۲۳
- فرهنگ و هنر یک کشور (b) - ۲۴
- تاریخ پنج هزار ساله آثار هنری (a) - ۲۵
- به آداب و رسوم محلی قدیم علاقه‌مند بودن (d) - ۲۶
- لئوناردو داوینچی بزرگ‌ترین هنرمند زمانش بود. (c) - ۲۷
- دانش‌آموزانم سخت کار کرده‌اند و من به آنها افتخار می‌کنم. (b) - ۲۸
- افزایش جهانگردی به اقتصاد شهر کمک خواهد کرد. (a) - ۲۹
- او پول زیادی در نمی‌آورد ولی از کارش لذت می‌برد. (c) - ۳۰
- معلم فیزیک از کارم راضی نبود. (b) - ۳۱
- گزینه «۲» (b) - ۳۲
- گزینه «۱» (a) - ۳۳
- مستباه کردم. باید بنویسم ۲۳۰ دلار نه ۳۲۰ دلار. (c) - ۳۴
- اگر بیش از ده بلیط رزرو کنید، ۱۰ درصد تخفیف خواهید گرفت. (a) - ۳۵
- شخصی که خلاق است ایده‌های جدید زیادی دارد یا در ساختن چیزهای جدید ماهر است.

get a 15 percent discount

all my family members

the art and culture of a country

a five-thousand-year-old history of artistic works

be interested in old local customs



کسی که در درست کردن اشیا با دستانش ماهر است صنعتگر نامیده می شود.
(زادگاه، وطن) کشوری که شما در آن متولد شدید
(سلامت) حالت سالم بودن
آیا می دانستی که استرالیا یک کشور پهناور است؟

کوچک small ≠ پهناور vast

معروف، مشهور famous = شناخته شده، معروف well-known

او در این بخش از کشور خیلی معروف است.
من رسم هدیه دادن در کریسمس را دوست دارم.
شخصیت هر کس کاملاً منحصر به فرد است.
این شهر به خاطر تنوع فرهنگی اش معروف است.
او برای وقتی که با خانواده اش می گذراند ارزش قائل است.
چند بازیکن خیلی ماهر در تیم مان هستند.
برخی افراد به دلایل اخلاقی گوشت نمی خورند.
یک نقاش محلی داشت آثار هنری اش را در خیابان می فروخت.
آن شرکت انواع مختلف کالاهای دست ساز را تولید می کند.
من با دقت یک هدیه را بسته بندی کردم تا در روز جشن تولد ماری به او بدهم.
هنرش هویت فرهنگی اش را نشان می دهد.
ما باید به افراد کم درآمد کمک کنیم.
نترسید. ما قصد نداریم به شما صدمه بزنیم.
(انسان، بشر) همه مردم
(نشان دادن) نشان دادن چیزی
(آداب، رسم) کارهای سنتی و همیشگی که افراد در یک منطقه انجام می دهند
(هویت) این که یک شخص یا یک چیز چه کسی یا چه چیزی است
(ارزش ... را دانستن) ارزش کسی یا چیزی را دانستن
(تلاش کردن) تلاش برای انجام دادن کاری که سخت است
(ماهر) در انجام کاری ماهر بودن
(به موقع، سر وقت) دیر یا زود نبودن
خوابیدن بر روی تختی که خیلی نرم است می تواند برای کمردان مضر باشد.

سفت، سفت، محکم hard ≠ نرم soft

ناراحت، غمگین sad ≠ شاد، فوشال cheerful

بالا رفتن، افزایش پیدا کردن rise ≠ پایین آمدن، کاهش یافتن fall

هیجان زده excited ≠ کسل، فسته bored

فوش شانس lucky = fortunate

craftsman - ۳۶

hometown - ۳۷

wellness - ۳۸

small - ۳۹

famous - ۴۰

custom - ۴۱

unique - ۴۲

diversity - ۴۳

values - ۴۴

skillful - ۴۵

moral - ۴۶

artworks - ۴۷

products - ۴۸

packed - ۴۹

identity - ۵۰

incomes - ۵۱

frightened - ۵۲

humankind - ۵۳

reflect - ۵۴

custom - ۵۵

identity - ۵۶

appreciate - ۵۷

attempt - ۵۸

skillful - ۵۹

on time - ۶۰

hard - ۶۱

sad - ۶۲

rise - ۶۳

excited - ۶۴

fortunate - ۶۵

برای هدیه زیبای تولد ممنونم.

beautiful - ۶۶

lovely قشنگ = beautiful قشنگ، دوست‌داشتنی، قشنگ

ما هنوز در مورد آن حقیقت مطمئن نیستیم.

fact - ۶۷

truth = fact حقیقت، واقعیت

آیا اسم‌تان را درست هجی کرده‌ام؟

right - ۶۸

correctly درست = right درست، به طور صحیح

کسی که اجتماعی است صمیمی است و از بودن با افراد لذت می‌برد.

sociable - ۶۹

هنر خلق کردن نوشته زیبا با استفاده از یک قلم مخصوص خطاطی است.

calligraphy - ۷۰

مکانی که افراد وسایلی را می‌سازند یا تعمیر می‌کنند کارگاه نامیده می‌شود.

workshop - ۷۱

کی از تعطیلاتت برگشتی؟

back - ۷۲

ما با همسایه‌هایمان تفاهم خوبی داریم.

along - ۷۳

کنار آمدن با، تفاهم داشتن با get along with

آن‌ها ظروف سفالی، قالیچه و دیگر صنایع دستی ایرانی می‌فروشند.

handicrafts - ۷۴

پلیس اثر انگشتانش را بر روی تفنگ پیدا کرد.

fingerprints - ۷۵

پلاستیک ماده خیلی راحتی برای کار کردن و ساختن وسایل زیبا است.

material - ۷۶

مجموعه‌ای از تابلوهای هنرمندان مصری در موزه وجود داشت.

گزینه ۲ - ۷۷

ما از همه کمکی که تعطیلات آخر هفته گذشته به ما کردید بسیار قدردانی می‌کنیم.

گزینه ۱ - ۷۸

در ژاپن رسم است وقتی به خانه کسی می‌روید کفش‌های‌تان را در بیاورید.

گزینه ۳ - ۷۹

میانگین درآمدها طی سال گذشته تا ۴/۵ درصد افزایش یافته است.

گزینه ۲ - ۸۰

من از این که دیروز جک را دیدم تعجب کردم - فکر می‌کردم در فلوریدا است.

گزینه ۴ - ۸۱

من کاملاً گیج شدم. ممکن است لطفاً دوباره آن را توضیح بدهید؟

گزینه ۱ - ۸۲

آن‌ها ماه گذشته تلاش کردند از کوه اورست بالا بروند.

گزینه ۳ - ۸۳

ما از شنیدن حمله قلبی دیوید شوکه شدیم - او خیلی جوان است.

گزینه ۲ - ۸۴

فکر می‌کنم اخیراً روابط بین آن دو کشور بهتر شده است.

گزینه ۱ - ۸۵

هر بار کسی سعی می‌کند در مورد فن‌آوری اطلاعات برای من توضیح دهد حتی بیشتر گیج می‌شوم.

گزینه ۲ - ۸۶

آیا شما برای کار در نیویورک هستید یا برای تفریح؟

گزینه ۳ - ۸۷

همه، از جمله من، آن کتاب را بیشتر از آن فیلم دوست داشتیم.

گزینه ۱ - ۸۸

مقدار پولی که درمی‌آورم بستگی به نوع کاری دارد که دارم انجام می‌دهم.

گزینه ۴ - ۸۹

من از شنیدن این که مارک جایزه اول را برد شگفت‌زده شدم.

گزینه ۲ - ۹۰

اگر در آن امتحان قبول نشود، شغل بهتری به دست نخواهد آورد.

گزینه ۳ - ۹۱

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (won't get) است.

اگر عمویت ماه آینده به کانادا برود، می‌تواند انگلیسی‌اش را بهتر کند.

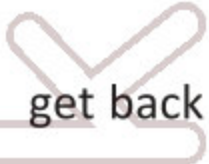
گزینه ۲ - ۹۲

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (goes) است.

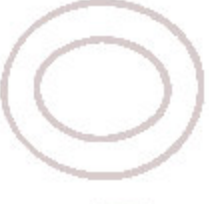
اگر خواهرت تابستان امسال به پاریس مسافرت کند، به او خوش خواهد گذشت.

گزینه ۱ - ۹۳

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will have) است.



برگشتن get back



کنار آمدن با، تفاهم داشتن با get along with



۹۴- گزینه «۴» همه از این که او در امتحان قبول شد تعجب کردند.

صفت مفعولی (surprised) صفتی اثرپذیره و با باندار (در این با «همه») به کار می‌ره.

۹۵- will be اگر با اتوبوس برویم ارزان تر خواهد بود.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will be) است.

۹۶- has اگر وقت داشته باشد به تعطیلات خواهد رفت.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (has) است.

۹۷- is اگر هوا خوب باشد، بچه‌ها می‌توانند پیاده به مدرسه بروند.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (is) است.

۹۸- will اگر او در ماه آگوست به یونان برود هوا خیلی گرم خواهد بود.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will be) است.

۹۹- don't اگر فردا حال خوب نباشد، در خانه خواهم ماند.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (don't feel) است.

Will he come to my birthday party if I invite him?

۱۰۰- آیا اگر او را دعوت کنم به جشن تولدم خواهد آمد؟

If we don't hurry, we will be late.

۱۰۱- اگر عجله نکنیم دیر خواهیم کرد.

What will happen if she eats too much chocolate?

۱۰۲- اگر او زیاد شکلات بخورد چه اتفاقی می‌افتد؟

What will Peggy do if she has time in the afternoon?

اگر زیاد شکلات بخورد بیمار می‌شود.

How many new dresses will you buy if you have enough money?

۱۰۳- اگر پگی بعدازظهر وقت داشته باشد چه کار خواهد کرد؟

اگر پگی بعدازظهر وقت داشته باشد به خرید خواهد رفت.

I will visit the Eiffel Tower if I go to Paris.

۱۰۴- چند لباس نو خواهی خرید اگر پول کافی داشته باشی؟

اگر پول کافی داشته باشم یک لباس جدید خواهم خرید.

If I don't have any homework, I will play ping-pong.

۱۰۵- اگه به پاریس بری از چه چیزی دیدن خواهی کرد؟

اگه به پاریس برم از برج ایفل دیدن خواهم کرد.

If he takes off his coat, he will catch a cold.

۱۰۶- اگر هیچ تکلیفی نداشته باشی چه کار خواهی کرد؟

اگر هیچ تکلیفی نداشته باشم، پینگ‌پنگ بازی خواهم کرد.

If you repair my bike, I will help you with the math homework.

۱۰۷- اگر کتتش را دربیورد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

اگر کتتش را دربیورد، سرما خواهد خورد.

help sb with sth در چیزی به کسی کمک کردن

اگر دوچرخه‌ام را تعمیر کنید، در تکالیف ریاضی به شما کمک خواهم کرد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (repair) است.

If he surfs the Internet, he will find a lot of information about handicrafts.

۱۰۹-

اگر او در اینترنت جست‌وجو کند اطلاعات زیادی درباره صنایع دستی پیدا خواهد کرد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will find) است.

۱۱۰- گزینه «۴» اگر او به لندن مسافرت کند، از موزه‌ها دیدن خواهد کرد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will visit) است.

۱۱۱- گزینه «۲» اگر او پول زیادی به دست بیاورد، با هواپیما به نیویورک خواهد رفت.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (earns) است.

۱۱۲- گزینه «۱» من دارم فکر می‌کنم برم تام رو ببینم. اگه برم، با من می‌ای؟

بعد از حرف اضافه (of)، از اسم مصدر (going) استفاده کنین و در جمله شرطی، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will come) است.

۱۱۳- گزینه «۴» اگر هوا خوب باشد، عمویم برای پیاده‌روی به کوه خواهد رفت.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع نشده، آینده ساده (*will go*) است.

پیاده‌روی کردن *go hiking*

۱۱۴- گزینه «۳» اگر سیمون بلیط ارزان‌قیمت پیدا کند هفته آینده به لندن خواهد رفت.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع نشده، آینده ساده (*will go*) و فعل جمله‌ای که با *if* شروع شده، حال ساده (*gets*) است.

۱۱۵- گزینه «۳» اگه دیر برگردی، عصبانی خواهم شد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع نشده، آینده ساده (*will be*) است.

۱۱۶- گزینه «۲» اگر امروز عصر دیر کردم، منتظر من نمان.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع شده، حال ساده (*am*) و در جمله‌ای که با *if* شروع نشده، به جای آینده می‌توانیم از فعل امری (*don't wait*) استفاده کنیم.

۱۱۷- گزینه «۲» من از این که آخر هفته داریم می‌ریم ماهی‌گیری خیلی هیجان‌زده‌ام.

صفت مفعولی (*excited*) صفتی اثرپذیره و با *be* (در این‌جا «من») به کار می‌ره.

به ماهی‌گیری رفتن *go fishing*

۱۱۸- گزینه «۴» اگر امروز عصر وقت کافی داشته باشم یک فیلم نگاه می‌کنم.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع شده، حال ساده (*have*) و فعل جمله‌ای که با *if* شروع نشده، آینده ساده (*will watch*) است.

۱۱۹- گزینه «۱» اگر خیلی زیاد هله‌هوله بخورد، وزن کم نخواهد کرد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع شده، حال ساده (*eats*) و فعل جمله‌ای که با *if* شروع نشده، آینده ساده (*will not lose*) است.

۱۲۰- گزینه «۴» والدین پیتر خیلی به او افتخار خواهند کرد اگر نمرات خوبی بگیرد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع نشده، آینده ساده (*will be*) است.

به کسی افتخار کردن *be proud of sb*

۱۲۱- گزینه «۳» آن اسب ترسیده است چون آن شیر ترسناک است.

صفت مفعولی (*frightened*) صفتی اثرپذیره و با *be* (در این‌جا اسب) به کار می‌ره و صفت فاعلی (*frightening*) صفتی اثرگذاره و برای توصیف غیرانسان

(در این‌جا شیر) به کار می‌ره.

۱۲۲- *goes* اگر او به کتابخانه برود می‌تواند بیشتر درس بخواند.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع شده، حال ساده (*goes*) است.

۱۲۳- *won't go* اگر آن‌ها من را دعوت نکنند، نخواهم رفت.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع نشده، آینده ساده (*will not go / won't go*) است.

۱۲۴- *take* اگر با تاکسی به سر کار بروید، برای جلسه دیر نخواهید کرد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع شده، حال ساده (*take*) است.

۱۲۵- *don't do* مادرم عصبانی خواهد شد اگر تکالیفم را انجام ندهم.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع شده، حال ساده (*do not do / don't do*) است.

۱۲۶- *will be / are* اگر دیر کنی معلمت عصبانی خواهد شد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با *if* شروع نشده، آینده ساده (*will be*) و فعل جمله‌ای که با *if* شروع شده، حال ساده (*are*) است.

۱۲۷- comes / will become اگر دوستم بیاید، خیلی خوشحال خواهم شد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (comes) و فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will become) است.

۱۲۸- shopping / has اگر پگی بعد از ظهر وقت داشته باشد، به خرید خواهد رفت.

بعد از go از اسم مصدر (shopping) استفاده کنیم و در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (has) است.

به فرید رفتن go shopping

۱۲۹- solve / doesn't help اگر برادرت به او کمک نکند، نمی‌تواند این مسئله ریاضی را حل کند.

بعد از فعل وجهی (can) از شکل ساده فعل (solve) استفاده کنیم. و در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (doesn't help) است.

۱۳۰- don't اگر زود نخوابی، فردا در مدرسه خیلی خسته و خواب‌آلود خواهی بود.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (don't go) است.

۱۳۱- will اگر کارت دعوت بفرستیم، دوستانمان به مهمانی‌مان خواهند آمد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will come) است.

۱۳۲- doesn't اگر باران نیاید، فردا می‌توانیم به شنا برویم.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (doesn't rain) است.

۱۳۳- won't اگر کار نکنی، پول به دست نمیاری.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (won't earn) است.

۱۳۴- Will اگر تو را دعوت کند آیا به جشن تولدش می‌روی؟

۱۳۵- if فانی و جیسون سالم‌تر خواهند بود اگر هر روز ده دقیقه بدوند.

If you don't hurry, you won't catch the train.

۱۳۶- اگر عجله نکنی، به اتوبوس نمی‌رسی.

اگر عجله کنی، به اتوبوس نمی‌رسی.

You won't catch the train if you don't hurry.

اگر عجله کنی، به اتوبوس نمی‌رسی.

If you are busy now, we can talk later.

۱۳۷- اگر سرت شلوغه، می‌تونیم بعداً صحبت کنیم.

اگر سرت شلوغه، می‌تونیم بعداً صحبت کنیم.

We can talk later if you are busy now.

۱۳۸- اگر باران ببارد، بچه‌ها برای پیاده‌روی بیرون نخواهند رفت.

اگر باران ببارد، بچه‌ها برای پیاده‌روی بیرون نخواهند رفت.

If it rains, the children will not go for a walk.

اگر باران ببارد، بچه‌ها برای پیاده‌روی بیرون نخواهند رفت.

What will happen if she eats too much chocolate?

۱۳۹- چه اتفاقی می‌افتد اگر بیش از حد شکلات بخورد؟

Will Steven feel better if he stays in bed for a few days?

۱۴۰- آیا استیون حالش بهتر خواهد شد اگر چند روز در رختخواب بماند؟

When will she receive this letter if you send it now?

۱۴۱- اگر شما الان این نامه را بفرستید، او چه موقع آن را دریافت خواهد کرد؟

۱۴۲- اگر با بی‌دقتی رانندگی کند چه اتفاقی می‌افتد؟

If he drives carelessly, he will have an accident.

اگر با بی‌دقتی رانندگی کند، تصادف خواهد کرد.

He will have an accident if he drives carelessly.

اگر با بی‌دقتی رانندگی کند، تصادف خواهد کرد.

۱۴۳- اگر الان بروی، چه ساعتی به نیویورک می‌رسی؟

If I leave now, I will arrive in New York at 8:00.

اگر الان بروی، چه ساعتی به نیویورک می‌رسی؟

I will arrive in New York at 8:00 if I leave now.

اگر الان بروی، چه ساعتی به نیویورک می‌رسی؟

۱۴۴- اگر بخواهیم او را به شام دعوت کنیم باید چند تا نان بخریم؟

We should buy two loaves of bread if we want to invite him to dinner.

اگر بخواهیم او را به شام دعوت کنیم باید دو تا نان بخریم.

If we want to invite him to dinner, we should buy two loaves of bread.

اگر بخواهیم او را به شام دعوت کنیم باید دو تا نان بخریم.

۱۴۵- اگر پدرت پول زیادی داشته باشد در لندن چه می‌خرد؟

If my father has a lot of money, he will buy a house in London.

اگر پدرم پول زیادی داشته باشد، در لندن یک خانه می‌خرد.

My father will buy a house in London if he has a lot of money.

اگر پدرم پول زیادی داشته باشد، در لندن یک خانه می‌خرد.

۱۴۶- اگر تعطیلات آخر این هفته هوا خوب باشد، تام چه کار می‌کند؟

If the weather is nice this weekend, Tom will go sailing.

اگر تعطیلات آخر این هفته هوا خوب باشد، تام قایق‌رانی می‌کند.

Tom will go sailing if the weather is nice this weekend.

اگر تعطیلات آخر این هفته هوا خوب باشد، تام قایق‌رانی می‌کند.

۱۴۷- اگر تد تکالیفش را قبل از ساعت ۶ انجام دهد، مامانش به او اجازه خواهد داد چه کار کند؟

If Ted does his homework before 6, his mum will let him play football.

اگر تد تکالیفش را قبل از ساعت ۶ انجام دهد، مامانش به او اجازه خواهد داد فوتبال بازی کند.

Ted's mum will let him play football if he does his homework before 6.

اگر تد تکالیفش را قبل از ساعت ۶ انجام دهد، مامانش به او اجازه خواهد داد فوتبال بازی کند.

I will give you my laptop if you promise to be careful with it.

۱۴۸-

اگر قول بدهی که مواظب لپ‌تاپم باشی، آن را به تو می‌دهم.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will give) است.

If you see Helen tomorrow, can you ask her to call me?

۱۴۹- اگر هلن رو فردا ببینی، می‌تونی از او بخوای به من زنگ بزنه؟

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (see) است.

I will be very angry with Nick if he forgets to bring my CD again.

۱۵۰-

اگر نیک دوباره فراموش کند سی‌دی‌ام را بیاورد، از دستش عصبانی خواهم شد.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will be) است.

be angry with sb از دست کسی عصبانی شدن

۱۵۱- اگر فردا وقت داشته باشد، به دیدن مادربزرگش خواهد رفت.

در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (has) است.

He was very amused by my story because it was very interesting.

۱۵۲- او خیلی از داستاتم خوشش آمد چون خیلی جالب بود.

صفت مفعولی (amused) صفتی اثرپذیره و با بانداز (در این‌جا «او») به کار می‌ره.

be amused by / at (کسی) فوشش آمدن از، لذت بردن از

She felt very depressed after losing her job.

۱۵۳- او بعد از از دست دادن شغلش خیلی افسرده شد.

صفت مفعولی (depressed) صفتی اثرپذیره و با بانداز (در این‌جا «او») به کار می‌ره. بعد از حرف اضافه (after)، اسم مصدر (losing) میاد.

What will you buy if the shop is open?

۱۵۴- اگر مغازه باز باشد، چه می‌خری؟

اگر مغازه باز باشد، تعدادی سوغاتی می‌خرم.

Where will she stay if she gets a job?

۱۵۵- اگر کار پیدا کند، کجا می‌ماند؟

اگر کار پیدا کند در لندن خواهد ماند.

What will happen if we don't protect the blue whales?

۱۵۶- اگر ما از نهنگ‌های آبی محافظت نکنیم چه اتفاقی می‌افتد؟

اگر ما از نهنگ‌های آبی محافظت نکنیم آن‌ها منقرض خواهند شد.

What will you do if it rains?

۱۵۷- اگر باران بیاید چه کار می‌کنی؟

اگر باران بیاید، بارانی‌ام را می‌پوشم.

What will happen if the children play in the yard?

۱۵۸- اگر بچه‌ها در حیاط بازی کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟

اگر بچه‌ها در حیاط بازی کنند، آن‌ها پنجره را خواهند شکست.

Whom will you help if you finish your homework before 7?

۱۵۹- اگر تکالیف را قبل از ساعت ۷ تمام کنی، به چه کسی کمک می‌کنی؟

اگر تکالیفم را قبل از ساعت ۷ تمام کنم، به مادرم کمک می‌کنم.

۱۶۰- آن توریست داشت دنبال چه چیزی می‌گشت؟

He was looking for some Iranian handicrafts.

او داشت دنبال تعدادی صنایع دستی ایرانی می‌گشت.

۱۶۱- قیمت گبه قشقایی چه قدر بود؟

It was 85 dollars.

۸۵ دلار بود.

۱۶۲- آن توریست چه چیزی خرید؟

He bought a Qashqai Gabbeh and a calligraphic tile.

او یک گبه قشقایی و یک کاشی خطاطی شده خرید.

۱۶۳- گزینه «۳»

طبق مکالمه، کدام یک درست است؟ قیمت فرش از نظر اندازه متفاوت بود.

۱۶۴- گزینه «۳»

طبق مکالمه کدام درست نیست؟ فقط فرش، ظروف سفالی و کاشی کار شده وجود داشت.

True - ۱۶۵

آن ها کالاهای دست ساز ایرانی مختلفی را می فروشند.

False - ۱۶۶

اگر آن توریست دو گبه قشقایی بخرد، باید ۱۷۰ دلار پرداخت کند.

برای فرید بیش از ۱۰۰ دلار، ۲۰ درصد تفهیم داریم. پس به پای ۱۷۰ دلار باید ۱۳۶ دلار پرداخت کند.

False - ۱۶۷

آن توریست خواست که خودش آن ها را بسته بندی کند.

(d) - ۱۶۸

جان: هی، به این تابلوی نقاشی نگاه کن! فوق العاده است. جین: وای! چه تابلوی زیبایی! چیزی درباره آن می دانی؟

(a) - ۱۶۹

جان: خوب، لئوناردو این تابلوی مونا لیزای معروف را نقاشی کرد. جین: لئوناردو کی بود؟

(c) - ۱۷۰

جان: لئوناردو داوینچی یک هنرمند ایتالیایی بود که در قرن پانزدهم متولد شد. او یک دانشمند، مخترع، مهندس و

نقاش بود. ظاهراً لئوناردو در همه چیز ماهر بود. جین: او به خاطر چه چیزی مشهور بود؟

(b) - ۱۷۱

جان: در واقع، او به خاطر تابلوهایش مشهور بود. مونا لیزا و شام آخر از معروف ترین تابلوهایش هستند. سه سال طول

کشید تا لئوناردو «شام آخر» را نقاشی کند. جین: تابلویش هنوز عالی به نظر می رسد!

هنر، فرهنگ و جامعه

هنر چیزی است که افراد با تخیل و مهارت خلق می کنند. به عنوان بخشی از فرهنگ، هنر شیوه زندگی و هویت یک ملت و تاریخ یک جامعه را نشان می دهد. در واقع، تاریخ بشر تاریخ هنر است. اگر بخواهیم یک کشور یا یک ملت را به خوبی بشناسیم، باید هنرش را مطالعه کنیم. صنایع دستی نمونه های خوبی از هنر و فرهنگ یک کشور است. منظور از صنایع دستی، ساختن چیزهای تزئینی به شیوه ای ماهرانه با دستان مان است. هر کشور و فرهنگ صنایع دستی خودش را دارد.

درست کردن و فروختن صنایع دستی روش های خوبی برای کمک به اقتصاد یک کشور و معرفی فرهنگش به کشورهای دیگر است. بسیاری از افراد جهان صنایع دستی را تولید می کنند و آن ها را به جهانگردها می فروشند. در برخی از کشورهای آسیایی بخشی از درآمد کشور از درست کردن صنایع دستی و فروختن آن ها به دست می آید.

ایران تاریخ پنج هزار ساله آثار هنری و صنایع دستی از جمله ظرف سفالی، نقاشی، خطاطی، قالیچه، فرش و غیره را دارد. اگر شما از این طرف به آن طرف ایران سفر کنید، با صنایع دستی عالی به عنوان سوگاتی برای خانواده و دوستان خود به خانه بر خواهید گشت.

هنر ایرانی هم چنین در سرتاسر جهان خیلی مشهور است. مجموعه های بسیار عالی از هنر ایرانی در بسیاری از موزه های مهم جهان وجود دارد. اگر بخواهیم کشورهای با غنی ترین هنر و تنوع فرهنگی را نام ببریم، ایران یکی از آنهاست. هنر ایرانی به خاطر نشان دادن ارزش های اخلاقی و اجتماعی مردم ایران و زیبایی طبیعی این کشور پهناور در جهان مشهور است.

صنعتگران مرد و زن ایرانی به خاطر تولید آثار هنری بسیار بی نظیر از چوب، فلز و دیگر مواد ساده اطرافشان مشهور هستند. بسیاری از افراد جهان ارزش هنر و مهارت یک دختر جوان ایرانی که در یک روستای کوچک آذربایجان یا کردستان یک فرش ابریشمی زیبا می بافت را می دانند. وقتی توریست ها قالیچه ها یا فرش های ایرانی را می خرند، بخشی از هنر و فرهنگ ایرانی را با خودشان به زادگاهشان می برند.

۱۷۲- گزینه «۲» طبق متن، کدام یک نمونه ای از صنایع دستی نیست؟ سوگاتی

۱۷۳- گزینه «۲» کلمه "reflect" در سطر ۲ به معنی «نشان دادن» است.

۱۷۴- گزینه «۲» ضمیر "it" در سطر ۲ به «هنر» اشاره دارد.

ضمیر it به art برمی گرده چون می توئیم به باش بذاریم: هنر چیزی است که افراد با تفیل و مهارت فلق می کنند. به عنوان بخشی از فرهنگ، هنر شیوه زندگی و هویت یک ملت را نشان می دهد.

۱۷۵- گزینه ۳ «them» در پاراگراف ۵ به «کشورها» و در پاراگراف آخر به «صنعتگران مرد و زن» اشاره دارد. ضمیر them در پاراگراف ۵ به countries برمی‌گردد چون می‌تونیم به باش بذاریم؛ اگر بفوایم کشورهایی با غنی‌ترین هنر و تنوع فرهنگی را نام ببریم، ایران یکی از آن کشورها است.

ضمیر them در پاراگراف آخر به craftsmen and craftswomen برمی‌گردد چون می‌تونیم به باش بذاریم؛ صنعتگران مرد و زن ایرانی به خاطر تولید آثار هنری بسیار بی‌نظیر از چوب، فلز و دیگر مواد ساده اطرافشان (صنعتگران مرد و زن) مشهور هستند. کلمه «its» در پاراگراف دوم به «هر کشور و فرهنگ» اشاره دارد.

کلمه its در پاراگراف اول به «a country or a nation» برمی‌گردد چون می‌تونیم به باش بذاریم؛ اگر بفوایم یک کشور یا یک ملت را به خوبی بشناسیم، باید هنر آن کشور یا ملت را مطالعه کنیم.

کلمه its در پاراگراف دوم به «country and culture» برمی‌گردد چون می‌تونیم به باش بذاریم؛ هر کشور و فرهنگ صنایع دستی آن کشور و فرهنگ را دارد. کلمه its در پاراگراف سوم به «country» برمی‌گردد چون می‌تونیم به باش بذاریم؛ درست‌کردن و فروختن صنایع دستی روش‌های فوپی برای کمک به اقتصاد یک کشور و معرفی فرهنگ آن کشور به کشورهای دیگر است.

۱۷۷- گزینه ۲ ایده اصلی پاراگراف سوم چیست؟ درست‌کردن و فروختن صنایع دستی به اقتصاد یک کشور کمک می‌کند.

main idea هر پاراگراف معمولاً در جمله اول و گاهی اوقات در جمله دوم بیان می‌شود. جمله اول پاراگراف سه رو می‌فونیم. این جمله می‌گه: (درست‌کردن و فروختن صنایع دستی روش‌های فوپی برای کمک به اقتصاد یک کشور و معرفی فرهنگش به کشورهای دیگر است). پس main idea می‌شه گزینه ۲. بقیه گزینه‌ها جزئی هستند و هرکدوم مثالی برای ایده اصلی این پاراگراف است و فقط در قسمتی از این پاراگراف به اون اشاره شده.

۱۷۸- True ایران کشوری با غنی‌ترین هنر و تنوع فرهنگی است.

۱۷۹- False کلمه «who» در پاراگراف آخر به «افراد» اشاره دارد.

ضمیر موصولی (who) به اسم یا عبارت قبل از خودش یعنی به (a young Iranian girl یا girl) برمی‌گردد.

۱۸۰- True هر دو کلمه «they» و «their» در پاراگراف آخر به «توریست‌ها» اشاره دارد.

کلمه they و their در پاراگراف آخر به «tourists» برمی‌گردد چون می‌تونیم به باشون بذاریم؛ وقتی توریست‌ها قالیچه‌ها یا فرش‌های ایرانی را می‌فرند، این توریست‌ها بخشی از هنر و فرهنگ ایرانی را با خودشون به زادگاهشان (توریست‌ها) می‌برند.

۱۸۱- صنایع دستی به چه معنی است؟ Handicrafts mean making decorative items in a skillful way using our hands.

صنایع دستی به معنی ساختن چیزهای تزئینی به شیوه‌ای ماهرانه با دستان‌مان است.

۱۸۲- هنر ایرانی برای چه چیزی مشهور است؟

Persian art is famous for reflecting moral and social values of Iranian people and the natural beauty of this vast country.

هنر ایرانی به خاطر نشان‌دادن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مردم ایران و زیبایی طبیعی این کشور پهناور مشهور است.

۱۸۳- چه طور می‌توانیم یک کشور یا یک ملت را به خوبی بشناسیم؟

We can know a country or a nation well by studying its art. ما می‌توانیم با مطالعه هنر یک کشور یا ملت، آن را به خوبی بشناسیم.

فرهنگ ترکیه یکی از قدیمی‌ترین فرهنگ‌ها در جهان است. انسان‌ها هزاران سال در سرزمین ترکیه زندگی کرده‌اند. بخش‌های زیادی از فرهنگ و هنر ترکی در جهان قدیمی‌ترین هستند. هنر و صنایع دستی برای ترکیه‌ای‌ها خیلی مهم هستند. در واقع، صنعتگران مرد و زن ترک به خاطر تولید زیباترین و باارزش‌ترین صنایع دستی در ترکیه معروف هستند. چندین سال قبل، افرادی که در ترکیه زندگی می‌کردند ترک عثمانی نامیده می‌شدند. یک اعتقاد رایج در بین ترک‌های عثمانی بود مبنی بر این که هر فرد باید حداقل در یک صنعت ماهر باشد. شاید به خاطر این اعتقاد است که صنایع دستی ترکی بسیار توسعه پیدا کرده است و همیشه خیلی منحصربه‌فرد بوده است. ترکیه کشوری با غنی‌ترین هنر و تنوع فرهنگی است. صنعتگران مرد و زن هنوز در بسیاری از مناطق کشور، صنایع دستی ارزشمند تولید می‌کنند.

۱۸۴- گزینه ۲ (۱) آداب، سنت (۲) صنعت، صنایع دستی (۳) کالا، محصول (۴) مجموعه

۱۸۵- گزینه ۳ (۱) ارزش ... را دانستن (۲) بسته‌بندی کردن (۳) تولید کردن (۴) بستگی داشتن

۱۸۶- گزینه «۱»	(۱) اعتقاد، باور	(۲) تلاش	(۳) هویت	(۴) زیبایی
۱۸۷- گزینه «۳»	(۱) سربلند، مغرور	(۲) شاد، خوشحال	(۳) ماهر	(۴) اجتماعی
۱۸۸- گزینه «۴»	(۱) حقیقت، واقعیت	(۲) درآمد	(۳) مهارت	(۴) تنوع، گوناگونی

پابلو پیکاسو یک هنرمند مشهور اسپانیایی بود. او در اسپانیا بزرگ شد جایی که در ۲۵ اکتبر ۱۸۸۱ متولد شد. پدر پیکاسو نقاش و معلم هنر بود. او به پسرش کمک کرد تا توانایی هنری اش را توسعه دهد. پابلو از کودکی دوست داشت نقاشی بکشد. از سن هفت سالگی، پدرش به صورت رسمی به او درس هنر می داد. وقتی پیکاسو ده سال داشت، خانواده اش به بارسلونا در اسپانیا نقل مکان کردند، که در آنجا پیکاسو برای رفتن به یک مدرسه معروف هنر امتحان داد. امتحان قرار بود یک ماه طول بکشد اما پیکاسو آن را در یک روز تمام کرد! چند سال بعد او به مدرسه دیگری در مادرید رفت. به هر حال، پیکاسو از آموزش های قدیمی مدرسه هنر خسته بود. او نمی خواست مثل افراد صدها سال پیش نقاشی کند. او می خواست چیز جدیدی را به وجود آورد.

او بعدها به پاریس نقل مکان کرد، جایی که به عنوان یک هنرمند فعالیت کرد و نقاشی های شگفت انگیزش را خلق کرد. در طول این مدت، او آثار «دوره آبی» معروفش را خلق کرد. در سال ۱۹۰۷، پیکاسو تابلویی را کشید که به عنوان اولین تابلو در جنبش «هنر مدرن» شناخته می شود. هنرمندان از سرتاسر جهان برای دیدن این تابلوی نقاشی به آنجا سفر کردند. در سال ۱۹۰۷، پیکاسو شروع به تجربه سبک جدیدی از نقاشی کرد. او بیشتر به خاطر خلق سبک کوبیسم معروف است.

یکی از جالب ترین موضوع ها در مورد پیکاسو این است که او اولین هنرمندی بود که در طول زندگی اش مشهور بود. او یکی از مهم ترین هنرمندان قرن بیستم بود. او در ۸ آوریل ۱۹۷۳ فوت کرد.

۱۸۹- گزینه «۱» کلمه «his» که زیر آن خط کشیده شده در سطر دوم به «پیکاسو» اشاره دارد.

کلمه his در سطر دوم به «Picasso» برمی گرده چون می تویمیم به باش بزاریم: پدر پیکاسو نقاش و معلم هنر بود. او به پسرش کمک کرد تا توانایی هنری پیکاسو را توسعه دهد.

۱۹۰- گزینه «۳» ایده اصلی متن چیست؟ زندگی پیکاسو و آثارش

پاراگراف اول در مورد زندگی پیکاسو و پاراگراف دوم در مورد آثار هنری اش است که جمله اول این دو پاراگراف به وضوح این مطلب رو بیان می کنه. بقیه گزینه ها جزء هستن و در قسمتی از متن به اونا اشاره شده پس نمی تونن ایده اصلی متن باشن.

۱۹۱- True کلمه «which» در پاراگراف دوم به «تابلوی نقاشی» اشاره دارد.

ضمیر موصولی (which) به اسم قبل از خودش یعنی به (painting) برمی گرده.

۱۹۲- True وقتی پیکاسو هفت سال داشت پدرش به او هنر آموزش داد.

۱۹۳- آیا پیکاسو به آموزش های قدیمی مدرسه هنر علاقه داشت؟

No, he wasn't interested in the old teachings of art school. نه، او به آموزش های قدیمی مدرسه هنر علاقه نداشت.

۱۹۴- پیکاسو آثار «دوره آبی» معروفش را کجا خلق کرد؟

He created his famous "Blue Period" works in Paris. او آثار «دوره آبی» معروفش را در پاریس خلق کرد.

۱۹۵- اگر سال آینده پول کافی به دست بیاورم، یک ماشین نو خواهم خرید.

در پملات شرطی جمله اول آهنگ فیزان و جمله دوم آهنگ افتان دارد.

۱۹۶- شما باید غذای سالم بخورید تا بیشتر عمر کنید.

جمله فبری آهنگ افتان دارد.

۱۹۷- اگر دندان درد دارید باید نزد دندانپزشک بروید.

در پملات شرطی جمله اول آهنگ فیزان و جمله دوم آهنگ افتان دارد.

۱۹۸- اتوبوس مدرسه به موقع نیامد.

جمله فبری آهنگ افتان دارد.

۱۹۹- آیا از دیدن کشورهای دیگر لذت می‌بری؟

جمله (Yes/No Question) آهنگ فیزان دارد.

۲۰۰- اگر به او کمک کنی در امتحان قبول می‌شود؟

در جملات شرطی جمله اول آهنگ فیزان و جمله دوم آهنگ افتان دارد.

۲۰۱- بعد از مدرسه معمولاً چه ساعتی به خانه می‌رسید؟

جمله (Wh- Question) آهنگ افتان دارد.

۲۰۲- برادرم دوستش را به خانه‌اش دعوت خواهد کرد.

جمله فبری آهنگ افتان دارد.

۲۰۳- آیا از دوستت پول قرض خواهی کرد؟

جمله (Yes/No Question) آهنگ فیزان دارد.

۲۰۴- اگر وقت کافی داشته باشی، در تعطیلات آخر هفته چه کار می‌کنی؟

در جملات شرطی، جمله اول آهنگ فیزان و جمله دوم آهنگ افتان دارد.

۲۰۵- identity - reflects - society

۲۰۶- handicraft - decorative - skillful

۲۰۷- moral - social - beauty - vast

۲۰۸- craftsmen - producing - unique - materials

۲۰۹- range - products - pottery

۲۱۰- calligraphic - percent - discount

آن زن‌ها دور هم می‌نشینند و قالیچه می‌بافند.

۲۱۱- weave

«تابستان امسال به فلوریدا می‌روم.» «وای، چه قدر خوش‌شانسی.»

۲۱۲- lucky

ماه سپتامبر فرا رسیده است و برگ‌ها شروع به ریختن کرده‌اند.

۲۱۳- fall

من هنوز به لحاظ مالی به والدینم وابسته‌ام چون هیچ شغلی ندارم.

۲۱۴- depend

شما اشتباهات املائی زیادی در این نامه مرتکب شدید.

۲۱۵- mistakes

من اگر تمام روز را تنها در خانه باشم کسل می‌شوم.

۲۱۶- bored

الیور زود از خواب بلند شد تا مارک را با ماشین به ایستگاه قطار ببرد.

۲۱۷- گزینه «۴»

جمله ناقص، قصد و هدف جمله کامله پس (مصدر با to) درسته. قصد و هدف الیور از زود بیدار شدن، اینه که مارک رو با ماشین به ایستگاه قطار بیره.

دیوید و کتی دارند برای رفتن به تعطیلات برنامه‌ریزی می‌کنند.

۲۱۸- گزینه «۱»

بعد از فعل plan، (مصدر با to) به کار می‌ره.

من از این‌که او در امتحانش قبول نشده است تعجب نمی‌کنم.

۲۱۹- گزینه «۲»

بعد از صفت surprised، (مصدر با to) به کار می‌ره.

برای هر دانش‌آموز مهم است که خیلی زیاد اشتباه نکند.

۲۲۰- گزینه «۲»

در ساختار It، (مصدر با to + صفت + فعل It + to be)، (مصدر با to) به کار می‌ره. برای منفی کردن مصدر نیز قبل از to مصدری، not میاریم.

او به اداره پست رفت تا تعدادی تمبر بخرد.

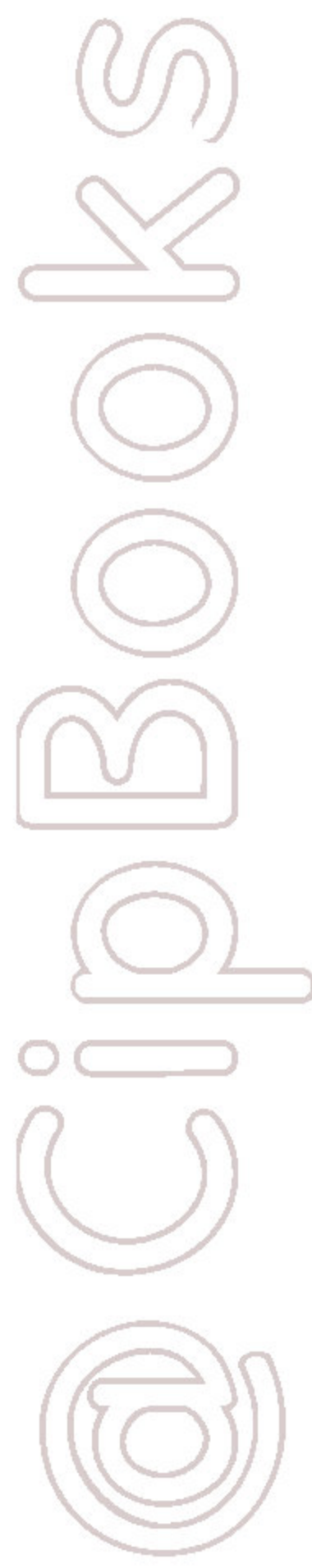
۲۲۱- to buy

جمله ناقص، قصد و هدف جمله کامله پس (مصدر با to) درسته. قصد و هدف از رفتن به اداره پست، فریدن تمبر بود.

او از دیدن هم‌کلاسی‌اش بعد از ده سال خوشحال شد.

۲۲۲- to see

بعد از صفت happy، (مصدر با to) به کار می‌ره.



۲۲۳- **to find** آیا پیدا کردن خانه من برای شما راحت بود؟

در سافتار **It**, (مصدر با **to** + صفت + فعل **It + to be**), (مصدر با **to**) به کار می‌ره.

۲۲۴- **to be** از آن‌ها انتظار نداشتم که این‌جا باشند.

بعد از فعل **expect**, (مصدر با **to**) به کار می‌ره.

Is it dangerous for children to swim in this river?

۲۲۵- آیا شنا کردن در این رودخانه برای بچه‌ها خطرناک است؟

The police asked him to answer the questions honestly.

۲۲۶- پلیس از او خواست صادقانه به سؤال‌ها پاسخ دهد.

Don't be ashamed to ask for help.

۲۲۷- از کمک‌خواستن شرم‌منده نباش.

She is telling her **to wash** the clothes.

۲۲۸- آن زن به آن دختر می‌گوید که چه کار کند؟

دارد به او می‌گوید که لباس‌ها را بشوید.

I'm sorry I forgot **to phone** you yesterday. I was very busy.

۲۲۹- متأسفم فراموش کردم دیروز به شما تلفن بزنم. خیلی سرم شلوغ بود.

بعد از فعل **forget** آنگاه اون کار قبلاً انجام نشده باشه، (مصدر با **to**) به کار می‌ره. در این‌جا تلفن کردن در گذشته انجام نشده.

It was expensive **to eat** in that restaurants, but the food was wonderful.

۲۳۰- غذا خوردن در آن رستوران گران بود، اما غذا عالی بود.

در سافتار **It**, (مصدر با **to** + صفت + فعل **It + to be**), (مصدر با **to**) به کار می‌ره.

I stayed up late last night **to finish** my English homework.

۲۳۱- دیشب تا دیروقت بیدار ماندم تا تکالیف انگلیسی‌ام را تمام کنم.

(مصدر با **to**) برای بیان هدف و قصد از انجام کاری استفاده میشه. قصد و هدفم از بیدار موندن، انجام تکالیف بوده.

Why did Alice go to Beijing?

۲۳۲- چرا آلیس به پکن رفت؟

جمله سوالی

آلیس برای یادگرفتن زبان چینی به پکن رفت.

What is sometimes dangerous?

۲۳۳- چه چیزی گاهی اوقات خطرناک است؟

گفتن حقیقت گاهی اوقات خطرناک است.

What does your father want Alice to do every week?

۲۳۴- پدرت از آلیس می‌خواهد که هر هفته چه کار کند؟

جمله سوالی

پدرم از آلیس می‌خواهد که هر هفته نامه‌هایش را پست کند.

۲۳۵- **گزینه ۲** گاهی اوقات اگر افراد سریع صحبت کنند فهمیدن زبان کمی دشوار است.

در سافتار **It**, (مصدر با **to** + صفت + فعل **It + to be**), (مصدر با **to**) به کار می‌ره.

۲۳۶- **گزینه ۳** دیر بود بنابراین دویدم تا به اتوبوس برسم.

جمله ناقص، قصد و هدف جمله کامله پس (مصدر با **to**) درسته. قصد و هدف از دویدن، رسیدن به اتوبوسه.

۲۳۷- **گزینه ۱** به بچه‌ها بگو این همه سروصدا نکنند.

بعد از فعل **tell**, (مصدر با **to**) به کار می‌ره و برای منفی کردن مصدر نیز قبل از **to** مصدری، **not** می‌اریم.

۲۳۸- **گزینه ۴** آیا فکر می‌کنید این آب برای خوردن سالم است؟

بعد از صفت **safe**, (مصدر با **to**) به کار می‌ره.

۲۳۹- **گزینه ۱** دوستم در بازی والیبال ماهر است.

بعد از حرف اضافه (**at**), (اسم مصدر) به کار می‌ره.

۲۴۰- **گزینه ۴** والدینم از من خواستند ساعت ۱۱ خانه باشم.

بعد از فعل **ask**, (مصدر با **to**) به کار می‌ره.

۲۴۱- **گزینه ۲** خوب است که دیگر سردرد ندارم.

در سافتار **It**, (مصدر با **to** + صفت + فعل **It + to be**), (مصدر با **to**) به کار می‌ره و برای منفی کردن مصدر نیز قبل از **to** مصدری، **not** می‌اریم.

۲۴۲- گزینه ۱» پدرم از من خواست تا قبل از بیرون رفتن تکالیفم را انجام بدهم.

بعد از فعل want، (مصدر با to) به کار می‌ره و بعد از حرف اضافه (before)، (اسم مصدر) به کار می‌ره.

۲۴۳- گزینه ۳» ما برای پیاده‌روی در کوهستان تعدادی کفش خوب خریدیم.

بمله ناقص، قصد و هدف بمله کامله پس (مصدر با to) درسته. قصد و هدف او از فریدن کفش، پیاده‌روی در کوهستانه. بعد از go نیز از اسم مصدر استفاده کنین. به پیاده‌روی رفتن go walking

۲۴۴- گزینه ۲» وقتی در تعطیلات هستی یادت باشد برای ما کارت پستال بفرستی.

بعد از فعل remember آله اون کار هنوز انجام نشده باشه، (مصدر با to) به کار می‌ره. در این‌جا هنوز فرستادن کارت پستال انجام نشده.

۲۴۵- to see خداحافظ! امیدوارم به زودی تو را دوباره ببینم.

بعد از فعل hope، (مصدر با to) به کار می‌ره.

۲۴۶- to be او به آپارتمان جدیدی نقل مکان کرد تا نزدیک محل کارش باشد.

بمله ناقص، قصد و هدف بمله کامله پس (مصدر با to) درسته. قصد و هدف او از نقل مکان کردن به آپارتمان جدید، اینه که نزدیک کارش باشه.

۲۴۷- traveling من به سفر به آمریکای جنوبی علاقه‌مند هستم.

بعد از حرف اضافه (in)، (اسم مصدر) به کار می‌ره.

۲۴۸- to swim وقتی پنج سال داشتم شنا را یاد گرفتم.

بعد از فعل learn، (مصدر با to) به کار می‌ره.

۲۴۹- cleaning مادرم از من خواست تا تمیز کردن آشپزخانه را تمام کنم.

بعد از فعل finish، (اسم مصدر) به کار می‌ره.

۲۵۰- not to see ما از این‌که شما را فردا نمی‌بینیم متأسف خواهیم بود.

بعد از صفت sorry، (مصدر با to) به کار می‌ره و برای منفی کردن مصدر نیز قبل از to مصدری، not میاریم.

۲۵۱- to see من فکر می‌کنم دیدن این‌که افراد دیگر چگونه زندگی می‌کنند جالب است.

در ساختار It، (مصدر با to + صفت + فعل + to be)، (مصدر با to) به کار می‌ره.

۲۵۲- to study / talking من دارم سعی می‌کنم درس بخوانم. لطفاً دست از صحبت کردن بردارید.

بعد از فعل try به معنی سعی کردن، (مصدر با to) به کار می‌ره و بعد از فعل stop به معنی دست کشیدن از، (اسم مصدر) میاد.

Has Bob gone to the airport to meet his uncle?

۲۵۳- آیا باب به فرودگاه رفته است تا عمویش را ملاقات کند؟

Our physics teacher asked him not to speak loudly.

۲۵۴- معلم فیزیک ما از او خواست تا با صدای بلند صحبت نکند.

What does your older sister want to do tonight?

۲۵۵- خواهر بزرگ‌ترت امشب می‌خواهد چه کار کند؟

I think it is always good to do exercise.

۲۵۶- من فکر می‌کنم ورزش کردن همیشه مفید است.

He bought some flowers to give to his wife.

۲۵۷- او تعدادی گل خرید تا به همسرش بدهد.

Be careful not to wake up Paul.

۲۵۸- مراقب باش پل را بیدار نکنی.

Be careful not to wake Paul up.

مراقب باش پل را بیدار نکنی.

در مورد برنی از افعال دوکلمه‌ای، پنهان‌په مفعول اسم باشه، اسم می‌تونه بین آن‌ها یا بعد از آن‌ها بیاد. ولی پنهان‌په مفعول، ضمیر باشه، ضمیر مفعولی هتماً باید بین آن‌ها بیاد.

Be careful not to wake him up.

مراقب باش او را بیدار نکنی.

۲۵۹- چرا دوست شما یک‌شنبه گذشته به کوهستان رفت؟

My friend went to the mountain last Sunday to go skiing.

دوستم یک‌شنبه گذشته به کوهستان رفت تا اسکی بازی کند.

۲۶۰- چرا جین به فروشگاه رفته است؟

Jane has gone to the store to buy flowers.

جین به فروشگاه رفته است تا گل بخرد.

۲۶۱- او دارد به پسرش می‌گوید که چه کار کند؟

He is telling his son to turn on the TV.

او دارد به پسرش می‌گوید که تلویزیون را روشن کند.

She asks her students to answer the question.

۲۶۲- معلم از دانش آموزانش می خواهد که چه کار کنند؟

او از دانش آموزانش می خواهد که به سؤال پاسخ دهند.

My mother has asked him to water the flower / the plant.

۲۶۳- مادرت از او خواسته است که چه کار کند؟

مادرم از او خواسته است تا به گل / گیاه آب بدهد.

My little sister wants to watch TV in the evening.

۲۶۴- خواهر کوچکت می خواهد عصر چه کار کند؟

خواهر کوچکم می خواهد عصر تلویزیون تماشا کند.

We didn't have any money to take a taxi, so we walked home.

۲۶۵- هیچ پولی نداشتیم که با تاکسی برویم، بنابراین پیاده به خانه رفتیم.

برای بیان قصد و هدف از «مصدر با to» استفاده کنیم.

Hannah must learn not to talk about herself all the time.

۲۶۶- هانا باید یاد بگیرد که همیشه درباره خودش صحبت نکند.

بعد از فعل learn، (مصدر با to) به کار می ره و برای منفی کردن مصدر نیز قبل از to مصدری، not میاریم.

Remember to wake me up tomorrow morning.

۲۶۷- یادت باشه فردا صبح من را بیدار کنی.

بعد از فعل remember آنگه اون کار هنوز انجام نشده باشه، (مصدر با to) به کار می ره. در این جا هنوز عمل بیدار کردن انجام نشده.

The teacher wanted us to do the exercise carefully.

۲۶۸- معلم از ما خواست تا با دقت تمرین را انجام دهیم.

بعد از فعل want، (مصدر با to) به کار می ره.

It is always important to be polite to older people.

۲۶۹- همیشه مهم است که با افراد مسن مؤدب باشیم.

در ساختار It، (مصدر با to + صفت + فعل + It + to be)، (مصدر با to) به کار می ره.

I'm ashamed to say I still don't know how to ride a bicycle.

۲۷۰-

من شرمندهام از این که بگم هنوز نمی دانم چه طور دوچرخه برانم.

بعد از صفت ashamed، (مصدر با to) به کار می ره. بعد از کلمه پرسشی (how) نیز (مصدر با to) به کار می ره.

Why did you go to town on Saturday?

۲۷۱- چرا شنبه به شهر رفتید؟

شنبه به شهر رفتم تا برای روز تولد پسرعمویم یک هدیه بخرم.

What have your parents decided to do?

۲۷۲- والدینت تصمیم گرفته اند چه کار کنند؟

والدینم تصمیم گرفته اند ماشینشان را بفروشند.

What should my sister try not to do when David sings?

۲۷۳- خواهرم باید سعی کند وقتی دیوید آواز می خواند چه کار نکند؟

خواهرت باید سعی کند وقتی دیوید آواز می خواند نخندد.

What is almost impossible?

۲۷۴- چه چیزی تقریباً غیرممکن است؟

یادگرفتن یک زبان خارجی به طور کامل تقریباً غیرممکن است.

Why did you turn on the radio?

۲۷۵- چرا رادیو را روشن کردید؟

رادیو را روشن کردم تا به آخرین اخبار گوش بدهم.

What did mother tell John not to do?

۲۷۶- مادر به جان گفت که چه کار نکند؟

مادر به جان گفت که پیراهن کثیفش را نپوشد.



خلاصه گرامر

درس 1

1

● اسامی قابل شمارش (cup, cups, man, men, ...) شکل مفرد و جمع داره و با فعل مفرد (is, was, ...) و جمع (are, were, ...) به کار می‌ره.

● اسامی غیرقابل شمارش (milk, juice, food, sugar, bread, rice, meat, ...) فقط شکل مفرد داره و با فعل مفرد (is, was, ...) به کار می‌ره.

There **is** an **apple** on the table. There **are** some **apples** on the table. There **was** some **water** in the bottle.

● بعد از How many, many, a few, few, some, lots of, a lot of و اعداد بیش از یک، اسم قابل شمارش جمع با فعل جمع میاد.

● ولی بعد از How much, much, a little, little, some, lots of و a lot of اسم غیرقابل شمارش که همیشه به صورت مفرد با فعل مفرد میاد.

● از (How much) برای پرسیدن قیمت هم با اسامی قابل شمارش مفرد و جمع و هم با اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌ره.

How much is this car / the meat? **How much** does this car / the meat cost?

● اسامی غیرقابل شمارش جمع بسته نمی‌شن ولی برای شمردن اونا می‌تونین از واحدهای زیر استفاده کنین:

a **loaf** of bread - four **slices** of cake - a **piece** of paper - a **bottle** of water - some **bags** of rice - two **cups** of tea

درس 2

2

● ماضی نقلی (قسمت سوم فعل + have / has) برای بیان عملی به کار می‌ره که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته.

● قیدای زمان و نشونه‌هایی که با ماضی نقلی به کار می‌ره:

اخیراً recently / تاکنون ever / هنوز yet / طول زمان for + / مبدأ زمان since +

Tom **has lived** in Paris since 2010 / for 7 years.

تا ۴ از سال ۲۰۱۰ / به مدت ۷ سال است که در پاریس زندگی می‌کند.

● گذشته ساده برای بیان عملی به کار می‌ره که در گذشته معینی انجام و تمام شده و با حال ارتباط نداره.

Tom **lived** in Paris from 2010 to 2012.

تا ۴ از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ در پاریس زندگی کرد.

درس 3

3

● در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (study / studies / don't study / doesn't study) و فعل جمله‌ای

که با if شروع نشده، آینده ساده (will / won't pass) یا فعل وجهی (may / can / should (not) pass) است.

If you **study** hard, you **will / may pass** the exams.

اگر سخت درس بفوانی، در امتحانات قبول فواهی شد / ممکن است قبول شوی.

خلاصه نگارش

درس

1

جمله ساده	
The bird <u>does not</u> sing.	۱- فعل لازم + فاعل
They <u>are drinking</u> milk.	۲- مفعول + فعل متعدی + فاعل
My father <u>will buy</u> me a car.	۳- مفعول مستقیم + مفعول غیرمستقیم + فعل متعدی + فاعل
My father <u>will buy</u> a car <u>for</u> me.	۴- مفعول غیرمستقیم + to / for + مفعول مستقیم + فعل متعدی + فاعل
I <u>often study</u> English <u>carefully</u> <u>at home</u> <u>on Sundays</u> .	۵- قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل متعدی + قید تکرار + فاعل
Helen <u>is</u> a nurse.	۶- متمم + فعل + فاعل
The weather <u>is usually</u> cold <u>here in</u> Azar.	۷- قید زمان + قید مکان + متمم + قید تکرار + فعل to be + فاعل

درس

2

کاربرد اسم مصدر / (فعل ing دار)	
Cycling made me happy.	۱- در ابتدای جمله به عنوان فاعل
He enjoys hiking.	۲- بعد از برخی افعال (finish, quit, imagine, practice و ...) به عنوان مفعول
His favorite sport is skiing.	۳- بعد از فعل to be به عنوان متمم
He's good at swimming.	۴- بعد از برخی حروف اضافه (in, on, by, of, for, from و ...) به عنوان مفعول حرف اضافه
go fishing / go jogging	۵- برای توصیف فعالیت‌های تفریحی (اسم مصدر + go)
No smoking !	۶- برای بیان ممنوع بودن چیزی (اسم مصدر + No)

درس

3

کاربرد مصدر با to / (شکل ساده فعل + to)	
I want to buy a car.	۱- بعد از برخی افعال (forget, decide, promise, learn, expect, try, agree و ...)
I'm happy to see you.	۲- بعد از برخی صفات (sad, sorry, careful, glad, lucky, surprised, shocked و ...)
I ran fast to catch the bus.	۳- برای بیان هدف و قصد از انجام کاری
To smoke is very bad for you.	۴- در ابتدای جمله به عنوان فاعل
It is easy for me to climb the tree.	۵- بعد از صفت در ساختار It: (مصدر با to + مفعول + for) + صفت + فعل to be + It

1 لغات مهم

ability	توانایی	fluently	به راحتی	notice	توجه، توجه کردن به
absolutely	قطعاً، حتماً	foreigner	(فرد) خارجی	take notice of	توجه کردن به
amount	مقدار، میزان	grass	چمن، علف	percent	درصد
at last	سرانجام، بالاخره	greatly	خیلی، بسیار زیاد	physical	جسمی، بدنی
available	موجود، در دسترس	honest	صادق، راستگو	pick	برداشتن، انتخاب کردن
besides	علاوه بر، گذشته از	to be honest	راستش را بخواهی	point	نکته، مسئله
borrow	قرض گرفتن	host	میزبان ... بودن	popular	پرطرفدار، محبوب
century	قرن	imagine	تصور کردن	population	جمعیت
communicate	ارتباط برقرار کردن	impossible	غیرممکن	project	پروژه، طرح
communication	ارتباط	institute	آموزشگاه	range	متغیر بودن
continent	قاره	keep off	وارد ... نشدن	region	منطقه، ناحیه
deaf	ناشنوا	largely	عمدتاً، بیشتر	sign language	زبان اشاره
despite	به رغم، با وجود	make up	تشکیل دادن	simple	ساده، ابتدایی
disappear	از بین رفتن	means	وسیله، ابزار	smart	باهوش، زرنگ
exchange	مبادله کردن	by means of	از طریق	society	جامعه
exist	وجود داشتن	mental	روانی، ذهنی	surprising	شگفت‌انگیز
experience	تجربه، تجربه کردن	mother tongue	زبان مادری	tiny	خیلی کوچک
explain	توضیح دادن	native	[زبان] مادری، بومی	valuable	با ارزش
farming	کشاورزی	nearly	تقریباً	vary	تفاوت داشتن
feeling	احساس	no matter...	مهم نیست که ...	wrongly	به اشتباه، اشتباهی

2 لغات مهم

addiction	اعتیاد	fire service	آتش‌نشانی	necessary	لازم، ضروری
balanced	متعادل	gain weight	چاق شدن	physically	به لحاظ جسمی
blood pressure	فشار خون	general	کلی، عمومی	prevent	جلوگیری کردن از
business	کار، تجارت	habit	عادت	produce	تولید کردن
calm	آرام	hang out	گشتن	rarely	به ندرت
cause	باعث ... شدن	harmful	مضر، خطرناک	reality	واقعیت
condition	وضعیت	heart attack	سکته قلبی	reason	دلیل، علت
contain	شامل ... بودن، داشتن	heartbeat	ضربان قلب	recent	اخیر
couch potato	خوره تلویزیون	hike	پیاده‌روی کردن	relationship	رابطه، ارتباط
cultural	فرهنگی	homeless	بی‌خانمان	retire	بازنشسته شدن
cure	معالجه کردن	however	با وجود این	rush	با عجله رفتن

summary

decrease	کاهش دادن	improve	بهبتر کردن	scientific	علمی
depressed	افسرده، غمگین	influence	تحت تأثیر قرار دادن	secret	راز، رمز
diet	رژیم غذایی، غذا	invitation	دعوت، کارت دعوت	serving	پُرس
disorder	اختلال، بی‌نظمی	jog	آهسته‌دویدن	social	اجتماعی
drug	دارو	laughter	خنده	stage	مرحله
education	آموزش	lifestyle	سبک زندگی	take care	مواظب بودن
effective	مؤثر	look after	مراقبت کردن از	take part in	شرکت کردن در
emotion	احساس، عاطفه	manner	طرز رفتار	taste	سلیقه، ذائقه، مزه
emotional	احساساتی	measure	اندازه گرفتن	turn round	برگشتن
exciting	هیجان‌انگیز	medical	پزشکی	unhealthy	ناسالم، مضر
factor	عامل	mission	ماموریت	watch out	مراقب بودن





3 لغات مهم



amazed	حیرت‌زده، شگفت‌زده	fall	کاهش یافتن، پایین آمدن	proud	سربلند، مغرور
amused	سرگرم	fingerprint	اثر انگشت	reflect	نشان دادن
appreciate	ارزش .. را دانستن	fortunate	خوش شانس	rise	افزایش یافتن، بالا آمدن
art	هنر	frightened	ترسیده	rug	قالیچه
artist	هنرمند	handicraft	صنایع دستی	satisfied	راضی، خشنود
artwork	اثر هنری	handmade	دست‌ساز	shocked	شوکه، حیرت‌زده
attempt	تلاش کردن	homeland	زادگاه، وطن	silk	ابریشم
beauty	زیبایی، قشنگی	humankind	انسان، بشر	skillful	ماهرانه، استادانه
calligraphy	خطاطی، خوش‌نویسی	identity	هویت	sociable	اجتماعی
cheerful	شاد، خوشحال	including	از جمله، شامل	surprised	متعجب، شگفت‌زده
collection	مجموعه	income	درآمد	tilework	کاشی کاری
confused	گیج	lucky	خوش شانس	totally	کاملاً، به کلی
craftsman	صنعتگر مرد	material	ماده	touching	تأثر آور، تأثیرگذار
creative	خلاق	metal	فلز	truth	حقیقت، واقعیت
custom	رسم، سنت	mistake	اشتباه	uncertain	نامطمئن، دودل
decorative	تزیینی، زینتی	moral	معنوی، اخلاقی	unique	منحصربه‌فرد
depend	بستگی داشتن	painting	(هنر) نقاشی، تابلو	value	ارزش قائل شدن برای
discount	تخفیف	pleasure	تفریح، شادی	vast	۱- پهناور ۲- زیاد
diversity	تنوع	pottery	ظروف سفالی، سفالی	weave	بافتن
economy	اقتصاد	produce	تولید کردن، ساختن	well-known	شناخته‌شده، معروف
excited	هیجان‌زده	product	محصول، کالا	wellness	سلامت، بهداشت
expect	انتظار داشتن	promise	قول دادن	workshop	کارگاه


نام درس (اول)	رشته: کلیه رشته‌ها	نمونه امتحان نیمسال اول	
نمره	Kheilisabz.com	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	امتحان شماره ۱
A. Vocabulary			
۱	Match the pictures with the sentences. There is one extra sentence. تصاویر را به جملات وصل کنید. یک جمله اضافی است.		۱
			
	1.	2.	3.
	4.		
	a) Put out the candles before you go to bed.	b) Keep off the grass.	
	c) Deaf people can talk in sign language.	d) Please be quiet.	
	e) There is a parking lot around.		
۲	Choose the odd one out. گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید.		۲
	5. a) Russian	b) Turkish	c) Germany
			d) Spanish
	6. a) century	b) country	c) region
			d) continent
۳	Fill in the blanks with the given words. There is one extra word. جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید. یک کلمه اضافی است.		۳
	available - besides - ability - deaf - died		
	7. Are there any tickets still for Saturday?		
	8. He at the age of 83 after a long illness.		
	9. teaching English, he writes novels.		
	10. Cats have the to see in the dark.		
۴	Match the underlined words with their antonyms or synonyms. There is one extra word. کلماتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده را به متضادها یا مترادف‌های آن‌ها وصل کنید. یک کلمه اضافی است.		۴
	11. Don't take any <u>notice</u> of what he said. (=)		a) finally
	12. The traveler reached his destination <u>at last</u> . (=)		b) foreign
	13. I <u>borrowed</u> some books from the library. (≠)		c) gave
	14. My teacher's <u>native</u> language is Italian. (≠)		d) spent
			e) attention
۵	Fill in the blanks with your own words. جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.		۵
	15. Don't forget to off all the lights before going out.		
	16. To be with you, I don't think it will be possible.		

نمونه امتحان نیمسال اول	رشته: کلیه رشته‌ها	نام درس (اول)	خبرنگار																																			
ردیف	امتحان شماره ۱	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	Kheilisabz.com																																			
۱۲	برای پاسخ های زیر سؤال مناسب بنویسید. 29.? We need <u>a few</u> tomatoes for this meal. 30.? There was <u>some</u> rice in the kitchen yesterday.	۵/۰	Make suitable questions for the following answers.																																			
C. Writing																																						
۱۳	حروف جاافتاده را بنویسید. 31. Dictionary prices r _ nge from \$5 to \$15. 32. People use language to communicate with each other in a s _ _ iety.	۱	Write the missing letters.																																			
۱۴	کلمات به هم ریخته را مرتب کنید. 33. We should respect all languages, no (rmtaet) how many speakers they have. 34. Every language is an amazing (nmsea) of communication that meets the needs of its own speakers.	۱	Unscramble the given words.																																			
۱۵	جملات زیر را بخوانید. سپس جدول زیر را کامل کنید. a) We will not spend our holiday at home next year. b) Kim and I were waiting patiently in the train station. c) My mother can not speak German fluently. d) My sister is going to write some letters tomorrow evening. 35.	۲	Read the following sentences. Then complete the table below.																																			
<table border="1"> <thead> <tr> <th></th> <th>subject</th> <th>verb</th> <th>object</th> <th>adverb of manner</th> <th>adverb of place</th> <th>adverb of time</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>a</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>b</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>c</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>d</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> </tbody> </table>					subject	verb	object	adverb of manner	adverb of place	adverb of time	a	b	c	d
	subject	verb	object	adverb of manner	adverb of place	adverb of time																																
a																																
b																																
c																																
d																																
۱۶	با استفاده از شکل صحیح کلمات داخل پرانتز، جملات زیر را کامل کنید. 36. Tom (polite / speak) to his teacher yesterday. 37. She (breakfast / have / sometimes) at 6:40. 38. We (the present / he / will give) tomorrow. 39. I didn't sleep (last night / in his bedroom / very good).	۲	Complete the following sentences using the correct form of the words in brackets.																																			
۱۷	به تصویر نگاه کنید و جمله‌ای مناسب برای آن بنویسید. 40. next Sunday.	۱	Look at the picture and write an appropriate sentence for it.																																			




نمونه امتحان نیمسال اول	رشته: کلیه رشته‌ها	نام درس (اول و دوم)	شماره ۲	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	Kheilisabz.com	نمره
A. Vocabulary						
۱	<p>Match the pictures with the words. There are two extra words.</p> <p>تصاویر را به کلمات وصل کنید. دو کلمه اضافی است.</p>					۱
	 <p>1.</p> <p>a) deaf d) sailing</p>	 <p>2.</p> <p>b) hiking e) disease</p>	 <p>3.</p> <p>c) drug f) century</p>	 <p>4.</p>		
۰.۵	<p>Choose the odd one out.</p> <p>گزینه ناهم‌هنگ را انتخاب کنید.</p>					۲
	<p>5. a) apple juice b) coffee c) orange d) tea</p> <p>6. a) serving b) skating c) biking d) jogging</p>					
۱	<p>Choose the best answer.</p> <p>بهترین پاسخ را انتخاب کنید.</p>					۳
	<p>7. She speaks English, but it's not her language.</p> <p>1) social 2) general 3) native 4) recent</p> <p>8. Now that we live in different cities, we by e-mail.</p> <p>1) experience 2) notice 3) measure 4) communicate</p> <p>9. Doctors agree that a(n) diet is the key to great health.</p> <p>1) balanced 2) necessary 3) available 4) harmful</p> <p>10. She's under a lot of at work. It may make her ill.</p> <p>1) addiction 2) pressure 3) manner 4) emotion</p>					
	<p>Match the words with their definitions. There is one extra word.</p> <p>کلمات را به تعریف‌شان وصل کنید. یک کلمه اضافی است.</p>					۴
	<p>11. ready for you to use, have, or see (...)</p> <p>12. a large area or building where you can leave your car for a time (...)</p> <p>13. to make a sick person well again (...)</p> <p>14. to spend a lot of time in a place or with someone (...)</p> <p>a) cure b) illness c) hang out d) parking lot e) available</p>					
۰.۵	<p>Fill in the blanks with your own words.</p> <p>جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.</p>					۵
	<p>15. Africa is a, but India is a country.</p> <p>16. Watch! You are going to hurt yourself.</p>					


نام درس (اول و دوم)	رشته: کلیه رشته‌ها	نمونه امتحان نیم‌سال اول
نمره	Kheilisabz.com	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه
ردیف	امتحان شماره ۲	
B. Grammar		
۱	Choose the best answer.	بهترین پاسخ را انتخاب کنید.
	17. A: Are you hungry? B: No, I ate cake in the kitchen. 1) many 2) a few 3) lot of 4) a lot of	
	18. The weather very dry recently. We've had rain. 1) is / little 2) is / few 3) has been / little 4) has been / few	
	19. Richard has lived in Canada January. 1) from 2) since 3) for 4) in	
	20. I some new shoes. Do you want to see them? 1) has bought 2) have bought 3) bought 4) will buy	
۰/۵	Write the correct form of the words in brackets.	شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را بنویسید.
	21. She doesn't eat much for breakfast. (cheese)	
	22. My older sister her lunch yet. (have)	
۰/۵	Fill in the blanks with your own words.	جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.
	23. There lots of tourists in the city center this morning.	
	24. I know Helen. I have known her a long time.	
۰/۵	Look at the pictures and answer the questions.	به تصاویر نگاه کنید و به سؤال‌ها پاسخ دهید.
	25. How much sugar has your mother bought?	
	26. What has your brother done?	
۰/۵	Unscramble the following sentences.	جمله‌های درهم‌ریخته زیر را مرتب کنید.
	27. books / English / borrowed / library / have / many / you / from / how / the / ?	
	28. your / food / eaten / have / ever / Chinese / parents / ?	

نمونه امتحان نیمسال اول	رشته: کلیه رشته‌ها	نام درس (اول و دوم)	شماره
رديف	امتحان شماره ۲	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	Kheilisabz.com
۱۱	اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.	Find the mistakes in the following sentences and correct them.	۰/۵
	29. Sarah has a lot of books at home, but she doesn't have many time to read them.		
	30. Tina's best friend had two children since they last saw each other.		
۱۲	برای پاسخ‌های زیر سؤال مناسب بنویسید.	Make suitable questions for the following answers.	۰/۵
	31.?		
	A lot of people travel to work by car every day.		
	32.?		
	Our neighbor has been in hospital for fifteen days.		
C. Writing			
۱۳	حروف جاافتاده را بنویسید.	Write the missing letters.	۱
	33. All languages are really val _ able, desp _ te their differences.		
	34. An ef _ e _ tive way to enjoy a better lifestyle is having healthy rela _ ionships with others.		
۱۴	کلمات به هم ریخته را مرتب کنید.	Unscramble the given words.	۱
	35. How much does it (osct)? 1000 Tomans.		
	36. To have a healthier lifestyle, people should check their (gnraeel) health.		
۱۵	جملات زیر را بخوانید. سپس برای فاعل، S، مفعول، O، فعل، V و قیدها، Adv بگذارید.	Read the following sentences. Then put (S) for subjects, (O) for objects, (V) for verbs and (Adv) for adverbs.	۱
	37. They haven't seen John and his brother recently.		
	38. David and I met some interesting people at the party.		
	39. Tomorrow afternoon, I won't finish my homework.		
	40. My father always drinks coffee.		
۱۶	با استفاده از شکل صحیح کلمات داخل پرانتز، جملات را کامل کنید.	Complete the sentences using the correct form of the words in brackets.	۱/۵
	41. Walter (be / at school / always) on Wednesday afternoon.		
	42. My brother (me / this watch / give / to) a long time ago.		
۱۷	به تصویر نگاه کنید و به سؤال پاسخ دهید.	Look at the picture and answer the question.	۰/۵
	43. What has made you happy?		
		
			

نمونه امتحان نیمسال اول	رشته: کلیه رشته‌ها	نام درس (اول و دوم)	خبرنگار
ردیف	امتحان شماره ۲	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	Kheilisabz.com
۱۸	کلمات داخل پرانتز را در جاهای مناسب بنویسید.	۱ Put the words in brackets in the correct places.	
		44. We didn't go out because of the rain. (heavy)	
		45. They do not play tennis on Sundays. (always)	
۱۹	در جمله‌های زیر، زیر اسم مصدر خط بکشید.	۱ Underline the gerunds in the following sentences.	
		46. My uncle is cycling now; in fact, his favorite sport is cycling.	
		47. This book is still interesting even after reading it many times.	
۲۰	بهترین پاسخ را انتخاب کنید.	۱ Choose the best answer.	
		48. I left the house this morning without (closing / close / to close) the windows.	
		49. He is a hardworking man. He never stops (to try / trying / try).	
D. Reading			
1: Cloze Test			
Read the following passage and then choose the correct answers.			
۲۱	متن زیر را بخوانید و سپس پاسخ‌های درست را انتخاب کنید.	۳/۷۵	
<p>People's busy lifestyle in big cities has created many problems for their health. Rushing to and from school and work has made it hard for everyone to be50..... active. Many people do not have time to cook or51..... healthy food. They eat unhealthy snacks and junk food. This type of52..... has changed people's taste and many young people now prefer fast food to homemade dishes. Watching TV and working with technology for long hours have also53..... people's health. They have54..... the risk of heart diseases and sleep disorders. So the things that seem so simple now can cause serious problems in the future.</p>			
<p>50. 1) wrongly 2) emotionally 3) physically 4) fluently</p> <p>51. 1) exchange 2) imagine 3) prepare 4) cause</p> <p>52. 1) diet 2) manner 3) stage 4) reason</p> <p>53. 1) prevented 2) measured 3) improved 4) risked</p> <p>54. 1) stopped 2) increased 3) cured 4) produced</p>			
2: Reading Comprehension			
۲۲	متن زیر را بخوانید و سپس به سوالات پاسخ دهید.	۴/۲۵	
<p>Read the following passage and then answer the questions.</p> <p>Learning a new language doesn't always mean sitting in the classroom and studying language books. In fact, language teachers suggest you to do plenty of extra learning outside of school, places like your home or a library near you. There are a number of ways to improve your understanding of the language. For example, if you want to improve your English or any other foreign languages, you should consider some of these hints. If you add a few of these ideas to your day-to-day language learning, you'll certainly see some improvement.</p>			

نمبره	نام درس (اول و دوم)	رشته: کلیه رشته‌ها	نمونه امتحان نیم‌سال اول				
ردیف	Kheilisabz.com	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	امتحان شماره ۲				
	<ul style="list-style-type: none"> ○ Get a good dictionary. A dictionary is your best friend while you're learning English. ○ Read a lot. Reading is a great way of practicing your English in your own time. Books and newspapers are useful to improve your English. ○ Label things in your house. Buy a pack of labels and then write the name of items on them, such as phone, window, etc. This is great for beginners. ○ Practice English whenever you can. It's important that you don't leave your English learning inside the classroom. Make sure you never escape learning. ○ Write every day. Try and write something every day using new words and grammar that you've learned. ○ Watch television and movies and listen to good radio programs. ○ Practice every day. Make yourself a study plan. Decide how much time a week you are going to study. ○ Don't be afraid to make mistakes. Be confident when speaking or writing in English. ○ Practice all four language skills: Reading, writing, speaking and listening. 	<p>55. What is the main idea of the passage?</p> <ol style="list-style-type: none"> 1) Labeling Things Improves Your English 2) How to Learn a Language Better 3) Learn English Outside of School 4) What to Do to Learn a Language in a Classroom 	<p>56. Which of the following is useful for a person who has started to learn a language for few days?</p> <table style="width: 100%; border: none;"> <tr> <td style="width: 50%;">1) Reading books and newspapers</td> <td style="width: 50%;">2) Labeling things in your house</td> </tr> <tr> <td>3) Writing something every day</td> <td>4) Listening to good radio programs</td> </tr> </table> <p>57. Attending a language institute and studying books are the only ways to learn a language.</p> <p style="text-align: right;">A) True B) False</p> <p>58. According to the passage, it is impossible for a learner of English to make mistakes.</p> <p style="text-align: right;">A) True B) False</p> <p>59. What do language teachers suggest you to learn a language?</p> <p>.....</p> <p>60. How many language skills should we practice? What are they?</p> <p>.....</p>	1) Reading books and newspapers	2) Labeling things in your house	3) Writing something every day	4) Listening to good radio programs
1) Reading books and newspapers	2) Labeling things in your house						
3) Writing something every day	4) Listening to good radio programs						

نمونه امتحان نیمسال دوم	رشته: کلیه رشته‌ها	نام درس (کل کتاب)	خبرنگار
ردیف	امتحان شماره ۳	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	Kheilisabz.com
نمره			
	28. Simon / go / to / London / cheap / flight / will / if / he / gets / a / ?		
۱۱	Find the mistakes in the following sentences and correct them. اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید. 29. Helen gave me an orange hat, some apples, a few milk and a magazine. 30. I'm sure he has an accident if he keeps driving like that.		
۱۲	Make suitable questions for the following answers. برای پاسخ‌های زیر سؤال مناسب بنویسید. 31.? My parents have lived in London since 2007. 32.? If we don't protect the endangered elephants, they will die out.		
C. Writing			
۱۳	Write the missing letters. حروف جاافتاده را بنویسید. 33. I really ap _ re _ iate the cult _ re and art of Iran. 34. Praying decr _ _ ses stress and gives people a calm and bal _ nced life.		
۱۴	Unscramble the given words. کلمات به هم ریخته را مرتب کنید. 35. They produce very unique artworks from wood, metal and other simple (mariatels). 36. I think one (sgnervi) of rice is not enough for them.		
۱۵	Read the following sentences. Then write S, O, V, Adv of M, Adv of T and Adv of P under the word(s). جملات زیر را بخوانید. سپس زیر کلمه یا کلمات، S (فاعل)، O (مفعول)، V (فعل)، Adv of M (قید حالت)، Adv of T (قید زمان)، Adv of P (قید مکان) بنویسید. 37. His uncle has written two books recently. 38. My little sister and I were looking for you everywhere yesterday evening. 39. We are going to take some photos at the weekend. 40. My older brother can't speak Spanish fluently.		
۱۶	Complete the following sentences using the correct form of the words in brackets. با استفاده از شکل صحیح کلمات داخل پرانتز، جملات زیر را کامل کنید. 41. My father (usually / in the garden / be) in the afternoon. 42. She (have / quick / dinner / sometimes) with her friends.		
۱۷	Look at the pictures and answer the questions. به تصاویر نگاه کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید. 43. Why has your mother gone to the store? 		

شماره	نام درس (کل کتاب)	رشته: کلیه رشته‌ها	نمونه امتحان نیم‌سال دوم	ردیف
نمره	Kheilisabz.com	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	امتحان شماره ۳	
	44. What has he finished doing?			
۱	Choose the best answer .		بهترین پاسخ را انتخاب کنید.	۱۸
	45. Please try (to not laugh / not laughing / not to laugh) when David sings.			
	46. I have enjoyed (meeting / to meet / meet) you. I hope (see / seeing / to see) you again soon.			
۱	Write the correct form of the verbs in brackets.		شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید.	۱۹
	47. When I got home, I was surprised a policeman in the kitchen. (see)			
	48. I'm sorry for your pen. (lose)			
	D. Reading			
	1: Cloze Test			
۳/۷۵	Read the following passage and then choose the correct answers.		متن زیر را بخوانید و سپس پاسخ‌های درست را انتخاب کنید.	۲۰
	Today, the artist Vincent Van Gogh is very famous, but he was never famous during his life. Vincent was Dutch. His family was from a small village in the Netherlands. His brother, Theo, was a very important person in his life. Vincent was usually poor, but his brother was always there to help him. Vincent was49..... in school, but he wasn't a very good student. He was always good at50....., but he wasn't a painter at first. He was a teacher and worked in a bookstore. After the age of 27, painting was his only job, but he wasn't51..... . He was never really happy, and he was often sick. When he was only 37, he passed away. When Vincent was52....., he wasn't famous and his paintings weren't53..... . Today, his pictures are very expensive, and you can see them in museums all over the world.			
	49. 1) creative 2) confused 3) interested 4) unique			
	50. 1) producing 2) painting 3) practicing 4) attending			
	51. 1) uncertain 2) sociable 3) surprised 4) successful			
	52. 1) alive 2) proud 3) cheerful 4) amazed			
	53. 1) regular 2) handmade 3) popular 4) artistic			
	2: Reading Comprehension			
۴/۲۵	Read the following passage and then answer the questions.		متن زیر را بخوانید و سپس به سوالات پاسخ دهید.	۲۱
	The modern lifestyle has had both positive and negative effects on people's lives. Modern technologies have enabled us to have easy access to information, become more creative, experience fast communication, travel easier, and have a more comfortable life. Have you ever imagined a world without the Internet, tablets, mobile phones, airplanes, and vacuum cleaners? Most people cannot do that, as technology is the miracle of our time.			

نمونه امتحان نیمسال دوم	رشته: کلیه رشته‌ها	نام درس (کل کتاب)	خبرنگار
ردیف	امتحان شماره ۳	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	Kheilisabz.com
	<p>But using new technologies has changed people's lifestyle in a harmful way in this century as well. Some technologies are dangerous to our health and can harm our body. Using mobile phones or surfing the Internet for long hours can increase people's blood pressure and cause sleep problems. Playing video games for long hours makes people nervous and harms their heart and nervous system. Listening to music by headsets can be harmful to one's hearing and even brain.</p> <p>Using technology in a wrong way has created bad habits and new types of addictions. It is not strange now to call someone an Internet or mobile addict. Technology addicts are people with serious problems to control themselves to use various kinds of technology, in particular the Internet, smartphones, tablets and laptops. Technology addicts do not like to socialize with people; instead, they prefer to be alone and spend lots of their time working with their devices. This makes <u>them</u> depressed and impatient.</p> <p>Specialists have found different ways to cure technology addicts. To avoid this type of addiction, people should spend more time with their friends and family members, do daily exercise, and limit the time of working with technologies. They also need to enjoy nature more and have regular plans to travel.</p> <p>54. What's the main idea of the passage?</p> <p>1) Imagining a world without technology 2) Technologies are dangerous to our health 3) The positive and negative effects of technology 4) Technology is the miracle of our time</p> <p>55. The pronoun "them" in paragraph 3 refers to</p> <p>1) technology addicts 2) people 3) devices 4) specialists</p> <p>56. Experiencing fast communication is not a positive effect of technology.</p> <p>A) True B) False</p> <p>57. Technology addicts can't control themselves to use technology.</p> <p>A) True B) False</p> <p>58. What can cause sleep problems?</p> <p>.....</p> <p>59. What has using technology in a wrong way created?</p> <p>.....</p>		

اگر به کم‌تر از بیست و نیم راضی نمی‌شید و نمونه امتحانهای بیشتری می‌خواید، حتمن کتابهای سب امتحان خیلی سبز رو هم بخونید. کتابهای «سب امتحان» شامل موارد زیر هستند:

۴ امتحان نوبت اول + ۸ امتحان نوبت دوم + مشاوره‌های باحال برای ۲۰ گرفتن + پاسخ تشریحی + خلاصه درس تووووووووپ سب امتحانی

پاسخنامه امتحان نیمسال اول	رشته: کلیه رشته‌ها	نام درس (اول)	
ردیف	امتحان شماره ۱	Kheilisabz.com	
۱	(b) وارد چمن نشوید.		
۲	(e) این نزدیکی‌ها یک پارکینگ است.		
۳	(c) افراد ناشنوا می‌توانند به زبان اشاره حرف بزنند.		
۴	(a) قبل از این که بخوابی شمع‌ها را خاموش کن.		
۵	(c) Germany (آلمان) اسم یک کشوره ولی بقیه به ترتیب (روسی، ترکی و اسپانیایی) اسامی زبان یا ملیت هستن.		
۶	(a) century (قرن) مربوط به زمانه ولی بقیه به ترتیب (کشور، منطقه و قاره) مکان هستن.		
۷	available آیا هنوز برای شنبه بلیط موجود است؟		
۸	died او بعد از یک بیماری طولانی در سن ۸۳ سالگی فوت کرد.		
۹	Besides علاوه بر تدریس انگلیسی، او رمان می‌نویسد.		
۱۰	ability گربه‌ها توانایی دیدن در تاریکی دارند.		
۱۱	attention هیچ توجهی به آن چه او گفت نکن. notice = attention توجه		
۱۲	finally آن مسافر سرانجام به مقصدش رسید. at last = finally سرانجام، بالاخره		
۱۳	gave من تعدادی کتاب از کتابخانه امانت گرفتم. دادن give ≠ قرض گرفتن، امانت گرفتن borrow		
۱۴	foreign زبان مادری معلم ایتالیایی است. خارجی foreign ≠ ۱- [زبان] مادری ۲- بومی native		
۱۵	turn فراموش نکن قبل از بیرون رفتن تمام چراغ‌ها را خاموش کنی. [تلویزیون و غیره] خاموش کردن turn off		
۱۶	honest اگر راستش را بخواهی، من فکر نمی‌کنم آن امکان‌پذیر باشد. اگر راستش را بخواهی، راستش To be honest (with you)		
۱۷	گزینه «۲» دارم می‌رم بیرون. قصد دارم چهار نان و تعداد کمی گوجه‌فرنگی بخرم. bread غیر قابل شمارش و قبل از اون عدد نیما، (دلیل نادرستی گزینه ۱) و باید برای شمردن اون از واحد loaf استفاده کنین. بعد از عدد پیش از یک، از شکل جمع loaf (یعنی loaves) استفاده کنین، (دلیل نادرستی گزینه ۳). tomato اسم قابل شمارش و قبل از اون، a little نیما (دلیل نادرستی گزینه ۴).		
۱۸	گزینه «۱» «آیا تکالیف زیادی دارید؟» «بله، روزهای زیادی قبل از امتحانات مانده است.» homework غیر قابل شمارش و قبل از اون much میاد، (دلیل نادرستی گزینه‌های ۳ و ۴). day قابل شمارش و قبل از جمع اون، many میاد، (دلیل نادرستی گزینه ۲).		
۱۹	گزینه «۳» «آیا می‌توانید پول بلیط‌های هواپیمای ما را پرداخت کنید؟» «بله، در حال حاضر مقدار زیادی پول دارم.» با توجه به معنی، گزینه اول غلطه. a lot (به معنی فیللی) قیده و قبل از اسم نیما، قبل از اسم، از a lot of استفاده کنین، (دلیل نادرستی گزینه ۲). money غیر قابل شمارش و قبل از اون much میاد، (دلیل نادرستی گزینه ۴). lots of قبل از اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش میاد که با توجه به معنی، درسته.		
۲۰	گزینه «۴» امروز صبح تعدادی کارت پستال در فروشگاه اجناس کادویی وجود داشت. postcard قابل شمارش و بعد از some، به صورت جمع و با فعل جمع (are یا were) میاد. عبارت «this morning» با زمان گذشته (were) به کار می‌ره.		

۲۱	children	تعداد زیادی از بچه‌ها در مدرسه از کامپیوتر استفاده می‌کنند. بعد از a lot of، از اسم قابل شمارش جمع (children) استفاده کنین.																																				
۲۲	is	الان مقداری پنیر در آشپزخانه وجود دارد. cheese غیر قابل شمارش و همیشه با فعل مفرد (is یا was) میاد. عبارت «now» با زمان حال (is) به کار می‌ره.																																				
۲۳	many	«خواهرت چند سی‌دی دارد؟» «او تعداد کمی دارد.» قبل از اسم قابل شمارش جمع (CDs)، از How many استفاده کنین.																																				
۲۴	lot of	مقدار زیادی آب پرتقال در یخچال وجود دارد. آن برای بیست نفر کافی است. a little و a lot of قبل از اسم غیر قابل شمارش (orange juice) به کار می‌رن. با توجه به معنی جمله (برای بیست نفر آب پرتقال وجود داره)، a lot of درسته.																																				
۲۵		دیروز پدرت چه قدر آب خرید؟ پدرم (او) دیروز سه بطری آب خرید. My father (He) bought three bottles of water yesterday.																																				
۲۶		در حال حاضر چند صندلی سفید در حیاط وجود دارد؟ How many white chairs are there in the yard at the moment?																																				
۲۷		A: How much food do we need? B: We haven't got many vegetables, so we need to buy some more. «چه قدر غذا نیاز داریم؟» «سبزی زیادی نداریم، بنابراین باید کمی بیشتر بخریم.» قبل از اسم قابل شمارش جمع (vegetables)، از many استفاده کنین.																																				
۲۸		Most of the town is modern. There are few old buildings. بیشتر آن شهر مدرن است. تعداد کمی ساختمان‌های قدیمی وجود دارد. با توجه به معنی کل جمله و این‌که few مفهوم منفی داره و قبل از اسم قابل شمارش جمع (buildings) به کار می‌ره، few درسته.																																				
۲۹		چند گوجه‌فرنگی برای این غذا نیاز دارید؟ تعداد کمی گوجه‌فرنگی برای این غذا نیاز داریم. از «اسم قابل شمارش جمع + How many» برای پرسیدن تعداد اسم قابل شمارش (tomatoes) استفاده کنین.																																				
۳۰		دیروز چه قدر برنج در آشپزخانه وجود داشت؟ دیروز مقداری برنج در آشپزخانه وجود داشت. از «اسم غیر قابل شمارش + How much» برای پرسیدن مقدار اسم غیر قابل شمارش (rice) استفاده کنین.																																				
۳۱	range	قیمت‌های فرهنگ لغت از ۵ دلار تا ۱۵ دلار متغیر است.																																				
۳۲	society	افراد در جامعه از زبان برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می‌کنند.																																				
۳۳	matter	ما باید به تمام زبان‌ها احترام بگذاریم مهم نیست که چند گویشور داشته باشند.																																				
۳۴	means	هر زبان یک وسیله ارتباطی حیرت‌انگیزی است که نیازهای گویشوران خودش را برآورده می‌کند.																																				
۳۵		<table border="1"> <thead> <tr> <th>subject</th> <th>verb</th> <th>object</th> <th>adverb of manner</th> <th>adverb of place</th> <th>adverb of time</th> </tr> <tr> <th>فاعل</th> <th>فعل</th> <th>مفعول</th> <th>قید حالت</th> <th>قید مکان</th> <th>قید زمان</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>We</td> <td>will not spend</td> <td>our holiday</td> <td></td> <td>at home</td> <td>next year.</td> </tr> <tr> <td>Kim and I</td> <td>were waiting</td> <td></td> <td>patiently</td> <td>in the train station.</td> <td></td> </tr> <tr> <td>My mother</td> <td>can not speak</td> <td>German</td> <td>fluently.</td> <td></td> <td></td> </tr> <tr> <td>My sister</td> <td>is going to write</td> <td>some letters</td> <td></td> <td></td> <td>tomorrow evening.</td> </tr> </tbody> </table>	subject	verb	object	adverb of manner	adverb of place	adverb of time	فاعل	فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان	We	will not spend	our holiday		at home	next year.	Kim and I	were waiting		patiently	in the train station.		My mother	can not speak	German	fluently.			My sister	is going to write	some letters			tomorrow evening.
subject	verb	object	adverb of manner	adverb of place	adverb of time																																	
فاعل	فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان																																	
We	will not spend	our holiday		at home	next year.																																	
Kim and I	were waiting		patiently	in the train station.																																		
My mother	can not speak	German	fluently.																																			
My sister	is going to write	some letters			tomorrow evening.																																	

<p>Tom spoke politely to his teacher yesterday.</p> <p>Tom was speaking politely to his teacher yesterday.</p> <p>قید yesterday هم با گذشته ساده و هم با گذشته استمراری به کار می‌ره پس هر دو جواب درسته. قید حالت (politely)، بعد از فعل اصلی میاد.</p>	<p>تام دیروز مؤدبانه با معلمش صحبت کرد.</p> <p>تام دیروز داشت مؤدبانه با معلمش صحبت می‌کرد.</p>	۳۶
<p>She sometimes has breakfast at 6:40.</p> <p>قید تکرار (sometimes) قبل از فعل اصلی (has) به کار می‌ره و مفعول (breakfast) هم بعد از فعل میاد. با توجه به این‌که زمان حال ساده برای بیان کارهایی به کار می‌ره که به صورت عادت و تکرار انجام می‌شه و معمولاً با قید تکرار (sometimes) به کار می‌ره، فعل حال ساده (has) درسته. هاستون باشه has بعد از فاعل سوم شخص مفرد (She) و have بعد از فاعل غیر سوم شخص مفرد میاد.</p>	<p>او گاهی اوقات ساعت ۶/۴۰ صبحانه می‌خورد.</p> <p>قید تکرار (sometimes) قبل از فعل اصلی (has) به کار می‌ره و مفعول (breakfast) هم بعد از فعل میاد. با توجه به این‌که زمان حال ساده برای بیان کارهایی به کار می‌ره که به صورت عادت و تکرار انجام می‌شه و معمولاً با قید تکرار (sometimes) به کار می‌ره، فعل حال ساده (has) درسته. هاستون باشه has بعد از فاعل سوم شخص مفرد (She) و have بعد از فاعل غیر سوم شخص مفرد میاد.</p>	۳۷
<p>We will give him the present tomorrow.</p> <p>بعد از برقی افعال مثل give، ابتدا مفعول انسان (him)، بعد مفعول غیر انسان (the present) میاد. در غیر این صورت باید از حرف اضافه استفاده کنین. آگه حرف اضافه to داخل پرانتز بود، باید به صورت زیر مرتب می‌کردین:</p> <p>We will give the present to him tomorrow.</p>	<p>ما فردا به او هدیه خواهیم داد.</p> <p>بعد از برقی افعال مثل give، ابتدا مفعول انسان (him)، بعد مفعول غیر انسان (the present) میاد. در غیر این صورت باید از حرف اضافه استفاده کنین. آگه حرف اضافه to داخل پرانتز بود، باید به صورت زیر مرتب می‌کردین:</p> <p>ما فردا به او هدیه خواهیم داد.</p>	۳۸
<p>I didn't sleep very well in his bedroom last night.</p> <p>قید حالت (well)، بعد از فعل اصلی (didn't sleep) میاد. با توجه به ترتیب قیدها، ابتدا قید حالت (very well)، سپس قید مکان (in his bedroom) و در آخر قید زمان (last night) میاریم.</p>	<p>دیشب در اتاق خوابش خیلی خوب نخوابیدم.</p> <p>قید حالت (well)، بعد از فعل اصلی (didn't sleep) میاد. با توجه به ترتیب قیدها، ابتدا قید حالت (very well)، سپس قید مکان (in his bedroom) و در آخر قید زمان (last night) میاریم.</p>	۳۹
<p>He will wash his car next Sunday.</p> <p>He is going to wash his car next Sunday.</p>	<p>او یکشنبه آینده ماشینش را خواهد شست.</p> <p>او قصد دارد یکشنبه آینده ماشینش را بشوید.</p> <p>هر دو جواب درسته.</p>	۴۰
<p>Our neighbors are usually very friendly to us.</p> <p>قید تکرار (usually) بعد از فعل (are) to be میاد.</p>	<p>همسایه‌های ما معمولاً با ما خیلی مهربان هستند.</p> <p>قید تکرار (usually) بعد از فعل (are) to be میاد.</p>	۴۱
<p>I sent her an e-mail yesterday morning.</p> <p>بعد از برقی افعال مثل send، ابتدا مفعول انسان (her)، بعد مفعول غیر انسان (an e-mail) میاد.</p>	<p>من دیروز صبح برای او یک ایمیل فرستادم.</p> <p>بعد از برقی افعال مثل send، ابتدا مفعول انسان (her)، بعد مفعول غیر انسان (an e-mail) میاد.</p>	۴۲
<p>یک زبان در معرض خطر زبانی است که تعداد بسیار کمی گویشور داشته باشد. امروزه، بسیاری از زبان‌ها دارند گویشوران بومی خود را از دست می‌دهند. وقتی یک زبان از بین می‌رود، دانش و فرهنگ با آن از بین می‌رود. تعداد زیادی از زبان‌های در معرض خطر در اقیانوسیه و آمریکای جنوبی هستند. برخی از آن‌ها در آسیا و آفریقا هستند. تعداد زبان‌های زنده دنیا حدود ۷۰۰۰ است و ممکن است تعداد زیادی از آن‌ها در آینده وجود نداشته باشد. اکنون تعداد زیادی از محققان دارند تلاش می‌کنند تا از زبان‌های در معرض خطر محافظت کنند. این (اقدام) می‌تواند مقدار زیادی از اطلاعات و ارزش‌های فرهنگی افراد در سرتاسر جهان را حفظ کند.</p>		
<p>گزینه «۱» (۱) از دست دادن (۲) ارتباط برقرار کردن (۳) مبادله کردن (۴) نگاه داشتن</p>	<p>گزینه «۴» (۱) توجه کردن (۳) برداشتن، انتخاب کردن (۴) از بین رفتن، ناپدید شدن</p>	۴۳
<p>گزینه «۳» (۱) روانی، ذهنی (۲) غیرممکن (۳) زنده (۴) ناشنوا</p>	<p>گزینه «۲» (۱) تفاوت داشتن (۲) وجود داشتن (۳) میزبان ... بودن (۴) فهمیدن</p>	۴۴
<p>گزینه «۳» (۱) توضیح دادن (۲) تصور کردن (۳) محافظت کردن (۴) سفارش دادن</p>	<p>گزینه «۲» (۱) تفاوت داشتن (۲) وجود داشتن (۳) میزبان ... بودن (۴) فهمیدن</p>	۴۵
<p>گزینه «۲» (۱) تفاوت داشتن (۲) وجود داشتن (۳) میزبان ... بودن (۴) فهمیدن</p>	<p>گزینه «۳» (۱) توضیح دادن (۲) تصور کردن (۳) محافظت کردن (۴) سفارش دادن</p>	۴۶
<p>گزینه «۳» (۱) توضیح دادن (۲) تصور کردن (۳) محافظت کردن (۴) سفارش دادن</p>	<p>گزینه «۲» (۱) تفاوت داشتن (۲) وجود داشتن (۳) میزبان ... بودن (۴) فهمیدن</p>	۴۷
<p>هم افراد شنوا و هم افراد ناشنوا از برخی علائم برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کنند. برای مثال، بچه‌ها سریع یاد می‌گیرند تا به چیزهایی که می‌خواهند اشاره کنند. افراد اغلب از نظام اشاره‌ها استفاده می‌کنند تا با افراد دیگری که به زبان متفاوتی صحبت می‌کنند ارتباط برقرار کنند.</p>		

زبان‌های اشاره زبان‌های منحصربه‌فردی هستند. افرادی که از زبان اشاره استفاده می‌کنند شکل‌هایی به نام علائم با دست‌های‌شان به وجود می‌آورند. آن‌ها هم‌چنین بدنشان را حرکت می‌دهند. افراد ناشنوا از علائم برای حروف، کلمات یا ایده‌ها استفاده می‌کنند. افرادی که از زبان اشاره استفاده می‌کنند می‌توانند با استفاده از حرکات دست به جای گفتار، افکار و احساساتشان را بیان کنند. درست همان‌طور که زبان‌های گفتاری بسیاری وجود دارد زبان‌های اشاره بسیار متفاوتی نیز وجود دارد. در سرتاسر جهان بیش از ۱۰۰ زبان اشاره وجود دارد که بیشتر توسط افراد ناشنوا استفاده می‌شود. اکثر افراد ناشنوا در امریکای شمالی و چند کشور دیگر از زبان اشاره آمریکایی استفاده می‌کنند. صدها هزار نفر با استفاده از این زبان ارتباط برقرار می‌کنند. درست مانند زبان گفتاری، افراد می‌توانند از زبان اشاره برای بیان انواع افکار استفاده کنند. افرادی که از زبان اشاره استفاده می‌کنند، می‌توانند دربارهٔ اعمال، احساسات و افکار صحبت کنند. یک تفاوت بین زبان اشاره و زبان گفتاری این است که زبان اشاره هم‌زمان بیش از یک معنی را بیان می‌کند.

۴۸	گزینهٔ «۳»	طبق متن کدام یک درست است؟ زبان اشاره یک وسیلهٔ ارتباطی است.
۴۹	گزینهٔ «۱»	افراد ناشنوا از حرکات دست برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می‌کنند.
۵۰	False	فقط افراد ناشنوا از زبان اشاره استفاده می‌کنند.
۵۱	True	افراد ناشنوا با استفاده از زبان اشاره می‌توانند دربارهٔ اعمال و احساسات صحبت کنند.
۵۲		چند زبان اشاره در جهان وجود دارد؟ بیش از ۱۰۰ زبان اشاره در جهان وجود دارد. There are more than 100 sign languages in the world.
۵۳		چرا افراد اغلب از نظام اشاره‌ها استفاده می‌کنند؟ افراد (آن‌ها) اغلب از نظام اشاره‌ها استفاده می‌کنند تا با افراد دیگری که به زبان متفاوتی صحبت می‌کنند ارتباط برقرار کنند. People (They) often use a system of signs to communicate with others who speak different languages.

پاسخنامه امتحان نیمسال اول	رشته: کلیه رشته‌ها	نام درس (اول و دوم)	صفحه ۱
ردیف	امتحان شماره ۲	kheilisabz.com	
۱	(f) قرن		
۲	(a) ناشنوا		
۳	(c) دارو		
۴	(d) قایق‌رانی		
۵	(c) orange (پرتقال) اسم یک میوه و بامده و قابل شمارش ولی بقیه به ترتیب (آب سیب، قهوه و پای) مایعات و غیر قابل شمارش.		
۶	(a) serving به معنی (پرس غذا) است ولی بقیه به ترتیب (اسکیت‌بازی، دوپرفه‌سواری و دو آهسته) اسامی ورزش و همشون اسم مصدرن در حالی که serving اسم نه اسم مصدر.		
۷	گزینه «۳» او انگلیسی صحبت می‌کند اما زبان مادری اش نیست.		
۸	گزینه «۴» اکنون که ما در شهرهای مختلفی زندگی می‌کنیم، از طریق ایمیل با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنیم.		
۹	گزینه «۱» پزشکان موافق هستند که یک رژیم غذایی متعادل کلید سلامتی است.		
۱۰	گزینه «۲» او سر کار تحت فشار زیادی است. ممکن است او را بیمار کند.		
۱۱	(e) (در دسترس، موجود) آماده برای شما تا استفاده کنید، داشته باشید یا ببینید		
۱۲	(d) (پارکینگ) مکانی بزرگ یا ساختمانی که در آن جا شما می‌توانید ماشینتان را برای مدتی بگذارید		
۱۳	(a) (معالجه کردن، درمان کردن) فرد بیمار را دوباره خوب کردن		
۱۴	(c) (گشتن، پرسه زدن) زمان زیادی را در یک مکان یا با کسی گذراندن		
۱۵	continent آفریقا یک قاره است ولی هند یک کشور است.		
۱۶	out مراقب باش! داری به خودت صدمه می‌زنی. مراقب بودن، مواظب بودن watch out		
۱۷	گزینه «۴» «گرسنه‌ای؟» «نه، در آشپزخانه مقدار زیادی کیک خوردم.» بعد از کلمات گزینه‌ها، اسم قابل شمارش جمع یا اسم غیر قابل شمارش میاد. cake به صورت جمع به کار نرفته پس غیر قابل شمارش و قبل از اون a lot of یا lots of میاد، (دلیل نادرستی گزینه ۳) many و a few هم با اسامی قابل شمارش جمع میاد.		
۱۸	گزینه «۳» اخیراً هوا خیلی خشک بوده است. مقدار کمی باران داشته‌ایم. recently با زمان ماضی نقلی (has been) میاد (دلیل نادرستی گزینه‌های ۱ و ۲). rain غیر قابل شمارش و قبل از اون little میاد، (دلیل نادرستی گزینه ۴).		
۱۹	گزینه «۲» ریچارد از ماه ژانویه دارد در کانادا زندگی می‌کند. عبارت «مبدأ زمان + since»، با ماضی نقلی (has lived) به کار می‌ره.		
۲۰	گزینه «۲» من تعدادی کفش نو خریده‌ام. آیا می‌خواهید آن‌ها را ببینید؟ ماضی نقلی برای بیان عملی به کار می‌ره که در گذشته انجام شده و (اثرش) تا زمان حال ادامه داره.		
۲۱	cheese او برای صبحانه زیاد پنیر نمی‌خورد. بعد از much، از اسم غیر قابل شمارش که همیشه به صورت مفرد (cheese) استفاده کنین.		
۲۲	hasn't had خواهر بزرگ‌ترم هنوز ناهارش را نخورده است. قید زمان yet، با فعل منفی ماضی نقلی به کار می‌ره. عبارت «my older sister = she» سوم شخص مفرد، پس «hasn't had» درسته.		

۲۳	were	امروز صبح تعداد زیادی توریست در مرکز شهر بودند. قبل از اسم قابل شمارش جمع (tourists)، فعل جمع (are یا were) میار. عبارت (this morning) با گذشته به کار می‌ره پس were درسته.
۲۴	for	من هلن را می‌شناسم. مدت طولانی است که او را می‌شناسم. عبارت «طول زمان + for» در این‌جا «for a long time» با ماضی نقلی، در این‌جا «have known» به کار می‌ره.
۲۵		مادرت چه قدر شکر خریده است؟ My mother (She) has bought two bags of sugar. مادرم (او) دو گونی شکر خریده است.
۲۶		برادرت چه کار کرده است؟ My brother (He) has drawn a picture. برادرم (او) یک نقاشی کشیده است.
۲۷		چند کتاب انگلیسی از کتابخانه امانت گرفته‌ای؟ How many English books have you borrowed from the library?
۲۸		آیا والدینت تاکنون غذای چینی خورده‌اند؟ Have your parents ever eaten Chinese food?
۲۹		Sarah has a lot of books at home, but she doesn't have much time to read them. سارا تعداد زیادی کتاب در خانه دارد، ولی وقت زیادی برای خواندن آن‌ها ندارد. time به معنی (زمان، وقت) اسم غیر قابل شمارش و قبل از اون، much میار.
۳۰		Tina's best friend has had two children since they last saw each other. بهترین دوست تینا از وقتی آخرین بار آن‌ها یکدیگر را دیدند، دو بچه دارد. عبارت «همه گذشته + since» با ماضی نقلی (has had) به کار می‌ره.
۳۱		هر روز چند نفر با ماشین به سر کار می‌روند؟ How many people travel to work by car every day? هر روز تعداد زیادی افراد با ماشین به سر کار می‌روند. از «اسم قابل شمارش جمع + How many» برای پرسیدن تعداد اسم قابل شمارش (people) استفاده کنین.
۳۲		چه مدت است که همسایه شما در بیمارستان است؟ How long has your neighbor been in hospital? همسایه ما به مدت پانزده روز است که در بیمارستان است. اگه بفواین عبارت «طول زمان + for» یا «مبدأ زمان + since» در این‌جا «for fifteen days» رو مورد سؤال قرار بدین، از کلمه پرسشی How long به معنی «چه مدت» استفاده کنین.
۳۳	valuable - despite	تمام زبان‌ها با وجود تفاوت‌هایشان خیلی باارزش هستند.
۳۴	effective - relationships	یک شیوه مؤثر برای لذت بردن از یک سبک زندگی بهتر، داشتن ارتباط سالم با دیگران است.
۳۵	cost	«قیمت این چه قدر است؟» «۱۰۰۰ تومان.»
۳۶	general	برای داشتن یک سبک زندگی سالم‌تر، افراد باید سلامت عمومی‌شان را چک کنند.
۳۷		آن‌ها اخیراً جان و برادرش را ندیده‌اند. They haven't seen John and his brother recently. s v o adv
۳۸		من و دیوید چند فرد جالب را در مهمانی ملاقات کردیم. David and I met some interesting people at the party. s v o adv
۳۹		فردا بعدازظهر من تکالیفم را تمام نخواهم کرد. Tomorrow afternoon, I won't finish my homework. adv s v o
۴۰		پدرم همیشه قهوه می‌خورد. My father always drinks coffee. s adv v o

41	والتر همیشه بعد از ظهر چهارشنبه در مدرسه است. قید تکرار (always) بعد از فعل (is) to be و بعد از اونا هم قید مکان (at school) میاد.	Walter is always at school on Wednesday afternoon.
42	برادرم خیلی وقت پیش این ساعت را به من داد. (a long time ago) با گذشته ساده (gave) به کار می‌ره. بعد از برقی افعال مثل give، ابتدا مفعول انسان بعد مفعول غیر انسان میاد. در غیر این صورت باید از حرف اضافه استفاده کنیم. آگه حرف اضافه to داخل پراتر نبود، باید به صورت زیر مرتب می‌کردین:	My brother gave this watch to me a long time ago.
43	چه چیزی شما را خوشحال کرده است؟ شناکردن من را خوشحال کرده است.	My brother gave me this watch a long time ago.
44	ما به خاطر باران شدید بیرون نرفتیم. صفت (heavy)، قبل از اسم (rain) میاد.	We didn't go out because of the heavy rain.
45	آن‌ها همیشه یک‌شنبه‌ها تنیس بازی نمی‌کنند. قید تکرار (always)، قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی (do not always play) میاد.	They do not always play tennis on Sundays.
46	عمویم الان دارد دوچرخه‌سواری می‌کند؛ در واقع، ورزش مورد علاقه او دوچرخه‌سواری است. در جمله اول (is cycling) فعل حال استمراریه ولی در جمله دوم (cycling) اسم مصدره که بعد از فعل (is) اومده.	My uncle is cycling now; in fact, his favorite sport is cycling.
47	این کتاب هنوز بعد از چندین بار خواندن جالب است. «interesting» صفت و «reading» اسم مصدره که بعد از حرف اضافه (after) اومده.	This book is still interesting even after reading it many times.
48	من امروز صبح بدون بستن پنجره‌ها خانه را ترک کردم. بعد از حرف اضافه (without)، اسم مصدر (closing) میاد.	I left the house this morning without closing the windows.
49	او مرد سخت‌کوشی است. او هرگز از تلاش دست نمی‌کشد. بعد از فعل (stop) به معنی (دست‌کشیدن از، ترک‌کردن)، اسم مصدر (trying) میاد.	He is a hardworking man. He never stops trying.
50	سبک زندگی شلوغ افراد در شهرهای بزرگ مشکلات زیادی برای سلامتی‌شان به وجود آورده است. با عجله به مدرسه و سر کار رفتن و برگشتن از لحاظ بدنی فعال بودن را برای همه دشوار کرده است. بسیاری از افراد وقت ندارند آشپزی کنند یا غذای سالم آماده کنند. آن‌ها غذای سرپایی و هله‌هوله ناسالم می‌خورند. این نوع رژیم غذایی ذائقه افراد را تغییر داده است و اکنون بسیاری از جوانان غذای حاضری را به غذاهای خانگی ترجیح می‌دهند. تماشا کردن تلویزیون و کار کردن با تکنولوژی برای ساعات زیاد نیز سلامت افراد را به خطر انداخته است. این موارد خطر بیماری‌های قلبی و اختلالات خواب را افزایش داده است. بنابراین مواردی که اکنون خیلی ساده به نظر می‌رسد در آینده می‌تواند باعث مشکلات جدی شود.	
51	گزینه «۳» (۱) به اشتباه، اشتباهی (۲) تصور کردن (۳) از لحاظ بدنی، به لحاظ جسمی (۴) باعث شدن	
52	گزینه «۱» (۱) رژیم غذایی، غذا (۲) رفتار (۳) آماده کردن (۴) دلیل	
53	گزینه «۴» (۱) جلوگیری کردن از (۲) اندازه گرفتن (۳) بهبودبخشیدن (۴) به خطر انداختن	
54	گزینه «۲» (۱) متوقف کردن، دست‌کشیدن از (۲) افزایش دادن (۳) معالجه کردن (۴) تولید کردن	

همیشه منظور از یادگیری یک زبان جدید، نشستن در کلاس و خواندن کتاب‌های زبان نیست. در واقع، دبیران زبان به شما پیشنهاد می‌کنند تا مقدار زیادی را در بیرون از مدرسه، مکان‌هایی مثل منزلتان یا کتابخانه‌ای نزدیکتان یاد بگیرید. چند راه برای بهتر درک کردن زبانتان وجود دارد. برای مثال، اگر می‌خواهید انگلیسی‌تان یا هر زبان خارجی دیگری را بهتر کنید، باید به برخی از این توصیه‌ها توجه کنید. اگر تعدادی از این ایده‌ها را به یادگیری زبان روزمره‌تان اضافه کنید، قطعاً پیشرفت‌هایی را خواهید دید.

● یک فرهنگ لغت خوب بخرید. وقتی دارید انگلیسی یاد می‌گیرید، فرهنگ لغت بهترین دوست شما است.

● زیاد بخوانید. خواندن روشی عالی برای تمرین کردن انگلیسی‌تان در وقت آزادتان است. کتاب و روزنامه برای بهتر کردن انگلیسی‌تان مفید هستند.

● بر روی وسایل منزلتان برچسب بزنید. یک بسته برچسب بخرید و سپس اسم اشیاء مثل تلفن، پنجره و غیره را بر روی آن بنویسید. این کار برای مبتدی‌ها عالی است.

● هر وقت که می‌توانید انگلیسی تمرین کنید. مهم است که یادگرفتن انگلیسی‌تان در کلاس درس را رها نکنید. مطمئن شوید که شما هرگز از یادگرفتن فرار نمی‌کنید.

● هر روز بنویسید. تلاش کنید و با استفاده از کلمات و گرامر جدیدی که یاد گرفته‌اید هر روز مطلبی بنویسید.

● تلویزیون و فیلم تماشا کنید و به برنامه‌های رادیویی خوب گوش کنید.

● هر روز تمرین کنید. برای خودتان یک برنامه مطالعه درست کنید. تصمیم بگیرید چه قدر در هفته قصد دارید بخوانید.

● از این که اشتباه کنید نترسید. وقتی به زبان انگلیسی صحبت می‌کنید یا می‌نویسید اعتمادبه‌نفس داشته باشید.

● تمام چهار مهارت زبان را تمرین کنید: خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن.

۵۵ گزینه ۲» ایده اصلی این متن چیست؟ چه طور یک زبان را بهتر یاد بگیریم.

main idea (ایده اصلی متن) در واقع موضوع اصلی‌ای است که نویسنده سعی دارد در متن، اون رو توضیح بده. هاستون باشه main idea، موضوع اصلی و کلی متنه و نه موضوعات جزئی متن. در این متن، برای بهتر یادگرفتن یک زبان راه‌هایی توصیه شده و در هر پاراگراف هر کدوم از این راه‌ها رو توضیح می‌ده. هاستون باشه تک تک راه‌هایی که در پاراگراف‌ها توضیح داده شده، جزء هستن و نمی‌تونن main idea باشن.

۵۶ گزینه ۲» کدامیک از موارد زیر برای کسی که به مدت چند روز یادگرفتن زبانی را شروع کرده است مفید است؟ برچسب‌زدن بر روی وسایل منزلتان

۵۷ False رفتن به یک آموزشگاه زبان و خواندن کتاب تنها راه‌حل‌های یادگیری یک زبان هستند.

۵۸ False طبق متن، برای یک نوآموز انگلیسی اشتباه کردن غیرممکن است.

۵۹ دبیران زبان برای یادگیری زبان چه پیشنهادی به شما می‌کنند؟
They suggest you to do plenty of extra learning outside of school, places like your home or a library near you.
آن‌ها به شما پیشنهاد می‌کنند تا مقدار زیادی را در بیرون از مدرسه، مکان‌هایی مثل منزلتان یا کتابخانه‌ای نزدیکتان یاد بگیرید.

۶۰ ما باید چند مهارت زبان تمرین کنیم؟ آن‌ها چه هستند؟
We should practice four language skills. They are reading, writing, speaking and listening.
ما باید چهار مهارت زبان را تمرین کنیم. آن‌ها خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن هستند.

پاسخنامه امتحان نیمسال دوم	رشته: کلیه رشته‌ها	نام درس (کل کتاب)
ردیف	امتحان شماره ۳	kheilisabz.com
۱	(d)	امروزه، اعتیاد به اینترنت مشکل بزرگی است.
۲	(a)	همسایه‌مان دیروز دچار سکته قلبی شد.
۳	(c)	خواهرم یک فنجان سفالی زیبا خریده است.
۴	(e)	این ناحیه تنوع زیادی از پرندگان دارد.
۵	(b)	vegetable «به معنی (در جمع) سبزیجات»، سالم و مفیده ولی بقیه به ترتیب (هله‌هوله، تنقلات و آب‌نبات) ناسالم و مضرن.
۶	(c)	wood به معنی «چوب»، جزء مواد اولیه است ولی بقیه به ترتیب (فرش، ظروف سفالی و کاشی فطاطی شده) جزء صنایع دستی هستن و از مواد اولیه درست شدن ولی فودشون مواد اولیه نیستن.
۷	imagine	آیا می‌توانید تصور کنید که قرن بیست و سوم به چه صورت خواهد بود؟
۸	toward	افراد این‌جا همیشه با جهانگردها خیلی صمیمی هستند.
۹	improve	انجام ورزش منظم می‌تواند سلامت عمومی شما را بهبود بخشد.
۱۰	satisfied	دختر عمویم هرگز نسبت به چیزی که دارد راضی نیست.
۱۱	useful	سلامتی از همه چیزها باارزش‌تر است. مفید useful = باارزش، مفید valuable
۱۲	stop	آیا ورزش و رژیم غذایی سالم می‌تواند از بیماری‌های قلبی جلوگیری کند؟ متوقف کردن، جلوی ... را گرفتن، مانع ... شدن = stop جلوگیری کردن، مانع ... شدن prevent
۱۳	could	از این‌که نتوانستم دیروز به شما تلفن بزنم متأسفم. توانستم I could ≠ نتوانستم، قادر نبودم I wasn't able to
۱۴	fallen	امسال قیمت‌های خانه تا ۱۰ درصد افزایش یافته است. کاهش یافتن، پایین آمدن fall ≠ افزایش یافتن، بالا آمدن rise
۱۵	physical	او در مورد ارتباط بین سلامت ذهنی و جسمی تحقیق کرد.
۱۶	metal	آیا طلا باارزش‌تر از هر فلز دیگری است؟
۱۷	گزینه «۳»	او خوش‌شانس است. او مشکلات خیلی کمی دارد. problem اسم قابل شمارش و قبل از اون a few یا few میاد، با توجه به مفهوم کل جمله و این‌که few مفهوم منفی داره به عبارتی تعداد خیلی کمه و تقریباً هیچی وجود نداره، few درسته. وقتی کسی فوش‌شانسه، یعنی تقریباً هیچی مشکل نداره.
۱۸	گزینه «۲»	برادرم از تابستان گذشته شش بار به دندانپزشکی رفته است. عبارت «مبدأ زمان + since»، با ماضی نقلی (has gone) به کار می‌ره.
۱۹	گزینه «۲»	ممکنه امروز بعدازظهر به خرید برم. اگه به خرید برم، مقداری غذا می‌خرم. در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (go) و فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will buy) است.
۲۰	گزینه «۴»	فکر می‌کنم جیل آن شغل را به دست خواهد آورد. خیلی شگفت‌زده خواهم شد اگر آن را به دست نیآورد. صفت مفعولی (surprised) برای توصیف انسان به کار می‌ره و در جمله شرطی، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (doesn't get) است.
۲۱	haven't seen	«عینکم کجاست؟» «نمی‌دانم. من آن را ندیده‌ام.» ماضی نقلی (haven't seen) برای بیان عملی به کار می‌ره که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته. عمل ندیدن عینک هنوز در زمان حال ادامه داره.

۲۲	am	اگر امشب دیر کردم نگران نباش. در جمله شرطی، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (am) است و فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده یا امریه (Don't worry).
۲۳	has	او از زمانی که در لندن متولد شد، در آنجا زندگی می‌کند. عبارت «جمله گذشته ساده + since»، با ماضی نقلی (has lived) به کار می‌رود.
۲۴	won't	عجله کن! اگه کند راه بری، به اتوبوس نمی‌رسی. در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (walk) و فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (won't catch) است.
۲۵		دوستت چه قدر نان خریده است؟ دوستم دو تا نان خریده است. My friend has bought two loaves of bread.
۲۶		اگر تکالیف را تمام کنی، چه کار خواهی کرد؟ اگر تکالیفم را تمام کنم، پینگ‌پنگ بازی خواهم کرد. اگر تکالیفم را تمام کنم، پینگ‌پنگ بازی خواهم کرد. If I finish my homework, I will play ping-pong. I will play ping-pong if I finish my homework.
۲۷		برادر بزرگ‌ترت قصد دارد چه قدر سوپ مرغ بخرد؟ How much chicken soup is your older brother going to buy?
۲۸		آیا سیمون به لندن خواهد رفت اگر یک بلیط ارزان پیدا کند؟ Will Simon go to London if he gets a cheap flight?
۲۹		Helen gave me an orange hat, some apples, a little milk and a magazine. هلن یک کلاه نارنجی، تعدادی سیب، مقدار کمی شیر و یک مجله به من داد. قبل از اسم غیر قابل شمارش (milk) از «a little» استفاده کنین.
۳۰		I'm sure he will have an accident if he keeps driving like that. من مطمئنم اگر او به آن صورت به رانندگی کردن ادامه دهد، تصادف خواهد کرد. در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (keeps) و فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will have) است.
۳۱		چه کسی از سال ۲۰۰۷ در لندن زندگی کرده است؟ والدینم از سال ۲۰۰۷ در لندن زندگی کرده‌اند. Who has lived in London since 2007? برای سوال کردن در مورد فاعل (My parents)، از «Who» استفاده کنین. هواستون باشه بعد از who از فعل سوم شخص مفرد (has) استفاده کنین.
۳۲		What will happen if we don't protect the endangered elephants? چه اتفاقی خواهد افتاد اگر از فیل‌های در معرض خطر محافظت نکنیم؟ اگر از فیل‌های در معرض خطر محافظت نکنیم، آن‌ها منقرض خواهند شد. اگه زیرکل جمله جواب شرط یعنی جمله‌ای که if نداره فقط کشیده شده باشه، برای سوالی کردن، از «What will happen if...?» استفاده کنین.
۳۳	appreciate - culture	من واقعاً ارزش فرهنگ و هنر ایران را می‌دانم.
۳۴	decreases - balanced	نماز خواندن فشار روحی را کاهش می‌دهد و به افراد زندگی آرام و متعادلی می‌دهد.
۳۵	materials	آن‌ها آثار هنری بسیار بی‌نظیری از چوب، فلز و دیگر مواد ساده تولید می‌کنند.
۳۶	serving	من فکر می‌کنم یک پرس برنج برای آن‌ها کافی نیست.
۳۷		عمویش اخیراً دو کتاب نوشته است. His uncle has written two books recently. s v o adv of m
۳۸		من و خواهر کوچکم دیروز عصر همه‌جا دنبال شما گشتیم. My little sister and I were looking for you everywhere yesterday evening. s v o adv of p adv of t
۳۹		در تعطیلات آخر هفته قصد داریم تعدادی عکس بگیریم. We are going to take some photos at the weekend. s v o adv of t

40	برادر بزرگ‌ترم نمی‌تواند به راحتی اسپانیایی صحبت کند. My older brother <u>can't speak Spanish fluently</u> . s v o adv of m
41	پدرم معمولاً بعد از ظهرها در باغ است. My father <u>is usually in the garden</u> in the afternoon. قید تکرار (usually) بعد از فعل (is) to be و بعد از اونا هم قید مکان (in the garden) می‌آید.
42	او گاهی اوقات با دوستانش سریع شام می‌خورد. She <u>sometimes has dinner quickly</u> with her friends. قید تکرار (sometimes) قبل از فعل اصلی (has) و بعد از فعل هم اول مفعول (dinner) و سپس قید حالت (quickly) می‌آید.
43	چرا مادرت به فروشگاه رفته است؟ She has gone to the store to buy two bottles of milk. (مصدر با to) برای بیان هدف و قصد از انجام کاری استفاده می‌شود. در این جا قصد و هدف از رفتن به فروشگاه، فریدن شیر است.
44	او انجام دادن چه کاری را تمام کرده است؟ He has finished painting the room. بعد از فعل (finish)، اسم مصدر (painting) می‌آید.
45	لطفاً سعی کنید وقتی دیوید آواز می‌خواند نخندید. Please try <u>not to laugh</u> when David sings. بعد از فعل (try)، به معنی سعی کردن، مصدر با (to laugh) to می‌آید و برای منفی کردن مصدر نیز قبل از to، از not استفاده می‌کنیم.
46	از ملاقات با شما لذت برده‌ام. امیدوارم به زودی دوباره شما را ببینم. I have enjoyed <u>meeting</u> you. I hope <u>to see</u> you again soon. بعد از فعل (enjoy)، اسم مصدر (meeting) و بعد از فعل (hope)، مصدر با (to see) to می‌آید.
47	وقتی به خانه رسیدم، از این که پلیس را در آشپزخانه دیدم تعجب کردم. <u>to see</u> بعد از برقی صفات (surprised)، مصدر با (to see) to می‌آید.
48	به خاطر گم کردن خودکارت متأسفم. <u>losing</u> بعد از حرف اضافه (for)، اسم مصدر (losing) می‌آید.
49	امروزه، ونسان ون گوگ هنرمند خیلی مشهور است؛ اما او هرگز در طول زندگی‌اش مشهور نبود. ونسان هلندی بود. خانواده‌اش اهل یک روستای کوچک در هلند بودند. برادرش، تئو، شخص بسیار مهمی در زندگی‌اش بود. ونسان معمولاً فقیر بود اما برادرش همیشه آن جا بود تا به او کمک کند. ونسان به مدرسه علاقه داشت ولی دانش آموز خیلی خوبی نبود. او همیشه در نقاشی کردن ماهر بود ولی او در ابتدا نقاش نبود. او معلم بود و در یک کتاب‌فروشی کار می‌کرد. بعد از سن ۲۷ سالگی، نقاشی کردن تنها شغلش بود ولی او موفق نبود. او هیچ‌گاه واقعاً خوشحال نبود و اغلب بیمار بود. وقتی تنها ۳۷ سال داشت درگذشت. وقتی ونسان زنده بود، مشهور نبود و نقاشی‌هایش پرترفدار نبود. امروزه نقاشی‌هایش خیلی گران‌قیمت هستند و شما می‌توانید آن‌ها را در موزه‌های سرتاسر جهان ببینید.
49	گزینه «۳» (۱) خلاق (۲) گیج (۳) علاقه‌مند (۴) منحصر به فرد، بی‌نظیر
50	گزینه «۲» (۱) تولید کردن (۲) نقاشی کردن (۳) تمرین کردن (۴) شرکت کردن
51	گزینه «۴» (۱) نامطمئن (۲) اجتماعی (۳) متعجب (۴) موفق
52	گزینه «۱» (۱) زنده (۲) مغرور، سربلند (۳) شاد، خوشحال (۴) حیرت‌زده
53	گزینه «۳» (۱) منظم (۲) دست‌ساز (۳) پرترفدار، محبوب (۴) هنری
	سبک زندگی مدرن هم اثرات مثبت و هم اثرات منفی بر زندگی افراد داشته است. فن‌آوری‌های مدرن ما را قادر ساخته است تا دسترسی راحتی به اطلاعات داشته باشیم، خلاق‌تر بشویم، ارتباط سریع را تجربه کنیم، راحت‌تر سفر کنیم و زندگی راحت‌تری داشته باشیم. آیا تا به حال جهان بدون اینترنت، تبلت، تلفن همراه، هواپیما و جارو برقی را تصور کرده‌اید؟ اکثر افراد نمی‌توانند آن را انجام دهند چون فن‌آوری معجزه‌زمان ما است.

اما استفاده از فن‌آوری‌های جدید نیز در این قرن به شیوه مضر سبک زندگی افراد را تغییر داده است. برخی از فن‌آوری‌ها برای سلامت‌مان خطرناک هستند و می‌توانند به بدن‌مان صدمه بزنند. استفاده از تلفن همراه یا گشتن در اینترنت برای ساعات طولانی می‌تواند فشار خون افراد را افزایش دهد و باعث مشکلات خواب شود. بازی‌های کامپیوتری برای ساعات طولانی افراد را عصبی و به قلب و دستگاه عصبی‌شان صدمه می‌زند. گوش دادن به موسیقی با گوشی می‌تواند برای شنوایی شخص و حتی مغز مضر باشد. استفاده از فن‌آوری به شیوه نادرست عادات بد و انواع جدیدی از اعتیادها را به وجود آورده است. اکنون عجیب نیست که کسی را معتاد به اینترنت یا تلفن همراه بنامیم. افراد معتاد به فن‌آوری، افرادی هستند که در کنترل کردن خودشان برای استفاده از انواع مختلف فن‌آوری به خصوص اینترنت، گوشی‌های هوشمند، تبلت و لپ‌تاپ مشکل جدی دارند. افراد معتاد به فن‌آوری دوست ندارند با افراد معاشرت کنند، به جای آن، آن‌ها ترجیح می‌دهند تنها باشند و مقدار زیادی از وقت‌شان را صرف کار کردن با وسایلشان کنند. این مسئله آن‌ها را افسرده و بی‌حوصله می‌کند.

کارشناسان شیوه‌های مختلفی را برای درمان افراد معتاد به فن‌آوری یافته‌اند. برای جلوگیری از این نوع اعتیاد، افراد باید اوقاتی را با دوستان و اعضای خانواده‌شان بگذرانند، ورزش روزانه انجام دهند و زمان کار کردن با فن‌آوری را محدود کنند. آن‌ها هم‌چنین نیاز دارند تا از طبیعت بیشتر لذت ببرند و برنامه منظمی برای سفر داشته باشند.

۵۴ گزینه «۳» ایده اصلی این متن چیست؟ اثرات مثبت و منفی فن‌آوری

main idea (ایده اصلی متن) در واقع موضوع اصلی‌ای است که نویسنده سعی دارد در متن، اون رو توضیح بده. هواستون باشه ایده اصلی، موضوع اصلی و کلی متنه و نه موضوعات جزئی متن. ایده اصلی کل متن، در جمله اول پاراگراف اول و دوم و بعضی اوقات نیز ایده اصلی مشترک تمام پاراگراف‌هاست. جمله اول پاراگراف اول می‌گه: «سبک زندگی مدرن هم اثرات مثبت و هم اثرات منفی بر زندگی افراد داشته است. فن‌آوری‌های مدرن ما را قادر ساخته است تا دسترسی راحتی به اطلاعات داشته باشیم» و در کل پاراگراف اول به اثرات مثبت فن‌آوری پرداخته. جمله اول پاراگراف دوم و سوم می‌گه: «اما استفاده از فن‌آوری نیز در این قرن به شیوه مضر سبک زندگی افراد را تغییر داده است». استفاده از فن‌آوری به شیوه نادرست عادات بد و انواع جدیدی از اعتیادها را به وجود آورده است. و در کل این دو پاراگراف به اثرات منفی فن‌آوری پرداخته. پس مجموع این‌ها می‌شه «اثرات مثبت و منفی تکنولوژی». البته گاهی اوقات ایده اصلی مثل این متن در جمله اول پاراگراف اول بیان می‌شه. بقیه گزینه‌ها جزء هستن و در قسمتی از هر پاراگراف بیان شدن که نمی‌تونن ایده اصلی متن باشن.

۵۵ گزینه «۱» ضمیر «them» در پاراگراف ۳ به «افراد معتاد به فن‌آوری» اشاره دارد.

ضمیر them به «افراد معتاد به فن‌آوری» برمی‌گردد چون می‌تونیم به باش بذاریم: افراد معتاد به فن‌آوری دوست ندارند با افراد معاشرت کنند، به جای آن، آن‌ها ترجیح می‌دهند تنها باشند و مقدار زیادی از وقت‌شان را صرف کار کردن با وسایل‌شان کنند. این مسئله افراد معتاد به فن‌آوری را افسرده و بی‌حوصله می‌کند.

۵۶ False تجربه کردن ارتباط سریع، اثر مثبت فن‌آوری نیست.

۵۷ True افراد معتاد به فن‌آوری نمی‌توانند برای استفاده از فن‌آوری خودشان را کنترل کنند.

۵۸ چه چیزی می‌تواند باعث مشکلات خواب شود؟

Using mobile phones or surfing the Internet for long hours can cause sleep problems.

استفاده از تلفن همراه یا گشتن در اینترنت برای ساعات طولانی می‌تواند باعث مشکلات خواب شود.

۵۹ استفاده از فن‌آوری به شیوه نادرست چه چیزی را به وجود آورده است؟

Using technology in a wrong way has created bad habits and new types of addictions.

استفاده از فن‌آوری به شیوه نادرست عادات بد و انواع جدیدی از اعتیادها را به وجود آورده است.

افعال بی قاعده / Irregular Verbs

Infinitive مصدر	Past Simple گذشته ساده	Past Participle صفت مفعولی / اسم مفعول	Meaning معنی
be /bi:z/	was / were /wɑ:z , wɜ:z/	been /bi:n/	بودن
become /bɪ'kʌm/	became /bɪ'keɪm/	become /bɪ'kʌm/	شدن
begin /bɪ'gɪn/	began /bɪ'gæn/	begun /bɪ'gʌn/	شروع کردن
bite /baɪt/	bit /bɪt/	bitten /'bɪtn/	گاز گرفتن
bleed /bli:d/	bled /bled/	bled /bled/	خونریزی کردن
blow /bləʊ/	blew /blu:z/	blown /bləʊn/	وزیدن
break /breɪk/	broke /brəʊk/	broken /'brəʊkən/	شکستن
bring /brɪŋ/	brought /brɔ:t/	brought /brɔ:t/	(با خود) آوردن
broadcast /'brɔ:dkæst/	broadcast /'brɔ:dkæst/	broadcast /'brɔ:dkæst/	پخش کردن
build /bɪld/	built /bɪlt/	built /bɪlt/	ساختن
burn /bɜ:n/	burnt /bɜ:nt/ burned /bɜ:nd/	burnt /bɜ:nt/ burned /bɜ:nd/	سوزاندن، سوختن
buy /baɪ/	bought /bɔ:t/	bought /bɔ:t/	خریدن
catch /kætʃ/	caught /kɔ:t/	caught /kɔ:t/	گرفتن
choose /tʃu:z/	chose /tʃəʊz/	chosen /'tʃəʊzən/	انتخاب کردن
come /kʌm/	came /keɪm/	come /kʌm/	آمدن
cost /kɔ:st/	cost /kɔ:st/	cost /kɔ:st/	قیمت داشتن، ارزیابی
cut /kʌt/	cut /kʌt/	cut /kʌt/	بریدن
do /du:z/	did /dɪd/	done /dʌn/	انجام دادن
draw /drɔ:z/	drew /dru:z/	drawn /drɔ:n/	نقاشی کشیدن، کشیدن
dream /dri:m/	dreamt /dremt/ dreamed /dri:md/	dreamt /dremt/ dreamed /dri:md/	در رویا بودن خواب دیدن
drink /drɪŋk/	drank /dræŋk/	drunk /drʌŋk/	نوشیدن
drive /draɪv/	drove /drəʊv/	driven /'drɪvən/	رانندگی کردن، راندن
eat /i:t/	ate /et, eɪt/	eaten /'i:tən/	خوردن
fall /fɔ:l/	fell /fel/	fallen /'fɔ:lən/	افتادن
feed /fi:d/	fed /fed/	fed /fed/	غذا دادن به
feel /fi:l/	felt /felt/	felt /felt/	احساس کردن
fight /faɪt/	fought /fɔ:t/	fought /fɔ:t/	مبارزه کردن، جنگیدن
find /faɪnd/	found /faʊnd/	found /faʊnd/	پیدا کردن

Infinitive مصدر	Past Simple گذشته ساده	Past Participle صفت مفعولی / اسم مفعول	Meaning معنی
fly /flaɪ/	flew /fluː/	flown /flaʊn/	پرواز کردن
forget /fə'get/	forgot /fə'gɔ:t/	forgotten /fə'gɔ:tɪn/	فراموش کردن
forgive /fə'gɪv/	forgave /fə'geɪv/	forgiven /fə'gɪvən/	بخشیدن
freeze /friːz/	froze /frəʊz/	frozen /'frəʊzən/	یخ زدن
get /get/	got /gɔ:t/	got / gotten /'gɔ:tɪn/	شدن، گرفتن
give /gɪv/	gave /geɪv/	given /'gɪvən/	دادن (به)
go /gəʊ/	went /went/	gone /gɔ:n/	رفتن
grow /grəʊ/	grew /gruː/	grown /grəʊn/	شدن، رشد کردن
hang /hæŋ/	hung /hʌŋ/	hung /hʌŋ/	آویزان کردن
have /hæv/	had /hæd/	had /hæd/	داشتن، خوردن
hear /hɪə/	heard /hɜ:d/	heard /hɜ:d/	شنیدن
hide /haɪd/	hid /hɪd/	hidden /'hɪdn/	مخفی کردن
hit /hɪt/	hit /hɪt/	hit /hɪt/	زدن
hold /həʊld/	held /held/	held /held/	نگه داشتن، برگزار کردن
hurt /hɜ:t/	hurt /hɜ:t/	hurt /hɜ:t/	صدمه زدن به
keep /ki:p/	kept /kept/	kept /kept/	نگه داشتن
know /nəʊ/	knew /njuː/	known /nəʊn/	دانستن، شناختن
learn /lɜ:n/	learned /lɜ:nd/	learned /lɜ:nd/	یاد گرفتن
	learnt /lɜ:nt/	learnt /lɜ:nt/	
leave /li:v/	left /left/	left /left/	ترک کردن، گذاشتن
lend /lend/	lent /lent/	lent /lent/	قرض دادن
let /let/	let /let/	let /let/	اجازه دادن به
lie /laɪ/	lay /leɪ/	lain /leɪn/	دراز کشیدن
lose /lu:z/	lost /lɔ:st/	lost /lɔ:st/	از دست دادن، گم کردن
make /meɪk/	made /meɪd/	made /meɪd/	درست کردن، مجبور کردن
mean /mi:n/	meant /ment/	meant /ment/	به معنی ... بودن
meet /mi:t/	met /met/	met /met/	ملاقات کردن (با)
pay /peɪ/	paid /peɪd/	paid /peɪd/	پرداخت کردن
put /put/	put /put/	put /put/	گذاشتن
read /ri:d/	read /red/	read /red/	خواندن
ride /raɪd/	rode /rəʊd/	ridden /'rɪdn/	سوار ... شدن، راندن
ring /rɪŋ/	rang /ræŋ/	rung /rʌŋ/	زنگ زدن

Infinitive مصدر	Past Simple گذشته ساده	Past Participle صفت مفعولی / اسم مفعول	Meaning معنی
rise /raɪz/	rose /rəʊz/	risen /'rɪzən/	بالارفتن، طلوع کردن
run /rʌn/	ran /ræn/	run /rʌn/	دویدن
say /seɪ/	said /sed/	said /sed/	گفتن
see /si:/	saw /sɔː/	seen /siːn/	دیدن
seek /si:k/	sought /sɔːt/	sought /sɔːt/	جست و جو کردن
sell /sel/	sold /səʊld/	sold /səʊld/	فروختن
send /send/	sent /sent/	sent /sent/	فرستادن
set /set/	set /set/	set /set/	تنظیم کردن، غروب کردن
shoot /ʃu:t/	shot /ʃɑ:t/	shot /ʃɑ:t/	شلیک کردن
show /ʃəʊ/	showed /ʃəʊd/	shown /ʃəʊn/	نشان دادن
shut /ʃʌt/	shut /ʃʌt/	shut /ʃʌt/	بستن
sing /sɪŋ/	sang /sæŋ/	sung /sʌŋ/	آواز خواندن
sink /sɪŋk/	sank /sæŋk/	sunk /sʌŋk/	غرق شدن
sit /sɪt/	sat /sæt/	sat /sæt/	نشستن
sleep /sli:p/	slept /slept/	slept /slept/	خوابیدن
speak /spi:k/	spoke /spəʊk/	spoken /'spəʊkən/	صحبت کردن
spend /spend/	spent /spent/	spent /spent/	خرج کردن، گذراندن
stand /stænd/	stood /stʊd/	stood /stʊd/	ایستادن
steal /sti:l/	stole /stəʊl/	stolen /'stəʊlən/	دزدیدن
swim /swɪm/	swam /swæm/	swum /swʌm/	شنا کردن
swing /swɪŋ/	swung /swʌŋ/	swung /swʌŋ/	تاب خوردن
take /teɪk/	took /tʊk/	taken /'teɪkən/	(با خود) بردن، گرفتن
teach /ti:tʃ/	taught /tɔ:t/	taught /tɔ:t/	درس دادن
tell /tel/	told /təʊld/	told /təʊld/	گفتن
think /θɪŋk/	thought /θɔ:t/	thought /θɔ:t/	فکر کردن
throw /θrəʊ/	threw /θru:/	thrown /θrəʊn/	پرتاب کردن
understand /,ʌndər'stænd/	understood /,ʌndər'stʊd/	understood /,ʌndər'stʊd/	فهمیدن
wake /weɪk/	woke /wəʊk/	woken /'wəʊkən/	بیدار کردن
wear /weə/	wore /wɔ:/	worn /wɔ:n/	پوشیدن
weave /wi:v/	wove /wəʊv/	woven /'wəʊvən/	بافتن
win /wɪn/	won /wʌn/	won /wʌn/	بردن، برنده شدن
write /raɪt/	wrote /rəʊt/	written /'rɪtɪn/	نوشتن

n	noun	اسم	sb	somebody	کسی
v	verb	فعل	sth	something	چیزی
phr v	phrasal verb	فعل مرکب	modal	modal verb	فعل وجهی
adj	adjective	صفت	pl	plural	جمع
adv	adverb	قید	n pl	plural noun	اسم جمع
prep	preposition	حرف اضافه	pt	past tense	صیغه گذشته فعل
conj	conjunction	حرف ربط	int	interjection	صوت
pron	pronoun	ضمیر	\$	American English	انگلیسی آمریکایی

تلفظ / Pronunciation

○ مصوت‌ها (واکه‌ها) / Vowels

ɪ	ای کوتاه	sit /sɪt/	u	او (بین ʊ و u:)	situation /ˌsɪtʃu'eɪʃən/
i	ای (بین I و i:)	happy /'hæpi/	u:	او کشیده	boot /bu:t/
i:	ای کشیده	see /si:/	əʊ	او	go /gəʊ \$ gou/
e	ا	ten /ten/	oʊ	او	go /gəʊ \$ gou/
ə	ا کوتاه	about /ə'baʊt/	aʊ	او	now /naʊ/
ɜ:	ا کشیده	bird /bɜ:d \$ bɜ:rd/	eɪ	ای	day /deɪ/
æ	آ	cat /kæt/	aɪ	آی	five /faɪv/
ʌ	آ کوتاه	cut /kʌt/	ɔɪ	آی	boy /bɔɪ/
ɑ:	آ کشیده	dog /dɒg \$ da:g/	ɪə	ای	near /nɪə \$ nɪr/
ɒ	ا کوتاه	dog /dɒg \$ da:g/	eə	ا	hair /heə \$ her/
ɔ:	ا کشیده	door /dɔ:\$ dɔ:r/	ʊə	ا (مثل تلفظ سوئد)	actual /'æktʃʊəl/
ʊ	او کوتاه	put /put/			

/' علامت تکیه اصلی /'sentəns/ / علامت تکیه ثانویه /eɪ'ti:n/ eighteen

تلفظ بعد از \$، تلفظ انگلیسی آمریکایی و تلفظ قبل از \$، تلفظ انگلیسی بریتانیایی است.

○ صامت‌ها (همخوان‌ها) / Consonants

p	پ	pen /pen/	ʃ	ش	shoe /ʃu:/
b	ب	bed /bed/	ʒ	ژ	vision /'vɪʒən/
t	ت	ten /ten/	h	ه	hat /hæt/
d	د	day /deɪ/	tʃ	چ	chess /tʃes/
k	ک	cat /kæt/	dʒ	ج	jump /dʒʌmp/
g	گ	get /get/	m	م	man /mæn/
f	ف	fat /fæt/	n	ن	net /net/
v	و	van /væn/	ŋ	نگ	sing /sɪŋ/
θ	ث (با تلفظ عربی)	thin /θɪn/	w	و (با تلفظ عربی)	wet /wet/
ð	ذ (با تلفظ عربی)	then /ðen/	l	ل	let /let/
s	س	soon /su:n/	r	ر	red /red/
z	ز	zoo /zu:/	j	ی	yes /jes/

واکه حروف صدادار (a, e, i, o, u) یا صداهایی هستند که همیشه کشید مثل /u:/ (اوووو) ولی همخوان حروف بی صدا یا صداهایی هستند که همیشه کشید مثل /p/ (پ).